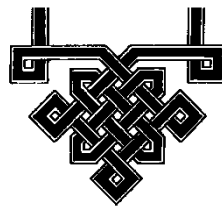


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پوهنتون بلخ
فصلنامه علوم اجتماعی



مجله علمی معرفت



پوهنتون بلخ
معاونیت امور علمی
آمریت تحقیق، تألیف و ترجمه
مدیریت عمومی مجله علمی
مجله علمی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
سال پانزدهم – شماره (۳) ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: پوهنتون بلخ
مدیر مسوول: پوهاند سلطان محمد انصاری
مدیر نشریه مجله و مهتمم: نجیب الله احمدزی
ایمیل آدرس: Scientific.journals@ba.edu.af

اعضای هیات تحریر:

پوهاند محمد طاهر طاهر	حقوق و علوم سیاسی
پوهاند محمد ولی فایز	اقتصاد
پوهنمل محمد شاه صدیق	تعلیم و تربیه
پوهنمل حشمت الله امید	تعلیم و تربیه
پوهاند محمد صالح راسخ	زبان و ادبیات
پوهنوال عبدالحق حقیق	زبان و ادبیات
پوهنوال محمد کاظم حکیمی	شرعیات
پوهنوال محمد همایون حیران	تعلیم و تربیه

آراء و نظریات مندرج در این مجله الزاماً، نظر مجله علمی دانشگاه بلخ نبوده و مدیریت عمومی مجله علمی در بازنگری، اصلاح و ویرایش مقالات بر حسب معیارهای پذیرفته شده دست باز دارد.

پاسگزارى

مدیریت عمومی مجله علمی پوهنتون بلخ، از اساتید محترم که در نگارش و اصلاح مقاله‌های علمی این نشریه، با کمال حوصله‌مندی تلاش کردند، سپاس‌گزاری می‌نماید.

تقریر دهنده‌گان

پوهاند صالح محمد راسخ
پوهنوال محمد بصیر عارفی
پوهنوال عبدالجبار شیخ‌زاده
پوهنوال عبدالحق حقیق
پوهنوال محمد یاسین فلاح
پوهندوی غلام نبی کریمی
پوهندوی شگوفه سیدی
پوهندوی شیرمحمد نبیل

نویسنده‌گان

پوهندوی حلیمه رحیمانی
پوهندوی شگوفه سیدی
پوهندوی مقدس غنی
پوهنمل حیات الله حقجو
پوهنمل حاجي محمد هوډ
پوهنمل احمد جاوید صدیقی
پوهنمل ناهیده جلال
پوهنیار امیدالله بیانی
پوهنیار کرامت ارشد
پوهنیار احمد فهیم توخی
پوهنیار محمد عوض حیدری
پوهنیار فراح الدین فرهمند
پوهنیار ساجده مقیم
پوهنیار عبدالکبیر عزیزی
پوهنیار نظیفه فیظی

راهنمایی نگارش مقاله علمی

این نشریه‌ها فقط مقاله‌های را منتشر خواهد کرد، که حاوی یافته‌های بکر و تازه و درزمینه‌ی علوم اجتماعی و بر اساس رهنمود نگارش مقاله در نشریه‌های علمی، مدیریت عمومی مجله تحریر شده باشد.

محققان گرامی که خواهان چاپ و نشر مقاله در نشریه‌ی علمی معرفت هستند، شایسته است که به نکات زیر دقت فرمایند:

- ۱- مقاله قبلاً در جای دیگر چاپ نشده و همزمان برای نشریه‌ی دیگر نیز فرستاده نشده باشد.
- ۲- مقاله باید تأییدی دیپارتمنت، کمیته فرعی تحقیق و شورای علمی دانشکده را داشته و به آدرس معاونیت امور علمی ارسال گردد.
- ۳- مقالات علمی تحقیقی باید دارای بخش‌های [چکیده / خلاصه، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بیان مسأله، سؤالات، فرضیه‌های، پیشینه، روش، مواد، یافته‌های تحقیق، مناقشه، نتیجه‌گیری با ذکر منابع درون‌متنی و بیرون‌متنی و مآخذ] باشد.
- ۴- خلاصه مقاله شامل (اهداف، روش‌ها و نتایج - حداکثر ۱۰۰ - ۲۵۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (۵-۷) به زبان ملی و انگلیسی نوشته شود.
- ۵- نام کامل نویسنده / نویسندگان، رتبه علمی و نام مؤسسه به زبان‌های ملی و انگلیسی درج شود.
- ۶- موجودیت ایمیل آدرس نویسنده / نویسندگان در مقاله لازمی می‌باشد.
- ۷- حجم مقاله نباید بیشتر از ۱۰ صفحه (حداکثر ۴۰۰۰ کلمه) باشد.
- ۸- یادداشت‌های توضیحی شامل توضیحات بیشتری که نویسنده درج آن را ضروری می‌داند، با ذکر شماره در پاورقی همان صفحه درج شود.
- ۹- علائمی نقطه (.)، کامه (،)، و کامه نقطه‌دار (؛) و دونقطه (:) بدون فاصله تایپ شوند؛ حتی اگر ماقبل آن‌ها نشانه‌هایی نظیر پرانتز و گیومه باشد.
- ۱۰- ارجاع درون‌متنی و تدوین فهرست مآخذ باید به روش (APA) باشد. هر نوع روش دیگر، قابل پذیرش نبوده و در صورت عدم رعایت، مقاله مورد نشر قرار نخواهد گرفت.
- ۱۱- مسوولیت مطالب مقاله به عهده نویسنده است و نظر نویسنده الزاماً نظر مدیریت عمومی مجله‌ی علمی پوهنتون بلخ نیست.
- ۱۲- مقاله بعد از تأییدی هیئت تحریر و آوردن اصلاحات لازم از جناب تقریظ دهنده به ایمیل آدرس رسمی مجله (Scientific.journals@ba.edu.af) در صفحه ورد تنظیم‌شده ارسال گردد.
- ۱۳- پذیرش اولیه مقاله منوط به رعایت «رهنمود تحریر آثار در نشریه‌های علمی، مدیریت عمومی مجله‌ی علمی دانشگاه بلخ» و پذیرش نهایی آن منوط به جلسه هیئت تحریر و تأیید استاد تقریظ دهنده می‌باشد.

فهرست عناوین

۱۱.....مقایسه‌ی اشارات قرآنی و کشفیات جدید علمی در رابطه به آغاز و سرنوشت جهان

پوهندوی مقدس غنی

پوهنمل حیات الله حقجو

پوهنتون جوزجان

۲۵.....د اشتقاق او ترکیب توپیر

پوهنمل حاجي محمد هوډ

د بلخ پوهنتون - د ژبو او ادبیاتو پوهنځي پښتو خانگي

۴۰.....ژبه او جنسیت

پوهنمل احمد جاوید صدیقي

د بلخ پوهنتون - د ژبو او ادبیاتو پوهنځي پښتو خانگي

۵۵.....اۆزبېک تیليده اونلی تاووشلر تحولی

پوهنیار امیدالله بیانی

بلخ بیلیم یورتی - تیل و ادبیات فاکولته‌سی، اۆزبېک تیلی و ادبیاتی بۆلیمى

۶۶.....تحلیلی بر ضرورت تحقیق در معاملات مالی معاصر در افغانستان

پوهنیار کرامت ارشد

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات، دیپارتمنت ثقافت اسلامی

۷۶.....معرفی و نقش راویان کابل در گسترش احادیث نبوی

پوهنیار احمد فهیم توخی

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات، دیپارتمنت ثقافت اسلامی

۸۸.....نگاهی به مکاتیب و صحایف حدیثی صحابه کرام (در عصر پیامبر اسلام)

پوهنیار محمد عوض حیدری

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات

۱۰۳.....جایگاه عرف در عقود تبرعی از منظر فقه اسلامی

پوهنیار فراح الدین فرهمند

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات، دیپارتمنت تعلیمات اسلامی

۱۱۶ شخصیت بخشی در اشعار شایق جمال

پوهنیار ساجده مقیم

پوهنتون بلخ – پوهنځی تعلیم و تربیه، دیپارتمنت دری

English Department Students' Attitudes towards Using Drama-Based Role-Plays in Speaking Classes 124

Assistant Professor Halima Rahmani

Balkh University - Faculty of Language and Literature, English Departments

Assistant Professor Shugofa sayedi

Balkh University - Faculty of Education, English Departments

The Challenges Students Face While Writing their Monograph..... 134

Teaching Assistance Nafisa Faizi Mubarez

Senior Teaching Assistance Nahida Jalal

Balkh University - Faculty of education, English department

Financial Barriers on Youth Entrepreneurship (Case Study: Balkh Province)..... 141

Teaching Assistant Abdul Kabir Azizi

Balkh University - Faculty of Economics, Department of Finance and Banking

۱۵۶ چکیده مقاله ها به زبان انگلیسی

سرمقاله

حمایت و نشر تحقیقات علمی و پژوهشی از مهم‌ترین الزامات رشد علمی یک کشور است و از الزامات این رشد، افزایش پژوهش‌های علمی و طبع مقالات دارای قابلیت انتشار در مجله‌های معتبر ملی و بین‌المللی دارای ضریب نفوذ (Impact factor) است.

پوهنتون بلخ، به‌عنوان یک نهاد مطرح آکادمیک و قطب علمی شمال کشور مأموریت دارد که به پرسش و نیازهای اصلی جامعه پاسخ علمی و منطقی ارائه نماید و در ایجاد زمینه‌های مختلف علمی گام‌های استوار بردارد. چشم‌انداز اصلی دانشگاه بلخ در این راستا معطوف به آن دسته از موضوعاتی است که بتواند گرهی از مشکلات جامعه‌ی علمی را باز کرده و قدم‌های سنجیده شده برای ترقی و پیشرفت افغانستان بردارد. در این عرصه، این پوهنتون تلاش می‌کند زمینه‌های تولید و تکثیر دانش مطابق نیاز جامعه و بر اساس استندردهای روز را مساعد سازد تا از این طریق به‌طور نسبی زمینه‌ی پاسخگویی به‌ضرورت و انتظارات جامعه حاصل‌شده و حتی‌الامکان رسالتی را که بر دوش می‌کشد انجام دهد.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای امروز پوهنتون بلخ و همچنین جامعه بزرگ علمی شمال کشور انتشار این نشریه وزین است. نشریه‌های «بلخ» و «معرفت» مجله‌های هستند در حوزه‌های علوم اجتماعی و طبیعی؛ که تلاش می‌کنند مقالاتی را از محقق یا محققینی، مورد انتخاب و ارزیابی قرار دهند که به‌صورت مشهودی حاصل کار اصلی آن‌ها بوده و اثرات قابل استنادی روی علم و مرزهای دانش داشته و پاسخ‌دهنده نیازهای موجود در بخش‌های علوم اجتماعی و طبیعی باشد.

مجله علمی - پژوهشی که محل انتشار دستاوردهای علمی است اگر بخواهد پویا بماند باید از دو ویژگی «اصالت» و «ابداع» برخوردار باشد که ارتقای کیفی مجله، با تکیه به این دو ویژگی میسر می‌شود. اهدافی که مدیریت عمومی مجله در این راستا در پیش گرفته است عبارت است از: ارتقای کیفیت مجله اعم از نظر محتوایی و شکلی، تسهیل روش‌های پذیرش مقاله، چاپ به‌موقع، افزایش سرعت پاسخگویی برای محققان عزیز و صیانت از حقوق نویسندگان هست.

با توجه به مسأله‌ی فوق مدیریت عمومی مجله علمی تحت نظر آمریت تحقیق، تألیف و ترجمه مسوولیت دارد تا یافته‌ها و نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در گروه‌های مختلف علمی و پژوهشی دانشگاه را با صورتی آراسته و متناسب با معیارهای بین‌المللی و ذائقه‌ی جامعه‌ی علمی کشور منتشر نماید.

در این مجله‌ها مقاله‌های تحقیق آزمایشگاهی (لابراتواری) یا تحقیق ساحوی، کتابخانه‌ای (مروری) و ترجمه‌ها با در نظر داشت روش (APA) به زبان‌های ملی کشور (فارسی و پشتو) و زبان انگلیسی نشر شده و مخاطبان این نشریه اعضای کادر علمی دانشگاه‌ها، کارشناسان، فرهنگیان، ادارات محترم دولتی و دانشجویان می‌باشند.

اینک هم‌زمان با انتشار این مجله، جا دارد از زحمات، مساعی و راهنمایی‌های ارزشمند و حمایت‌های بی‌دریغ فنی و مالی ریاست محترم پوهنتون بلخ، معاونیت محترم علمی، اعضای محترم هیأت تحریر و به‌ویژه از همکاران آمریت تحقیق، تألیف و ترجمه و آمریت ارتباط و آگاهی عامه، مدیریت نشریه و مجله و مدیر مهمتم که علاوه بر بُعد کیفی مجله، در بُعد اجرایی آن زحمات ارزشمندی را متقبل گردیدند، صمیمانه سپاسگزاری نموده و برای همه این بزرگواران، از درگاه خدای متعال توفیق روزافزون مسئلت نمایم.

با احترام
مدیر مسوول مجله‌های علمی
پوهنتون بلخ



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

مقایسه‌ی اشارات قرآنی و کشفیات جدید علمی در رابطه به آغاز و سرنوشت جهان

پوهندوی مقدس غنی
و پوهنمل حیات الله حقجو
پوهنتون جوزجان
تقریظ: پوهنوال محمد یاسین فلاح

چکیده

از آنجاکه بر همه معلوم است، قرآن کتاب الله جل جلاله و خالق کائنات نیز الله متعال است، لذا کم‌ترین تضادی هم در میان این دو وجود ندارد. آنچه در کائنات وجود دارد، الله متعال با دقیق‌ترین تعبیر در قرآن کریم بیان داشته است، طوری که تاکنون خلاف آن ثابت نشده است. بناً هدف غایی و نهایی از تذکر اسرار و موضوعات علمی در قرآن کریم، بیان وحدانیت الله متعال، کمال قدرت و سیطره‌ی وی در تمامی کائنات و جهان هستی می‌باشد. نظریه‌ی انفجار بزرگ یا بیگ بنگ، غالب‌ترین مدل کیهان‌شناسی امروزی است که قرآن کریم نیز وقوع آن را تأیید می‌کند. طبق این نظریه، جهان ما در اثر انفجار یک ماده‌ی ابتدایی بسیار گرم و متراکم، به وجود آمده و سپس در اثر انبساط دوام‌دار، درجه حرارت و کثافت آن کاهش یافته و جهان از دنیای زیر اتمی گرفته تا ستارگان و کهکشان‌ها شکل گرفته است. انفجار بزرگ نه تنها در مورد اینکه جهان چگونه آغاز گردیده است پاسخ ارائه می‌کند؛ بلکه به نتایج بسیار مهم‌تری می‌انجامد. این نتایج، علاوه بر پیش‌بینی در مورد سرنوشت جهان، باعث احیا و تقویت انگیزه‌های تفکر و نگرش‌های معنوی بر جهان هستی شده است. روش انجام این تحقیق کتابخانه‌ای به صورت مروری بوده، بنابراین در تحریر این مقاله، علاوه از قرآن کریم و تفاسیر شریف، از معتبرترین کتب و آخرین نشریه‌های علمی و بین‌المللی استفاده گردیده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، معجزه، اعجاز قرآنی، جهان و انفجار بزرگ.

مقدمه

حمد و ثنا خالق هستی را که علم او بر تمام آسمانها و زمین احاطه دارد و درود بی پایان بر روان پاک خاتم پیامبران حضرت محمد (صلی الله و سلم) باد. بدون شک قرآن کریم مخزنهای از دانش و علوم است که علم جدید بعد از مدت‌ها تحقیق و بررسی به آن رسیده است. این سبقت‌گیری قرآن کریم نسبت به آخرین دست آورده‌ای علوم به‌خصوص در حوزه‌های علوم طبیعی و تجربی و آن‌هم در عصر فضا و تکنالوژی، نشان‌دهنده‌ی اعجاز علمی قرآن کریم بوده و باعث تقویت نگرش معنوی نسبت به جهان گردیده است. بیشتر از صد آیه در قرآن کریم وجود دارد که بشر را به تفکر و تدبیر پیرامون کائنات و جهان هستی فرامی‌خواند تا حقایق جهان هستی و نشانه‌ها و دلایل که دال بر وجود، قدرت و حاکمیت خالق یکتا است، درک نماید. از آن جمله می‌توان به آیاتی که چگونگی آغاز و پایان جهان را بیان می‌کند، اشاره نمود که در این اواخر در محراق توجه مفسران و کیهان‌شناسان قرار گرفته است.

در این مقاله قصد داریم، چگونگی آغاز و سرنوشت جهان را هم از دیدگاه قرآن و هم از نظر آخرین کشفیات و نظریات کیهان‌شناسان و فیزیک‌دانان مورد بررسی قرار دهیم. سپس با مقایسه‌ی دیدگاه‌های قرآنی و علمی، علاوه به دریافت مشابهت‌ها، پی‌آمدهای حاصل در بعدهای علمی و معنوی را نیز مشخص و بر ملا سازیم.

طرح کلی مسئله

عده‌ی از کوتاه‌نظران بر این باور نادرست‌اند که دین مخصوص عبادات و مربوط مسائل اخروی و اعتقادی است؛ درحالی‌که دین اسلام، دین کامل و همه‌جانبه بوده و قرآن دست‌نخورده یگانه کتابی است که تمامی موضوعات و مسائل اعم از علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی... را به‌صورت کامل تحت پوشش قرار داده است.

طبق بررسی محققان اسلامی، در قرآن کریم، بیشتر از ۱۰۰۰ آیه وجود دارد که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوعات علمی اشاره نموده است که ازجمله‌ی اعجاز علمی قرآن به شمار می‌روند. آیاتی که در رابطه به اسرار کائنات (آفرینش آسمانها، کهکشانها، ستاره‌ها، حرکت خورشید و ماه ... و پایان جهان) اشاراتی دارد، در این اواخر بیشتر مورد بحث دانشمندان و مفسران قرار گرفته و ازجمله مسائل داغ روز به شمار می‌رود. یکی از این مسئله‌ها چگونگی آغاز و سرنوشت جهان است که در این مقاله، هم از نظر اشارات قرآن و هم از نگاه علم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

سؤال اصلی تحقیق

آیا قرآن کریم، کشفیات و نظریات جدید علمی در رابطه به آغاز و سرنوشت جهان را تأیید می‌کند؟

سؤالات فرعی

نظریه انفجار بزرگ یک حقیقت مسلم و پذیرفته‌شده است، آیا قرآن کریم نیز وقوع آن را تأیید می‌کند؟
آیا جهان ما آغاز و پایانی دارد و یا جهان ازلی و ابدی است؟
و بالاخره سرنوشت جهان چه خواهد شد؟

اهمیت موضوع

آشنایی با بعد علمی قرآن کریم، از یک طرف در دل‌های مسلمانان اثر تبلیغی برجای می‌گذارد؛ زیرا وقتی این حقایق درخشان را در کتابی که به آن ایمان دارند ببینند، موجب تمسک بیشتر آن‌ها به آموزه‌های این کتاب هدایت و نور خواهد شد. از طرف دیگر، اعجاز علمی قرآن، ابزار مؤثر نوینی برای آشنا ساختن غیرمسلمانان به حقیقت اسلام است که می‌تواند پنجره‌های جدیدی را به سوی افق‌های این دین به روی‌شان بگشاید. به این ترتیب، عصر حاضر که عصر علم است و زبان دعوت در عصر علم هم چیزی جز از سنخ علوم نتواند بود. به همین دلیل است که هر جا مسلمانان با زبان علم سخن گفته‌اند، گوش‌های شنوای بیشتری برای این پیام روح‌بخش، یافته‌اند.

بنا، پرداختن به چنین موضوعات و بر ملا ساختن رازهای نهفته در قرآن و تطابق آن با علوم تجربی و طبیعی، بهترین وسیله‌ی برطرف ساختن اندیشه‌های تردید برانگیز پیرامون حقانیت رسالت‌های آسمانی و وجود خالق یکتا و قدرتمند، می‌باشد.

هدف تحقیق

امروزه با پیشرفت علم و تکنالوژی و اختراعات ابر تلسکوپ‌های مدرن و پیشرفته، کشفیات زیادی در رابطه به کائنات و جهان هستی به صورت عینی و واقعی صورت گرفته است؛ بنابراین، هدف از تحریر این مقاله، بررسی و مقایسه‌ی چگونگی آغاز و سرنوشت جهان از دیدگاه قرآن و آخرین کشفیات و نظریات کیهان‌شناسان و فیزیک‌دانان می‌باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به شکل کتابخانه‌ای-مروری بوده که با استفاده از قرآن کریم، تفاسیر شریف، کتاب‌های مختلف، جدیدترین نشرات علمی و بین‌المللی و سایت‌های معتبر علمی، موضوعات گردآوری گردیده و بعداً با امانت‌داری کامل به‌طور نقل قول مستقیم و غیرمستقیم در این مقاله جا داده شده است. در جریان تحریر مقاله در هر قسمت، شیوه‌ی مآخذ دهی درون‌متنی و برون‌متنی مراعات گردیده و لیست مآخذ در اخیر نیز ضمیمه شده است.

مرور تاریخی موضوع تحقیق

تا اوایل قرن بیستم، در مورد چگونگی کائنات فقط یک نظریه‌ی علمی، «جهان پایدار» وجود داشت. طبق این نظریه، جهان از زمان ازل وجود داشته و تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت و از نگاه فضا و زمان نامحدود است. بعدها با پیشرفت علم و تکنالوژی به‌خصوص در ساحه علم فیزیک و کیهان‌شناسی، دانشمندان دریافتند که تمام کهکشان‌ها در حال دور شدن از ما هستند و جهان در حال انبساط است.

اولین کسانی که به انبساط جهان پی‌بردند، یک دانشمند روسی به نام الکساندر فریدمن (Alexander Friedmann) و یک کشش بلژیکی، درعین حال متخصص کیهان‌شناسی به نام جرجس لومتر (Georges Lemaître) بود. آن‌ها مستقل از یکدیگر باکار کردن روی معادلات اینشتین به نتیجه‌ی مذکور دست یافتند. به تعقیب آن‌ها، در سال ۱۹۲۹ ادوین هابل، در اثر مشاهدات که روی کهکشان‌ها انجام داد، دریافت که تمام کهکشان‌ها در حال دور شدن از زمین هستند و جهان در حال انبساط است (Oeyvind, 2018, 14).

در نتیجه‌ی این انبساط، تمام مراحل جهان از دنیای زیراتمی گرفته تا دنیای ستارگان شکل گرفته‌اند. به این ترتیب، با تعقیب نمودن مسیر حرکت کهکشان‌ها در گذشته، معلوم گردید که در گذشته‌های دور کلیه کهکشان‌ها به همدیگر خیلی نزدیک و متراکم بوده‌اند. این یافته‌ها که جهان از یک حجم بسیار کوچک و متراکم آغاز شده است، باعث کشف نظریه‌ی انفجار بزرگ (Big bang) گردید. این کشف، نظریه‌ی «جهان ابدی» را که قدمت آن به هزاران سال، یعنی به دوره‌ی افلاطون و ارسطو می‌رسید باطل و برای همیشه نابود کرد و نشان داد که جهان آغازی دارد و پایانی هم خواهد داشت.

اما باید خاطر نشان ساخت که اعجاز علمی قرآن کریم از منظر علوم تجربی، از پژوهش‌های جدید و بکر قرآنی است که در گذشته مانند دیگر اعجاز قرآن، چندان مورد توجه دانشمندان و محققان قرار نگرفته و مطرح

بحث نبوده است. دلیل آن‌هم روشن است؛ زیرا انکشاف معرفتی بشر در حوزه‌ی علوم تجربی، دستاورد تمدن نو خاسته‌ی است که بشر باروی هم انباشتن میراث علمی چند قرن قبل، در قرن بیستم بدان دست‌یافته است.

بنابراین توجه اساسی و متمرکز به موضوع اعجاز علمی قرآن کریم از منظر علوم تجربی در ربع اخیر قرن بیستم آغاز گردید، به‌طوری‌که مؤسسات و نهادهای ویژه‌ی در جهان اسلام، این مبحث را سرفصل اهتمام و عنایت خویش قرار داده، به‌منظور گشایش افق‌های آن؛ سیمینارها، کنفرانس‌ها و مجالس علمی عیدیه‌ی را برگزار نمودند. در پی این تشکیل نهادها بود که توجه پژوهش‌گران علوم قرآنی به این عرصه جلب گردیده و در این رابطه آثار متعددی تألیف و منتشر نیز شد. امروزه، این موضوع علاوه بر دانشمندان اسلامی، دانشمندان غیر اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده و تا حدی که باعث گرایش بیشتر از صدها تن از آن‌ها به دین اسلام گردیده است.

۱- انفجار بزرگ و آغاز جهان

الف- توضیحات علمی: انفجار بزرگ یا بیگ بنگ (Big Bang)، آخرین مدل کیهانشناسی است که از طرف اکثریت فیزیک‌دانان و کیهانشناسان مورد تأیید قرار گرفته است. طبق این نظریه در حدود ۱۳٫۸۲ میلیارد سال قبل، جهان ما توسط انفجار ماده اولیه‌ی بی‌نهایت فشرده و داغ، به وجود آمده و بلافاصله دچار انبساط سریع شده است. انبساط پیوسته‌ی جهان، باعث کاهش کثافت و حرارت آن گردیده و بعد از چندین مرحله‌ی تکامل، از دنیای زیراتمی گرفته تا دنیای ستارگان و کهکشان‌ها، شکل گرفته و جهان به‌حالت امروزی رسیده است (Bhattacharya, 2021). مطالعات نشان می‌دهد که فضا-زمان نیز هم‌زمان با آغاز جهان پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است و به تعبیر لومتر، «جهان از روزی آفریده‌شده که قبل از آن، دیروزی نبوده است» (Taslaman, 2012,40).

اولین دلیل روشن بر وجود انفجار بزرگ، دور شدن کهکشان‌های اطراف ما است که تمام آن‌ها با سرعت‌های متناسب به فاصله‌هایشان از زمین دور می‌شوند. این قانون برای اولین بار توسط ادوین هابل، در سال ۱۹۲۹، طی یک مقاله به نشر رسید (Saha, 2016, 227). وی با استفاده از مشاهدات و بررسی میزان «انتقال به سرخ» طیف ستاره‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها به این نتیجه رسید که همه کهکشان‌ها به‌صورت مرتب و پیوسته از ما دور و دورتر می‌شوند. کیهانشناس بلژیکی، جرجس لومتر در مقاله‌ی خود این موضوع را چنین بیان نموده است: «دور شدن کهکشان‌ها به دلیل گسترش فضا است، نه به خاطر حرکت کهکشان‌ها در یک فضای ثابت. این فضا است که گسترش می‌یابد» (Groen, 2018). دور شدن کهکشان‌ها از همدیگر، منجر به کشف انبساط

جهان گردید و این کشف نظریه رایج آن زمان، «جهان پایدار» به عبارتی دیگر «جهان ازلی و ابدی» را برای همیشه نابود کرد و نشان داد که جهان آغازی دارد و مرزهای آن همواره در حال گسترش بوده و پایانی هم خواهد داشت.

انتقال به سرخ، زمانی رخ می‌دهد که منبع نور در حال دور شدن از ما باشد. طبق اثر دوپلر، این پدیده باعث افزایش طول موج و به تناسب آن کاهش فرکانس و انرژی فوتون می‌گردد. به این ترتیب، تمام کهکشان‌های که به رنگ سرخ دیده می‌شوند، در حال دور شدن از ما هستند.

دومین دلیلی که بر صحت این نظریه که جهان توسط یک انفجار بزرگ به وجود آمده است، مهر تأیید گذاشت، تابش زمینه‌ی کیهانی است. در سال ۱۹۴۸ جرج گاموف (George Gamov)، در مقاله‌ی خود پیش‌بینی کرد که تشعشعات (به شکل فوتون) ناشی از نخستین مراحل انفجار بزرگ، هنوز هم باید در اطراف ما موجود باشد؛ اما درجه‌ی حرارت آن نزدیک به صفر مطلق، کاهش یافته خواهد بود. آنچه آرنو پنزیاس (Arno Penzias) و رابرت ویلسون (Robert Wilson) در سال ۱۹۶۵، در آزمایشگاه بل (Bell Labs) به صورت تصادفی کشف کردند، همین تابش بود. آن‌ها دریافتند که این تابش به صورت منظم سراسر کیهان را پوشانیده است. نظر به اظهارات استیون هاوکی‌نگ، کیهان‌شناس مشهور بریتانیایی، تابش زمینه‌ی کیهانی، هیچ شکی باقی نگذاشت که عالم ما با انفجار بزرگ آغاز شده است (Taslaman, 2012, 45).

در ضمن، تحقیقات روی کهکشان‌ها، سحابی‌ها و منظومه‌های در حال پیدایش و شکل‌گیری، نشان داده است که جهان در ابتدا به صورت توده‌ی از گاز فشرده و به عبارتی دیگر به صورت گاز دودمانندی بوده است که در اثر گردش به دور خود، به پاره‌های ابر مانند تقسیم می‌شدند و تحت اثر جاذبه‌ی خود درهم فرومی‌نشستند، سپس در اثر درجه حرارت بالا تعاملات هسته‌ای شروع شد و ستارگانی مانند خورشید ما تشکیل شد. این موضوع نه به صورت یک فرضیه؛ بلکه به صورت یک نظریه‌ی قطعی در محافل علمی جهان، مورد تأیید قرار گرفته است (هاوکی‌نگ، ۱۳۸۴، ۱۵۴).

ب- دلایل قرآنی: قرآن کریم، قرن‌ها پیش از کشف دانشمندان، اشاراتی را در مورد پیدایش جهان ارائه نموده است. چند آیه مبارک را در رابطه به موضوع قرار ذیل بررسی می‌نماییم:

«أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» (انبیاء، ۳۰).

«آیا کافران نمی‌بینند (نمی‌دانند) که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آن‌ها را از یکدیگر باز کردیم».

«ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» (فصلت، ۱۱).

«سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود».

«وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات، ۴۷).

«ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم».

در آیه اول، مفسران در مورد «رتق» و «فتق» که در اصل بی‌معنای «پیوستگی» و «جدایی» است، تعبیرهای مختلف داشته‌اند. از نظر بعضی از آن‌ها منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی از آسمان نمی‌بارید و پیوستگی زمین آن است که در آن زمان گیاهی نمی‌روید؛ اما خداوند این دو را گشود طوری که از آسمان باران نازل شد و از زمین انواع گیاهان را رویانید.

برخی دیگر، آن را اشاره به متصل بودن زمین و آسمان، در آغاز خلقت می‌دانند؛ یعنی زمین و آسمان در آغاز آفرینش به صورت توده واحدی از بخار و گاز، به هم پیوسته بودند و سپس در اثر حرکت به دور خود تدریجاً تجزیه شده، ککهکشان‌ها و ستاره‌ها و از جمله منظومه شمسی به وجود آمده است. طوری که ابن عباس، قتاده و حسن می‌گویند: «آسمان و زمین در ابتدا به هم پیوسته بود بعد از آن خداوند بین آن‌ها جدایی افکند» (الدمشقی ۱۹۹۹: ۳۳۸).

در آیه دوم، عبارت «هی دخان» به معنی دود بوده و بیان می‌کند که آغاز آفرینش آسمان‌ها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است. این آیه با آخرین تحقیقات علمی که توسط پیشرفته‌ترین تکنالوژی در مورد سحابی‌ها و تشکیل ککهکشان‌های دوردست صورت گرفته است، کاملاً هماهنگی دارد. هم‌اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان هستند (باقراف، ۲۰۱۸، ۸۰).

آیه سوم، به وضاحت بیان می‌کند که خداوند، آسمان‌ها را با قدرت خود آفریده است و همواره آن را وسعت می‌بخشد. از این‌که این مطلب در گذشته برای بسیاری از دانشمندان و مفسران روشن نبود، این جمله را به معنی توسعه رزق و روزی از جانب خداوند برای بندگان، از طریق نزول باران تفسیر کرده‌اند. بعضی دیگر آن را به معنی غنا و بی‌نیازی خداوند می‌دانند که با هر قدر بخشش و عطا، از خزانه‌های او کاسته نمی‌شود؛ اما بعد از کشف اینکه کرات آسمانی و ککهکشان‌ها با سرعت در حال دور شدن بوده و جهان در حال گسترش است، معنا و مفهوم حقیقی این جمله کاملاً آشکار گردید (عوض زاده، ۱۳۹۴: ۷).

۲ - سرنوشت جهان

الف- توضیحات علمی: سؤالاتی همیشه در مورد پایان جهان مطرح می‌گردد، مانند آیا جهانی که در حال انبساط است، روزی متوقف خواهد شد؟ و آیا جهان به پایان خواهد رسید؟ فیزیک‌دانان و کیهان‌شناسان، پاسخ به چنین سؤالات را وابسته به کثافت کتلوی جهان یعنی مقدار کتله‌ی موجود در جهان می‌دانند و در این مورد سه احتمال را مطرح نموده‌اند:

مدل اول- جهان بسته: اگر کثافت جهان زیاد باشد، یا به عبارتی دیگر جهان به‌اندازه‌ی کافی ماده داشته باشد، قوه‌ی جاذبه‌ی ماده، سرعت انبساط جهان را کاهش داده و سرانجام متوقف خواهد کرد. سپس، تمام اجرام به‌سوی همدیگر حرکت نموده و در نتیجه در یک نقطه‌ی واحد جمع می‌شوند؛ یعنی، در اثر این نیروی جاذبه، جهان دوباره منقبض خواهد شد، طوری که قبل از انفجار بزرگ چنین حالت را داشت.

مدل دوم- جهان باز: اگر کثافت جهان بیش‌ازحد تعادل کاهش یابد، نیروی جاذبه‌ی کافی بین اجرام وجود نخواهد داشت تا مانع گسترش جهان شده و آن‌ها را در یک نقطه جمع کند. در این صورت، انبساط جهان برای همیشه و همیشه ادامه خواهد داشت. کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها آن‌قدر دور می‌روند که دیگر نور آن‌ها به زمین نخواهد رسید و جهان سرد و سردتر شده و بالاخره درجه‌ی حرارت به صفر مطلق می‌رسد و جهان دیگر از کار می‌افتد.

مدل سوم- جهان مسطح: اگر کثافت جهان به حد تعادل باشد، انبساط جهان برای همیشه ادامه خواهد یافت؛ اما به‌تدریج سرعت انبساط کاهش می‌یابد. در نتیجه در یک‌زمان بی‌نهایت، گسترش جهان توقف نموده یک جهان مسطح و دائمی را می‌سازد (Bhattacharya, 2019,25).

بعضی از محققان اظهار نموده‌اند سرنوشت جهان وابسته به معادلات ما نیست، بلکه وابسته به یک ماهیت ناشناخته است؛ بنابراین بدون یک نظریه کامل درباره‌ی ماده و یا انرژی تاریک نمی‌توان کثافت کتلوی جهان را اندازه‌گیری نمود و به‌صورت قطعی سرنوشت جهان را پیش‌بینی نمود (مختاری، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

اما برخی دیگر، به این عقیده‌اند که در جهان مقدار زیادی ماده تاریک یا غیرقابل رؤیت و نامکشوف وجود دارد و این مواد در توده‌های از غبار پراکنده‌اند که در کهکشان‌ها یا بین کهکشان‌ها وجود دارند. علاوه بر آن، آزمایش‌ها که روی «نوترینوها» صورت گرفته است، نشان می‌دهد که این ذرات فاقد کتله نیستند؛

بلکه اندکی کتله دارند و به‌طور غیرمستقیم می‌توان آن‌ها را آشکار ساخت. آن‌ها نوعی «ماده تاریک» اند و دارای جاذبه‌ی کافی برای بازداشتن جهان از گسترش و انقباض دوباره، هستند (هاوکینگ، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

متخصصان فیزیک و کیهان‌شناسان، در رابطه به پایان عمر خورشید و ستارگان چنین ابرازنظر نموده‌اند: تمام ستارگان از جمله خورشید، در اثر سوخت و یا تعاملات هسته‌ای به حیات خود ادامه می‌دهند. روزی که سوختشان به اتمام رسید، حیات آن‌ها نیز به پایان می‌رسد. خورشید در آخرین روزهای عمر خود، زمانی که تمام هایدروجن آن سوخته و تبدیل به هلیوم گردد، به یک ستاره عظیم و غول‌پیکر سرخ فام، تبدیل خواهد شد. گرایش خورشید به رنگ سرخ، به دلیل کاهش درجه‌ی حرارت سطح آن است. در این هنگام، خورشید به بزرگ‌ترین شعاع خود، یعنی ۲۵۶ برابر اندازه‌ی فعلی آن خواهد رسید. سپس به سوزاندن هلیوم شروع می‌کند که در این حالت دو سیاره داخلی منظومه شمسی خود یعنی عطارد و زهره را فرو می‌بلعد و تقریباً به مدار زمین می‌رسد. در حقیقت مدت‌ها قبل از این مرحله‌ی خورشید، تمام آثار زندگی و حیات در زمین از بین رفته و تمام آب اقیانوس‌ها به بخار تبدیل شده خواهد بود. هنگامی که سوخت هسته‌ای خورشید کاملاً پایان یافت، قوه‌ی تشعشع که جهت آن به بیرون است، کاهش می‌یابد و در نتیجه، در اثر غلبه‌ی قوه جاذبه‌ی مرکزی، خورشید سریعاً به‌طرف مرکز خود فرومی‌ریزد و منقبض می‌شود. در این حالت خورشید به خاکستر بسیار داغ تبدیل می‌شود که «کوتوله سفید» می‌نامند؛ نامی است که پس از مرگ یک ستاره به آن داده می‌شود (Alcoforado, 2020, 5).

ب- اشارات قرآنی: قرآن کریم، در رابطه به پایان جهان نیز با عبارت‌های مختلف، اشاراتی نموده است که در ذیل چند آیه‌ی مبارک را موردبررسی قرار می‌دهیم:

«يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء، ۱۰۴).

«در آن‌روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، سپس همان‌گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم؛ این وعده‌ی است برعهده‌ی ما و قطعاً آن‌را انجام خواهیم داد».

«وَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» (و خداوند) خورشید و ماه را رام گردانید، هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند» (رعد، ۲).

«وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (و خورشید و ماه به‌هم گرد آیند) (قیامت، ۹).

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» آنگاه که خورشید به تاریکی گراید و آنگاه که ستارگان خاموش شوند (تکویر، ۱ و ۲).

در آیه‌ی اول، چگونگی سرنوشت جهان به‌صراحت بیان‌شده و جهت وضاحت بیشتر، پایان‌یافته عمر آسمان، به در هم پیچیدن طومار تشبیه شده است. از دید بسیاری از دانشمندان و مفسران، مراد از «طی السماء» بازگشت آسمان به حالت رتق اولیه، یعنی دخان و گاز می‌دانند؛ بنابراین، در حال حاضر این طومار گشوده شده و تمام نقوش و خطوط آن قابل دید است و هر یک درجایی قرار دارد؛ اما هنگامی که فرمان رستاخیز فرارسد، این طومار عظیم با تمام خطوط و نقوش آن درهم‌پیچیده خواهد شد. اشاره‌ی قرآن به این نکته‌ی علمی، ازجمله معجزات علمی قرآن است (مسترحمی، ۱۳۸۸: ۹۲).

آیه دوم در مورد حرکت خورشید و ماه اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که خورشید و ماه در آسمان تا یک میعاد معینی حرکت خواهند کرد؛ یعنی حرکت خورشید و ماه ابدی نیست؛ بلکه پایانی دارد... آیه‌ی سوم نیز به تائید آیه دوم، یکجا شدن و خاتمه یافتن حالت کنونی خورشید و ماه را بیان می‌کند.

آیه چهارم، به تاریکشان و خاموششان خورشید و دیگر ستارگان اشاره دارد. تعدادی از مفسران «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» را به معنی تاریکشان خورشید می‌دانند؛ اما بعضی استدلال می‌کنند که واژه‌ی (کورت) بیهوده به کار نرفته است و بی‌معنای از بین رفتن تمامی نور خورشید نیست بلکه به معنی جمع شدن و افتادن قسمت‌های از خورشید بر قسمت‌های دیگر آن است؛ مانند افتادن و جمع شدن قسمت‌های از عمامه بر بخش‌های دیگر (احمد، ۲۰۰۷: ۳۶۵).

این دقیقاً، همان موضوعی است که علم ثابت کرده است. طوری که قبلاً در بحث علمی بیان کردیم زمانی سوخت هسته‌ای خورشید کاملاً به اتمام رسید، قوه‌ی جاذبه مرکزی خورشید غلبه نموده و باعث فروریختن قسمت‌های بیرونی خورشید به طرف مرکز آن می‌گردد که در نتیجه خورشید به یک حجم بسیار کوچک به نام کوتوله سفید تبدیل می‌گردد.

مقایسه و مناقشه

بررسی‌های که در رابطه به آغاز و پایان جهان از دیدگاه قرآن و کشفیات علم جدید انجام دادیم نشان می‌دهد که میان تحقیقات جدید علمی و توضیحات قرآنی، در مورد آفرینش و پایان جهان تا حدود زیادی شباهت‌ها وجود دارد. طوری که مشاهدات و تحقیقات انجام‌شده روی سحابی‌ها نشان می‌دهد که ستاره‌های جدید و محصول فرعی آن‌ها در آغاز پیدایش، به‌صورت توده‌ی از گازات و غبار بوده‌اند و سپس تفکیک آن‌ها رخ داده است. این دقیقاً همان موضوعی است که در آیه ۱۱- سوره‌ی فصلت، بیان‌شده است؛ یعنی آسمان و یا این جهان در ابتدا به‌صورت دخان، یعنی دود گونه و یا سحابی بوده است.

دانشمندان و کیهان‌شناسان، در قرن بیستم بعد از پیشرفت‌های چشم‌گیر علم و تکنالوژی، قادر به کشف نظریه انفجار بزرگ گردیدند. طبق این نظریه تمام ماده و انرژی موجود در جهان، ابتدا در یک حجم بسیار کوچک، متراکم بوده که بعداً توسط انفجار بزرگ از همدیگر جدا گردیده و در حالت انبساط قرار گرفته است. در حالیکه این موضوع چهارده قرن قبل، در آیه ۳۰-سوره انبیا و آیه ۴۷-سوره ذاریات، به ترتیب پیوستگی آسمان‌ها و زمین و گسترش دوام‌دار جهان، به‌وضاحت بیان گردیده است.

اکثر دانشمندان و مفسران، آیه ۴۷-سوره ذاریات و آیه ۳۰-سوره انبیا را با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش، کاملاً هماهنگ می‌دانند. ازجمله، داکتر موریس باستان‌شناس و پزشک فرانسوی که بعد از تحقیقات روی جسد فرعون مسلمان شد، در مورد آفرینش جهان، با تطبیق آیات قرآنی و اکتشافات جدید، چنین تذکر می‌دهد: «کم‌ترین تضادی هم بین داده‌های قرآنی راجع به آفرینش و معیار جدید وجود ندارد» (باقراف، ۲۰۱۸: ۸۱).

به‌این‌ترتیب، آیاتی که در مورد پایان جهان، میعاد معین گردش خورشید و ماه، یکجا شدن خورشید و ماه، فروافتادن خورشید در مرکز خود و تاریک شدن ستاره‌ها، اشاراتی شده بود، موردبررسی قرار دادیم. دیدیم که کاملاً با آخرین یافته‌ها و کشفیات علم روز، هم‌خوانی دارد. بناً، طوری که به نظر می‌رسد، قرآن کریم هیچ مخالفتی با تحقیقات علمی در مورد آغاز و سرنوشت جهان ندارد و وقوع انفجار بزرگ را در آغاز آفرینش انکار نمی‌کند؛ اما یک تفاوت عمده و آشکارا بین آن‌ها وجود دارد. قرآن به‌صراحت بیان می‌کند که حادثه‌ی انفجار بزرگ و تمامی مراحل تکامل آن، تحت فرمان و کنترل خالق یکتا قرار داشت، درحالی‌که علم نتوانسته به این حقیقت دست یابد و هیچ‌گاهی هم نخواهد یافت. چون ساحه‌ی ادراکات عقل انسان محدود است و علم که تراوشات و دستاوردهای عقل است، خالی از اشتباه نمی‌باشد. به همین دلیل است که اکثریت کسانی که به‌جز نتایج آزمایش‌ها علمی چیزی دیگری را نمی‌پذیرند، به این عقیده‌اند که تمام این کائنات باین‌همه نظم دقیق آن، نتیجه‌ی خودبه‌خودی انفجار بزرگ بوده و تمام گونه‌های حیات موجود در آن و حتی ما هم نتیجه تصادفی تکامل هستیم.

نظر به دانسته‌های ما، همه‌ی انفجارها در طول تاریخ منجر به تخریب و هرج و مرج شده‌اند. در حیات روزمره نیز شاهد آن هستیم، هر فعالیتی که بدون کنترل به حال خودش رها گردد، به بی‌نظمی و آشوب منتج می‌گردد. پس چگونه هنوز هم اعتقاددارند که انفجار بزرگ به‌صورت خودبه‌خودی و تصادفی، باعث به وجود آمدن دنیایی باکمال و بدون عیب و نقص کنونی ما شده است. آیا آفرینش جهان هستی باین‌همه نظم دقیق آن، توسط یک انفجار به‌صورت خودبه‌خودی و تصادفی، با عقل و منطق سازگار است؟

درحالی که نظم دقیق موجود در کائنات، استدلال‌هایی را در اثبات وجود خداوند پی‌ریزی نموده‌اند که مشهورترین آن‌ها را در آثار ریچارد سوین برن، جورج شلزینگر، رابین کولینز و ویلیام کریگ می‌توان یافت؛ زیرا این حقیقت که جهان هستی دارای دقیق‌ترین نظم است، همه صاحبان عقل و خرد را به حیرت انداخته است. به‌عنوان مثال: ماده-انرژی در زمان انفجار بزرگ، تراکم و سرعت معینی را باید داشته باشد تا به حالت تعادل قرار گرفته و حیات در آن شکل بگیرد؛ یعنی، اگر انفجار بزرگ سبب می‌شد که توده‌های ماده-انرژی اندکی سریع‌تر از همدیگر دور شوند، هیچ کهکشان، ستاره و هیچ محیط مناسبی برای زندگی؛ مانند زمین، شکل نمی‌گرفت. همچنان اگر از زمان انفجار بزرگ، توده‌های ماده-انرژی به‌اندازه‌ی ناچیزی کندتر از همدیگر دور می‌شدند، قبل از آنکه حیات شکل بگیرد، جهان از هم فرومی‌پاشید. تفاوت ناچیز در آن شرایط اولیه، باعث عدم تحول و تکامل در تمام کائنات بوده است. در ضمن، «ثابت بنیادین» طبیعت در مراحل ابتدایی انفجار بزرگ، چنان به‌دقت تنظیم گردیده‌اند که با تفاوت اندک در هر یک از این نسبت‌ها، جهان شکل امروزی را نداشته و در آن هیچ‌گونه حیات و انسانی وجود نمی‌داشت؛ بنابراین، این تنظیم به اراده خداوند صورت گرفته، زیرا وقوع چنین نظم دقیقی به‌طور خودبه‌خودی و بر اساس تصادفی، بسیار نامحتمل است (رامین، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

به همین ترتیب جانر تاسلامان در کتاب خود، «بیگ بنگ، فلسفه و خدا» استدلال خیلی منطقی از حادثه‌ی انفجار بزرگ و ماده‌ی اولیه‌ی آن داشته است. اگر دقت کنیم، طراحی هوشمندانه پروتون‌ها، الکترون‌ها، کوارک‌ها و قوه‌ی هسته‌ای نیرومند حاکم بر ماده، قوه‌ی الکترومغناطیس، قوه‌ی هسته‌ای ضعیف، قوه‌ی جاذبه و... عیناً به‌منزله آفرینش ماده است. علاوه بر آن تمامی قوانین فیزیک، شیمی و بیوشیمی به‌عنوان خاصیتی از ماده در نهاد آن گذاشته شده است. بنابر طراحی زیرساخت‌های ماده، قدرت‌های حاکم بر ماده و قوانین علمی نهاده شده در ماده، از یک طرف نشان می‌دهد که ماده نیز مثل همه چیزهای موجود در جهان، خلق شده است، از طرف دیگر بیانگر وجود خالق شکل‌دهنده، آگاه و قدرتمند است (Taslaman, 2012: 195).

بنابراین، تشکیل خودبه‌خودی و تصادفی جهان با این همه نظم و ساختارهای پیچیده‌ی آن از کوچک‌ترین عناصر زیر اتمی گرفته تا بزرگ‌ترین آن مانند کهکشان‌ها و تنظیم دقیق ثوابت طبیعت که حتی کم‌ترین تغییر در هر یک آن باعث برهم خوردن تمام نظم جهان می‌شود، برای هیچ فرد صاحب عقل قابل قبول نیست. تشکیل جهان بر اساس تصادف، مانند آن است که تعداد زیادی از حروف الفبا را از یک بلندی رها کنیم و انتظار داشته باشیم که تمام حروف به‌صورت تصادفی مرتب شوند و یک کتاب منظم و با محتوا ساخته شود؛ هرچند این عمل را پاره‌ها تکرار کنیم بازهم احتمال تنظیم تصادفی آن صفر است. پس تشکیل جهانی که دارای صدها میلیارد کهکشان بوده و هر کهکشان، صدها میلیارد ستاره، به همین ترتیب سیارات و اقمار را در خود حمل می‌کند و علاوه بر آن، نظام حاکم میان آن‌ها که باگذشت میلیاردها سال هنوز هم پابرجاست، برحسب تصادف، قطعاً

ناممکن است. بلکه نشان‌دهنده آن است که این جهان به اراده و تدبیر خالق قدرتمند و توانا که به همه‌ی آسمان‌ها و زمین احاطه دارد، پا به عرصه‌ی وجود گذشته است.

نتیجه‌گیری

از مقایسه و بررسی اشارات قرآنی و کشفیات جدید علمی در رابطه به چگونگی آغاز و پایان جهان، به نتایج مهم قرار ذیل دست‌یافتیم:

یکی از مهم‌ترین پیامدهای بیگ بنگ یا انفجار بزرگ، شکست عقاید ماتریالیست‌ها یا مادی‌گرایان، در مقابل ادیان توحیدی می‌باشد. به عقیده مادی‌گرایان، ماده و جهان آفریده نشده بلکه از ازل موجود بوده و تا ابد بدون تغییر ادامه خواهد داشت؛ اما پیروان تمام ادیان آسمانی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، باوجود اختلافات موجود میان آن‌ها، همه‌ی آن‌ها در این دیدگاه مشترک‌اند که جهان و هر آن چیزی که در آن وجود دارد، به اراده و قدرت خالق یکتا آفریده شده است و روزی هم به پایان خواهد رسید که آن روز را قیامت نامیده‌اند. بدین ترتیب انفجار بزرگ نظریه «جهان ابدی» را که قدامت آن به هزاران سال، یعنی به دوره‌ی افلاطون و ارسطو می‌رسید باطل نموده و در مقابل برتریت و برحق بودن ادیان توحیدی را ثابت کرد.

در قرآن کریم، آفرینش کائنات و اسرار آن، ازجمله آغاز و انبساط مستمر جهان، یکجا شدن خورشید و ماه، تاریکشان ستاره‌ها ... و پایان جهان، به‌صورت کاملاً دقیق بیان‌شده است که بشر بعد از قرن‌ها تحقیق و تدقیق با استفاده از مدرن‌ترین وسایل تکنالوژی به آن دست‌یافته‌اند. این خود نشان می‌دهد که قرآن کتاب آسمانی و بیانی است منحصربه‌فرد و در نوع خود بی‌نظیر و آکنده از شگفتی و اعجاز. این کتاب، نه‌تنها قوانین زندگی و هدایت بشر را به عهده دارد بلکه مخزن‌های علم و معرفت بوده تا انسان‌ها بتوانند در پرتو آن به قدرت و عظمت خالق یکتا پی ببرند. موجودیت نظم دقیق و قوانین شگفت‌آور جهان ما از کوچک‌ترین ذرات بنیادی؛ مانند: پروتون‌ها، الکترون‌ها و کوارک‌ها گرفته تا ستاره‌ها و کهکشان‌ها، امروزه همه فیزیک‌دانان و کیهان‌شناسان را به حیرت انداخته و نشان می‌دهد که جهان به‌خودی‌خود به وجود نیامده بلکه خالق طراح و قدرتمند ماورای این جهان و طبیعت وجود دارد؛ زیرا کائنات و یا ماده، شعور و توانایی آن را ندارد که خود طراح و آفریننده‌ی خودش باشد. این موضوع باعث احیا و تقویت نگرش‌های معنوی برجهان هستی شده است.

مآخذ

قران کریم.

احمد، یوسف. (۲۰۰۷). *موسوعة الاعجاز العلمی فی الاعجاز القرآن و السنه*، بیروت، ابن حجر، ص ۳۶۵.

الدمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۹۹۹). *تفسیر القرآن العظیم «تفسیر ابن کثیر»*. لبنان، دار الطبیئه للنشر والتوزیع، ج ۵، ص ۳۳۸.

باقراف، علی. (۲۰۱۸). *آفرینش جهان و انطباق آیات قرآن با نظریه انفجار بزرگ*. میتافزیک.

رامین، فرح. (۱۳۸۶). *کاربرد نظریه مهبانگ در براهین غایت شناختی و کیهانشناختی*، پژوهش های فلسفی-کلامی.

مسترحمی، عیسی. (۱۳۸۸) *آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم*، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم.

عوض زاده، فریبا. (۱۳۹۴). *اشارات ظریف قرآنی به اسرار کائنات*، دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی.

محمد یاسین. (۱۳۹۲). *استرونومی*، کابل: انتشارات نامی.

مختاری، محمود و دیگران. (۱۳۹۱). *پیش بینی ناپذیری سرنوشت جهان تند شونده*، فلسفه علم.

هاوکینگ، استیون ویلیام. (۱۳۸۴). *تاریخچه‌ی زمان*، مترجم محمد رضا محجوب، تهران: چاپخانه حیدری.

Alcoforado F, et al. (2020). **The Future of Universe, Sun, Earth and Humanity**, J Atmos Earth Sci.

Bhattacharya, Rupak and others. (2021). **What if the "Big Bang" was not the Beginning Point of our Observable Universe**, Journal of Space Science & Technology.

Bhattacharya, Rupak and others. (2019). **the Fate of Our Universe: How This Universe Will End**, Journal of Space Science & Technology

Groen, Oeyvind. (2018). **the Discovery of the Expansion of the Universe**. Galaxies.14

Saha, Abhishek and Pranab Das Choudhury. (2016). **Big Bang Theory and Expansion of Universe**, International Journal of Scientific & Engineering Research.

Taslaman, Caner. (2012). **the Big Bang, Philosophy and GOD**, Istanbul Yayinevi.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

د اشتقاق او ترکیب توپیر

پوهنمل حاجي محمد هوډ
د بلخ پوهنتون - د ژبو او ادبیاتو پوهنځي پښتو څانگې
تقریظ: پوهندوی غلام نبی کریمی

لنډیز

د یوې ژبې په جوړښت کې ډول ډول کلمې رول لري، چې په دې کې له یوه واړه ناخپلواک مورفیم څخه نیولې تر خپلواک مورفیم او کلمې او آن تر مشتق شوې او مرکبې کلمې چې دا هره یوه یې ځان ته بېلابېل کارېال لري، چې په دې مقاله کې ما تر ډېره بریده هڅه کړې ترڅو هغه کومه مشخصه موضوع چې د اشتقاق او ترکیب ترمنځ توپیر مې بحث کړی، یعنې د اشتقاق اړوند جلا او مفصل بحث شوی او له بېلابېلو ماخذونو څخه مې د اشتقاق اړوند کلمې تعریف او څېړلي او همدارنګه مې د ترکیبي کلمو اړوند بحث کړی، مرکبې کلمې او ډولونه یې واضح شوي او کوښښ مې کړی چې د دغو دواړو ډول کلمو توپیر په بشپړ ډول بیان کړم.

بنسټیزې کلمې: اشتقاق، ترکیب، د ترکیب ډولونه او د اشتقاق او ترکیب توپیر.

سریزه

لومړی شی د کلماتو په تشکیل کښی اشتقاق دی، اشتقاق په ټولو سامی او آریایي ژبو کښی شته او د هغه په واسطه ډیرې کلمې او الفاظ جوړیږي، په عربي کښی زیات نومونه له مصدر څخه راوځی او کله پکښی له جامدونو څخه هم اشتقاق کیږي لکه (استنوق) چې له (ناقی) څخه مشتق شوی دی. د اشتقاق تعریف د هرې ژبې په ګرامر کښی په بېل بېل ډول راغلې دی. په عربي صرف و نحو کښی اشتقاق دې ته وایی، چې یو لفظ له بل لفظ څخه چې د دواړو تر منځ لفظي او معنوي مناسبت موجود وي استخراج شي.

ځینې کسان وایی: اشتقاق دا دې، چې یو لفظ له بل څخه په څه قدر تغیر سره راووځي. ځیني نور وایی: له هرې کلمې نه چې یو شمېر کلمې په جلا جلا معنا ګانو جوړی شي هغه اشتقاق دی ځینو خلکو د اشتقاق تعریف په دې ډول کړی دی: که چېرې مونږ د لفظي او معنوي تناسب او نږدېوالي په لحاظ یوه کلمه له بلې څخه جوړه کړو او له یوه لغت څخه ډیرې صیغې را وباسو نو دې ته اشتقاق وایی، بڼه پر دې د اشتقاق علم هغه علم دی چې د هغه په واسطه د کلماتو مبدأ او اصل لټول کیږي. د دې وړاندې تعریفونو له مخه معلومه شوه چې د اشتقاق تعریف تقریباً په ټولو ژبو کښی سره نږدې او یو شان دی چې مهم رکن یې د مشتق او مشتق منه تر منځ د لفظي او معنوي مناسبت موجود والی دی.

د څېړنې موخې: په همدې پار یادې ستونزې ته په کتو مې په دغې مقاله کې د اشتقاق او ترکیب ترمنځ د توپیر څېړنه کړې ځکه په یاده موضوع کې د ډېرو لوستونکو ستونزه دا وه چې اشتقاق او ترکیب یې سره نه بېلول همداراز مې کوښښ کړی تر څو دغه موضوع په پوره اسنادو او شواهدو د لوستونکو تر ګوتو ورسوم.

د څېړنې مېتود: دایوه کتابتوني څېړنه ده، چې له غوره او لومړي لاس اثارو څخه په کې ګټه اخېستل شوې ده.

د څېړنې ارزښت: د دې څېړنې ارزښت په دې کې دی چې تر څو لوستونکې په دې وپوهېږي چې اشتقاق او ترکیب تر خپل منځه ډېر توپیر لري او دغه توپیر په راوړل شوو بېلګو کې وویښي، د ژبې او ګرامر علاقه‌مندان پر اشتقايي او ترکیبي کلمو وپوهېږي او د توپیر یې وکولی شي او همدارنګه یې د کارونې ځای وپېژني.

د اشتقاق او ترکیب توپیر

اشتقاق پوهنه (Etymology)

دا چې اشتقاق پوهنه څه شي ته ویل کېږي، پروفیسور ب.ن. ګله وین (B.N.Galawin) په دې اړه خپل نظریات داسې وړاندې کوي:

(څرنگه چې د لغت دننۍ برخې ته په یوناني ژبه کې ایټیمون ویل کېږي، چې د رښتیا، حقیقت او واقعیت مانا لري، نو د ژبپوهنې هغه برخه چې د لغاتو د راوتلو حقیقت تر څېړنې او مطالعې لاندې نیسي - د اشتقاق پوهنې یا ایتمالوجي په نوم یادېږي.) (غوربندی، ۱۳۹۸، ۱۴)

که چېرې دې ټکي ته موږ ځیر شو او وگورو، دا د نړۍ په ډېرو ژبو کې لیدل کېږي، چې ځینې لغتونه د ځینو نورو لغتونو سره ډېرې نږدې اړیکې لري، چې په دې ترتیب سره څه لغتونه د څه نورو لغتونو څخه راوتلي یا زېږیدلي دي، کوم لغتونو چې د نورو لغتونو څخه راوتلي وي زېږونکي لغتونه او هغه چې نور لغتونه ورځینې راوتلي یا زېږیدلي وي زېږدونکي لغتونه گڼل کېږي.

د بېلگې په ډول که وویل شي، د ډبرین، خټین، خټگر، لوگر، لغتونه د ډبرې، خټې او لو څخه زېږیدلي دي، دا بلکل سمه خبره ده اما که چېرې بیا دا پوښتنه وشي، چې د ډبره، خټه، او د لو لغتونه د کوم اساس له مخې منځته راغلل او پ دغو څیزونو باندې د پورتنیو نومونو اېښودلو اساس څه دی؟ نو دلته ځواب ورکول یو څه گرانېږي.

که څوک غواړي، چې پورتنیو پوښتنو ته سم ځوابونه موندل کړي، نو ورته ښايي، چې د دغه ډول لغتونو پخوانیو بڼو ته دې مخه و گرځولی شي، په دغه وخت کې لازم دی، چې د نوموړو ژبو د لغتونو تاریخ او په عمومي توگه د هماغو خلکو کلتور، هڅوب او د ژوند نورې برخې ښايي تر ژورې کتنې لاندې و نیول شي.

په ژبه کې د ځینو لغاتو د نومونې حقیقت په اسانۍ سره او ډېر ژر معلومېږي، لکه چنچنه چې د یوې مرغۍ نوم گڼل کېږي، هغه په دې مانا چې دا مرغۍ چن چن کوي. نو ځکه ورباندې د چنچنه نوم اېښودل شوی دی، په پښتو ژبه کې ځینې لغتونه د نورو آریایي ژبو په شان د اشتقاق او ترکیب له لارې جوړېږي، چې هغه هم ځان ته د جوړښت ځانگړې لارې چارې لري.

پخوا تر دې چې په دې اړه یو څه ولیکو، ښه به دا وي چې لومړی په دې باندې خپل ځانونه ښه پوه کړو، چې نوي لغتونه ولې او د څه له پاره جوړېږي، نوي لغتونه د دې لپاره جوړېږي چې نوي جوړ شوي او منځ ته راغلي شيان پ ښه کړي، ترڅو چې انسانان د همدې نومونې له مخې د شيانو په منځ کې توپیر وکړي.

د انسان ژبه چې د خپل موجودیت په هر ډول چوکاټ کې کارول کېږي هغه یوازې او یوازې د لغتونو لړۍ او مجموعه ده، نه کوم بل څه، انساني ژوند ځای پر ځای نه درېږي وړاندې ځي، تحول او بدلون په کې راځي، انسانان د خپل ژوند د ښه والي له پاره لگیا دي خپلو هڅو او فعالیتونو ته دوام ورکړي او زیار باسي، چې په مخه کې پرتې ستونزې له منځه یوسي، انسانان نوي کشفیات او څېړنې کوي، د خپلو کړنو او د تولید په پروسه کې بدلون راولي، ترڅو وکولای شي هغه څه، چې تر دې دمه د هغه په واک کې نه وي هغه په واک کې راولي او د خپل ژوند کمی پرې پوره کړي، د انسانانو د دې هلوځلو او کار په پایله کې په ژبه کې نوي لغتونه رامنځ ته کېږي، خو د وخت په تیریدو سره د ژبې په لغوي زېرمه کې هم بدلون منځ ته راځي، په دې بدلون کې یو شمېر لغتونه عوض کېږي او ځای یې نور نوي

لغتنونه نیسی، ځینې لغتنونه خپل دریځ د لاسه ورکوي او د اړخیزم نړۍ ته درومي، نو له همدې امله موږ ته ښایي چې په دې باندې ځانونه وپوهوو چې ژبه کې د لغتنو جوړول داسې یوه عملیه ده، چې ژبپوهان باید هغوی ته په ډېره ژوره توګه پاملرنه وکړي دا ځکه چې مطالعه کول او څېړل یې هم یو اړین کار برېښي.

کله چې سړی دا ومني، چې ژبه د لغتنو څخه جوړه شوې ده، په همدې وخت کې دایې هم په ذهن کې گرځي چې ویی یا لغت څه شی دی؟ موږ که دلته د لغت او د هغه د مانا په اړه لنډ څه ووايو بې ځایه به نه وي، ځکه د یوې لیکنې اهمیت په دې کې دی چې لوستونکو ته یو څه ورکړي او کله چې لوستونکی یوه لیکنه لولي، د دې امکان که ونه لري، چې د متن د یوه لغت د مانا په خاطر قاموسونو ته مراجعه وکړي او مانایې پیدا کړي، زما په اند د یوې لیکنې محتوا باید داسې وي چې حتمي د ژوند په یوه اړخ کې ورڅخه ګټه اخیستل شي.

لغت یا ویی د یوې ژبې بنسټیز واحد دی چې د اوازونو یا تورو د ګډون څخه منځ ته راغلی وي او مانا ولري، کله چې د لغت په باره کې څرګندونه له پامه تېره کړو دا پوښتنه راته پيدا کېږي چې مانا څه شی ده؟ پوهان داسې وایي، چې مانا د هغه شي څېره ده، چې یو لغت یې را په گوته کوي.

د لغتنو جوړونه هغه پوهه ده چې د لغتنو د ایجادولو سره سر و کار لري، دغه پوهه وروسته له هغې چې لغتنونه جوړ کړي بیایې په ګروپونو کې ډلبندي کړې.

د لغتنو جوړېدل په بېلابېلو لارو سره تر سره کېږي او موږ هم د امکان تر بریده پورې په هغو امکاناتو باندې لنډې خبرې کوو، چې د لغتنو په جوړولو کې کار ورڅخه اخیستل کېږي.

تر هر څه لومړی باید دا ووايو، هغه لغتنونه چې نوي جوړېږي هغه نوي لغتنونه بلل کېږي، په نويو لغتنو کې هغه لغتنونه هم شامل دي کوم چې له یوې ژبې څخه بلې ژبې ته ورننوتی وي او تر هغه وخت پورې د استعمال وړ وي، تر څو پورې چې د مخې څخه نه وي غورځیدلي، دا لغتنونه هغه وخت د کارونې څخه غورځي چې د استعمال موارد یې هم ورک شي او یا هم نور لغتنونه د دوی ځای ونیسي.

نوي لغتنونه په لاندې ډول سره جوړېږي:

د لغتنو ډولونه

په ټولیزه توګه لغتنونه لاندې ډولونه لري:

1: ساده لغتنونه: دا هغه ډله لغتنونه دي، چې په بېلابېلو مورفیمونو باندې نه وېشل کېږي، یا په بله وینا ساده لغتنونه هغه لغتنونه دي، چې له یو جز څخه زیات توکي (مورفیمونه) و نه لري؛ لکه: کور، لرګی، مېز، کټ، لاس، ښار، پوه، ونه، قلم، ښه، غټ، لوړ، لږ، ډېر او داسې نور...

2: مشتق لغتونه: دا هغه لغتونه دي چې له یوې بسیطې کلمې څخه د ځینو مختارو یا روستارو په مرسته جوړېږي، لکه: ناسوب، ناسوبتیا، لیونتوب، ماشومتوب، ناروغ، ناجوړ، اوبلن، خوړمن، سړي توب، هونبیاړتیا، زړه وړتیا او داسې نور...

د کلماتو اشتقاق د سوفکس په مرسته داسې جوړېږي:

کور + نی = کورنی، مور + نی = مورنی

زړه + ور = زړه ور

خپټه + ور = خپټه ور

ښکر + ور = ښکرور

کله چې د مورفیمونو په مرسته لغتونه جوړېږي دا د لغتونو جوړونې مورفولوژیکي (صرفي) لاره گڼله کېږي، په دې کې د رېښې څخه د مخه او وروسته نور مورفیمونه ورسره یو ځای کېږي او نوي لغتونه ورځني جوړېږي لکه:

روغ + تون = روغتون، پوهنه + تون = پوهنتون، درمل + تون = درملتون، خبر + یال = خبریال

3: مرکب لغتونه: هغه لغتونو ته وایي چې په بېلابېلو مورفیمونو باندې وېشل کېږي، یا په بل عبارت مرکب وییونه هغه لغتونه دي چې پرته له یوه مورفیم څخه نور مورفیمونه هم لري، یا دا چې دا هغه ډله لغتونه دي چې د دوو یا زیاتو ساده یا یو بسیط او یو مرکب جز په یو ځای کیدو سره جوړېږي، یا په بل عبارت د دوو یا زیاتو توکو څخه جوړېږي، لکه: خبرلوخ، ژب ښودنه، بری لیک، ملاتړ، میرویس میدان، شېرشاه مېنه، ورځپاڼه، اورلگیت، اورلړونی او نور...

خبر + لوخ = خبرلوخ

اور + لړونی = اورلړونی

په پای کې دې نتیجې ته رسېږو چې په ژبه کې د لغت جوړېدنه په تصادفي ډول سره نه وي، بلکې هغه د منظمو گرامري قوانینو په اساس جوړېږي، پریفکس او سوفکس د رېښې سره نښلي او د ژبې د یوه ټاکلي قانون سره سم مشتق لغتونه ورځني جوړېږي او د لغت جوړېدنې خاص ترتیب او ځانګړې لارې چارې لري، چې د هغو په واسطه په یوه ژبه کې لغتونه جوړېږي او یا د وخت د غوښتنو سره سم نوي لغتونه منځ ته راځي.

اشتقاق

د بشر د ژبو یوه لویه ځانګړنه دا ده چې د نوو کلمو زېږولو توانانی لري.

د نوم، فعل، ستاینوم او قید مقولې وازې یا پرانیستې دي، دا په دې مانا چې په پرلپسې ډول په هغو پسې نور توکي مښلي، اشتقاق او ترکیب د کلمه جوړونې دوه خورا معمول ډولونه دي، چې دا دواړه د هغو مورفیمونو څخه چې له مخکې په ژبه کې شتون لري نوې کلمې جوړوي.

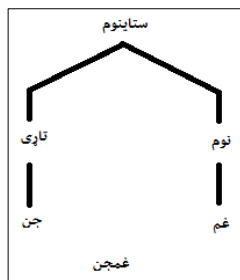
اشتقاق هغه پروسه ده چې معمولاً له یوه نامقید او یوه مقید مورفیم څخه یوه کلمه جوړېږي، خو ترکیب هغه پروسه ده چې د دوه خپلواکو یا نامقیدو مورفیمونو (له تارو یا بې تارو) څخه یوه نوې کلمه جوړېږي.

د بېلگې په توګه: (helper) نوم چې د (help) فعل له اشتقاق څخه جوړ شوی؛ خو برعکس، (mailbox) کلمه د (mail) او (box) مورفیمونو څخه رغیدلې. (اوګریدی، ۱۳۹۴، ۱۶۶ مخ)

د یادونې ده چې په عربي او پښتو ژبو کې د اشتقاق څرنگوالی په یوه بڼه نه ده، ځکه په عربي ژبه کې د تورو او حرکتونو په بدلون سره له یوې کلمې څخه د بلې هغې د وینګ (تلفظ) انشعاب کول یا وېستلو ته اشتقاق وايي، خو په پښتو ژبه کې د مختارو او وروستارو په مرسته له یوې کلمې څخه د بلې کلمې جوړولو ته اشتقاق وايي. (مدرسي، ۱۳۸۷، ۲۰)

په آریایي ژبو کېنې ځینې حروف او ادوات هم شته چې د اشتقاق ادوات یې بولي او د هغو په واسطه د کلمو قسمونه بدلېږي او معنا ګانې یې اوږې لکه په پښتو کېنې (ور - ین) چې د (غورور - غورین) کلمې د هغو په واسطه له (غور) څخه جوړې شوې دي. هغه ټولې کلمې چې له یوه ماخذ څخه را وتلې او مشتق شوي وي عایلوې او هم رېښه کلمې بلل کېږي. او اصل یې آره او مونډبولي. د مثال په ډول په پښتو کېنې د (غوبی، غوا) د کلمې هم رېښه او عایلوې کلمې دا دي: غوبل - غوجل - غویمند - غویمه - غوبارې (خر مګس) غالوشه (ظرف ګاودوشی) - غوبون = غوبه = غاوچی - غوڅکی - غوشایه - او ممکن چې (غوبښه - غورې - غولانڅه) هم د دې آرې او ریشې سره ارتباط ولري چې وروسته به یې عمومیت موندلی وي.

د یادونې وړ ده چې د هربرت پنزل پښتو ګرامر چې د محمد رحیم الهام ژباړه ده داسې ویلي: «ځینې اسمونه له دوو داسې اجزاوو څخه مرکب شوي برېښي چې یو جز یې مستقله کلمه او بل جز یې غیر مستقل او د لاحقې و حالت ته نږدې وي لکه: ترله، کوربه، ترورزی، بارکزی، کلیوال، ګرځکوال، سلیمان خېل او داسې نور» (پنزل، ۱۳۸۹، ۱۳۶)



لکه څنګه چې څرګنده ده په هندو ژرمانیک ژبو یعنې آریایي ژبو کې د الفاظو جوړښت په درې طریقو رامنځ ته

کېږي:

الف: د روستارو د ورزیاتولو په وسیله لکه: ختگر، زرگر، خارگر، آهنگر او نور

ب: د مختارو په ورزیاتولو سره لکه: ناکردې، ناخوالې، نامني، ناکار، نامعلوم او نور.

ج: د دوو خپلواکو کلمو د ترکیب او گډون په وسیله، لکه: سرکوزی، سپین سترگی، مزارشریف او نور.

څرنگه چې پښتو ژبه یوه لرغونې اریایي ژبه ده چې په ختیځې ډلې پورې اړه لري له همدې امله پکې د الفاظو او کلمو جوړښت په پورتنیو درېو لارو باندې کېږي.

هغه کلمې چې په دوو لومړنیو لارو سره لاس ته راځي اشتقاق ورته وایي، او هغه کلمې چې په ورستۍ لاره لاس ته راځي ترکیب نومېږي.

یا په بله ژبه: اشتقاق هغه دی، چې د نومونو، صفتونو په پیل یا پای کې د مختارو یا روستارو په یوځای کیدو سره یوه بله خپلواکه کلمه رامنځ ته کېږي.

په پښتو کې د کلمو اشتقاق په دوو بڼو کېږي

لومړۍ په دې ډول چې له یوې منظمې قاعدې پرته د حذف، زیاتوالي او کومکي تورو په وسیله ځینې کلمې له نورو څخه لاس ته راځي، لکه: وراره، ورېره، چې د ورور له کلمې څخه یې نارینه د (و) توری په (الف) باندې د بدلیدو او په پای کې د (ه) په زیاتوالي او ښځینه هغه یې (و) په (ې) بدلیدو او په پای کې د (ه) توري په زیاتولو سره جوړې شوې دي.

او دویم ډول دا دی چې د یوې منظمې قاعدې له مخې د تارو، نومونو او صفتونو په یوځای کیدلو سره تورې کلمې جوړېږي، د دې ډول اشتقاق مثالونه زښت زیات دي، لکه: لیکوال، کوټوال، ښاروال او نور.

د کلمو په اشتقاق او ترکیب کې له دې لاندې قاعدو څخه کار اخیستل کېږي:

۱ - د کلمو د اشتقاق او د تارو د یوځای کولو په وخت کې (ا و ی) کومکي توري حذف کېږي، کله: چرتون، نندارتون، او لېونتوب، چې د (چاره، ننداره، لېونی) له کلمو څخه، د (تون، توب) تارو په یوځای کیدو سره جوړې شوې دي.

۲ - کله کله د نویو کلمو د اشتقاق او ترکیب په وخت کې پورتنی توري د اتصال له امله ورزیاتېږي، لکه: ډمامه، لویديځ، زېړانک (یو ډول الوتونکی دی)، مښوکه، چې د (ډم، لوېد، زېړ، مښ) له کلمو څخه د (مه، ځ، نک که) په یوځای کولو او (ا و ی) په ورزیاتولو سره رامنځ ته شوي دي.

۳ - په هغه صورت کې چې د لومړۍ کلمې وروستی توری او د دویمې کلمې لومړی توری یو وي یو توری یې حذف کېږي، کله: (ټوپکۍ، ښانکۍ) چې د ټوپک، ښانک او د (کۍ) تارو څخه جوړ شوي دي.

۴ - کله کله د کلمو د ترکیب او اشتقاق په وخت کې پورتنۍ کومکي توري یو په بل بدلېږي کله: (منگوټۍ، پېزوان) چې له (منگي او پوزه) او (ټي، وان) څخه جوړ شوي دي، او (ی و) په (و ی) بدل شوي دي.

۵ - په هغه صورت کې چې لومړی توری زور والا تاري وي د لومړۍ کلمې وروستی توری زور وال راځي، او که چېرې څرگند واو او (ی) وي د لومړۍ کلمې وروستی توری مضموم او مسکور راځي او په پاتې نورو شکلونو کې د لومړۍ کلمې وروستی توری په خپل اصلي حالت ساکن راځي، لکه: اوسنی، کورنی، سیلانی، لاږو، خېټو، ربایي، چرسې.

۶ - د حرکتونو تغیر او بدلون همدارنگه د کلمو د ترکیب او اشتقاق په وخت کې د یو توري ساکن کول او حرکت ورکول د صوت او آهنگ د اړتیا له مخې یو قانوني کار گڼل کېږي.

مطلب دا چې د آهنگ د ښه والي مراعات کول او د کلمو په تلفظ کې اساني د اشتقاق او ترکیب له مهمو اصولو څخه گڼل کېږي، باید چې په ټولو ترکیبونو او اشتقاقونو کې مراعات شي.

د ورپورې تړلو یا نښلولو په واسطه: دا ډول لغتونه د مختارو او روستارو په واسطه منځ ته راځي، مختاري چې د مخکنۍ هجا په نوم هم یادېږي، هغه مورفیم دی چې د مانا لرونکي لغت په سر کې راځي او مانا لرونکي اثر ورباندې شیندي، پوهان مختاري په دوو برخو ویشي: یوه برخه یې هغه مختاري دي چې د مصدر په سر کې راځي لکه: پورې وهل، ورځم، درځم، پرېمینځل او داسې نور... او بله برخه یې هغه مختاري دي چې د نومونو په سر کې راځي، لکه: بې کوره، بې واکه، ناروغ، ناسوب او داسې نور...

بله برخه یې د روستارو په نامه یادېږي، روستاري هغه مورفیمونه دي چې د اصلي (مانالرونکي) لغت په وروستی برخه کې راځي او خپل مانا لرونکي اغیز شیندي، لکه: د ژورتیا، روغتیا، او سوبتیا په کلمو کې (تیا).

دا هم باید وویل شي چې مختاري او وروستاري مستقل لغتونه نه دي، اما کله چې د مانا لرونکو لغتونو سره یو ځای شي خامخا د لغتونو د مانا د بدلون سبب ګرځي.

په ټولیزه توګه هغه مورفیمونه چې د یوه لغت په سر او پای کې راځي هغه د افیکس په نوم یادېږي چې په دوو برخو باندې وېشل کېږي: یوې برخې ته یې مختاري او بلې برخې ته یې روستاري وايي.

داسې هم ویل کېږي چې د روستارو او مختارو په واسطه د لغتونو اصلي مانا په کلي ډول سره نه ساتل کېږي، دا خبره پر ځای ده چې په ځینو ژبو کې، لکه په آلمانی کې د ډلې یا ټیم لغت داسې جوړښت دی، چې نارینه ښه لري،

خو دا لغت یوازې هغې ډلې یا گروپ ته نه استعمالېږي چې شامل غړي یې حتمي نارینه وي، بلکې هغه ډله او گروپ هم په همدې نامه یادېږي چې غړي یې ښځې او نجونې وي.

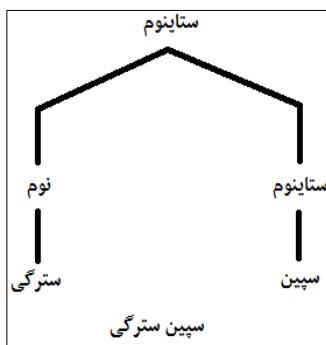
ما چې هر څه فکر وکړ داسې یو لغت مې په پښتو ژبه کې پیدا نه کړ چې د بېلگې په توګه یې وړاندې کړم، نو په همدې دلیل مې د پورتنۍ یادونې له پاره د جرمني ژبې لغت چې مشافت (Mannschaft) نومېږي غوره کړ، چې د لوبډلې مانا ورکوي، د دې لغت سټه د من (Mann) لغت دی، چې زموږ په ژبه کې یې سړی بولي، دا مثال موږ ته رانښيي او دا را په ګوته کوي چې کله کله اصلي لغتونه هم خپله مانا بدلوي او د تل له پاره یې نه ساتي.

په همدې ډول د ګرامري دندې د بدلون او تغیر په وجه د دې امکان شته چې نوي لغتونه رامنځ ته شي او دا عملیه هغه وخت صورت نیسي، چې یو لغت د خپل ډول څخه د لغتونو بل ډول ته ورواړوي، مثلاً کله په پښتو ژبه کې چې یو نوم د صفت او یا صفت د نوم په ډول استعمال شي.

ترکیب

ترکیب دې ته وايي چې دوه یا له دوو څخه زیاتې کلمې سره ونښلي او یوه کلمه ترې جوړه شي او ځانله مفهوم او معنا ونښدي. لکه: پی مخۍ-رون مخۍ، غوړوالی نمر گل او نور. (رښتین، ۱۳۷۲، ۴۷)

د ترکیب له مخې د نوو کلمو زېږول، لکه bluebird کلمه چې د دوه رېښو درلودونکې ده، یوه د بلې ترڅنګ کېښودل شوې، ژبپوهان دغې کلمې ته ترکیبي یا مرکب رېښه کلمه وايي. خو په پښتو کې ډېری مرکبې کلمې د کېن بنسټې هستې پر اساس پیروي کوي. (برتون، ۱۳۹۵، ۹۴)



د ترکیب او یو ځای کولو په واسطه هم نوي لغتونه د کارونې ساحې ته راوځي، کله چې موږ په دې باره کې خبرې کوو مطلب مو دا دی چې په دې پروسه کې دوه او یا زیات مانا لرونکي لغتونه سره یو ځای کېږي او یو نوی لغت جوړوي، د ساري په ډول: کورنۍ دنده، ورینیمینه لنگۍ، طلايي ګوته او داسې نور...

دلته یو بل ټکی هم د یادولو وړ دی، هغه دا چې د څو لغتونو د یو ځای کیدو نه منځ ته راغلي لغتونو باندې زور او فشار اکثراً په مخکنۍ هجا باندې راځي.

د کلمو اشتقاق او ترکیب ډېر زیات ډولونه لري، چې زیاتې بېلگې او مثالونه یې د نومونو، صفتونو او قیدونو په بحثونو کې بیان شوي دي، خو په عمومي صورت د خپلواکو کلمو له ترکیب څخه لاندې ترکیبونه لاس ته راځي:

۱ - مرکب نومونه، لکه: پښتون کوټ، چرگ بانگ، عیساخېل او نور.

۲ - مرکب صفتونه، لکه: پی مخې، بدمخې، شخ سترگی، مړسترگی، او نور.

۳ - مرکب عددونه، لکه: پنځه لس، اوولس، اتلس او نور.

۴ - مرکب فعلونه، لکه: پخلا شوی دی، وژل شوی دی.

۵ - مرکب قیدونه، لکه: شامدام، پرله پسې، په منډه منډه.

د مرکبو صوتونو جوړښت

مرکب صوتونه که څه هم د مخه یادو شویو نښو په ځای کېدلو سره له بسیطو صوتونو څخه جوړېږي، خو نشو کولی د هغو هر یو له ټولو بسیطو صوتونو سره یوځای کړو، نو د هغې د ترکیب او یوځای کولو بڼې په لاندې توګه توضیح کېږي.

۱ - که چېرې ساده صوت نوم دوه توریز وي، لومړنی یې زورکی وال وي د (کی او هار) په یوځای کولو سره مرکب صوت په لاس راځي، مثلاً:

له بن: بنکی، بنهار له گر: گرکی، گرهار کنښ: کنښی، کنښهار شر: شرکی، شرهار

چن: چونکی، چنهار جز: جزکی، جزهار

۲ - که چېرې مفرد صوت نوم په پیل کې فتحه ولري په هغه صورت کې پرته له څو مثالونو څخه چې په الف هم مرکب کېږي، نور په (هار) مرکب کېږي، مثلاً: له ټس څخه ټسها - له غپ، غپا - ډز، ډزهار - ډب، ډبا - ټک، ټکا، ټکهار - ټپ، ټپا، ټپهار.

۳ - ساده صوتونه چې له دوو توریو څخه زیات وي، د (ی، ا، هار) نښو په یوځای کولو سره ور څخه مرکب صوتونه جوړېږي، لکه:

خرپ، خړی، خړپا، خړپهار غړپ، غړپا، غړپها شرنگ، شرنگا، شرنگها

کړنگ، کړنگا، کړنگهار گړز، گړزا، گړزهار غرب، غربا، غربهار درز، درزا، درزهار

د حیواناتو د شړلو او رابللو صوتونه

په پښتو کې یو شمېر صوتونه هم شته چې زیاتره یې لفظي معنا نه لري، یوازې د حیواناتو د شړلو یا راغوښتلو لپاره استعمالېږي دغه ډول صوتونه په اوریدنې پورې اړه لري، چې زیاتره یې په لاندې ډول دي:

الف: د راغوښتنې لپاره:

اېس اېس: د غواگانو د راغوښتلو لپاره

کچي کچي: د وزو د راغوښتلو لپاره

تخې تخې: د پسونو د راغوښتلو لپاره

کتی کتی: د مېښو د کتو د رابللو لپاره

تي تي: د چرگانو رابللو لپاره

کرو کرو: د خرو، کچرو او آسونو د رابللو لپاره

تو تو: د سپیو رابللو لپاره

پیش پیش: د پیشو رابللو لپاره

ب: د شړلو لپاره

کچې، عچې: د وزو د شړلو لپاره

کړې، کیشې: د چرگانو د شړلو لپاره

کوچې، کورې: د سپیانو د شړلو لپاره

هرې هرې: د پسونو د شړلو لپاره

چو چو: د آسونو د شړلو لپاره

پیشې: د پیشو د شړلو لپاره (رنښتین، ۱۳۷۲. ۶۹)

د جوړښت له مخې د نوم ډولونه

په پښتو کې د جوړښت له مخې نوم په درې ډوله دی، ساده، مشتق او مرکب

۱ - ساده نوم (Un compounded) چې یوه مفردة کلمه وي او ترکيبي توکي و نلري لکه: کور، لاس، مڼه، کافې، سړی او نور...

۲ - مشتق نوم هغه نوم ته ویل کېږي چې له یوه خپلواک او یوه ناخپلواک مورفیم څخه رغیدلی وي، یا په بله وینا چې له یوه خپلواک مورفیم او له یوه مختاري یا روستاري په نیلولو سره یوه نوې کلمه رامنځ ته کېږي.

د بېلگې په توګه: بې فکره، ناجوړه، نابله، بې خونده، بې غیرته، شتمن، هنرمند، زړه ور، کابلی، پوهنتون، روغتون او داسې نور... (خوېشکی، ۱۳۹۴، ۲۹)

۲ - مرکب نوم (Compunded) هغه دی چې له دوو یا له هغو نه د زیاتو کلمو څخه ترکیب او جوړ شوی وي، لکه جلال کوټ (د یو ځای نوم دی)، پرهر پاڼه (د یو بوټي نوم دی) توتګی، شاتیر، شاتوت، شارګ او نور

یادونه: هغه مرکب نوم چې موږ دلته ورڅخه بحث کوو، صرفي مرکب دي او هغه دا چې له ترکیب څخه یې بله معنا راوځي، یعنې یوه درېیمه معنا افاده کوي، لکه: پرهرپاڼه، چې اصلاً پرهر او پاڼه ځان له او پرهرپاڼه د یو بوټي نوم دی چې بر خلاف د نحوي ترکیب څخه ترې بله معنا راوځي، لکه: د حمید کتاب، خپل عمل او نور.

په نحوي ترکیب کې یې د بلې معنا د افادې څخه دوه کلمې سره یوځای راغلې دي او په صرفي ترکیب کې خبره سرچپه ده،

مرکب نوم په خاص او عام مرکب وېشل شوي دي، چې دا دی په لاندې ډول بیانېږي:

الف: خاص مرکب نومونه

په پښتو کې داسې خاص نومونه شته چې له دوو او یا له دې څخه زیاتو توکو څخه جوړ شوي وي، دغه ډول نومونه زیاتره د ښارونو او کلیو نومونه دي او د جوړښت له مخې څو ډولونه لري:

۱ - هغه چې له دوو نومونو څخه د اضافت په بڼه جوړ شوي دي او د اضافت نښه یې تخفیفاً حذف شي وي لکه: اسلام قلعه، کارغانو ناو، جبار جوړ، سلام مېنه، فتح مېنه، عینو مېنه، غازي کور، موسی خېل، ماشوخیل، اسماعیل خان دېره، کافر کلا او نور.

یادونه: هغه مشهور نومونه چې د هغو له یوځای کیدو څخه د ښارونو، کلیو او نورو ځایونو د نومونو لپاره یوه بله کلمه جوړېږي دا دي: مېنه، کلا، کور، خېل، کوټ، دېره، ډېری، بانډه او نور، چې مثالونه یې د مخه بیان شول.

۲ - هغه چې له نوم او صفت څخه جوړ شوي او د صفت او موصوف په توګه لومړی صفت او بیا موصوف راغلی وي، مثلاً: سپین بولدک، سره کلا، زرغون ښار، سپینه مانی او داسې نور.

۳ - هغه چې د نوم او لاحقو له یوځای کیدو څخه جوړ شوي وي، په لاندې ډول ښودل کېږي:

باغ - باغګی، لوړ - لواړګی، کور - کورګی / کور - کورګوتی، شار - ښارګوتی / لعل پور، وټه پور، شیرپور / کندهار، ننگرهار، چپرهار، نندهار

ب: عام مرکب نومونه

عام مرکب نومونه هم په څو ډوله دي چې په لاندې توګه ښودل کېږي

۱- هغه چې له دوو بېل معنا نومونو له یوځای کیدو څخه جوړ شوی وي او پر دوه ډوله دي الف: چې ترکیب یې اضافي او د اضافت نښه (د) یې حذف شوی وي، لکه: خرغور، غوايي ژبه، مرغی پښه، غوروالی، چرګ بانګ، غړوندی او نور.

په دغه ډول کې ځینې نومونه د تخفیف په بڼه هم استعمالېږي لکه: پښندی = د پښې بند، ترله = د تره لور. ب: چې د عطف په بڼه له دوو بېلابېلو نومونو څخه جوړ شوی وي لکه: (پیش پرانګ - مارماهي) چې پښې، پرانګ او مار، ماهي دي.

۲ - هغه چې د نوم او صفت په یوځای کیدو سره جوړ شوی وي، لکه: سورګلی، ژېړګلی، سوراغی، توره پاڼه، سپین سترګی، سره غاړه، سورلنډی او نور.

۳ - هغه چې له نوم او لاحقو څخه جوړ شوی وي لکه: غاړه ګی، پېزوان، گرېوان، غوږاړی او ګوتمه. په دغو مثالونو کې (ګی، وان، باړی، مه) ټولې لاحقې او (غاړه، پوزه، گروه، غویي، ګوته) نومونه دي.

۴ - هغه چې د نوم او سرینه له ترکیب څخه جوړ شوی وي لکه: ناکردې، ناخوالې، خو په پښتو کې د سرینو د کمښت له امله د دغه ډول نومونو ترکیب لږ ښکاري.

۵ - هغه چې د آوازونو له ترکیب او تکرار څخه جوړ شوي وي، لکه: ټک ټکی، (د ژرندې شیطانک) بېغی (هارنډ)، بنگ بنگی (یو ډول جنگي الوتکې)، پرپرک (د ماشومانو په لاس جوړ شوی د لوبې سامان).

۶ - هغه چې یو توکی یې نوم او بل یې فعلی رېښه وي، لکه: سروېردی (بالښت)، غوالوشه (د شیدو د لوشلو لوبنۍ)، مچ شړونۍ، سرتړونۍ، لاس پاکۍ، اور لړونۍ، پښې ارتي (پای وازی).

۷ - هغه چې د دوو هم معنا کلمو له ترکیب څخه په لفظي بدلون سره جوړ شوي وي، لکه: شوده پی (یو ډول بوتی)، پټ پټانی، ټیل ټال.

یادښت: په تصغیري، ظرفي او صوتي نومونو او د عام نوم په نورو ډولونو کې مرکب نومونه شته او زیاتره یې له نوم سره د لاحقو د یوځای کیدو په وسیله جوړېږي. چې د مخه پرې بحث وشو. (رښتین، ۱۳۷۲، ۷۶)

پایله

اشتقاق پوهنه (ایتمولوژي) د ژبپوهنې یوه مهمه برخه ده، چې په هغې کې د بېلابېلو لغتونو او مورفیمونو پیدایښت او تاریخ خپل کېږي، د دغې پوهنې وظیفه دا ده چې د لغاتو هغه لرغونې بڼې او مانا وې راوسپړي او توضیح یې کړي، کوم چې اوس له خلکو څخه هېرې شوي دي، دلته دی چې اشتقاق پوه ته د ژبو تاریخ او د خلکو ژوندانه سره آشنایي پیداکول او ورباندې ځان پوهول ډېر ضروري کار برېښي. د بېلگې په توګه د ورکتون نوم چې د (وروکۍ) او (تون) څخه جوړ شوی دی، نو دلته لیدل کېږي چې د (وروکي) رېښه ولې (ورک) گڼل کېږي چې د (تون) ظرفي سوفیکس په نښلولو سره د ورکتون په بڼه نوم منځته راغی، چې د (ورو) د روزلو لپاره ټاکل شوي ځای په مانا کارول کېږي، خو همدغه ځای چې د ورکتون په نوم یادېږي، دلته نه یوازې واړه ماشومان د راغونډیدو لپاره راټولېږي، بلکې هلته د کوچنیانو د روزنې، پالنې او نورو چارو لپاره لویان هم پکې موجود وي، پرته له دې لومړنۍ ښوونه هم همدلته اجرا کېږي، مګر ژبې د نومولو لپاره یوازې په یوې نښې باندې کفایت کړی او هغه دا چې هلته (واړه) دي نو ځکه ورکتون گڼل کېږي.

اخځلیک

- اگریدي، ویلیام، مایکل دابرووسکي او مارک ارونوف. (۱۳۹۴ ل). **درآمدی بر زبانشناسی معاصر**. ژباړونکی: دکتر علی درزي. تهران: د څېړنو او انساني علومو د پراختیا مرکز.
- برتون، استرانگ. رزماری دوشین او اریک واتیکیوتیسین بیتسن. (۱۳۹۵ ل). **زبان شناسي For Dummies**. ژباړه: فاطمه عظیمي فرد او فایقه شاه حسینی. تهران: آوند دانش.
- پنزل، هربرت. (۱۳۸۹ ل). **د پښتو گرامر**. ژباړه: محمد رحیم الهام. کابل: دانش خپرندویه ټولنه.
- خوېشکی، محمد صابر. (۱۳۹۴ ل). **پښتو غږ پوهنه او وییپوهنه**. ننگرهار: مومند خپرندویه ټولنه.
- رښتین، صدیق الله. (۱۳۸۳ ل). **د پښتو اشتقاقونه او ترکیبونه**. مهمتم: ډاکټر زرغونه. پېښور: د ساپی د پښتو څېړنو او پراختیا مرکز.
- رښتین، صدیق الله، (۱۳۷۲ ل). **پښتو گرامر**، ژباړن: سید محی الدین هاشمي. یونیورسټي بک ایجنسي غوربندی، میراجان. ۱۳۹۸ ل. **لکسیکالوژي (لغت پوهنه)**. کابل: نویسا خپرندویه ټولنه.
- مدرسي، فاطمه. (۱۳۸۷ ل). **از واج تا جمله: فرهنگ زبانشناسي - دستوري**. تهران: چاپار



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

ژبه او جنسیت

پوهنمل احمد جاوید صدیقي

د بلخ پوهنتون - د ژبو او ادبیاتو پوهنځي پښتو څانگې

تقریظ: پوهاند صالح محمد راسخ

لنډیز

په ژبه کې د جنسیت پدیده هم د فمینیزم پلوه ژبپوهانو او هم د غیر فمینیزم پلوه ژبپوهانو له خوا مطالعه شوې. په دې توپیر چې فمینیزم پلوه ژبپوهانو په خپلو څېړنو کې د ښځې ژبې ته د فرعي په توګه کتلي او نرینه ژبه یې اصل بللې. په ژبه کې د جنسیت پدیده د ژبپوهانو ترڅنګ د فمینیستانو او هم د غیر فمینیستانو له خوا مطالعه شوې ده. ټولنیزه ژبپوهنه په ټولنه کې د ژبې او جنسیت مساله په علمي ډول څېړي، د دې څېړنو لومړني څرګونه د هغو ژبپوهانو په راپورونو کې پیدا کولی شو چې په ۱۷ پېړۍ کې یې د بېلابېلو سیمو په اصلي ژبو یې څېړنې کړي. د دې څېړنې ځینې بېلګې په وړاندې ډول یادولی شو: لومړنۍ څېړنه په ۱۹۲۲ کال کې د اتوجسپرسن له خوا ترسره شوې چې د خپل کتاب یو فصل یې په ژبه کې جنسیتي توپیرونو ته ځانګړی کړی او په دې اړه یې مفصلې خبرې کړې دي. موږ دغه څېړنه د کيفي مېتود له مخې ترسره کړې. په دې برخه کې مو معتبرو منابعو او مقالو ته مراجعه کړې او ګټه مو ترې اخیستې. دڅېړنې په پایله کې جوته شوه چې ښځې او نر یو له بله بېلې ژبې لري چې دغه توپیر په الفاظو او کلمو د ادا کولو په څرنگوالي کې لیدلی شو.

بنسټیزې کلمې: ژبه، جنسیت، اشغال، ټابو، نر او ښځه

سریزه

نرینه ځانته ځانگړي ډېر الفاظ لري چې ښځې په هغو پوهېږي؛ خو هېڅ کله یې نه کاروي، همداسې ښځې هم ځانته ځانگړي الفاظ لري چې نرینه یې هېڅکله نه کاروي که یې وکاروي په ټولنه کې له نیوکو سره مخ کېږي، دې ته په کتو ویلی شو چې نرینه او ښځینه په ژبه هر یو ځانته ځانگړي الفاظ هم لري.

په ټولنیزه ژبپوهنه کې د ژبې او جنسیت مساله مهمه ده او په دې برخه کې د نړۍ په ډېرو ژبو کې څېړنې او علمي کارونه ترسره شوي دي. ژبه او جنسیت د ټولنیزې ژبپوهنې جذابه برخه جوړوي او دغه برخه د ټولنیزې ژبپوهنې ځانگړې برخه بللی شو. د ژبې او جنسیت حوزه وایي چې د نر او ښځې ژبې یو له بله بېلې او هره یوه ځانته بېلې ځانگړنې لري. یاده حوزه وایي چې د نر او ښځې ژبې هره یوه ځانته بېله نړۍ لري. دغه بحث ډېر په زړه پورې دی، کله چې انسانان په یو جنسه چاپېریال کې وي په ډېر متفاوت ډول خبرې کوي. کمرون د نرینه توب یا ذکور توب (masculinity) په نامه کتاب لیکلی دی، د کتاب په سریزه کې وایي: یوه ورځ کله چې خپل دفتر ته ننوتم زما دوه تنه همکاران په خپلو منځو کې په خبرو بوخت وو چې ماته متوجه نه وو، له دواړو سره مې نږدې شل کاله په یوه دفتر کې کار کړی و دواړو یو بل ته داسې ناوړه او رکیک الفاظ کارول چې په تېرو شلو کلونو کې مې هېڅکله له دوی څخه نه و اورېدلي، له دې معلومېږي چې یو جنسه د څو جنسه چاپېریال په پرتله یو له بل سره ډېر توپیر لري. په یوه نرینه چاپېریال کې د یوې ښځې موجودیت فضا په ټولیزه توګه بدلوي، فضا تر ډېره موده شي. په خبرو کې نرینه چاپېریال تر ډېره خشن دی. د ښځې او نر ژبه دوه مختلف lect "دي چې یو بل درک کوي خو بېلې نړۍ لري.

د Sociolect اصطلاح یو ډول د genderlect په نامه یادېږي چې په پښتو کې ورته د جنسي ژبي ډول ویلی شو. ښځې او نر په خپلو تعاملاتو کې د ژبې بېل بېل ډول کاروي. د ژبې ټولنپوهان ډېره مودبانه ژبه ښځینه بولي. هغه نرینه چې ډېر زیات مودبانه خبرې کوي په اړه یې یو تصور دا دی چې څه ناڅه د ښځینه ژبې ځانگړنې لري. ټولنیزه ژبپوهنه کې د ژبې په داسې ځانگړنو خبرې شوې چې ښځو پورې اړه لري. یو شمېر په دې باور دي چې د ښځو ژبه د نر له خوا جوړه شوې ده. د ژبې نظام د نر له جنس سره همغږي لري. کلمې او د ژبې جوړښت د نر په واک کې دی. نر د ښځې په پرتله په ژبنۍ ټولنې مسلط دی. په ګډ چاپېریال کې نرینه ډېرې خبرې کوي خو په یو جنسي چاپېریال کې ښځې.

په دې لیکنه کې د نرینه او ښځینه ژبو توپیر د ټولنیزې ژبپوهنې له مخې څېړل شوی. په ټولنیزه ژبپوهنه کې د شویو څېړنو له مخې په ډېری ټولنو کې د ښځینه او نرینه ژبو ترمنځ توپیرونه شته دي. د دواړو جنسونو د ژبو محتوا او جوړښت یو د بل پر وړاندې څنډی نه دی چې ژبنۍ پلوي یا جنسیت زدګي (desexualization) ترې تعبیر شي.

د ښځینه او نرینه ژبې ډېر توپیرونه په لحن، د بیان ډول او د کلمو د ټاکلو په څرنگوالي کې ښکاري. دغه توپیرونه په بېلابېلو ټولنو کې یو د بل په نسبت توپیر کوي او دغه راز په بېلابېلو وختونو کې هم دغه توپیرونه یو له بله بېل دي. په ځینو ټولنو کې ځینې فونیمونه یا کلمې د ښځو لپاره ټابو دي. په یوې ټولنې یرغل او د هغوی د ژبې اغېز

هم د نرينه او ښځينه ژبې په توپيرونو کې اغېز لري. د ژبې ځينې ټولنپوهان چې فيمينستي نظريات لري وايي چې ځينې توپيرونه له دې امله رامنځته شوي چې ټولنې تر ډېره مرد سالاره دي.

په دې مقاله کې ټابو نظريه، اشغال نظريه، توپير او د نقشونو، نظريې کارول شوي او د همدې نظريو له مخې د نرينه او ښځينه ژبو ترمنځ توپيرونه او لاملونه يې خپل شوي دي. څېړنه د کيفي ميتود او پرتلې له مخې ترسره شوې.

ژبې په ټوله نړۍ کې، د خپلو خلکو د باورونو، فکرونو او فرهنگونو انعکاس کوونکې دي. په همدې توگه ژبې په ټولنه کې د ښځو او نرينه وو ترمنځ د ونډو توپير، د ښځو او نرو ترمنځ اړيکو ته هم انعکاس ورکوي هم يې چټکې او پياوړې کوي. ژبه د جوړښت، کلمو او د کارولو څرنگوالي له مخې د ښځو اونرينه وو له خوا خنثی نه ده او د دواړو په ژبو کې جنسيتي پلوي ښکاري. د ژبې ټولنپوهنه هغه څانگه ده چې د جنسيت ټولنپوهنې لپاره مهم معلومات او اطلاعات په واک کې ورکوي چې د جنسيت ټولنپوهنه د همدې معلوماتو او اطلاعاتو له مخې کولی شي په ډېرې اسانۍ د ښځينه او نرينه ژبو ترمنځ توپيرونه بيان کړي.

د څېړنې موخه

له دې ليکنې څخه زموږ يواز ايني موخه داده چې د ژبې د ټولنپوهنې تر چتر لاندې په دې وپوهېږو چې ژبه هم جنسيت لري او دغه جنسيت د نړۍ په ژبو کې شتون لري او توپير هم په کې موجود دی، او هم د هغو پوښتنو ځوابونه تر لاسه کړو چې له مخې يې موږ ته دا فکر راپېدا شوی، چې جنسيت په ژبه کې څنگه او په کوم ډول شتون لري؟

د څېړنې مېتود

دايوه نظري او کيفي څېړنه ده، د مالومات راټولول د اسنادي مېتود له مخې ترسره شوي دي. چې د ژبې د ټولنپوهنې، ټولنپوهنې او د جنسيت ټولنپوهنې کتابونو ته په مراجعه سره ترسره شوې. په اماري ټولنه کې يې د نړۍ ژبې شاملې دي، په دې څېړنه کې د ښځينه او نرينه ژبې ترمنځ شته توپيرونه د پرتليز کار په پايله کې ښودل شوي دي. چې په دې پرتله کې د ژبې گرامر، کلمې او مانا ته پام شوی دی. دغه راز دغه توپيرونه د ژبې د ټولنپوهنې، ټولنپوهنې او د جنسيت د ټولنپوهنې له تيوريو گټه اخيستل شوې او شته توپيرونه بيان شوي دي.

د څېړنې ارزښت او پايله

د څېړنې ارزښت په دې کې دی چې تر څو لوستونکي په دې وپوهېږي چې د ژبې د ټولنپوهنې له مخې د نرينه او ښځينه ژبې توپير. او چا په دې برخه کې لومړني او غوره کارونه کړي دي، او د دې ترڅنگ د دغې پوهې په ارزښت پوه شي او د ژبې په باب يې مطالعاتو ته وهڅوي.

همدارنگه د پښتو ژبې او ادب زده کړيالان د ادب پوهنې ترڅنگ ژبپوهنې سره مينه وپالي او ياده پوهه په پوره مينه او علاقمندۍ سره مطالعه کړي او د پرمختگ لپاره يې مټې راوڼغاري.

ژبه او جنسیت

د ژبې او جنسیت په برخه کې لومړی څلور حوزو ته لنډه اشاره کوو:

۱- تاریخي لید: د ژبې په برخه کې تاریخي بحث د سرویلیم جونز له څېړنو پیلېږي. نوموړی تاریخي تطبیقي ژبپوه و او د اتلسمې پېړۍ په وروستیو کې، چې په هند کې یې د محکمې د قاضي په توګه دنده ترسره کوله د خپلو څېړنو په پایله کې د ژبو ورته والي ته متوجه شو. ویلیم جونز د ۱۷۴۶ د سپتمبر په ۲۸ په لندن کې زېږېدلی دی. جونز د ۱۷۸۶ کال په فبروري میاشت کې د بنگال په اسیایي انجمن کې د خپلې وینا په ترڅ کې داسې مطالب بیان کړل چې د پروفیسور آربري په وینا د ژبپوهنې د نوي علم بنسټ یې کېښود.

جونز د سانسکریت، یوناني او لاتین ژبو ترمنځ له خپلوۍ او له یوې ژبې څخه یې راوتل یاد کړل. دغې خبرې په نولسمه پېړۍ کې د ژبو د خپلویو او انشعاب په اړه او دغه راز د هندو اروپایي ژبو د کورنۍ د نومونې په اړه ډېرو بحثونو او څېړنو ته لار هواره کړه.

نوموړي په خپله وینا کې وویل: سانسکریت ژبه چې هر څومره تاریخ لري له یوناني ژبې بشپړه، له لایتني ژبې پراخه او له دواړو ژبو په فصاحت کې ممتاز ده. نوموړي دغه راز د دې ژبو ریښو، فعلونو او جوړښت باندې خبرې کړي او ویلي یې دي چې د دې ژبو ترمنځ خپلوي او مشابهتونه موجود دي او دا خپلوي دومره پیاوړې ده چې ستونزمنه به وي چې لغتپوهان درې واړه ژبې وڅېړي. د نوموړي په باور درې واړه ژبې له یوې مشترکې منبع څخه را زېږېدلي دي. د جونز دغه خبرې د دې لامل شوې چې په ژبپوهنه کې د تاریخي مکتب بنسټ کېښودل شو. نوموړی پر انګلیسي، یوناني، لاتین، سانسکریت، عربي، فارسي، فرانسوي، او ایټالیوي ژبو باندې پوهېده، او د قاموسونو په مرسته یې کولی شوی چې بنگالي، آلماني، پرتګالي، اسپانیوي، هندي، عبري او ترکي ژبې ولولي. (زبان شناسی نظری، مقدم: ۳).

۲- فردینان دو سوسور چې د شلمې پېړۍ په لومړیو کلونو کې ژوند کاوه، په ۱۸۵۷ میلادي کال کې زېږېدلی او په ۱۹۹۳ میلادي کال کې مړ شوی دی. د سوسو د زېږدو پوره سل کال وروسته چامسکي خپل لومړنی اثر Syntactic structure () ولیکه. سوسور د ژبې په اړه تاریخي مطالعات نه ردوي خو وایي چې موږ باید د ژبې په اړه synchronic () لید ولرو، په دې مانا چې ژبه په هماغه مهال کې مطالعه کړو؛ که چېرې موږ تاریخ ته هم کتنه کوو تغییرات او تحولات باید ونه څېړو بلکې داسې ووايو ژبه د تاریخ په هماغه پړاو کې داسې وه. سوسور ژبپوهنه د نښه پوهنې یوه برخه بولي. سوسور دال او مدلول د سکې دوه مخه یادوي چې دواړه انتزاعي دي. له صوتي او معنایي تصویر خبرې کوي چې صوتي تصور ته دال وایي او معنایي تصور ته مدلول. د سوسور په وینا دال او مدلول دواړه نښه رامنځته کوي.

د سوسور نظریات او ژبپوهنیز اصطلاحات ټول د هغه د درسونو او لکچرونو له ټولګې راوتلي دي. د شارلي بالي او آلبرسه شیه په نامه د سوسور دوو تنو شاگردانو د ده له مرګ وروسته په ۱۹۱۶ میلادي کال کې د لکچرونو ټولګه د کتاب په بڼه چاپ کړه.

۳- Generativism: که څه هم د زېږنده ګرامر یا په ټوله کې د زېږنده نظریې لومړني څرکونه د زلیک هریس په مطالعاتو کې ښکاري؛ خو دغه نظریه (Generativism) د چامسکي د (Syntactic structure) د کتاب له خپرېدو وروسته د شهرت اوج ته ورسېده. چامسکي خپل دغه کتاب په ۱۹۵۷ میلادي کال کې چاپ کړ. په دې کتاب کې داسې نظریه مطرح شوې چې وروسته بیا د (Generative Grammar) په نوم یې شهرت پیدا کړ.

۴- څلورمه حوزه هغه حوزه چې مخکښان یې د چامسکي له نظریاتو سره مخالف و. دوی هغه کسان و چې د ژبې په ټولنیزوالي یې ټینګار کاوه. دغو کسانو په حقیقت کې له ټولنیزې زاوېې د ژبې په اړه نظر درلود. په دغو کسانو کې د ډېرو نورو ژبپوهانو او ټولنپوهان ترڅنګ (labov)، (fishman)، (trudgil) شامل وو. دوی له هغه څه سره چې (Generativism) کې مطرح کېدل په کلکه مخالف و. دوی په دې باور وو چې د ژبې خدمت د ژبې لپاره یوه بې ارزښته مساله ده او باید په کثرتونو خبرې وشي. دوی د ژبې خدمت ژبې ته، د هنر لپاره، مقولې سره پرتله کاوه او ویل یې چې دې مسالې د بشر لپاره هېڅ ډول ګټه او تعهد نه درلود او یوازې علم ته یې تعهد درلود. دوی ویل چې موږ باید د ژبې کارونې ته په ټولنه، سیاست او فرهنگ کې پاملرنه وکړو او موږ باید د ژبې کارونه په یوه کاربردي او متعهد علم بدله کړو. د دغو ژبپوهانو په اند که موږ ژبه پرته له ټولنیز اړخ په پام کې نیولو څخه مطالعه کوو ناممکنه ده. د ژبې مطالعات باید حتماً د ټولنې په بطن کې وي. د ژبې په کارونه کې د ژوند سیمه، سن، ټولنیز موقعیت، جنسیت، د زده کړو کچه، شغل، مذهب او... مهم او د ارزښت وړ دي. زموږ دغه خبرې په موخه وې چې راشو او جنسیت مطالعه کړو.

جنسیت

د "جنسیت و زبان شناسی اجتماعی" کتاب په سریزه کې یې لیکلي دي چې د تمدن د رامنځته کېدو په لومړیو وختونو کې همدا ښځې وې چې ژبه یې د وینا او ارتباطي نظام په توګه ابداع کړه او یو توری دوه توري یې د بشر ماشوم ته ور وښودل او خبرې یې انسان ته ور زده کړې چې له همدې امله، له یوه نسله بل ته ولېږدل شوې. ښځو فرهنگ د انساني نړۍ په غوږ کې زمزمه کړ. خو کله چې ژبه د نړینه وو لاسته ولوېده، ورو ورو ژبه د طبیعي مسایلو توضیح، نابرابرۍ، جنسي ډلبندي، ونډو، ټولنیز بنسټ، او د جنسیتي تبعیضونو د لاملونو د توجیه کولو وسیله کړه. په پایله کې زرګري ژبه رامنځته شوه او... کتاب (جنسیت و زبان شناسی اجتماعی)

اوس به راشو عنوان پورې اړوند بحث ته. کله چې موږ په جنسیت خبرې کوو اړینه ده چې لومړي د (SEX, Gender, Sexism) اصطلاحات په لنډ ډول معرفي کړو. دې مسایلو او د دغو اصطلاحاتو توپیر ته زموږ په ټولنه کې کمه پاملرنه شوې. د Sex او Gender ترمنځ توپیر دا دی، Sex ته پښتو کې جنس او Gender ته جنسیت ویلی شو. د

دواړو جنسونو په اړه د ټولنې لید ته وایو. په دې مانا چې زموږ ټولنه د نړینه او ښځینه جنسونو چې په اړه کوم لید لري هغه ته جنسیت وایي. Sex نړینه او ښځینه یا مذکر او مونث ته اشاره کوي. Sex جنسي تفاوت ته اشاره کوي. خو جنسیت یا Gender دا چې ټولنه دواړو جنسونو ته په کوم نظر گوري دې ته وایي. Sexism چې پښتو ژبه کې ورته جنس پالنه ویلی شو د افرادو بیولوژیکي ماهیت ته چې وگړي نړینه دي او که ښځینه، یا مذکر او مونث دي پرې خبرې کوي.

موږ ته په ټولنه کې ثابته شوې چې له نر او ښځې سره زموږ د خبرې کولو طرز متفاوت دی؛ که چېرې محیط یوه جنسه وي خبرې یو ډول دي او که چېرې محیط دوه جنسه شي خبرې بل ډول کېږي. دغه راز څېړنو هم ښودلې چې د نړینه وو او ښځینه وو ژبه یو له بله بېلې دي.

هغه نارینه چې د ښځو په خبر خبرې کوي په ټولنه کې له یو ډول ستونزو سره مخ کېږي او ځینې وگړي یې په اړه ښه احساس نه لري. ځینو ټولنو ته هم د داسې نړینه وو منل یو څه ستونزمن وي. ښه به دا وي چې هرڅوک د خپل جنسیت مطابق رفتار وکړي. ښځه د ښځې په خبر رفتار وکړي او نر د نړینه په خبر.

ماشوم په ماشومتوب کې له ویناییزې ژبې مخکې، د ځان په اړه کوم تصور او درک نه لري. ځان له خپلې موره بېل نه گڼي، خپله مور او ځان یو بولي. د فرانسوي ارواپوهانو له نظره کله چې ماشوم ۱۸ میاشتې کېږي، هغه مهال پوهېږي چې له خپلې موره بېل دي او د ځان په مفهوم ورو ورو پوهېږي. کله چې د ځان په مفهوم پوهېږي هماغه ده چې ژبې ته اړتیا پیدا کوي او د ژبې زده کړه ورته پیلېږي. د فرانسوي ارواپوهانو له انده ژبه په پلار د ماشوم ژوند ته ورگډېږي. دوی وایي چې د مورنۍ ژبې تعبیر ناسم دی. د پلار په حضور ژبه د ماشوم ژوند ته داخلېږي. د ژبې ورود د ځان د ورود په مانا دی. له ځان څخه منظور دلته هویت دی. فرانسوي ارواپوهان وایي چې پلار تاریخ دی، پلار هویت دی، پلار ژبه ده، ژبه پلرونو جوړه کړې چې دلته له پلرونو څخه منظور نړینه دي.

د ځینو پوهانو په اند نر دانساني نړۍ اصلي ډول دی؛ که چېرې د اصطلاحاتو کمیت ته وگورو په نړینه هویت باندې ټینګار کوي. چې په هغو کې نړینه جانبداري (Male bias) موجوده ده. په ژبه کې نړینه تمایل دومره پراخ دی که چېرې موږ دغه تمایل یوازې په کلمو کې وټولو تېروتنه به مو کړي وي، ځکه دغه مسله د ژبې په ټولو اړخونو کې شامله ده. د نړۍ په ډېرو ژبو کې د نړینه وو د توصیف لپاره د ښځو د توصیف په پرتله ډېر کلمې شته دي. د ځینو کلمو تلویحي ماناوې هم د ښځو لپاره یو څه له تبعیضه ډکې دي.

Spinster مجردة نجلۍ

Bachelor مجرد هلك

پورتنې دواړه کلمې یو ډول معنایي مولفې لري؛ خو د Spinster کلمه ډېره زننده ده. هغه نجلۍ چې تر ډېر وخته بې واده نه وي او یوازې ژوند کوي ورته Spinster کلمه کاروي. چې په پښتو ورته زړه پېغله، په کور پاتې پېغله او بکره

وايو؛ که چېرې د نرينه وو او ښځينه وو لپاره ورته يا مشابه کلمې موجودې وي هغه کلمې چې د ښځو لپاره کارول کېږي تر ډېره د يو ډول بې احترامۍ ښکارندويي کوي. هغه کلمې چې د ښځو لپاره کارول کېږي د نرينه لپاره د ځانگړو شويو کلمو په نسبت جنسي شوې دي. وړاندې بېلگې لولو:

.He is a professional

.She is a professional. (د ښځو لپاره د دې جملې کارول مناسبه مانا نه لري)

کله چې لومړۍ جمله د نر لپاره کاروو مننه کوي؛ خو کله چې دويمه جمله د ښځو لپاره وکاروو کېدۍ شي له نامناسب غبرگون سره مخ شو. ښځه په ډېرو فرهنگونو کې د نر د ضعف ټکۍ دی، په داسې حال کې چې بايد ښځه زموږ د قوت او پياوړتيا نښه وي.

د اشغال نظريه

په ژبه کې د نرينه او ښځينه بارز توپيرونه د ژبپوهانو، په ځانگړې توگه د ژبې د ټولنپوهانو له خوا د غربي هند په جزایرو کې موندل شوي دي. کله چې يو شمېر اروپايان د لومړي ځل لپاره د آنتیل جزایرو ته ولاړل او د هغې سيمې له اصلي اوسېدونکو سره يې خبرې وکړې، دې ته متوجه شول چې نر او ښځې (په دوو متفاوتو ژبو خبرې کوي) او دا داسې کشف و چې د نړۍ په هېڅ ځای کې نه و ليدل شوی. د نرينه او ښځينه د ژبو ترمنځ دومره ستر توپير هېچرې نه و ليدل شوی.

نرينه ځانته ډېر ځانگړي الفاظ لري چې ښځې په هغو پوهېږي خو هېڅکله يې نه کاروي. دغه راز ښځې هم د ځان لپاره ډېر ځانگړي الفاظ لري چې نرينه يې هېڅ کله نه کاروي؛ که چېرې يو د بل ځانگړي الفاظ وکاروي په ټولنه او چاپېريال کې له تمسخر سره مخ کېږي او دا داسې انگېرل کېږي چې ښځې د ځان لپاره بېله ژبه لري.

ټابو نظريه

يسپرسن وايي چې په ځينو مواردو کې جنسي توپيرونه کېدۍ شي د ټابو له امله وي. نوموړی وايي کله چې د کاراييې ټولني نرينه د جگړې لپاره تلل، هغه کلمې يې کارولې چې يوازې بالغو نرينه وو ته يې د کارولو اجازه وه. دوی په دې باور و که چېرې نابالغ هلکان او ښځې دغه الفاظ او کلمات وکاروي ښه شگون او ښکېل به ونه لري. نو ویلی شو چې په عامه توگه ټابو د جنيسټ له مخې د بېلو بېلو کلمو رامنځته کېدو او پراختيا باندې اغېز لري؛ که چېرې ټابو له ځانگړو شيانو يا فعاليتونو سره داسې چلند ولري چې ښځې ونشي کولی په هماغه اصلي بڼه يې وکاروي په دې توگه کېدۍ شي چې نوي نومونه او کلمې يې پر ځای رامنځته کړي چې له امله يې د کلمو په کارولو جنسي توپير رامنځته کېږي. د ټابو بېلگې د يو تبییني لامل په توگه د نړۍ په ډېرو سيمو کې لېدل کېږي. د بېلگې په توگه د زولوگانو په قبيله کې ښځو اجازه نه درلوده چې د خپل خاوند د پلار او د خاوند د ورور نومونه واخلي او داسې کار که د ښځو له خوا ترسره

کېده هغوی یې وژلې. د دې ترڅنگ ټابو کلمې کېدې شي ټابو ته په ورته کلمو هم عمومیت پیدا کړي. په زولو یې کې دغه کار تر هغې کچې پراخېده چې ځان ته یې ځانگړې فونیمونه په ژبه کې رامنځته کول. د بېلگې په توگه که چېرې یو ټابو نوم چې د /z/ فونیم په کې کارول شوی و دا په دې مانا وه چې ښځو نشوی کولی د amanzi «او به» کلمه پرته دې چې د ټابو فونیم ترې لري کړي لکه د «amandab» وکاروي؛ که چېرې داسې څه د ټولنې په ټولو ښځو عام شي هغه مهال کېدې شي جنسي گړدود او ژبه رامنځته شي. د ترادگېل په وینا ټابو کولی شي په ځینو ټولنو کې د ژبې په برخه کې جنسي توپیر رامنځته کړي او دغه کار په نورو ټولنو کې د تعمیم وړ نه دی.

د نر او ښځې د ژبې ترمنځ توپیر له ژبپوهنیزو څېړنو ښکاري چې په ډېری ټولنو کې د ښځه او نرینه ژبو ترمنځ توپیرونه موجود دي. په ځینو مواردو کې دغه توپیرونه واړه او جزیي دي او ځینې ورته نه متوجه کېږي. کله کله د نرینه او ښځینه ژبو ترمنځ توپیر د کلمو په فرهنگ کې هم ښکاري. په ځینو ژبو کې د یوې مانا لپاره دوې بېلې بېلې کلمې شته دي چې یوه د ښځینه وو لپاره بله د نرینه وو لپاره ځانگړې شوې وي. د ویست انډیز په کاریب سیمه کې ښځې د باران لپاره کوپو کلمه کاروي، نارینه د باران لپاره کونوبو کلمه (هیکرسن، ۱۹۸۰: ۹۰).

په کواساتي ژبه کې چې د لویزیانان په سویل لودیځه سیمه کې دخلکو اصلي ژبه ده، د خبري او شرطي فعلونو په شکل د نرینه او ښځینه وو لپاره توپیر لري. کله چې نرینه وایي (هغه پورته کړه) د (لاکاهوز) کلمه ورته کاوي خو کله چې ښځینه همدغه مفهوم کاروي د (لاکاهول) کلمه ورته کاروي. په دې برخه کې گرامري شکل په پام کې نه دی نیول شوی دلته یوازې د جنسیت او مطابقت مسله ښکاره شوې.

ادوارد ساپیر (۱۹۲۹) لیکلي دي چې د استرالیا په شمال کې د یوې خاصې ژبې ویونکي ژوند کوي چې د نرینه او ښځینه وو د خبرو ترمنځ په یو نوي ډول توپیر ته قایل دي. د دې خلکو ورځنۍ ژبه (گووال) د دواړو جنسونو له خوا کارول کېږي؛ خو که تاسو نرینه وئ او ځوانې مو څنگ کې وي یا ښځه وئ خسر مو څنگ کې وي، د (دایالنوی) چې د (ځوانې/خسر) لهجه بلل کېږي کاروئ. دغه لهجه د گووال ژبې یوه لهجه ده چې له دې ژبې سره یوشان گرامري اصول لري خو کلمې په کلي توگه یو له بل سره توپیر لري. نرینه او ښځینه دواړه کولی شي دغه لهجه وکاروي.

د استرالیا یوه بله اصلي ژبه یانیوو نومېږي چې نږدې ۹۰-۱۵۰ کسان پرې خبرې کوي. دغه ژبه داسې لهجې لري چې جنسیتي توپیر له ورايه په کې ښکاري. دغه لهجه د کلمو یو ډول ریښې کاروي؛ خو مختاړي او وروستاړي یې توپیر لري. د نوم، ضمیر او فعلونو لپاره بېل بېل مختاړي او وروستاړي کاروي د برډلي (۱۹۹۸) په وینا په دې سیمه کې نرینه او ښځینه یو له بله بېلې ژبې کاروي. نرینه په خپلو منځو کې یو ډول لهجه کاروي او ښځې په خپلو منځو کې بل ډول. ماشومان په لومړیو کې د خپلې مور لهجه زده کوي خو کله چې ځوانېږي اړ دي چې د پلار لهجه هم زده کړي.

په ځينو ژبو دغه توپیر تر دې اندازې زیات دي، چې ښځې او نر له بېلو بېلو کلمو، بېل تلفظ او یا هم له بېلو گرامري اصولو استفاده کوي. دغه مساله په جاپاني ژبه کې چې په هغې د ښځینه او نرینه لپاره بېلې کلمې شته دي لیدل کېږي (لارنس ترسک، ۱۳۸۰).

ډېر کم له داسې مواردو سره هم مخ کېږو چې نرینه او ښځینه یو له بله بېلې ژبې ولري. د بېلگې په توگه د چيني (نوشو) ژبه چې څو کاله وړاندې یې ویونکي لرل خو اوس ویونکي نه لري، په دې ژبه کې ښځو ځان بېله ژبه لرله. یواز اینۍ ښځه چې په همدې ژبه یې خبرې کولې څو کاله وړاندې مړه شوه. د دې ښځې په مړینې سره دغه ژبه هم د مړو ژبو په کتار کې ودرېده.

په ځینو برخو کې د نړۍ په نږدې ټولو ژبو کې داسې ظریف توپیرونه شته چې د نرینه او ښځینه وو ترمنځ د لېسې توپیر نیسي. د جملې آهنگ، د غږ لوړوالي او ټیټوالي او سبک په دې ظریفو برخو کې راتلی شي. د بېلگې په توگه د کرامر (۱۹۷۴) په باور په امریکا کې ښځې د نرو په پرتله په کم تاکید خبرې کوي، ښځې په خپلو خبرو وصفی تړ ویکي ډېر کاروي، لکه (ممکن دغه یوازې زما نظر وي... ولې... یا هم د داسې پوښتنو طرح کول: ایا داسې نده؟ یا (تاسو موافق نه یئ) له هرې بیاني جملې وروسته ښځې داسې تړ ویکي په جملو کې کاروي. د دې ترڅنګ ښځې ډېر لږ نامناسبې، رکیکې او غیرمحترمانه کلمې کاروي. د نرینه وو په نسبت ښځې ډېرې عاطفي خبرې کوي.

ښځې تحسین کوونکي الفاظ ډېر کاروي، حال دا چې نرینه داسې الفاظ کم کاروي. په ژبه کې له نرینه وو سره د ښځې بل توپیر دا دی چې ښځې د رنګونو د انتخاب او هغو ته د کلمو په ټاکلو کې ځانګړې مهارت لري، له رنګ سره بلدې دي او نومونه یې هم زده دي. د ښځینه او نرینه وو ترمنځ ژبني ترییر له کمي او کیفي پلوه ډیر زیات دی، دغه توپیر په کلمو، مانا او د ژبې په جوړښت کې دی چې په ټولنه کې د ښځې او نر ترمنځ د ژبني توپیر ښکارندويي کوي.

بله ادعا دا ده چې د ټولنیز سازمان د پیژندو تر ټولو ښه لار دا ده چې هغه د ځواک د اړیکو سلسله مراتبې ټولګه وېولو. ژبني رفتار د نر د ځواک ښکارندويي کوي. نر خپل ټول ځواک د دې لپاره کاروي چې په نورو په ځانګړي توګه په ښځو سلطه پیدا کړي. نرینه تل هڅه کوي چې اوضاع په خپل کنټرول کې وساتي، موضوعات مشخص کړي، د نورو خبرې پرې کړي او داسې نور کارونه ترسره کوي. له څرنگه چې ښځې د نر په پرتله ځواک نه لري، ژبني معتبر صورتونه کاروي چې د ځواکمن جنس په مقابل کې له ځانه ملاتړ وکړي (واراداف، ۱۳۹۳: ۵۲۰).

په هغو ټولو مواردو چې پورته پرې خبرې وشوې ثابت شوه چې د ټولنیزې طبقې، سني او نژادي ډلو، له امله، ښځې تل هغه ژبني صورتونه کاروي چې د نرینه وو په نسبت معیاري یا معیاري ژبې ته نږدې دي. د بېلگې په توګه انګلیسي ژبې میړمنې د ژبې هغه بڼه کاروي د نرو په پرتله ښه بلل کېږي.

د ښځې او نر ترمنځ د ژبې په قدرت کې د نابرابرۍ یو لامل دا دی چې په ټولنو کې نر د قاعدې او اصل په توګه منل شوی دی. په ډېرو ټولنو کې نر د بشر د معیار په توګه منل شوی. په انګلیسي ژبو ټولنو کې هم نر د قاعدې او اصل

په توگه منل شوی دی. د بېلگې په توگه د ټول بشر لپاره د سړي په کلمې استناد کول او د "he" ضمير کارول د خنثی لپاره لکه وړو ماشومانو ته يې کارول د دې خبرې پخلی کوي؛ که چېرې تر ټولو په ژبه کې د يوې قاعدې په توگه ومنو کېدی شي د مضحکو څرگندونو لامل شي. د بېلگې په توگه، د ايالتي قانون يوه برخه وايي "هېڅوک بايد بل شخص، د جنين د سقط په ترسره کولو او د جنين په سقط کې په شريکولو کې د هغه (his) د غوښتنې خلاف اړ نه کړي." (کي، ۱۹۷۵).

ځينو ټولنپوهانو داسې موارد توجیه کړي او وايي چې د Man په څېر کلمې عام او کلي نومونه دي. په داسې حال کې چې داسي څرگندونې نشي کېدی د يوه مناسب دليل په توگه وکارول شي. يو شمېر هغه نرينه چې د ښځو د ټولنو غړي دي وايي که چېرې د ښځې کلمه عامه او کلي شي په دې صورت کې به د نر لپاره د منلو وړ وي؟

دې ته بايد پام وکړو چې د ښځينه کلمو د شکلونو عمومي ضمني مانا منفي اړخ لري. د ښځينه کلمو ضمني منفي مانا تر ډېره جنسي ماهيت لري. د بېلگې په توگه هغه نر چې ارباب دی دهغو کارونو لپاره چې ترسره کوي يې مناسب او بياوړی دی؛ خو هغه ښځه چې معشوقه ده، هغه څوک ده چې د خپلو جنسي کړنو له امله يې مالي ملاتړ کېږي (شيپلي هايد، ۱۳۸۴: ۱۷۰).

د جنسي برابروالي پلويان لکه رابین لېکاف په ژبه کې جنسي توپيرونه، د ټولنې له امله بولي او وايي چې ژبني جنسي توپيرونه د ټولنيزو معيارونو له مخې ټاکل کېږي په داسې حال کې چې دايوه نښه ده نه يو علت (رابین لکاف، ۱۹۷۵).

په ټولنه کې د ونډې له مخې د نرينه او ښځينه ژبې توپير

دغه نظريه په دې باور ده چې ښځې او نر ټولنيز موجودات دي او دايې زده کړې چې په بېلو لهجو خبرې وکړي. ژبني رفتار تر ډېره د زده کړې له مخې رامنځته کېږي. د ژبې له مخې نرينه زده کوي چې نر و اوسي او ښځې دا زده کوي چې ښځه و اوسي. ټولنه د دې لامل کېږي چې دوی له ژونده بېلې بېلې تجربې ولري. دې نظريې ته په توپيرونو د باور نظريې په سترگه کتل کېږي. مالتز او بورکر (۱۹۸۲) په دې باور دي چې په شمالي امريکا کې ښځې او نرينه بېل ژبني-ټولنيز فرهنگ لري. هغوی زده کړې چې په ژبه متفاوت کارونه ترسره کړي، په ځانگړې توگه په مکالمو کې او کله چې ښځې او نر غواړي يو له بل سره په اړيکه کې شي، چې د دې کار پايله کې کېدی شي په اړيکه کې ناسم پوهاوی رامنځته کړي.

هغه (اوهوم) چې ښځې کاروي د (زه غور یم) په مانا دی خو کله چې (اوهوم) د نرينه له خوا کارول کېږي د (موافق یم) په مانا دی. دلته نرينه په دې باور دي چې ښځې تل د دوی له خبرو سره موافق دي. په دې توگه ښځې او نر په خبرو کې له بېلو بېلو قواعدو کار اخلي. د جيمز او ډراکېچ په باور، ښځې د نرو په پرتله د خپلو شخصي اړيکو د ټينگولو په موخه ډېرې خبرې کوي، او هغوی دا کار کوي. دا کومه جالبه خبره نه ده ځکه چې د فردي اړيکو د ټينگولو مسووليت د نرينه وو په پرتله تر ډېره د ښځو پر غاړه دی. دغه راز له ښځو دا تمه هم کېږي چې د نرو په پرتله د فردي

احساساتو، ټولنیزو موضوعاتو او داسې نورو فردې اړیکو په اړه ډېرې خبرې وکړې. هغه څه چې د ښځو ترمنځ اړیکو او دوستیو کې مهم دي د خبرو له لارې یو بل په احساساتو کې شریکېدل او بارو رامنځته کول دي، په داسې حال کې چې د نرینه وو په اړیکو کې په فعالیتونو کې برخه اخیستل مهم دي. لکه څنګه مو چې ولوستل د جنسي ژبې او ډول د رامنځته کېدو لاملونه دا دي چې ژبه د یوې ټولنیزې پدیدې په توګه له نورو ټولنیزو پدیدو او مسایلو سره ډېرې نږدې اړیکې لري. ښځې او نر له ټولنیز پلوه ځکه یو له بله توپیر لري چې ټولنې هر یوه جنس ته بېلې بېلې ټولنیزې ونډې ورکړي دي او ټولنه هم له دواړو جنسونو د همداسې بېلو ټولنیزو کړنو انتظار لري. هغه توپیر چې د ښځې او نر د ژبې، خبرو او مکالمو ترمنځ ښکاري، تردېره کولی شو په ټولنه کې یې د هغوی د روزلو په څرنگوالي او یو له بله یې په بېلو چاپیریالونو کې له روزلو سره وتړو.

د نرینه او ښځې ژبې ترمنځ د توپيرونو بېلګې

۱- Hedeges. ښځې تل هڅه کوي چې د جملې د اغېز کمولو په موخه داسې عبارتونه وکاروي چې په مقابل لوري د کارول شویو جملو اغېز کم کړي. کله هم غواړي چې د ځینو عبارتو په کارولو سره خپل شک او تردید ښکاره کړي، او خپلو افکارو ته نظم ورکړي. لکه ښځې په خبرو کې د (په یو ډول او...، کاروي چې دلته د تردید او دوه زړې توب لامل بیانوي) یا کله هم دغه عبارتونه کاروي:

په یو ډول نه یو ډول...

کولی شم ووايم چې....

....You know

...It seems like

....Kind of

....Sort of

تر ډېره ښځې د پوښتنو د ځوابولو پرمهال یوې خوا بله خوا ځي. چې دایو ښځینه عامل دی. نرینه هم دا کار کوي خو کچه یې د ښځو په پرتله ډېره کمه ده. دغه خبرې د لېکاف دي چې د ښځینه ژبې د یوې ځانګړنې په توګه ورته یادونه کړې او وایي که چېرې څوک له دې ډېره ګټه پورته کوي خبرې یې ښځینه ځانګړنه لري.

۲- super polite forms: د ښځو د ژبې دویمه ځانګړنه همدا ده. لېکاف وایي ښځې د نرینه وو په پرتله مودې دي. میرمن لیکاف وایي ډېر مودبانه صورتونه ډېری ښځینه دي. لکه داسې جملې: ښنه غواړم کولی شې هغه کتاب ماته راکړې.

۳- tag question: د ښځینه ژبې درېیمه ځانګړنه tag question دی. دغه ځانګړنه د ټیټ ځواک ښودنه کوي. دغې انګلیسي اصطلاح ته په پښتو کې ضمیمه یې پوښتنې ویلی شو. دغه پوښتنې هغه مهال مطرح کېږي چې شخص

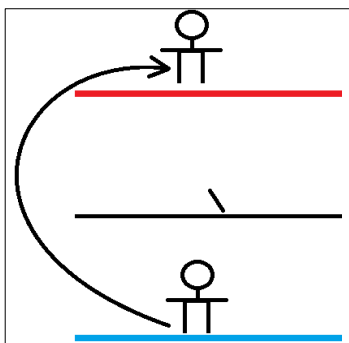
ناراحته وي. نه غواړي څه واورې او په دې سره غواړي ځان د اورېدو لپاره چمتو کړي. راځې که نه راځې يې يوه بېلگه کېدی شي. ضمیمه يې پوښتنې تر ډېره د جملو په پای کې کارول کېږي.

۴- speaking in italics: د دې اصطلاح پښتو (په خبرو کې برجسته ښودل) راځي فارسي يې (برجسته نمايي گفتاری) ورته کارولي دي که څه هم italics په لیکلو پورې اړه خو دلته په وينا کې کارول کېږي. کله چې نجونې وايي ډېر يا فوق العاده ښايسته، غواړي چې يوه خبره ډېره برجسته کړي. څومره ښايسته، څومره ګالالی او...

په وينا او جملو کې برجسته ښودل، تر ډېره په دې خبرو کې صفتونه برجسته کوي. دا کار د ژبې د ټولنپوهنې د ښځينه ژبې ځانګړنه ده. هغه صفتونه چې ډېر عاطفي اړخ په کې پروت دی تر ډېره د ښځو له خوا کارول کېږي.

۵- تش صفتونه: empty adjective: ښځې لېواله دي هغه صفتونه چې ډېر تکرار شوي او خپل ارزښت يې له لاسه ورکړی دی وکاروي. د بېلګې په توګه ښځې دغه صفتونه ډېر کاروي د نر په نسبت: نازوليه، خوږه، ګالاليه، زړګيه، مينه ناک، او داسې نور صفات چې ډېر تکرار شوي وکاروي. ډېرې ښځې خپلو خاوندانو داسې صفتونه کاروي چې تر ډېره په هغه کې نه وي. دا صفتونه واقعي نه دي او تر ډېره د احساس ښکارندويي کوي.

۶- Hypercorrection: افراطي سمون. دغه اصطلاح د ژبې او جنسیت اصطلاح نه ده، د ژبې د ټولنپوهنې اصطلاح بلل کېږي. موږ په خپله ټولنه کې لوږه او ټيټه طبقه لرو. چې په لاندې شکل کې ښودل کېږي.



يو شخص د ټولنې په ټيټه طبقه کې ژوند کوي يو ځل پيسې پيدا کوي او غواړي چې ولاړ شي د لوړې طبقې له خلکو سره ژوند وکړي دغه شخص له ژبني پلوه بايد څه وکړي چې د هغې طبقې له خلکو ځان برابر کړي؟ دغه شخص ته تر ډېره ستونزمنه وي چې زر له دې طبقې سره په ژبني لحاظ ځان برابر کړي. هماغه ده چې ډير وخت په خبرو کې تېروتنه کوي او داسې اصطلاحات او کلمې کاروي چې د هغې طبقې لپاره خندونکي او جالبي وي. دغه ډول خلک د لباس په برخه کې هم له تېروتنو سره مخ کېږي او داسې لباس کوي چې د لوړې طبقې له خلکو هم ډېر مخکې ځي. داسې اشخاص هڅه کوي چې ځان اصلاح کړي خو نشي کولی او اصلاح او سمون ترې افراطي شي او کچه يې ترې ډېره لوړه شي. يو شمېر نور چې له ټيټې طبقې لوړې طبقې ته ځي ډېر مودبه شي.

ښځې ډېره هڅه کوي چې ځان مودبه او د لوړ پرستېږ شخصیت ښکاره کړي حال دا چې نرینه تر ډېره دا لېوالتیا نه لري. په ښځو کې د نرینه په پرتله افراطي سمون زښت زیات دي. ښځې خپل دغه افراطي سمون په کلمو او گرامر کې ښیي. ښځې هڅه کوي چې ډیر ښه او عالي تلفظ ولري. د بېلگې په توگه که د یوه د ترلاسه کولو لپاره هتۍ ته ولاړه شي خبرې او جملې تر ډېره د نرینه په پرتله مودبانه او تلفظ یې ښه وي. یا داسې څه وایي چې د نرینه وو په نسبت مودبه وي.

د ژبې ټولنپوهنه له مور سره مرسته کوي چې داشخاصو د خبرو کولو په طرز پوه شو. په دې پوه شو چې شخص څومره کتاب لولي او مطالعه لري یا هم اصلاً کتاب نه لولي او هېڅ مطالعه نه لري. د اشخاصو خبرې درک کولی شو چې تر کومې کچې دوکه کوي او خلکو ته فریب ورکوي. ځینې افراد به مو لیدلي وي چې په خپلو خبرو کې تر ډېره انگلیسي او نورې کلمې کاروي حال دا چې ځینې نور داسې کسان شته چې په نورو ژبو تسلط لري اما په خپله ژبه کې د خبرو پرمهال یې نه کاروي. کله کله به مو پام وي چې ځینې خلک د خبر پرمهال په خپل بدن تسلط نه لري. کله یې چې ویدیو وینو عجیب و غریب حرکات ترې ترسره کېږي. دلته د ښه پوهنې نظریات هم رامنځته کېږي او موږ دښه پوهنې له مخې کولی شو د افرادو په حرکاتو قضاوت وکړو. موږ د ژبې د ټولنپوهنې له مخې هم کولی شو د افرادو په خبرو قضاوت وکړو.

۷- د طنزي احساس کموالی. sense of humor lacking. مېرمن لېکاف وایي که چېرې ښځو ته تر ټولو غوره طنزونه او ټوکې ورکړئ هغه له منځه یې وړي او نشي کولی چې نرینه وڅښي. کېدی شي نرینه ښځو ته داحترام لپاره وځاندي خو له زړه ورته نشي خندلی. همدې کار ته مېرمن لیکاف sense of humor lacking وایي. ښځې ځان او نورې ښځې خندولی شي خو سړي په هغې کچه نشي خندولی. هغه کسان چې د کمېډي په برخه کې کار کوي د ښځو شمېر په کې بیخي کم دی. د کمېډي په برخه کې د ښځو په پرتله نرینه ډېر بریالي دي. ډېره زړه وړتیا غواړي چې ښځې زړه ښه کړي چې په دې برخه کې کار وکړي. په افغانستان کې ښځینه کمېډینې ډېرې کمې دي. په ټوله کې ښځې د طنز له فقر سره مخ دي. دغه ځانگړنې په نرینه وو کې هم شته خو شمېر او کچه یې په ښځو کې زیاته ده.

۸- مستقیم نقل قول: ښځې لېوالتیا لري چې د نورو خبرې په مسقیم او هماغه ډول نورو ته انتقال کړي لکه څنگه چې هغوی کړي. ښځې کوښښ کوي چې حتی هماغه الفاظ د خبرو او نقل قول په انتقال کې وکاروي لکه څنگه چې هماغه ویونکي کارولي دي. د بېلگې په توگه که چېرې یو څوک کور ته راشي او وایي چې ستاسو مور سره مې کار دی، ورته ووايه چې فاطمه راغلي غواړي کوټه سنگي ته د سودا اخیستو لپاره ولاړه شي تاسو ته انتظار ده لږ زر راځه. ښځې لېواله دي چې دغه الفاظ کټ مټ خپلې مور ته ووايي خو نارینه بیا یوازې په څو کلمو کې دا خبر کوي او بس.

۹- ځانگړې کلمې: کله چې د رنگونه خبره یاده شي؛ نو ښځې د نرینه وو په پرتله ډېرې زیاتې له رنگونو سره بلدتیا لري؛ که چېرې په یوه ټولگې کې له خپلو زده کړیالانو چې ټول هلکان وي د ځینو رنگونو د توپیر پوښتنه وکړو کېدی شي هېڅ یو یا هم څو محدود هلکان یې په توپیر پوه شي؛ خو دغه خبره بیا په نجونو او ښځو کې برعکس ده

ډیری ښځې د رنگونو په برخه کې په ډېر څه پوهېږي. په دقیق ډول د رنگونو درک چې په شناختي مانا پیژندنه او د ژبې په ټولنپوهنه کې مهم دی د ښځو کار دی. د رنگونو درک د ښځو ځانگړنه ده. په ورزش او سیاست کې نرینه ځان ته ځانگړې کلمې لري خو د رنگونو په درک، مراسمو، دودونو، او... ښځې ځانگړې کلمې لري.

پایله

د دې څېړنې لاسته راوړنو ته په کتو، په ډېرو ژبو کې د ښځنه او نرینه ژبې ترمنځ توپیر لیدل کېږي. د ژبې جنسیت نظریې موږ د دې توپیرونو عینې او ټولنیزو پایلو او اغېزو ته رهنمائي کوي.

ورف په دې باور دی چې زموږ نړۍ په بېلابېلو ژبو په بېلو بېلو ډولونو منعکس کېږي. حتی ابدی او عمومي مفاهیم، لکه زمان او مکان، په بېلابېلو ژبو کې په بېلابېلو نومونو یادېږي. ورف په دې باور دی چې خلک نه یوازې په خپله ټولنیزه نړۍ او ژوند کې، بلکې د خپلې مورنۍ ژبې په نړۍ کې هم ژوند کوي. ورف وايي زموږ شاخوا د ژبې له مخې جوړېږي. هره ژبه د اصطلاحاتو ترڅنګ داسې نظرونه او باورونه هم لري چې همدا نظرونه او باورونه په بله ژبه کې متفاوت دي. (کوندراتف، ۱۳۶۳: ۷۰).

موږ د دنیا موډل، د فلسفې، علم او هنر له لارې جوړوو. خو د موډل جوړونې تر ټولو مهم نظام د ورځني ژوند معمولي ژبه ده. ژبه په بشري ټولنه کې د اطلاعاتو د انتقال عمده وسیله ده، خو ژبې له دې د زیاتو مسایلو وړتیا لري. ژبه کولی شي له نړۍ څخه موډل جوړونه وکړي. ژبه یوازې د تجربو چې کولی شو پرې استناد وکړو منظمې فقرې نه دي، بلکه ژبه خلاق او خپلواک سېمولیک سازمان هم دی، چې د تجربو حدود د خپلو صوري کمالونو له مخې موږ ته ټاکي. دغه راز په دې څېړنه کې د ژبې په داخل کې د نرینه او ښځینه توپیرونو په اړه هم خبرې شوي دي چې دغه توپیرونه کولی شي په واقعي نړۍ کې هم داسې جنسیتي توپیرونه لا پیاوړې او زیات کړي.

دا چې زموږ ژبه زموږ په درک څومره اغېز لري د څو لاملونو له مخې د ارزښت وړ ده، ځینې ژبپوهان او ټولنپوهان چې په دې برخه کې یې څېړنې کړي او د جنسیتي برابری غوښتونکي دي (نیلسن او همکاران یې، ۱۹۷۷؛ شولتر، ۱۹۹۰؛ جان میلز، ۱۹۸۹)، دوی په دې اند دي چې په انګلیسي ژبه کې هغه موارد چې جنسیتي نښې بلل کېږي موروثي دي.

د جنسیتي برابری یو شمېر نورو پلویانو په انګلیسي ژبه د نرینه او ښځینه وو ترمنځ په کلمو کې د جنسي توپیرونو په اړه څېړنې کړي، وايي چې دغه توپیرونه د دې ښکارندويي کوي چې ټولنه په جنسي توپیرونه څومره ولاړه ده. یو شمېر نور بیا وايي چې ژبنۍ سمونه اساساً بې گټې کار دي، ځکه که هر څومره ټولنه جنسیت زده شي، د جنسیت زده مانا بیا هم را ښکاره کېږي. او د ژبنيو شکلونو بدلون له نښو سره مبارزه کول دي نه له علت سره. (پاکنهاد جبروتی، ۱۳۵۰: ۴۸ - ۴۰). د نړۍ په ژبو کې د شویو څېړنو له مخې کولی شو دا ووايو چې په بېلابېلو هېوادونو او ژبو کې د ښځې او نر د ژبې ترمنځ توپیرونه شته دي. دغه توپیرونه د نرینه او ښځنه وو له خوا د دوو بېلو بېلو ژبو په کارونه، ځینو کلمو،

گرامری جوړښت، خج، لحن، بیان او د ښځو او نرو له خوا د کلمو د ټاکلو په څرنگوالي کې لېدل کېږي. دغه توپیرونه ډېر لاملونه لرلی شي، له هغې ډلې، تاریخي پېښې، دعقایدو او باورنو موجودیت، ټابو، د ښځو او نرو د نقش بېلوالی، د قواعدو ایجاب، آداب او په ټولنه کې د ښځو او نرو ترمنځ نابرابري یادولی شو. دغه توپیرونه په وړاندې ډول خلاصه کولی شو:

- ۱- ښځې او نر د ژبې په کارونه کې بېلې بېلې بېلگې رامنځته کوي.
- ۲- ښځې د نرو په پرتله ډېرې لېواله دي چې د ژبې په کارونه اغېز لرونکي تعامل ولري.
- ۳- ښځې د نرو په پرتله ډېرې لېواله دي چې داسې ژبني توکي وکارې چې په یوالي ټینګار کوي.
- ۴- ښځې لېواله دي چې له نورو سره داسې تعامل ولري چې یوالي رامنځته کړي په ځانګړي توګه په رسمي بافت کې چې د دوی د ځواک او منزلت ښودنه کوي.
- ۵- په ډېرو ژبو کې، د کلمو ماهیت، د ژبې جوړښت او اطلاق د دې ښودنه کوي چې په ټولنه کې د ښځو په پرتله نارینه ځواکمن او لوړ منزلت لري.

مآخذ

- پاک‌نهاد جبروتی، م. (۱۳۸۱). *فراستی و فرودستی در زبان*. لومړی چاپ. تهران: گام نو.
- پی‌فارو، گ. (۱۳۷۹). *انسان‌شناسی فرهنگی، بعد فرهنگی تجارت جهانی*. لومړی چاپ. ترجمه: غ، ع، شاملو. تهران: انتشارات سمت.
- ترادګیل، پ. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی*. لومړی چاپ. ترجمه: م، طباطبایی. تهران: نشر آګه.
- شیبلی هاید، ج. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی زنان*. لومړی چاپ. ترجمه: ا، خمسه. تهران: انتشارات ارجمند، نشر آګه.
- کوندراټف، ا. (۱۳۶۳). *زبان و زبان‌شناسی*. لومړی چاپ. ترجمه: ع، صلح‌جو. تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- لارنس ترسک، ر. (۱۳۸۰). *مقدمات زبان‌شناسی*. لومړی چاپ. ترجمه: ف، اخلاقی. تهران: انتشارات نی.
- وارداف، ر. (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه: ر، امینی. تهران: نشر بوی کاغذ.

Haas, Mary. (1964). *Men's and Women's Speech in Koasati*. Language in culture and society, P.p: 228-233, Dell Hymes, Ed. New York: Harper & Row.

Hickerson, Nancy P. (1980). *Linguistic Anthropology*. New York: Holt, Rinehart & Winston.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

اۋزبېک تېلىدە اونلى تاووشلار تحولى

پوهنيار اميدالله بياني

بلخ بېلىم يورتى - تېل و ادبيات فاكولتەسى، اۋزبېك تېلى و ادبياتى بۆلىمى

تقرىظچى: پوهاند محمد صالح راسخ

خلاصه

هر بير تېل نېنگ اساسىنى اونېنگ تاووش قىلمى، لغت بايلىقى، گرامرى (سۆز يىسلىشى، سۆز تركىبى، سۆز توركوملىرى؛ سۆزلرنېنگ بيرىكىشى و سۆزلرنېنگ قورىلىشى) تشكىل اېتەدى. تېلدە سۆز بايلىقى (سۆز قىلمى) اېنگ اۋزگرەدىگن قىلملردن بيرىدېر. تېل نېنگ تاووش قىلمى اېسە اۋزگرووچنلىقى بىلن سۆز بايلىقى (لېكسىكەسى) دن كېىن ايكىنچى اۋرىندە تورەدى. تېل نېنگ تورلى قىلمىگە صادر بۇلگن اۋزگريشلر ايرىم سېىلر ارقەلى عملگە آشەدى. او جملەدن، تېل نېنگ اىچكى رواجلىنىشى و قانونىتلىرى، تشقى محيط، جمعيت، علم-تكنالوژى نېنگ رواجى و اوشبو سېىلر طفىلى يىنگى سۆز و تېرمىنلر كىرىب كېلىشى تېل نېنگ فونېتىك قورىلىشىگە هم تاثير قىلە باشلەيدى. مثلاً: اۋزبېك تېلى نېنگ تاش بىلن تورلى دورلردەگى اثرلرىنى تېكشىرىسك، كۆرەمىزكە، عرب-فارس تىللىرى نېنگ تاثيرىدە اېسكى توركى تېل دورىدە (۱۱-عصر دن كېىنگى) خصوصاً اېسكى اۋزبېك تېلى دورىدە (۱۴ - ۱۹-عصرلردەگى دورە) كۆپگىنە يىنگى سۆز و توشونچەلر اۋزبېك تېلىگە كىرىب كېلىدى، شو سېىلى اونلى تاووشلر سانى هم كۆپەيە باشلەدى. اۋزبېك تېلى قىدىمگى توركى تېل، اېسكى توركى تېل و اېسكى اۋزبېك تېلى دورلىرىدە اونلى تاووشلر سانى كۆپ بۇلگن. ايرىم تېل شناسلر فكرىچە، قىدىمگى توركى تېلدە ۸ تە، اېسكى توركى تېلدە ۸ ياكە ۹ اونلى تاووش، اېسكى اۋزبېك تېلىدە ۹ تە، ۱۰ و اوندىن كۆپ بۇلگنلىكى هم قىد اېتىلگن. حاضرگى اۋزبېك تېلى قىدىمگى توركى تېل و اېسكى توركى تېلدە سىنگرمونىزم و تاووشلرنېنگ قىتىق-يوشاقلىقى خصوصىتى موجودلىقى بىلن فرقلنگن. اېسكى توركى تېلدە ۸ تە اونلى تاووش، ايرىم تېل شناسلرگە كۆرە ۹ تە موجود دېىلسە، اېسكى اۋزبېك تېلى عرب-فارس تىللىرى تاثيرىدە همده اېسكى اۋزبېك تېلى رواجى و يوكسلىشى نتيجه سىدە ۱۰ تە اونلى تاووش و اوندىن آرتىقراق هم موجودلىقى قىد اېتىلگن، بيراق اۋزبېك ادبى

تیلیدە (اۋزبېکستانده) ۶ اونلی تاووش موجودلیگینی تن آگنلر. شوندهی بۇلسە هم حاضرگی اۋزبېک تیلیدە ۷، ۸، ۹ حتی ۱۰ ته اونلی تاووش موجودلیگینی - ایریملر تیل شناس عالملر تأکیدلەیدیلر. بیز، اوشبو مقاله ده، حاضرگی اۋزبېک تیلیدە قنچه اونلی تاووش موجودلیگینی دیکرونیك و سینکرونیك تېکشیریش مېتودیدن فایده لنیب، چاغداش اۋزبېک تیلی اونلی تاووشلری سانینی تدقیق اېتیشگە حرکت قیلەمیز.

تینچ سۆز و توشونچه لر: قدیمگی تورکی تیل، اېسکی تورکی تیل، اېسکی و حاضرگی اۋزبېک تیلی، اونلی تاووشلر، اونلیر تحولی، تاووشلرینگ قتیق-یومشاقلیگی، سینگرمونیزم.

کیریش

تیلگە عاید اۋزگیشلر اینقسه تیل نینگ تاووش قتلیمگە عاید اۋزگیشلر بیردنیگە اېمس، بلکه استه- سېکینلیک بیلن اوزاق ییللر اۋتیشی و تورلی عامللر طفیلی گینه صادر بۇلەدی. شونینگ اوچون اۋزبېک تیلی نینگ تاووشگە عاید اۋزگیشلری بیر یا بیر نچه عصرگە یرەتیلگن اثرلرده کۆرینمەیدی، بلکه برقراردېک تویولەدی، لېکن تیل نینگ برچه قتلملریگە تحول جریانی تۇختاوسیز و دینامیک حالده بۇلەدی.

اۋزبېک تیلی بیر نچه ترقیات دورینی باشیدن کېچیرگن. اۋزبېک تیل شناسلیگیدە اۋزبېک تیلینی دورلشتیریشده، قدیمگی تورکی تیل (قدیمگی یازمە یادگارلیکلر دوریدن ۱۱-عصرگچە بۇلگن تورکی تیل) اېسکی تورکی تیل (۱۱ - ۱۴-عصرلرده گی تیل) و اېسکی اۋزبېک تیلی (۱۴ - ۱۹-عصرلرده گی) اۋزبېک تیلی (ایریم منبعلرده چیغتای تیلی دېب هم اېسلنەدی) و حاضرگی اۋزبېک تیلی اېسە ۱۹-عصردن حاضرگچە بۇلگن دورنی اۋز ایچیگە آلگن دورلردیر. هر بیر دورنینگ اۋزیگە خاص فونېتیک خصوصیتلری، اونلی و اونداش تاووشلری موجودلیگی بیلن حاصلنەدی.

کۆپینچە تیل شناسلر نظریه سیگە کۆره، قدیمگی تورکی تیلده سینگرمونیزم و اونلی تاووشلرینگ قتیق-یومشاقلیک قانونیتی موجودلیگی طفیلی ۸ ته اونلی تاووش موجود بۇلسە، اېسکی تورکی تیلده هم شو ۸ ته اونلی تاووش سقلنگن (ایریم تیل شناسلر ۹ ته اونلی $o / \hat{a}$ اونلی تاووشی بو دورنینگ سؤنگیلریدە کیریب کیلگن دېگن فکرنی هم ایتەدیلر)، لېکن اېسکی اۋزبېک تیلیدە ۹ ته ایریملر ۱۰ ته اونلی تاووش موجودلیگینی قید اېتسە-ده، حاضرگی اۋزبېک تیلیدە ۶ ته اونلی تاووشنی تن آله دیلر. اوشبو مقاله ده اۋزبېک تیلی نینگ اونلی تاووشلری سانینی دینکرونیك و سینکرونیك یۇسینی آرقه لی تېکشیریلیب، بویوک تیل شناسلر نظریه لرینی حاضرگی تیلیدە قۇللنیلەياتگن سۆزلر مثالیدە یاریتیشگە حرکت قیلەمیز.

مسأله نىنگ آچىقلىنىشى

اۋزبېك تىل شناسلىگىدە اېنگ بحث-مناظره لى موضوعلردن بىرى، اۋزبېك تىلىدە اونلى تاووشلر سانى قنچە ليگىنى انىقلاش دىر. حاضرگى اۋزبېك ادبى تىلىدە ۶ تە اونلى تاووشنى تن آلگن اۋزبېكستان تىل شناسلرى بو گونگى كوندە (بلكيم اۋشە پىتلردە هم) اونلى تاووشلر سانى ۶ تەدن كۆپ اېكنلىگى تآكيدلىلگن. مذكور موضوعنى يارىتىش اوچون اۋزبېك تىلى نىنگ آلدىنگى دورلرىنى تېكشىرىش، مذكور دورلردە اونلى تاووشلر نىنگ تحولى و خصوصىتلرىنى تانىشىش بىلن بىرگە حاضرگى اۋزبېك تىلىدە فعال قۇللىنلەياتگن سۆزلردە گى اونلى تاووشلر نىنگ فونېتىك خصوصىتلرىنى آچىقلاش آرقەلى اۋزبېك تىلىدە موجود اونلى تاووشلر سانىنى انىقلاش ممكن.

تدقيق نىنگ اهمىتى

اۋزبېك تىل شناسلىگىدە اېنگ مناقشە لى و اۋز يېچىمىنى تاپمەگن موضوعلردن بىرى بۇلگن اونلى تاووشلر سانى قنچە ليگىنى انىقلاش، اونلى تاووشلر خصوصىتلرى و اولر نىنگ تلفظلىرىنى سۆز مثاللى آرقەلى انىق كۆرستىب بېرىش دىر. اۋزبېك ادبى تىلىدە ۶ تە اونلى تاووش قبول قىلىنگن بۇلسە-دە، عملدە اونلىلر سانى كۆپلىگىنى سۆزلر مثاليدە آيدىنلشەدى، شوندە بۇلسە هم، اونلى تاووشلر حاضرگى قبول بۇلگندىن كۆپلىگى اۋزبېك تىلى شېوهرلى نىنگ كۆپلىگى نىجەسىدە اېكنلىگى قىد اېتىلەدى. شونىنگ اوچون، بىز مذكور تدقيقى مقاله دە اۋزبېك تىلىدە گى اونلى تاووشلر نى قدىمگى توركى تىل، اېسكى توركى تىل، اېسكى اۋزبېك تىلى و حاضرگى اۋزبېك تىلىدە گى اونلى تاووشلر نى تارىخى ترقىياتى بىلن باغلب اۋرگنشىمىز لازملىگىنى اوقدیرهدى.

تحقيق سۇراقلىرى

اصلي سۇراقلر

- اۋزبېك ادبى تىلىدە قنچە اونلى تاووش قبول بۇلگن؟
- قدىمگى توركى تىلدە قنچە اونلى تاووش موجود اېدى؟
- قدىمگى توركى تىل و اېسكى توركى تىلدە گى تاووشلر قىسى قانونىت اساسيدە شكىللنگن اېدى؟
- بو گونگى اۋزبېك تىلىدە قنچە اونلى تاووش موجود؟

فرعي سۇراقلر

- توركى تىلدە موجود بۇلگن سىنگرمونىزم قانونىتى قىسى عامللر طفىلى حاضرگى اۋزبېك تىلىدە موجود

اېمىس؟

■ حاضرگی اۆزبېک تېلېدە اونلى تاووش سانى قنچە اېكنلىگى قىد اېتىلگن؟

تدقيق فرضيه سى

اۆزبېک تېلېدە سىنگرمونىزم قانونىتى بوزىلىشى، قديمگى و اېسكى توركى تېلەگى ھەمدە اېسكى اۆزبېک تېلېدەگى اونلى تاووشلر كېيىنگى دورلردە بېرلىشىش طفىلى ۶ تە اونلى تاووشگە ايلنگن دېگن فرضيه موجود. ايرىم سۆزلردە تورلى اونلى تاووشلر فرق اېتىلسە-دە، اولر اۆزبېک تېلى نىنگ تورلى شېوھلرى تاثيرى نتيجه سى دىر دېگن فكلر قىد اېتىلگن.

تدقيق هدفى

مذكور تدقيق نىنگ مقصد و هدفلىرى قويدە گيلردن عبارت دىر:

- اۆزبېک تېلى نىنگ اونلى تاووشلرى نىنگ تارىخى تحولىنى تدقيق اېتىش؛
- قديمگى و اېسكى توركى تېلە اونلى تاووشلر سانىنى انىقلش؛
- قديمگى توركى تېل و اېسكى توركى تېلە قيسى قانونىت اساسيدە اونلى تاووشلر عمل قىلگىنىنى تدقيق اېتىش؛
- اېسكى اۆزبېک تېلېدە قنچە اونلى تاووش موجودلىگىنى معلوم قىلىش؛
- اېسكى اۆزبېک تېلېدەگى اونلى تاووشلر قيسى عامللر سببلى حاضرگى اۆزبېک تېلېدە كم بۆلگنلىگىنى انىقلش؛
- حاضرگى اۆزبېک تېلېدە قۇللنىلەياتگن سۆزلرگە اوچرەيدىگن اونلى تاووشلرنى انىقلش.

تدقيق روشى: اوشبو مقاله دە كتابخانه تدقيق يۇسنىيدن فايده لنىلەدى ھەمدە تېل شناسلىك نىنگ دىكرونىك و سىنكرونىك تېكشىرىش مېتودىدن قۇللنىلەدى.

قديمگى توركى تېل و اېسكى توركى تېلە اونلى تاووشلر سانى

اۆزبېک تېلى تورلى قتلەلرى نىنگ (تاووش، سۆز، سۆز بىرىكمە سى و گپ) تارىخى حالتىنى اۈرگنماقچى بۆلگندە، اۆزبېک تېلى تارىخىنى دورلشتىرىش مسأله سى بىلن باغلىق حالتدە اۈرگنىشىنى تقاضا اېتەدى. اۆزبېک تېلىنى شرق شناس و فىلولوگ عالمر تورلىچە دورلشتىرگنلر. اولر نىنگ دورلشتىرىشلىرىنى خلاصە شكىلدە: ۱۱- عصرگچە بۆلگن دور - قديمگى توركى تېل، ۱۱-عصر دن ۱۴-عصرگچە بۆلگن دور - اېسكى توركى تېل، ۱۴-

اۋزىك تىلې، كېي، دورلرگە بۇلىش ممكن.

اۋزىبك تىلى نىنگ تورلى دورلىرىدە تورلى سانگە بۇلگن.

ü, u, θ لینگن: اونیلر دیر (عبدالرحمانوف، ناصر ۱۹۸۹، ۳۳-ست).

ətak - ابتک، əlak - ابلک، əl - ابل، کیے۔

مثلاً: yirik - بیریك، əlik - اېلیك (قۇل)، bəşik - بېشیک کبی.

ایتیلهدی: üzüm - اوزوم، üzük - اوزوک، bütün - بوتون، ülüş - اولوش کبی.

(ہول)، ətük، اوتو / اوتے، bəlük - بولک کیے۔

آل، arqa - آرقہ، qara - قرہ / قارہ کیے۔

1: آغیز دپیرلی یاپیلگن، لبلر ایکی یانگه تارتیلگن، تیل آرقه گه آلینگن حالتده تلفظ ایتیلهدی: It - ایت، til - تیل، inandım - ایناندیم کبی.

u: آغیز دپیرلی یاپیلگن، لبلر چۆچە یگن، تیل آرقه گه آلینگن حالتده تلفظ قیلینه دی: us - بورگیت، urug' - اوروغ، usnatmak - اؤخشتماق کبی.

o: آغیز u نى تلفظ اېته ياتگندن كۆره كېنگراق (كۆپراق)، لېكن a نى تلفظ اېته ياتگندن كۆره تارراق (كمراق) آچیلگن، لبلر چۆچە یگن، تیل آرقه گه آلینگن حالتده تلفظ ایتیلهدی: ot - اوت (الاو)، on - اؤنگ، ordu - اوردو، oxşag' - اؤخشش کبی (نعمتوف، حمید، ۱۹۹۲، ۱۷ - ۱۸ - بېتلر).

اېسكى تورکي تیلده هم مذکور اونلی تاووشلر سقلنگنلیگی تأکیدلنیلسه-ده، ایریم فیلولوگ عالمیر جمله دن، غنی عبدالرحمانوف و باشقه لر هم مؤلفلیگیده یازیلگن «اؤزبېک تیلی نینگ تاریخی گرامه تیکه سی» ناملی اثرده اېسكى تورکي تیلده ۹ ته اونلی تاووش موجود دېب قید اېتیلگن. ۹- اونلی صفتیده ā (ā/ā) اونلیسینی قید اېتیلگن (عبدالرحمانوف، غنی و باشقه لر، ۲۰۰۸، ۴۶-بېت). البته، بونی اېسلتیش ضرورکه، اېسكى تورکي تیلده خصوصاً ۱۲-عصرده گی بعضی اثرلر جمله دن، «دېوان حکمت» ده ā (ā/ā) اونلی تاووش موجود بؤلگن:

«يا رَبَّنَا، فَاعْفِرْ لَنَا، ذُنُوبَنَا»

گناهیمغه اقرار بؤلوب کېلدیم منا.

قهر آیله سنگ، قاهر سنا، قادر سنا،

لطف آیله سنگ، یوز مینگ عاصی خندان بؤلور.

دېمک، قدیمگی تورکي تیلده ۸ ته اونلی تاووش موجود بؤلېب، اولر سینگرمونیزم قانونیتی اساسیده عمل قیلگن و اېسكى تورکي تیل دوریگه کېلیب، اونلی تاووشلر ۹ ته گه یېتگن بؤلېب، بو دورنینگ سؤنگی عصرلریگه قدر سینگرمونیزم و تاووشلر نینگ قتیق-یومشاقلیک قانونیتی بوزیله باشله گن.

اېسكى اؤزبېک تیلی و حاضرگی اؤزبېک تیلیده اونلی تاووشلر تحولی

اېسكى اؤزبېک تیلیده گی اونلی تاووشلر حقیقه تورلی فکرلر موجود. جمله دن، غنی عبدالرحمانوف و باشقه لر هم مؤلفلیگیده یازیلگن «اؤزبېک تیلی نینگ تاریخی گرامه تیکه سی» اثریده اېسكى اؤزبېک تیلی (۱۴ -

۱۹-عصرلر) يازمه منبعلىرىدە ۱۰ تە اونلى تاووش a, ā, (o), ä, e, ö, u, ü, i, ı, ۱ موجود دەپ قىد اېتىلگن (عبدالرحمانوف، غنى و باشقەر، ۲۰۰۸، ۴۶-بېت).

اېسكى اۋزبېك تېلى (۱۴ - ۱۹-عصرلر) باشقە دورلردن كۆرە كۆپراق عرب و فارس تېللىرى بىلن جودە يقين علاقهده بۇلىپ، اولر نىنگ فونېتىكىسى تائىرىدە اونلىلر سانى كۆپەيە بارگن. اېسكى اۋزبېك تېلىدە (خصوصاً نوایى اثرلرى تېلىدە) ۱۴ تە اونلى تاووش موجود بۇلگن. اولر a, ā, ä, e, ö, u, ü, i, ۱, ı, ۱ اونلى تاووشلرىدن عبارت دیر. بونى نوایى نىنگ «محاکمة اللغتين» اثرىدە گى كېلتىرىلگن معلوماتلردن انىقلىش ممكن.

نوایى «محاکمة اللغتين» فېلولوژىك اثرىدە شونەدى كېلتىرەدى: «... تور (tor) كه دام دور. ينه تور (tör) كه اندین دىقراق دوركه قوش اولتورور يىغاچ دور. و تور (tör) كه اندین دىقراق دور، اوى نىنگ تورى دور. و تور (tör) كه برچه دین اریق دور، تورلوغنى يا اېشكىنى تورمك اوى دور» دەپ تورته و او حرفى بىلن يازىلەدیگن اونلى تاووشنى فرق اېتگن، همدە ى (يا) حرفى بىلن افادەلنەدیگن اوچ اونلى تاووشنى هم فرقلى اېكنلىگىنى قىد اېتەدى: «... تېر (ter) كه تېرمك معنى سى بىلە دور. تېر (tër) كه اندین دىقراق دور اول دوركه سارتلر انى عرق و خوى دېرلر. و تېر (tîr) كه بارىدین اریق دور، اۇق معنى سى بىلە دور» (علیشېر نوایى، ۱۳۸۸، ۲۱-بېت).

اۋزبېك تېلىگە عربچە-فارسچە سۆزلر كىرىپ كېلىشى بىلن a اونلى تاووش اۋرنىدە ā (O, /ā/) اونلى تاووشى كىرىپ كېلدى. a و ā (o) اېسكى توركى (خصوصاً ۱۲-عصر یرمىدن ۱۴-عصرگچە) و اېسكى اۋزبېك تېلىدە عربچە-فارسچە آتلىرىنىنگ كۆپلىك شكلى ادب - آداب (āḍāb - adab)، طاعت - طاعات (tāat - tāāt) كى سۆزلر آرقەلى كىرىپ كېلە باشلەگن و كېنىگى عصرلرگە كېلىپ توركى سۆزلرگە هم تائىر اېتىپ، ā (O, /ā/) اونلى تاووشى پىدا بۇلگن.

a اونلى تاووشى حاضركى اۋزبېك تېلىدە گى ā (o) تاووشىگە اۋتىشى قندەدىر بىر معین و قطعى قانونیت بىلن بېلگىلەنمەيدى، چونكه قديمگى توركى تىلدە و حاضركى توركى تىللردە ā (o) اونلى تاووشى يۇقلىگى بىلن مستقل توركى فونیم حسابلىنمەى، بلكه a اونلى تاووشى نىنگ عرب-فارس تىللىرى تائىرىدە پىدا بۇلگنلىگى سببلى پىدا بۇلگن دەپ قرەلەدى.

اېسكى اۋزبېك تېلىدە گى اونلى تاووشلر كېنىگى عصرلرگە كېلىپ، ايرىملرى بىر-بىراوىگە چتىشىش آرقەلى تحولگە اوچرەگن. مثلاً: ä, ë, î اونلى تاووشلرى e اونلى تاووشىگە اۋتە باشلەگن، همدە o (o'), ö, ò, õ اونلى تاووشلرى هم o (o') و ö اونلى تاووشلرىگە اۋتگن.

قرەلەدىگن سۆزلرنى كېلتىرەدى. ايشانچ حاضرگى اۋزبېك تېلىدە (اۋزبېكستاندە) قبول بۇلگن ۶ تە o, a, i, u, o', e اونلى تاووش حقيده مفصل تۇختلەدى. بيراق ۳ تە اونلى تاووش حقيده سۆز يورېتمەيدى. كېلتىرىلگن شكىلداش سۆزلردەگى ü, u, o', ö اونلى تاووشلر فرقلىنىپ، ۸ تە اېكنلىگى معلوم بۇلەدى: a, o, i, u, ü, o', e (ايشانچ، ۱۳۹۳، ۷۰).

پوهنوال ضياالدين ضيا قىصاري نىنگ «تېل شناسلىككە كىرىش» معروضەلر متنىدە (لكچرنوتيدە) افغانستان اۋزبېكلرى تېلىدە ۸ تە اونلى تاووش موجودليگىنى قيد اېتەدى. اولر a (kar), ā (alifbā), ı (tıl), i (ish), e (sher), o (ozbek), ü (türki, yük), u (uyqu, urush) كى اونلى تاووشلردن عبارت دىر (قىصاري، ۱۳۹۱، ۲۷ - ۲۸).

توركيە تېل شناسلىرى، جملەدن، پروفېسور احمد بوران و دوكتور اېرجان الكيەلر نىنگ “Çağdaş Türk Lehçeleri” («چاغداش توركي لهجهلر - تېللر») اثرىدە اۋزبېك تېلىدە ۱۰ تە اونلى تاووش بارلىگىنى قيد اېتەدى. بولر a, ä, å, e, i, o, ü, u, ö, u, ü اونلى تاووشلىرى دىر (بوران و الكيە، ۲۰۱۳، ۱۵۷ - ۱۵۸ - بېتلر).

توركيەلىك تېل شناسلر تمانىدن ذكر اېتىلگن تاووشلر نىنگ ۶ تەسى (ä, å, e, i, o, u) حاضرگى اۋزبېك ادبي تېلىدە موجود بۇلىپ، اولردن ۴ تەسى (a, i, ö, ü) اېسە حاضرگى اۋزبېك ادبي تېلىدە (اۋزبېكستاندە) موجود اېمس. بىز نىنگچە، اوشبو اونلى تاووشلردن a اونلى تاووشى اېسكى توركي تىلدەگى ʔ و اېسكى اۋزبېك تېلىدەگى ä اونلى تاووشى دىركە، حاضرگى اۋزبېك تېلىدەگى آلد قطار و لېنمەگن e اونلى تاووشىگە اۋتگن. بو حساب بىلن ۹ تە اونلى تاووش حلى هم اۋزبېك تېلىدە موجودليگى سېزىلەدى.

دېمك، اېسكى اۋزبېك تېلىدەگى ۱۴ تە اونلى تاووش تحولىگە اوچرەب، حاضرگى اۋزبېك تېلىدە ۹ تە اونلى تاووشگە قىسقرىگن. اولر ā, a, (o), e, o (o'), ö, u, ü, i اونلى تاووشلىرى دىر.

a: تېل آلدى، قويى كۆترىلىش، لېنمەگن قىسقه اونلى تاووش دىر: kelgan, aka, asar, parvariş كى.

ā (o): آرقة قطار، قويى كۆترىلىش، لېنمەگن كېنگ اونلى تاووش دىر: باش (bosh)، تاش (tosh)، آتە (ota)، بار (bor)، بنا (bino) كى.

e: تېل آلدى (اۋرتە)، اۋرتە كۆترىلىش، لېنمەگن قىسقه اونلى تاووش دىر: سېمىز (semiz)، تېرى (teri)، تېمىر (temir) كى.

o: تىل آرۋە، اۋرتە كۋترىلىش، لىلنگن كېنگ و قىسقە اونلى تاۋوش دىر: خوراز (xo'roz)، قۇي (qo'y)، قۇچقار (qo'chqor) كىيى.

ö: تیل آرقه، یوقاری کؤتریلیش، لبلنگن قیسقه اونلی تاووش دیر: bölak، yötal، tōshak کبی.

u: تیل آرقة، یوقاری کؤتریلیش، لبلنگن اونلی قیسقه تاووش دیر: قووانچ (quvonç)، قوده (quda)، غوج-غوج (g'uch-g'uch) کبی.

ü: تیل آرقه، یوقاری کؤتریلش، لبلنگن قیسقه و تار اونلی تاووش دیر : üç, kütmoq, tüziliş, üçün کبی.

1: تیل آلدی (اۋرتە)، اۋرتە كۋتريليش، لبلنمەگن، قيسقە و تار اونلى دىر: qısqā, tıl, qıl, qırq كېي.

i: تىل آلدى، يوقارى كۆتىرىلىش، لىلىنمەگەن، 1 اونلى تاووشىدىن چۆزىقراق تەلفۇز قىلىنەدىگەن اونلى تاووش دىر: *ikkı*، *inju*، *ilinj*، *ildiz*، *issıq* كىي.

نتیجہ

قدیمگی تورکي تیلده تاووشلر او یغونلیگی (سینگرمونیزم) و تاووشلرنینگ قتیق-یومشاقلیگی خصوصیتی طفیلی ۸ ته اونی تاووش موجود بولیب، اولر a, ə, i, u, o, θ, u, ü اونلی تاووشلری دیر. مذکور اونیلیر بیر-بیریدن تیل آلدی و تیل آرقة قطاری، تار-کېنگلیگی، لبلنگن و لبلنمه گنلیگیگه کوره فرق قیله دی. بولدرد a, i, o, u تیل آرقة، تار اونیلیری بولسه؛ ə, i, θ, ü اپسه تیل آلدی، کېنگ اونیلیر حسابلنهدی؛ a, ə, i, ü لبلنمه گن و θ, u, ü لبلنگن اونیلر دیر.

اېسكى توركي تيلده a اونلى تاووشى 0 ($\bar{a}/\bar{i}$) اونلى تاووشىگه قطعي قانونيت موجود بولمىلىگى بيلان اوته باشلې، $\bar{a}/\bar{i}$ لىشگنلىك خصوصيتى بيلان باشقه توركي تيللردن فرقلنگن. بو دورده دستلې اولگى توركي تيلده گى كى ۸ ته اونلى تاووش موجود بولېپ، عرب-فارس تيللرى تاثيريده ۹ ته اونلى تاووشگه يېتگن همده تاووشلرلرنيگ قتيق-يومشاقلىك و سينگرمونيزم خصوصيتى اېسه استه-سېكىن بوزيله باشلېگن.

اېسكى اۋزبېك تىلىدە (خصوصاً نوايى اثرلىرى تىلىدە) ۱۴ اونلى تاووش موجود بۇلىپ، ايرىم تاووشلر كېيىنگى ترقيات دورلىرىگە كېلىپ، باشقە بىر اونلى تاووشكە اۆتىپ، عملدە بو گونكى اۋزبېك تىلىدە ۹ تە اونلى تاووش موجوددىركە، اۋزبېكستاندە ۶ تە (e, o, u, i, a, o) اونلى تاووشلرى تىن آلىنگىن. جملەدن، ü, i و ö اونلى تاووشلر قىتىشگىن سۆزلر موجود بۇلسە-دە، بولرنى شكىلداش سۆزلر دېپ قرەلگىن. اېسكى توركى تىل دورىگە

سېنگرمونىزم قانونىتى بوزىلە باشلەگن بۇلىب، اېسكى اۋزبېك تېلى دورىگە كېلگونگە قدر سېنگرمونىزم قانونىتى يەنەدە كېسكىنلشىپ، نھايتدە حاضرگى اۋزبېك تېلىدە سېنگرمونىزم و تاووشلر قىتق-يوشاقلىك خصوصىتى يۇقالىپ، /آ/لشگنلىگى بىلن باشقە توركي تىللر تاووشلرىدن فرقلى حالده كېلگن.

مأخذلر

ايشانچ، ذكرالله. (۱۳۹۳). حاضرگى اۋزبېك تېلى، عالم كۆھكن اھتمامى بىلن، نگار چاپخانهسى، كابل. بىانى، اميدالله، (۲۰۲۱). اۋزبېك تېلىدە سۆز توركوملىرى (د. ش. شفيقه يارقين نىنگ يەنە كۆريشگونچە حكايەلر تۈپلىمى نىنگ قوتىلىش حكايەسى مەريالىدە اساسىدە)، ماسترلىك تيزىسى، سمرقند دولت بىلىم يورتى، اۋزبېكستان.

خواجہ احمد يسوي. (۲۰۰۴). دېوان حكمت، نشرگە تيارلاۋچى فيلولوۋى بىلىملىرى دوكتورى نادرخان حسن، ماوراءالنهر نشرىياتى، تاشكېنت.

عبدالرحمانوف، ناصر. (۱۹۸۹). قديمگى توركي تىل، اۋقيتوۋچى نشرىياتى، تاشكېنت. عبدالرحمانوف، غنى و باشقەلر. (۲۰۰۸). اۋزبېك تېلى نىنگ تاريخى گراممەتيكەسى، اۋزبېكستان فيلسوفلىرى ملي جمعيتى نشرىياتى، تاشكېنت. عبدالشكروف، بختيار بۇريوويچ. (۲۰۱۹). قديمگى توركي تىل، نوايى اونيويرسيتيتى نشرىيات-مطبعه اويى، تاشكېنت.

عليشېر نوايى. (۱۳۸۸). محاکمة اللغتين، تاشقين بهايى اھتمامى بىلن، افغان پرس، كابل. قيصاري، پوهنوال ضياءالدين. (۱۳۹۹). تىل شناسلىككە كىرىش، لکچرنوت، اۋزبېك تېلى و ادبياتى بۇلىمى، بلخ.

نعمتوف، حميد. (۱۹۹۲). اۋزبېك تېلى تاريخى فونېتيكەسى، اۋقيتوۋچى نشرىياتى، تاشكېنت.

Akçağ :baskı, Ankara Çağdaş Türk lehçeleri. 9..(2013). Buran Ahmet, Ercan Alkaya

.Yayınları



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

تحلیلی بر ضرورت تحقیق در معاملات مالی معاصر در افغانستان

پوهنیار کرامت ارشد

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات، دپارتمنت ثقافت اسلامی
تقریظ: پوهندوی شیرمحمد نبیل و پوهنوال محمد بصیر عارفی

چکیده

تحقیق در معاملات مالی معاصر به یکی از موضوعات مهم روز تبدیل شده است که مورد توجه محققان و نویسندگان قرار گرفته است، اما در افغانستان تحقیقات اندکی در زمینه انجام شده است، هدف از این تحقیق، بیان ضرورت تحقیق در معاملات مالی معاصر در افغانستان و معرفی عناصر و رویکردهای است که برای محقق معاملات مالی معاصر ضروری پنداشته می شود و یک هدف کلی برای خود تعیین کرده است که عبارت از رعایت اصول شرعی و تحقق بخشیدن به اهداف جامعه اسلامی می باشد، ضرورت تحقیق در معاملات مالی معاصر، به ویژه مسائل جدیدی مالی که قبلاً شناخته نشده است از جمله موضوعات است که ضروری پنداشته می شود، اهمیت این موضوع یافتن روشی روشن برای تحقیق به معاملات مالی معاصر می باشد که کار متخصصان معاملات مالی را آسان تر می کند تا تحقیقات ویژه ای را مطابق با احکام شریعت اسلامی تدوین کنند. روش تحقیق متکی بر رویکرد روش کتابخانه ای تحلیلی - توصیفی با تأکید بر تحلیل ضوابط و رویکردهای مختلف برای محققان معاملات مالی معاصر که با در نظر داشت گام های ذیل انجام شده است: جمع آوری، تجزیه و سپس ترتیب آن ها برای بررسی مهم ترین جنبه های موضوع و پرداختن به مسائل تحقیق می باشد. معاملات مالی معاصر؛ مسائل مالی معاصر که مردم در دوران معاصر ایجاد کرده اند؛ تنظیم ضوابط و رویکردهای تحقیق در معاملات مالی معاصر در افغانستان در مطابقت با معیارهای شرعی، شناخت مسائل مربوط به معاملات مالی رایج را برای افراد آسان تر می کند تا تحقیقات ویژه ای را برای این علم که بسیاری از افراد و مؤسسات مالی به آن نیاز دارند، تدوین کنند.

کلیدواژه ها: معاملات، مال، معاصر.

مقدمه

خداوند متعال شریعت اسلام را برای محمد صلی الله علیه وسلم برای بقاء فرستاد نه برای فنا و برای باقی ماندن آن، باید توانایی توسعه در قضایای را داشته باشد که بتواند توسعه تمدن را با وسایل جدید خود دنبال کند. ضرورت تحقیق در معاملات مالی معاصر، به‌ویژه در عصر کنونی ما که معاملات و مسائل جدیدی مالی که قبلاً شناخته‌نشده است و به دلیل عدم وجود مراجع جامع که اطلاعات ساده‌ی در مورد برجسته‌ترین این معاملات ارائه دهد؛ مخصوصاً برخی از محققان به آنچه فقهای قدیم در کتاب‌های خود نوشته‌اند علاقه‌ای زیادی دارند اما به فقه معاصر (معاملات) علاقه‌ای ندارند شکی نیست که این یک نقص است. برای اینکه احکام منظم باشد و تابع هوس مجتهدان نباشد، لازم است اجتهاد در صدور احکام برای مسائل جدید، تابع ضوابط ثابت و رویکردی روشن باشد که مشخصه آن ارجاع قضایای معاملات مالی معاصر به اصل یا عقده‌ی که شرع تعریف کرده است و فقهاء به آن تعامل دارند، مثل قیاس کارتهای اعتباری به کفالت که تمام احکام کفالت می‌تواند در مورد او تطبیق شود و قیاس آن به وکالت که تمام مفاد احکام وکالت می‌تواند در مورد او قابل تطبیق باشد و نظیر این‌ها...

بیان مسأله: تحقیق در معاملات مالی معاصر به یکی از موضوعات مهم روز تبدیل شده است که موردتوجه محققان و نویسندگان در کشورهای اسلامی قرار گرفته است، اما در افغانستان تحقیقات اندکی در زمینه انجام شده است، تنظیم معیارهای تحقیق در معاملات مالی معاصر در مطابقت با موازین شرع، شناخت مفاد مربوط به معاملات مالی را برای افراد آسان‌تر می‌کند تا تحقیقات ویژه‌ای را مطابق به عصر و زمان برای این علم که بسیاری از افراد و مؤسسات مالی به آن نیاز دارند، تدوین کنند. فراگیری اصول تحقیق در معاملات مالی معاصر، امری است که نیاز به زمان و مهارت باره‌نمایی دارد و همین امر باعث شده است که دانشگاه‌های خاص برنامه‌های درسی خود را متناسب با نیاز عصر تدوین کنند که همانا پرداختن به معاملات مالی معاصر است.

اهمیت تحقیق: اهمیت این موضوع یافتن روشی روشن برای تحقیق به معاملات مالی معاصر می‌باشد که کار متخصصان معاملات مالی را آسان‌تر می‌کند تا تحقیقات ویژه‌ای را برای این علم که بسیاری از افراد و مؤسسات به آن نیاز دارند، مطابق با احکام شریعت اسلامی تدوین کنند همچنان بر اهمیت ارائه جایگزین‌های شرعی برای قوانین حاکم در بانک‌های ربوی تأکید می‌کند، این امر نشان می‌دهد که شریعت اسلامی در هر زمان و مکان با تغییر شرایط و تحولات قابل اجرا است.

اهداف تحقیق: هدف تحقیق مقاله حاضر؛ ارائه روش‌شناسی علمی با گام‌های عملی روشن که محقق را در دستیابی به معاملات مالی و بانکی معاصر یاری نموده تأکید بر مشارکت پوهنتون‌ها در حل مشکلات عصر و تربیت دانشجویان امروز و فقهای فردا را برای پرداختن به مسائل مالی معاصر و تحقیق درباره آن‌ها می‌باشد. در ضمن تلاش برای گسترش سطح آگاهی مردم برای دانستن حکم معاملات مالی رایج می‌باشد، همان‌طوری که موضوع به ما ثابت می‌کند که شریعت اسلامی در هر زمان و مکان معتبر است، زیرا تنها خروجی است برای آنچه بشریت در سطوح مختلف در جهان از آن رنج می‌برد.

پرسش‌های تحقیق: در این مقاله به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

- نیاز تحقیق بر معاملات مالی معاصر چیست؟
- شرایط و ضوابط تحقیق در معاملات مالی معاصر چیست؟

بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه مقاله این است که؛ معاملات مالی معاصر دیگر مانند گذشته به دادوستد سنتی متعارف محدود نمی‌شود؛ بلکه موضوع توسعه‌یافته و انواع مختلف عقود و معاملات جدید پدید آمده و برخی عقود متکی بر فناوری روز بوده و از نظر فقهی مشکلات متعددی پدید آمده که نیاز به بررسی فقهی و ضوابط شرعی دارد.

پیشینه‌ی تحقیق: موضوع مقاله در منابع فارسی کمتر مورد توجه بوده؛ اما در منابع عربی و انگلیسی که به وسیله دانشمندان معاصر نگاشته شده است، به صورت پراکنده ضمن موضوعات معاملات مالی معاصر به این بحث اشاره شده است؛ از جمله فقه معاملات مالی معاصر از دکتر محمد عثمان شبیر، فقه معاملات مالی معاصر از دکتر رفیق یونس مصری و تحقیقی از دکتر امین سالم عبدالله بن عثمان و دکتر نایف بن جمعان عبود جریدان زیر عنوان: «رویکرد تقنین در فقه معاملات مالی معاصر» می‌باشد که در مجله عرب زبان ریان به چاپ رسیده است.

روش تحقیق: روش تحقیق متکی بر رویکرد روش کتابخانه‌ای تحلیلی- توصیفی با تأکید بر تحلیل ضوابط و رویکردهای مختلف برای محققان معاملات مالی معاصر که با در نظر داشت گام‌های ذیل انجام شده است: جمع‌آوری، تجزیه و سپس ترتیب آن‌ها برای بررسی مهم‌ترین جنبه‌های موضوع و پرداختن به مسائل تحقیق می‌باشد.

۱- مفهوم شناسی معاملات مالی معاصر و عناصر آن

الف: مفهوم شناسی

۱- **تعریف معاملات:** معاملات در لغت جمع معامله و مصدر آن عامل است، برگرفته شده از عمل و یک اصطلاح کلی در هر عمل که مورد نظر مکلف باشد گفته می‌شود؛ (ابن منظور، ج ۱۲، ۱۴۱۴ ص ۴۷۴).
و تعامل به معنای معامله هم آمده است؛ در مصباح المنیر گفته شده: «و عاملته فی کلام أهل الأمصار یراد به: التصرف من البیع ونحوه»؛ (الفیومی، ب ت، ص ۳۵۴).

و اما در اصطلاح فقهی، این کلمه «معاملات» را در مورد تصرفاتی که در اصل برای تحقق مصالح بندگان و متعلق به امر دنیوی باشد، از قبیل بیع، کفالت، حواله و مانند آن به کار می‌برند و به این معنا؛ شامل ابواب سلم، اجاره، وکالت، شرکت‌ها، مزارعه، مساقات، جعاله، ضمان، عاریت و صلح و مانند آن ابواب و مسایلی است که مشمول آن‌ها می‌شود و بسیار است؛ غالباً مراد از این اصطلاح -به این معنا- ویژه معاملات مالی است. (القرشی، ۱۴۳۴ ص ۱۹).

۲- **تعریف مال:** مال کلمه است عربی و جمع آن اموال می‌باشد و در تعریف مال گفته شده: «مال هر آن چیزی است که دارای قیمت مادی بوده و مالکیت و انتفاع از آن در حالت اختیار و توانایی مجاز باشد.» (شبیر، ۲۰۰۷ ص ۱۲).

قانون مدنی در تعریف مال چنین می‌گوید: «مال عبارت است از عین و یاقنی که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد». قانون مدنی، ۱۳۵۵، ماده (۴۷۲).

۳- تعریف معاصر: معاصر از عصر گرفته شده که در لغت عربی به سه معنا اطلاق می‌گردد:

الف: الدهر والحین: عصر به معنای، وقت و زمان.

ب: من عَصَرَ الشَّيْءَ إِذَا ضَغَطَهُ حَتَّى يَحْتَلِبَ: فشردن چیزی وقتی که برای دوشیدن فشردن می‌شود.

ج: المَلَجُ: عصر به معنای پناه بردن نیز گفته شده است؛ مثلاً: اعتصر بالمكان؛ أَى التَّجَاءُ به. پناه بردن به آن (عمر، ۲۰۰۸، ۱۲۴۰).

از نظر محقق، تعریف نخست معاصر که به (زمان و وقت) معنی شده است بهتراست، چون با موضوع تحقیق حاضر ارتباط دارد. از تعریفات معاملات مالی معاصر چنین خلاصه می‌شود که: معاملات مالی معاصر؛ مجموعه از احکام شرعی برای مسائل مالی است که در عصر ما پدید آمده و وجود داشته است.

۴- تعریف معاملات مالی معاصر به عنوان یک علم مستقل: در تعریف معاملات مالی معاصر گفته شده

«معاملات مالی معاصر مسائل مالی معاصر که مردم در دوران معاصر ایجاد کرده‌اند، یا مسائلی که در نتیجه تحول و تغییر شرایط، لازمه قضاوت را تغییر داده‌اند؛ یا مسائلی که نام جدیدی دارند؛ یا مسائلی که متشکل از چندین اشکال قدیمی‌اند.» (شبیبر، ۲۰۰۷: ۱۵).

ب: عناصر معاملات مالی معاصر

از تعریف قبلی شبیبر در مورد معاملات مالی معاصر چنین برمی‌آید که معاملات مالی معاصر شامل چندین عنصر است، (همان، ۱۶-۱۷) عبارت‌اند از:

۱) مسائل مالی که مردم در عصر حاضر مطرح کرده‌اند: در عصر تشریع و در عصر اجتهاد شناخته نشده

بود، مانند اسکناس، شرکت‌های سهامی و غیره که مردم شرق و غرب مطرح کرده‌اند و نیاز به حکم فقهی دارد.

۲) معاملات مالی که در اثر توسعه و تغییر شرایط اوضاع و احوال باعث تغییر دلیل حکم می‌شود:

تغییر حکم در آن‌ها اشکال ندارد و به همین دلیل فقها تأکید دارند «تغییر احکام بر اساس تغییر زمان و شرایط مختلف اشکالی ندارد» (الزحیلی، ج ۱، ۲۰۰۸ م، ص ۳۵۵).

در کتب فقهی اجتهادات فراوانی وجود دارد که بر اساس وسایل زمانی عصر قدیم گذاشته شده است که دستخوش تغییر و تحول شده‌اند، بنابراین در تغییر آن اجتهادات اشکالی ندارد. به همین دلیل است که امام قزافی مالکی می‌فرماید: «رکود بر اموال هرگز گمراهی در دین و جهل به نیت علمای اسلام و سلف نیست». (القزافی، ج ۱، ص ۱۷۷)؛ و از مصادیق آن فقها شرط گذاشته‌اند که پس از فروش ملکیت عقاری کلید به خریدار تحویل داده شود، اما امروزه پس از تشکیل دفتر املاک، ثبت در آن کافی است (شبیبر، ۲۰۰۷، ص ۲۴).

۳) مسائل مالی که نام‌های جدیدی دارند: آن‌ها در اصل انواعی از معاملات مالی قدیمی هستند، علماء

حکم آن را توضیح داده‌اند، مثل سود بانک‌های تجارتي که شرعاً حرام است، همچنان اوراق سرمایه‌گذاری و اوراق قرضه

حرام است و تغییر نام مستلزم تغییر حکم آن‌ها نیست و تغییر نام ممکن است به خاطر فریب و تدلیس باشد و این عمل قطعاً جایز نیست؛ چنانچه رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم فرموده‌اند: «لا تذهب الیالی و الایام حتی تشرب فیها طائفة من أمتی الخمر، یسمونها بغير اسمها» (ابن ماجه، ب ت، ص ۳۶۷). ترجمه: شب‌ها و روزهای (این دنیا) نخواهد رفت (و به پایان نخواهد رسید) تا اینکه در آن‌ها گروهی از امت من شراب بنوشند، بانامی که آن‌ها (علاوه از شراب)؛ بر آن می‌گذارند.

۴) معاملات مالی مرکب از چندین صورت قدیمی می‌باشد: مانند بیع مرابحه امر به شراء؛ درین نوع

مرابحه فقهی بانکی و عصری؛ مشتری به اداره تمویل مالی و سرمایه‌گذاری اسلامی مراجعه نموده و درخواست خریداری یک جنس معین را با ذکر تمام مشخصات آن به اداره مذکور تسلیم می‌دهد... که شامل چندین شکل است:

- قرارداد فروش بین تمویل اسلامی و مشتری
- وعده مشتری مبنی بر خرید مال مرابحه
- بیع مرابحه به شرطی که مشتری برای پرداخت اقساط مال یا جنس بیش از قیمت روز خریداری کند.

۵) فقه معاملات مبتنی بر علل و مصلحت است: از اینکه شرع از بیع و معامله جلوگیری نکرده است مگر

آنچه مشمول ظلم بوده است که اساس حرمت ربا، احتکار و فریبکاری و امثال آن‌هم همین است و مسائلی که بیم آن داشت موجب درگیری و دشمنی بین مردم شود که غرر هم بر همین مبنا حرام شده است؛ پس ممانعت درین حوزه موجه و قابل فهم است. اگر علت فهمیده شود، حکم با آن می‌چرخد وجود وعدم آن (قرضاوی، ۲۰۰۱، ص ۲۰).

امام شاطبی رحمه‌الله می‌فرماید: «اصل در عبادت برای مکلف، تعبد است نه معانی آن و اصل در عرف و عادات (معاملات)، توجه به معانی آن است» (شاطبی، ب ت ص ۳۰۰).

و اصل معاملات را برای دور زدن اسباب و مصالح و مقاصد با دلایل متعددی استنباط می‌گردد که از آن جمله به استقراء اشاره کنیم؛ امام شاطبی رحمه‌الله به توضیح آن می‌فرماید: «اگر مصلحت شارع را برای بندگان و احکام معاملات دقت کنیم، هر جا که می‌رود معاملات با او می‌چرخد، پس می‌بینید در شرایطی که مصلحت نیست یک‌چیز حرام است و اگر مصلحتی باشد جایز است، مانند درهم در برابر درهم برای مدتی در بیع حرام و در قرض جایز است». (شاطبی، ب ت، ص ۳۰۵).

امام شاطبی -رحمه‌الله- دلایل رعایت علل و مصالح در معاملات را از آیات زیر استدلال می‌کند: (أیهاالذین آمنوا لا تأكلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم... (النساء: ۲۹).

ترجمه: «ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتی باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)».

وقوله تعالی: (یا أیهاالذین آمنوا إنما الخمر والمیسر والأنصاب والأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون) (المائدة: ۹۰). ترجمه: «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطان‌اند، پس از آن‌ها دوری گزینید باشد که رستگار شوید».

۲- رویکرد برای رسیدگی به معاملات مالی معاصر و اصول تحقیق در مسائل مالی معاصر

الف: صلاحیت پاسخگویی برای تحقیق در مورد معاملات مالی معاصر

ابواسحاق شاطبی مالکی رحمه الله می‌فرماید: «واقعیت در هستی محدود نیست، پس ورود به آن با دلایل محدود صحیح نیست و برای این امر لازم بود باب اجتهاد از قیاس و غیر آن باز باشد.» (شاطبی، ب ت، ص ۱۰۴).

از کلام امام چنین برداشت می‌شود که پرداختن به مسائل جدید به‌طور عام و معاملات مالی معاصر به‌طور خاص، منوط به داشتن اهلیت اجتهاد است که شرایط زیر را می‌طلبد (شبیبر، ۲۰۰۷، ص ۲۳-۲۴):

- ۱- آشنای با علوم قرآن کریم: محقق مسائل مالی معاصر باید به موضوعات آیات احکام، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، اسباب نزول مکی و مدنی آشنای داشته باشد.
- ۲- آشنای به علم سنت نبوی: محقق معاملات مالی معاصر باید به مواضع احادیث احکام، صحیح و ضعیف، جرح و تعدیل آشنای داشته باشد.
- ۳- شناخت زمینه‌های اجماع و محل اختلاف احکام فقهی.
- ۴- آشنای با علم اصول فقه و قواعد زبان عربی.
- ۵- فقیه النفس بودن: محقق باید دارای قوه فقهی باشد تا به او کمک بکند در مسائل فقهی و استنباطی احکام و وجود بدهات در آن‌ها را بشناسد و فروع متشابه را از ابزار اختلاف و مانع تشخیص دهد و آن‌ها را جمع کرده بتواند با علل اشباه و نظایر به‌طوری که این چیزها تبدیل به یک ملکه موجود در خود می‌شود.
- ۶- در گفتارش امین و در دین اش عادل باشد و از گناهان کبیره بپرهیزد و اصرار به گناهان صغیره را ترک کند.
- ۷- باید با مقاصد شریعت آشنایی داشته باشد که در فهم مقصود شارع از تشریع احکام قوت می‌بخشد و در اهتمام به خود به آن‌ها توجه می‌کند.
- ۸- در استخراج احکام از مسائل منصوص علیها در فقه مجتهدین قادر باشد.
- ۹- آگاهی از واقعیت‌ها و شرایط پیرامون آن.

ب: اصول تحقیق در مسائل مالی معاصر

دکتر محمد عثمان شبیر مراحل ده‌گانه را ذکر کرده که محقق در مورد قضایای معاصر به‌طور عام و معاملات مالی معاصر به‌طوری که باید از آن‌ها پیروی کند تا تحقیق او مطابق با حقیقت باشد که به شرح زیر است (شبیبر، ۲۰۰۷، ص ۲۴-۲۹).

- ۱- توسل به درگاه خداوند با تضرع و ذکر برای گشودن موضوع و درک دقیق موضوع معاصر که با آن بتواند با اطمینان کامل حکم کرد.
- ۲- در دقیق موضوع مورد معاصر تا بتواند با اطمینان کامل حکم کرد.
- ۳- ارائه موضوع مالی جدید در نصوص شرعی از قرآن، سنت نبوی و اجماع.
- ۴- ارائه موضوع مالی جدید در اقوال صحابه و اجتهادشان.

- ۵- جستجوی حکم قضیه جدید مالی در اجتهادات ائمه مذاهب فقهی.
- ۶- جستجوی قضیه جدید در کتب فتاوی قدیم و معاصر برای احتمال وقوع سوابق و نوازل فقهی که در مورد آن‌ها فتوی داده شده است.
- ۷- تحقیق در مورد قرارهای مجامع فقهی و کنفرانس‌های تخصصی فقهی.
- ۸- تحقیق در پایان‌نامه‌های علمی تخصصی مانند پایان‌نامه‌های دکتری و ماستری در بخش شریعت و فقه اسلامی.
- ۹- اگر محقق حکم مورد جدید را در موارد فوق پیدا نتوانست، از نظر موضوع باید، با در نظر داشت فواید و ضررهای ناشی از آن تجدیدنظر کرد.
- ۱۰- اگر محقق در مورد قضیه جدید به حکم شرعی نرسید، از اصدار فتوی اجتناب ورزد، شاید خداوند از میان علماء کسانی را آماده کند به فتواهای مربوط به آن پاسخ ارائه کرده بتوانند.

۳- روش انتخاب منابع در معاملات مالی معاصر و ضوابط ترجیح در آن

شکی نیست که علم معاملات مالی معاصر به یکی از علومی تبدیل شده است که منابع و مراجع تخصصی خود را دارد و کتابخانه‌ای را نمی‌توان بدون داشتن تعدادی این منابع پیدا کرد و محقق در امور مالی معاصر منابع مختلفی را در اختیار خواهد داشت که برای حل مسئله و جهت دستیابی به یک فرمول مناسب برای ترتیب آن به آن‌ها مراجعه کند. این منابع را می‌توان به بخش‌های مختلف تقسیم کرد.

الف: منابع معاملات مالی معاصر

- (۱) منابع اولیه و اصلی: کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم.
- (۲) کتب فقه و فتاوی مکاتب فقهی چهارگانه. کتب فقهی شامل چهار مکتب (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) بر اساس اجتهادات ائمه این مکاتب می‌باشد، برخی از مسائل مالی معاصر در کلام فقها ذکر و منشأ دارد.
- (۳) منابع جدید معاصر که بر سه نوع است:

الف: کتب فتاوی فقهی معاصر: مثل فتاوی الأزهر و فتاوی هیئت علمای ارشد در عربستان سعودی و سایر فتاوی مجالس فتوا در کشورهای عربی و اسلامی یا آن دسته از فتاوی که در مجلات تخصصی فتوایی مانند مجله الأزهر و هدی الاسلام والوعی الاسلامی و مجله الأمه و غیره به نشر می‌رسد.

ب: قرارهای شوراهای فقهی و سمینارهای تخصصی؛ مانند اکادمی تحقیقات اسلامی در مصر، شورای علمی در هند، شورای فقه اسلامی در جده، مرجع بین‌المللی زکات، شورای فقه اسلامی اتحادیه جهانی مسلمانان و شورای اروپا برای فتوا و غیره.

ج: کتاب‌های تخصصی معاملات مالی معاصر؛ و این کتاب‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

اول: کتاب‌هایی که در مورد یک موضوع خاص یا موضوعات مالی معاصر بحث می‌کنند و بر دو نوع هستند.

الف: پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد یا دکتری، مانند کتاب: «قراردادهای تأمین مالی جدید در بانک‌های اسلامی»، از دکتر حامد علی میره رساله دکتری، به زبان عربی و غیره.

ب: کتاب‌هایی که بسیاری از مسائل مربوط به معاملات معاصر را جمع‌آوری می‌کند؛ مثل: فقه معاملات مالی معاصر از دکتر محمد عثمان شبیر، معاملات مالی معاصر از دکتر وهبه زحیلی، فقه معاملات مالی معاصر از دکتر سعد الخثلان، فقه معاملات مالی معاصر از دکتر رفیق یونس المصری، کتاب پژوهشی در فقه معاملات مالی معاصر از دکتر علی القره داغی، کتاب در فقه معاملات مالی بانکی معاصر قرائتی جدید، از دکتر نذیه حماد، فقه معاملات مالی جدید از دکتر عبدالوهاب أبو سلیمان و پژوهشی فقهی معاصر از دکتر محمد عبدالغفار الشریف و غیره.

دوم: کتاب‌هایی که به موضوع خاصی مربوط به معاملات مالی معاصر می‌پردازند. مثل: کتاب: تطور الأحكام الفقهية فی القضايا المالية، (توسعه احکام فقهی در امور مالی) از دکتر محمد طارق الجعبری و الأحكام الفقهية للتعاملات الالكترونية، (احکام فقهی برای معاملات الکترونیکی، از دکتر عبدالرحمن السند؛ و کتاب استثمار الصکوک الاسلامیه؛ (سرمایه‌گذاری در صکوک اسلامی) از استاد ابوبکر توفیق فتاح و غیره.

۲: ضوابط ترجیح در معاملات مالی معاصر

از مهمترین ضوابط ترجیح در مسائل مالی معاصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول: عدم اتخاذ مذهب خاصی در ترجیح دیدگاه

از علوم شرعی که در عصر کنونی ما تبدیل به رشته‌های علمی شده است که در دانشگاه تدریس می‌شود (فقه مقارن) است که بر گونه‌ای از عرضه فقه اطلاق می‌گردد که در آن، آراء و دیدگاه‌های مختلف فقها در بیان حکم مسئله‌ای شرعی، همراه دلیل هر دیدگاهی و گزینش و ترجیح نظریه درست با دلیل، گردآوری می‌شود؛ بنابراین، تحقیق در معاملات مالی معاصر نه باید منوط به قول یکی از مکاتب فقهی باشد و نه راجع‌ترین آن‌ها؛ زیرا محدودیت از گستردگی فقه اسلامی می‌کاهد و او را از بهره‌مندی از نظرات راجع سایر مکاتب فقهی نیز محروم می‌کند. همچنین مقید بودن به مذهب معین، مانع بهره‌گیری از نظرانی می‌شود که در پرتو تغییرات زمان و مکان به مصالح عملی و سود واقعی منتهی می‌شود.

دوم: توجه به مقاصد شرعی و رفع حرج و تسهیل برای مکلفان

از آنجاکه معاملات عبارت است از مجموع اقدامات مالی، اقتصادی و تجاری که مردم به منظور مبادله منافع و استحقاق و تحصیل خود به آن انجام می‌دهند مشروع شده است که تنظیم‌کننده زندگی مردم و تأمین‌کننده منافع که موجب ادامه حیاتشان است می‌شود رسیدگی کرده و نیازهای آن‌ها را برآورده کند؛ در کل یک سلسله اصول اساسی که برای اصلاح آن‌ها تشریع شده است.

سوم: اعمال قاعده اصل در معاملات مباح است

در مورد شروط و قراردادهایی که افراد در دادوستد با یکدیگر ایجاد می‌کنند اصل بر مباح بودن آن‌هاست؛ و چیزی جز نص صریح و دارای دلیل متقن مانع از آن نمی‌شود و بقیه بر اصل جواز باقی می‌ماند. در کل جواز هر شرط و عقد و معامله‌ای به‌عنوان رحمتی از او ساکت شده است بدون اینکه آن را فراموش کند یا غفلت کند. (الریسونی، ۲۰۰۷، ص ۷۳).

جوازی که مبنای معاملات است، باید بر اساس آنچه در قرآن و سنت و اجماع آمده و مطابق با احکام مقاصد کلی شرع باشد، ارائه شود.

چهارم: بررسی پیامدهای معاملات معاصر

احکام شرعی مبتنی بر نتیجه است؛ لذا تحقیق در معاملات مالی باید بر این اصل باشد، مانع از بهانه و نهی از گرایش باشد... زیرا اسباب حرام منتهی به حرام می‌شود و ضمیمه این قاعده که: «احکام شرعی مبتنی بر احتیاط و داشتن جزم اجتناب از آنچه ممکن است راهی به‌سوی فساد است می‌شود» (ابن القیم، ۱۹۷۳، ۳۴۵/۱).

پنجم: در نظر گرفتن مصلحت مردم در معیشت و زندگی

احکام شرعی به‌طور کلی مبتنی بر حصول و تکمیل مصالح مردم و جلوگیری و به حداقل رساندن مفاسد ناشی از آن است و شارع دستور نمی‌دهد مگر آنچه را که صرفاً یا غلبه بر آن منفعت دارد و تنها از آنچه به‌طور محض یا غالب به آن ضرر دارد نهی می‌کند. (القحطانی، ۲۰۱۲، ص ۸۱).

بنابراین، محقق معاملات مالی معاصر قبل از تنظیم حکم به این مهم می‌نگرد که چالش‌های معاصر، هر قدر هم که متفاوت و متنوع باشد، احکام آن‌ها بر اساس قاعده کلی شرعی که عبارت‌اند از حفظ مصلحت و دفع فساد است پیش می‌رود و تغییر اوضاع و احوال و بحران، خلاف آن را توجیه نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و مطالعه موضوع می‌توان مجموعه‌ای از نتایج را نتیجه گرفت که به شرح زیر است:

۱. معاملات مالی معاصر، مسائل مالی که مردم در عصر جدید ایجاد کرده‌اند یا مسائلی که در نتیجه تحول و تغییر شرایط دلیل حکم را تغییر می‌دهند یا مسائلی که نام جدیدی دارند و یا مسائلی که از چندین اشکال قدیمی تشکیل شده است.
۲. تحقیق در مورد مسائل مالی و بانکی معاصر به دلیل تأثیر آشکاری که در زندگی مردم دارند، یکی از علوم ضروری است، مردم باید مسئله را از نظر ماهیت و احکام و آثار ناشی از آن بشناسند.
۳. پرداختن به مسائل مالی معاصر کار ساده‌ای نیست، بلکه مبتنی بر اصول و مبانی علمی است و تنها از طریق آن‌ها می‌توان به نتیجه‌ای مطلوب رسید.

۴. ضوابط ترجیح در معاملات مالی معاصر؛ عدم اتخاذ مذهب خاصی در ترجیح دیدگاه، توجه به مقاصد شرعی و رفع حرج و تسهیل برای مکلفان، اعمال قاعده اصل در معاملات اباحت است و در نظر گرفتن مصلحت مردم در معیشت و زندگی و غیره می‌باشد.
۵. برای دستیابی به معاملات مالی معاصر در ضمن کتاب و سنت و کتب فتاوی فقهی باید، به منابع خاص آن که عبارت است از؛ فتاوی فقهی معاصر، قرارهای مجامع فقهی و کنفرانس‌های تخصصی فقهی، سمینارهای تخصصی و پایان‌نامه‌های علمی دکتری و ماستری و سایر کتب که به مسائل مالی و بانکی معاصر می‌پردازند مراجعه کرد.

مأخذ

قرآن کریم

- ابن القيم، أبو عبدالله شمس الدین محمد بن أبی بکر بن آیوب الدمشقی (۱۹۷۳). **اعلام الموقعین عن رب العالمین**. چاپ سوم، بیروت: دارالجلیل.
- ابن ماجه، أبی عبدالله محمد بن یزید (ب ت). **سنن ابن ماجه**. الرياض: بیت الأفكار الدولیه للنشر والتوزیع.
- ابن منظور، جمال الدین بن منصور (۱۴۱۴ هـ ق). **لسان العرب**. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- الریسونی، احمد (۱۹۹۵). **نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی**. چاپ اول، واشینگتن: المعهد العالی للفکر الاسلامی.
- الزحیلی، محمد مصطفی (۲۰۰۶). **القواعد الفقهیه و تطبیقاتها فی المذاهب الأربعة**. چاپ اول، دمشق: دارالفکر.
- الشاطبی، ابراهیم بن موسی (ب ت). **الموافقات فی أصول الشریعه**. بیروت: دار المعرفه.
- شبیبر، محمد عثمان (۲۰۰۷). **المعاملات المالیه المعاصره**. چاپ ششم، الأردن: دار النفائس للنشر والتوزیع.
- عمر، احمد مختار (۲۰۰۸). **معجم اللغة العربیه المعاصره**. چاپ اول، القاهره: عالم الكتب.
- الفیومی، أبو العباس احمد بن محمد بن علی (۲۰۱۳). **المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر**. چاپ اول، القاهره: دار ابن الجوزی.
- القحطانی، مسفر بن علی (۲۰۱۲). **أحكام النوازل الفقهیه المعاصره**. چاپ سوم، ریاض: دارالاندلس الخضراء.
- القرافی، شهاب الدین احمد بن ادريس (۱۴۱۸ هـ). **انوار البروق فی انواء الفروق**. ب چ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- القرشی، عبدالله بن مرزوق (۲۰۱۳). **التفکیر الفقهی فی المعاملات المالیه المعاصره بین مراعاة شکل العقود المالیه وحقیقتها**. چاپ اول، بیروت: مرکز نماء للبحوث والدراسات.
- قرضاوی، یوسف (۲۰۰۱). **بیع المرباحه للأمر بالشراء کما تجربه المصارف الاسلامیه**. چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.
- قانون مدنی. (۱۳۵۵). جریده رسمی، شماره مسلسل (۳۵۳).



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

معرفی و نقش راویان کابل در گسترش احادیث نبوی

پوهنیار احمد فهیم توخی

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات، دپارتمنت ثقافت اسلامی

تقریظ: پوهنوال محمد یاسین فلاح

چکیده

مقاله تحقیقی هذا تحت عنوان «معرفی و نقش راویان کابل در گسترش احادیث نبوی» بوده که آن را به شکل کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآوردم. هدف از نوشتن این مقاله معرفی راویان کابل و کارکردها و زحماتشان در عرصه روایت، حفظ و نگهداری احادیث و موثریت شان در گسترش، نشر و پخش احادیث گران‌بهای رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم هست. در بخش روش تحقیق این مقاله، باید خاطر نشان نمود که به دو بخش ترتیب و تنظیم گردیده است. در بخش نخست معرفی موجز از موقعیت و تاریخ کابل و در بخش دوم معرفی مختصر راویان کابل و کارکردهایشان در بخش احادیث نبوی اعم از آثار و سفرهای علمی‌شان جهت حصول و گسترش این علم مبارک. قابل ذکر است که ولایت کابل دارای شش تن محدثین و راوی‌ها بوده که خوشبختانه همه راویان‌اش از لحاظ درجه، اشخاص قابل اعتماد نزد علمای این فن بودند و کارکردهای قابل ملاحظه را در گسترش احادیث نبوی داشتند.

کلیدواژه‌ها: حدیث، راوی، معرفی، کابل، نبوی

۱- مقدمه

الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین محمد و علی آله وأصحابه اجمعین.

قرآن کریم و سنت نبوی دو مرجع شناخت احکام اسلامی برای مسلمانان است؛ و همان گونه که خداوند جل جلاله حفظ و نگهداری کتابش از زیادت، نقصان تبدیل و تغییر تضمین نموده، به همان شکل برای صیانت سنت مطهر مردان امین و قوی را تعیین نمود و احادیث را در قلب هایشان حفظ کرده و شب روز در جمع آوری آن کوشیدند؛ قسمی که راویان حدیث را شناسایی نموده و از احوال آن ها خود را باخبر ساختند و خدمات بی شبیه را در این مورد انجام دادند.

هدف از این تحقیق نیز عدم توجه سایر نویسندگان به این مورد و تکمیل خلای محسوس علمی است که در این مقاله به شکل گسترده و همه شمول، اعم از زندگی شخصی راویان کابل، استادان و شاگردانشان با سفرهای علمی، تألیفات و درجه آن ها از لحاظ قوت و ضعف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. کسانی که در جستجوی معلومات در مورد روایات و یا شناسایی راویان متذکره هستند و یا هم اگر عده ای خواهان استفاده از داشته های این تحقیق در نوشته هایشان باشند. دیگر از سردرگمی نجات یافته و در مدت کم همه معلومات ارائه شده فوق را با تمام تفصیلات دریافت می توانند.

در اخیر خاطر نشان نمایم که ولایت کابل که امروزه پایتخت کشور عزیز ما محسوب می گردد. با داشتن تاریخ پر بار از علم و فرهنگ و دانشمندان متعدد در همه بخش ها، شش تن از راویان در بخش حدیث نیز در آغوش خود پرورانیده است که هر کدام سرآمد روزگارشان بوده و زحمات زیاد را در نشر و گسترش احادیث نبوی علیه السلام و ایجاد قوانین در سطح امت اسلامی متقبل شده اند؛ و امروز پیروان بی شمار دارند که از جمله می شود از نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) یادآور شد.

۲- بیان مسئله

نوشته هذا دارای فواید بی شماری بوده و بامطالعه آن اکثر سؤالات خواننده ها در این باب جواب میابد؛ که به شکل موجز قرار ذیل اند.

آگاهی از مرویات راویان کابل و اندازه کارکردهایشان در بخش حدیث.

ارائه معلومات در مورد تعداد راویان کابل و استادان و شاگردانشان.

دسترسی آسان به کسانی که در جستجوی معلومات، در این مورد می باشند.

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

ناگفته نباید گذاشت، تحقیقات انجام یافته در این مورد، به شکل بوده که همه راویان حدیث را قطع نظر از اماکن شان و به شکل موجز مورد بررسی قرار داده اند؛ اما این نوشته تنها راویان ولایت کابل را به معرفی گرفته و کارکردهایشان را در عرصه نشر و بخش احادیث گران بهای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم توضیح و تشریح ارائه نموده؛ که از مزایای بی شمار برخوردار است که به شکل موجز قرار ذیل می باشند:

استفاده سهل محققین این بخش از معرفت در مورد راویان کابل. آشنایی با ابعاد مختلف زندگی و کارکردها، سفرها، آثار، استادان و شاگردانشان. پر کردن خلای علمی، چون در این عرصه تاکنون به شکل مختص کار نشده است. ایجاد انگیزه برای دانشمندان این فن جهت تحقیق بیشتر در مورد زندگی نامه راویان افغانی.

۴- اهداف تحقیق

- یادآوری و بزرگداشت از کارکردها، خدمات و زحمات راویان ولایت کابل؛
- معرفی جایگاه و مکانیت راویان کابل از لحاظ قوت و ضعف؛
- تقدیم معلومات دقیق برای کسانی که در پی شناخت راویان متذکره هستند و دسترسی آسان برای ایشان؛

۵- سؤالات

سؤال اصلی: راویان ولایت کابل کی ها بودند؟

سؤالات فرعی:

- راویان ولایت کابل مجموعاً چند تن بودند؟
- راویان ولایت کابل از لحاظ درجه به کدام سطح قرار داشتند؟
- راویان ولایت کابل در کدام بخش ها تألیفات داشتند و سفرهای علمی و به کدام مناطق بود؟

۶- پیشینه تحقیق

با توجه به پژوهش های انجام شده پیرامون موضوع مورد تحقیق در این بخش کتاب و یا رساله ی مستقل به رشته تحریر درنیاوده است؛ جز اثر علمی محترم پوهاند دکتور اسرار الحی منیب تحت عنوان (الحديث والمحدثون فی افغانستان إلى القرن الرابع الهجری) که نامبرده همه راویان افغانستان را تا قرن چهارم هجری به زبان عربی به معرفی گرفتند؛ و مؤلف مذکور بنابر کثرت راویان، تنها اسم راوی، نام های تعدادی از استادان و شاگردان، سال وفات و دیدگاه دانشمندان جرح و تعدیل را در مورد راوی، به شکل موجز به معرفی گرفته؛ اما آنچه در این مقاله گنجانیده شده بحث تنها پیرامون معرفی راویان کابل است که بر علاوه موارد ذکر شده فوق سفرهای علمی راویان، تألیفاتشان و کارکردهایشان در عرصه علم حدیث و موارد دیگر به حد امکان که در نوشته های دیگران در نظر گرفته نشده گنجانیده شده است.

۷- روش تحقیق

چون موضوع مورد بحث از جمله تحقیقات نوع توصیفی بوده، به همین جهت از روش کتابخانه ای در این مقاله استفاده شده که نحوه ساختاری آن به شکل موجز قرار ذیل هست:

در گام نخست تاریخ و موقعیت جغرافیایی ولایت کابل به شکل موجز به معرفی گرفته شده. سپس راویان هر کدام با در نظر داشت نام کامل راوی، کنیه و نسبش و مشهورترین استادان و شاگردانش یادآوری شده است. بعداً نظریات محققین این فن در مورد عدالت و جرح شان بیان گردیده و در صورت موجودیت معلومات از سفرها و تألیفات و مقدار احادیثی که از

آن‌ها روایت‌شده را تحریر و در اخیر سال وفات و محل آن از کتاب‌های معتبر نوشته‌شده. در صورت عدم موجودیت سال وفات راویان متذکره، از طبقه‌شان نزد محدثین تذکر داده‌شده است.

معرفی ولایت کابل

کابل یکی از قدیمی‌ترین شهرهای دنیاست. در کتاب مقدس ویدا به نام کبه Kabha و در پارچه‌های اوستا از آن به نام کوب‌ها Kobaha یادشده است. نویسندگان کلاسیک یونانی آن را کوفن Kophen یا کوفس Kophfs و کووا ثبت کرده‌اند. کابل از دیدگاه کتاب مه‌بهاراتا هندوان، بهشت خوبی و جایگاه تفکر برای خداوندان بوده و آن را در سانسکریت به نام اردهستانه یا عبادتگاه مقدس حفظ کرده‌اند. تاریخ نویسان دوره سکندر مقدونی، کابل را به نام ارتوسپانه Artospana که همان اردهستانه Urddhastana سانسکریت است در تاریخ یونانی قید نموده که بعدها در قرن دوم میلادی این شهر را به نام کابورا Kabural یا قلب پاراپامیزاد لقب داده‌اند. در دوران شاهنشاهی کوشان بزرگ کابل به نام کاوفو یاد می‌شد، که آهسته‌آهسته به کابورامسمی گردید. که کابل شاهان از آن به نام کابلستان یادکردند.

کابلستان برای چندین قرن پیش و پس از دوره مسیح، از بامیان و قندهار در غرب تا کوتل بولان و تمام جنوب را در برمی‌گرفت که این خطه وسیع به ده علاقه داری تقسیم بوده و شهرهای کابل، غزنی، بامیان، ننگرهار، سوات، پیشاور، اپوکین، بنو و بولر را در برمی‌گرفته است.

ولایت کابل که فعلاً پایتخت افغانستان است در زون مرکزی کشور با مساحتی حدود ۲۷۵ کیلومترمربع موقعیت دارد، مرکز آن شهر کابل است. حدود اربعه این ولایت در شمال غرب با پروان، در شمال شرق با کاپیسا، در شرق بالغمان، در جنوب شرق با ننگرهار، در جنوب با لوگر و در جنوب غرب با ولایت میدان وردگ سرحد مشترک دارد ولایت کابل دارای ۴۵۸۵ کیلومترمربع مساحت بوده و بیشتر از نصف (۵۶,۳٪) آن را کوها و دشت‌های ناهموار و یک‌بر سه حصه آن (۳۷,۷٪) را زمین هموار تشکیل می‌دهد. ولایت کابل به اساس معلومات اداره احصایه مرکزی سال ۱۳۹۱ هجری شمسی در حدود (۳۹۵۰۳۰۰) نفوس داشته است. این شهر همراه با ولایات کندهار، هرات و مزار توسط شاهراه‌های حلقوی که در سرتاسر کشور امتدادیافته وصل شده است. همچنین مبدأ مسیر شاهراه جلال‌آباد که به‌سوی پیشاور می‌رود هست.

کابل دارای اماکن تاریخی، مساجد، زیارتگاه‌ها، باغ‌های تاریخی و دروازه‌های مشهور، شاعران نامی و نویسنده‌های بلندپایه هست. این ولایت که اقوام تاجک، ازبیک، پشتون و هزاره را در خود جا داده است، مردم آن اغلباً به زبان‌های دری و پشتو تکلم نموده و سنی مذهب هستند. تعدادی از اهل تشیع، هندو و سیک‌ها نیز در این ولایت بخصوص در مرکز آن اقامت دارند. دروازه‌های مشهور این ولایت عبارت از دروازه سفید، دروازه لاهوری، دروازه گذرگاه، دروازه سردار جانخان هست. کوتل‌های کابل ارغنده و خیرخانه است. مرکز این شهر، شامل بافت کهنه و قدیمی آن شده که مناطق پل خشتی، خوابگاه، کاه فروشی، مرادخانی، ده افغانان، چن‌داول، شوربازار، سراجی و باغ علیمردان را دربر می‌گیرد. ولایت کابل ۱۰۵۳ قریه و ۱۴ ولسوالی دارد که عبارت‌اند از: (ده سبز، چهار آسیاب، پغمان، موسه‌ی، قره باغ، استالف، فرزه، کلکان، گلدره، میربچه کوت، سروبی، بگرامی، خاکجبار و شکرده) همچنان شهر کابل دارای ۲۲ ناحیه هست. (واصل، ۲۰۱۷، ۲۱۳)

معرفی راویان

۱ - سالم بن عجلان افطس اموی:

سالم بن عجلان افطس اموی، تابعی مشهور، گفته شده وی اصلاً از کابل بوده که به دمشق آورده شده. نامبرده از سعید بن جبیر، محمد بن مسلم بن شهاب زهري، نافع، هانی بن قیس و ابی عبیده بن عبدالله بن مسعود روایت کرده است؛ و از وی، عمرو بن مره، اسرائیل، سفیان ثوری، لیث، مروان بن شجاع و پسرش عمر بن سالم و دیگران احادیث روایت نمودند. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۱۰، ۱۶۵)

عبدالله بن احمد بن حنبل می گوید: از پدرم در مورد سالم بن عجلان پرسیدم، برایم گفت: وی شخص موثق است. (نوری، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ۹) ابوحاتم موصوف را صدوق؛ از گروه مرجئه و ابن معین صالح الحدیث دانسته اند. (ابی حاتم، ۱۹۵۲، ج ۴، ۱۸۶) ابن حجر می گوید: نامبرده از راویان طبقه ششم بوده فرد موثق اما مرجئه بود. (عسقلانی، ۱۴۰۶ ق، ۲۲۷) ابن مدینی می گوید: از وی شصت حدیث روایت شده. (ذهبی، ۲۰۰۳ م، ج ۳، ۶۶۱) امام بخاری، ابو داود، نسائی و ابن ماجه در کتاب هایشان از وی حدیث روایت نموده اند. ابوعبدالله حاکم به روایتی از دارقطنی گفته: سالم شخص ثقة در روایت حدیث بوده و روایاتش قابلیت جمع آوری را دارد.

وی از جمله هم صحبتان امام ابوحنیفه رحمه الله بود؛ و در این مورد، از ابو داود روایت شده که فرمود: زمانی که والی عراق یوسف بن عمر فرمان داد تا ابوحنیفه رحمه الله را روزانه ده تازیانہ بزنند. در مورد با سالم بن عجلان مشورت کرد؛ اما سالم رأی مثبت نداد، بناءً یوسف از تغذیب امام خودداری نمود. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۱۰، ۱۶۶) احمد بن عبدالله عجلی در موردش می گوید: سالم شخص موثق در روایت حدیث بوده و از حامیان بنی امیه بود زمانی که خلافت به عباسی ها رسید عبدالله بن علی والی شام، وی را احضار نمود، زمانی که از دروازه مسجد حران بیرون شد. وی را به قتل رسانید. (عجلی، ۱۹۸۴ م، ۱۷۳) ابن سعد می گوید: سالم افطس شخص موثق بود و از او احادیث بی شمار روایت شده و توسط عبدالله بن علی در سال یکصد سی دو هجری در منزلش واقع در حران به قتل رسید. (دمشقی، ۱۹۹۰ م، ج ۷، ۳۳۴)

۲ - علی بن مجاهد:

علی بن مجاهدین مسلم بن رفیع کابلی کنیه اش أبو مجاهد رازی کندی. اصلاً از اهالی کابل بوده. (بخاری، ج ۶، ۲۹۷) سپس به بغداد هجرت نموده و در آنجا سکونت گزید، از جمله تصنیفاتش می توان از کتاب های (المغازی) و (اخبار بنی امیه) یادآور شد. (راغب، ج ۷، ۱۷۵) نامبرده از راویان همچون: ابی معشر مدنی، موسی بن عبده زبیدی، ابن إسحاق، یونس بن ابی إسحاق، عنبسه بن سعید رازی، حجاج بن أرطاة، سفیان ثوری و دیگران حدیث روایت نموده است. و از وی، أحمد بن حنبل، جریر بن عبد الحمید، محمد بن عیسی بن طباع، أبو صالح سلمویه، زیاد بن ایوب طوسی و دیگران روایت کرده اند. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۱، ۱۱۸)

ابو داود می گوید: از وی حدیث می نویسم و در آن عیب نمی بینم. (بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ۱۰۶) صالح بن محمد گفت: زمانی که از یحیی بن معین در مورد علی بن مجاهد پرسیده شد. وی در جواب گفت: واضع حدیث بود و کتاب مغازی را می نوشت و اسنادش را از خود می ساخت. (عسقلانی، ۱۳۲۶ ق، ج ۷، ۳۷۸) و یحیی بن ظریس نیز نامبرده را دروغ گو

معرفی نموده. (ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۶، ۲۰۵) اما ناگفته نباید گذاشت که وی از دیدگاه ابن حبان شخص موثق بود؛ از همین رو در کتاب ثقافت اش آن را ذکر نموده است. (ابن حبان، ۱۹۹۳ م، ج ۸، ۴۵۹) امام ترمذی در سنن اش از طریق جریر از وی حدیث روایت کرده که در سند حدیث متذکره جریر، نامبرده (علی بن مجاهد) را ثقة توصیف نموده. (ترمذی، ۱۹۷۵ م، ج ۱، ۷۷) وی از جمله راویان طبقه نهم بوده و بعد از سال صد و هشتاد یک هجری وفات نموده است. (عسقلانی، ۱۴۰۶، ۴۰۵)

۳ - شمر بن عطیة بن عبد الرحمن اسدی کابلی:

شمر بن عطیة بن عبد الرحمن اسدی کابلی و از اهل کوفه بود. نامبرده از زر بن حبیش، اُبی وائل، شهر بن حوشب، مغیره بن سعید بن آخرم، اُبی حازم بیاضی، سعید بن جبیر و دیگران احادیث روایت نموده است؛ و از وی: اُبو إسحاق سبیعی، أعمش، عاصم بن بهدله، فطر بن خلیفه، عمرو بن مرة و دیگران روایات متعددی حدیثی داشتند. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۱۲، ۵۶۰) ابن حبان از وی در کتاب ثقات خویش یادآور شده و نسب کابلی را به وی داده است. (ابن حبان، ۱۳۹۳ ق، ج ۶، ۴۵۰). ابوحاتم از اسحاق بن منصور روایت نموده که وی گفت: یحیی بن معین شمر بن عطیه را شخص ثقة و قابل اعتبار در روایت حدیث توصیف نموده است. (ابی حاتم، ۱۹۵۲ م، ج ۴، ۳۷۶) ابن سعد می‌گوید: شمر بن عطیه شخص ثقة بوده و احادیث صالحه از وی روایت شده. (دمشقی، ۱۹۹۰ م، ج ۶، ۳۰۹) امام ترمذی، ابو داود در کتاب المراسیل و نسائی در کتاب الیوم واللیلة از وی احادیث متعددی روایت نموده‌اند. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۱۲، ۵۶۱) شمر بن عطیه میان سال‌های یک‌صد و یازده تا یک صد و بیست هجری در زمان که خالد بن عبدالله والی عراق بود وفات نموده است. (ذهبی، ۲۰۰۳ م، ج ۳، ۲۴۷)

۴ - محمد بن عباس بن ماهان مروزی کابلی:

محمد بن عباس بن حسن بن ماهان، کنیه‌اش اُبو عبدالله مروزی معروف به کابلی مسکونه بغداد بود. وی از استادان زیادی حدیث روایت نموده که از جمله می‌توان از: عبدالعزیز بن عبدالله اویسی، عاصم بن علی، ابراهیم بن موسی فراء و دیگران نام برد؛ و از نامبرده شاگردان متعدد حدیث روایت کرده‌اند که از یحیی بن محمد بن صاعد، محمد بن مخلد، اُبو عبدالله حکیمی، اُبو عمرو بن سماک، عبدالله بن إسحاق بن خرسانی، أحمد بن کامل قاضی یادآور شد. (بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ۱۸۸) حاکم نیشاپوری می‌گوید: دارقطنی نامبرده را شخص ثقة در روایت حدیث توصیف نموده است. (مسلمی، ۲۰۰۱ م، ج ۲، ص ۵۸۶) ابن منادی در مورد محمد بن عباس می‌گوید: او از نظر قوه حافظه در سطح پایان قرار داشته و همچنان از لحاظ دین‌داری و روایت حدیث در نزد مردم آن زمان موردپسند نبوده است. (عسقلانی، ۲۰۰۲ م، ج ۷، ۲۲۵) نامبرده در سال دو صد هفتاد هفت هجری در بغداد وفات نمود. (همدانی، ۲۰۰۴ م، ج ۲، ۲۲۱) اما امام ذهبی به روایت از ابن قانع سال وفاتش را ماه رجب سال دو صد هشتاد یک هجری گفته است. (ذهبی، ۲۰۰۳ م، ج ۶، ۸۰۷)

۵ - مکحول بن اُبی مسلم، اُبو عبدالله کابلی:

مکحول بن اُبی مسلم، کنیه‌اش اُبو عبدالله کابلی، تابعی مشهور، فقیه شام و شیخ اهل دمشق بود. منزل وی در ناحیه از شهر نخست دمشق موقعیت داشت. گفته شده وی اصلاً از اولاده کسری بوده چنانچه در سلسله نسب آن می‌گویند: که پدرش زبر بن شاذل بن سند بن شروان بن کسری از مهاجرین کابل بود.

نامبرده احادیث متعدد را به شکل مرسل از نبی کریم صلی الله علیه وسلم و از ابی بن کعب، عبادۀ بن صامت، عایشه و دیگر اصحاب کرام رضی الله عنهم روایت نموده. وی از اصحاب کرام و استادان بیشمار دیگری نیز به شکل متصل احادیث روایت کرده که از جمله می توان از: ابی امامۀ، واثله بن أسقع، انس بن مالک، عبد الرحمن بن غنم، ابن مجیر، محمود بن ربیع، ابی سلام أسود، ابی إدريس خولانی، شرحبیل بن سمط و دیگران نام برد؛ و از وی شاگردان زیادی روایت حدیثی دارند که به شکل نمونه می شود از: ایوب بن موسی، ثور بن یزید، علاء بن حارث، عامر أحول، حجاج بن أرتأة، حفص بن غیلان، أوزاعی، سعید بن عبدالعزیز، ابن إسحاق، حمید طویل و دیگران یادآور شد. (عبدالحی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ۱۴۰) وی که شخص عالم و فاضل بود، جهت فراگیری علوم به عراق و مصر سفرهای داشته و اهل حدیث نیز در کتابهایشان از دانایی، صداقت و فضل وی یادآور شدند. (لخمی، ۱۹۸۰ م، ج ۲، ۶۶۱) محمد بن عبدالله موصلی وی را امام اهل شام و عجلای تابعی ثقة توصیف نموده اند. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۸، ۴۷۲) یونس بن بکیر از ابن إسحاق روایت کرده که وی می گوید: که مکحول برایم گفت که اکثر سرزمین ها را برای به دست آوردن علم پیمودم. ابو حاتم می گوید: من شخص فقیه تر نسبت به مکحول را در شام نیافتم.

ابن زید می گوید: از زهری شنیدم که می گفت: علماء تنها چهار تن اند، سعید در مدینه، شعبی در کوفه، حسن در بصره و مکحول در شام. سعید بن عبدالعزیز در مورد دانایی وی در فقه می گوید: نامبرده نسبت به زهری فقیه تر است؛ و زمانی که از وی سؤال می شد، لاحول ولا قوة إلا بالله را خوانده بعداً می گفت این دیدگاه من است احتمال خطا و صواب را دارد.

إسماعیل بن عیاش از تمیم بن عطیة روایت کرده که گفت: آنچه از مکحول در جریان سؤال کردن زیاد می شنیدم کلمه (نمی دانم) بود. همچنان درباره مکحول روایت شده که وی گفت: اینکه اگر گردنم زده شود دوست داشتنی تر است از این که قاضی مقرر کنند؛ و قضاوت برایم محبوب است از اینکه مسئول بیت المال مسلمانان شوم. (ذهبی، ۲۰۰۳ م، ج ۳، ۳۲۲) بنابر اختلاف دیدگاه ها وی در سال یکصد و سیزده یا یکصد و چهارده هجری در دمشق وفات نموده است. (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۵، ۴۷۴)

۶ - نعمان بن ثابت:

پیشوای اهل رأی، ابوحنیفه نعمان بن ثابت زوطی، از اصل، فارسی است. جدش زوطی در کابل و به قولی در «نسا»^۱ و عده هم به این باوراند که در بابل زاده شده اما خود ابوحنیفه رحمه الله در کوفه در سال ۸۰ هجری ولادت یافته. (بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ۴۴۷) وی دو تن از اصحاب کرام را دیده و از ایشان حدیث روایت نموده چنانچه حسین بن علی، أبو عبدالله الصیمری حنفی با سند خود از طریق ابو یوسف از امام ابوحنیفه روایت می کند که از عبدالله بن حارث شنیدم که گفت از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود. «من تفقه فی دین الله كفاه الله همه ورزقه من حیث لا یحتسب» (اصبھانی، ۱۴۱۵ ق، ۲۵) یعنی (کسی که دین خدا را میاموزد، الله متعال غم و نگرانی وی را دور ساخته و به او از جای که تصورش نمی کند روزی می رساند.) همچنان حدیث دیگری را با سند خودش از طریق ابو یوسف از امام ابوحنیفه رحمه الله روایت دارد که وی فرمود از انس بن مالک شنیدم که وی فرمود از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند:

۱. اسم شهری است در خراسان که امام نسایی نیز از همان شهر بوده. معجم البلدان (۵/ ۲۸۲)

«الدال علی الخیر کفاعله والله یحب إغائۀ اللفهان» (حنفی، ۱۹۸۵، م، ۱۸) یعنی (پاداش رهنمای کار نیک مانند انجام دهنده آن است؛ و خداوند متعال کمک‌کننده ستمگر را دوست دارد).

وی در اوایل عمر خود سرگرم مباحث کلامی بوده و با علماء کلام مراوده داشته است. (سپهری، ۱۴۳۶، ق، ۵۵) بعداً در حلقه درس بزرگ‌ترین فقیه عراق، حماد بن ابی سلیمان، شرکت جست و در این دوران ده‌ها بار به بصره و مدینه سفر نمود و از سال ۱۳۰ تا ۱۳۶ هـ در مکه اقامت گزید و با علما و شخصیت‌های مختلفی که برای ادای مراسم حج به آنجا می‌آمدند، ملاقات نمود. دیری نپایید که امام ابوحنیفه در علوم و فنون مختلف مهارت حاصل کرد، به‌جای استادش، حماد بن ابی سلیمان، بر مسند تدریس نشست و به مدت سی سال در رأس یکی از مهم‌ترین حلقه‌های فقه کوفه به تبیین نظرات و شیوه‌های استنباط خود در فروع فقهی پرداخت، وی که از استعداد فوق‌العاده و هوش سرشار برخوردار بود، به‌عنوان بزرگ‌ترین فقیه عراق شهرت یافت جذابیت حلقه درس او بسیاری از طالبان علم را از اقصای نقاط سرزمین‌های اسلامی به گرد وی آورد، به‌گونه‌ای که محدثان همچون؛ عبدالله بن مبارک و حفص بن غیاث و فقهای همانند: ابو یوسف، امام محمد شیبانی، امام زفر و حسن بن زیاد و زاهدان و پارسایانی مثل: فضیل بن عیاض و داود طائی، به خیل شاگردان او پیوستند. البته ابو یوسف و محمد بن حسن شیبانی در میان این شاگردان منزلتی ممتاز داشتند و درواقع هم در انتقال تعالیم ابوحنیفه و هم در تدوین بسط آموزه‌های وی، نقش اساسی را ایفا نمودند. (نعمانی، ۱۴۱۶، ق، ۱۶) و از حفاظ و امامان معتبر عراق و حجاز مانند حکم بن عتیبه، حماد بن ابی سلیمان، خالد بن علقمه، ربیع بن ابی عبد الرحمن، زیاد بن علاقه، سعید بن مسروق ثوری، سماک بن حرب، عاصم بن کلیب، عامر شعبی، عطاء بن ابی رباح، عمرو بن دینار، محمد بن مسلم بن شهاب زهري، هشام بن عروۀ و غیره استادان مشهور و معتبر که تعدادشان از پنجاه تن تجاوز می‌کند حدیث روایت نموده؛ و از وی علمای چون إسحاق بن یوسف أزرقي، إسماعیل بن یحیی صیرفی، پسرش حماد بن ابی حنیفه، شعیب بن إسحاق دمشقی، عبدالله بن مبارک، عبدالرزاق بن همام، عبدالکریم بن محمد جرجانی، محمد بن حسن شیبانی، وکیع بن جراح، یحیی بن آیوب مصری، قاضی أبو یوسف و دیگران حدیث روایت کردند. (مزی، ۱۴۰۰، ق، ج ۲۹، ۴۲۲)

در مورد اهتمام امام به علم حدیث و استادان مشهور وی می‌توان از مطالعه سیرت امام ابوحنیفه رحمه‌الله و نیز تصریح امام ذهبی و سایر تاریخ‌نویسان چنین برداشت نمود که امام ابوحنیفه رحمه‌الله بعد از سال صدم هجری به طلب و تحصیل علم حدیث پرداخت. (ذهبی، ۲۰۰۶، م، ج ۶، ۳۹۲)

و خود را به اوج بلندترین قله‌های این علم رسانید. چنانچه اقوال و اظهارنظرهای محدثان بزرگ و ائمه جرح و تعدیل در مورد شخصیت امام ابوحنیفه دلالت بر مقام شامخ علمی و تبحر وی در فن حدیث دارد. امام جرح و تعدیل، یحیی بن معین می‌فرماید: «کان ابو حنیفۀ ثقفۀ فی الحدیث» (مزی، ۱۴۰۰، ق، ج ۲۹، ۴۲۴) یعنی: «ابوحنیفه در روایت حدیث قابل‌اعتماد و موثق است». ابو غسان می‌گوید من از اسرائیل بن یونس شنیدم که می‌فرمود: «کان نعم الرجل نعمان، ما کان أحفظه لکل حدیث فیه فقه» (بغدادی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱۵، ۴۶۴) یعنی: نعمان انسانی بزرگوار است؛ چرا که وی احادیث مسائل فقهی را به خوبی حفظ دارد. امام ابو یوسف می‌فرماید: (كنت ربما ملت الی الحدیث، و کان هو أبصر بالحدیث منی) یعنی من گاهی به حدیث رجوع می‌کردم، اما (امام ابوحنیفه) در احادیث صحیح نسبت به من از آگاهی بیشتری برخوردار بود. (نعمانی، ۱۴۱۶، ق، ۶۳)

امام ابوحنیفه جهت حصول علم حدیث سفرهای متعدد را انجام داده که چنانچه امام ذهبی فشرده تلاش و سعی امام را در یک جمله خیلی مختصر ولی جامع تذکر داده است. (وعنی بطلب الآثار، وارتحل فی ذلک) (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۶، ۳۹۲) یعنی: امام ابوحنیفه در مورد طلب آثار و روایات اعتناء و توجه خاصی نموده و به خاطر آن رحلات و سفرهای را انجام داد. همچنان در مورد کثرت فراگیری علم حدیث می‌گوید. «فإن الإمام أبا حنيفة طلب الحديث، وأكثر منه في سنة مائة وبعدها» (ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۶، ۳۹۶) یعنی: (امام ابوحنیفه در سال صد و بعد از آن به طلب حدیث آغاز نموده و به کثرت

آن را فراگرفت). امام ابوحنیفه رحمه الله گر چند اهتمام و توجه خاص خود را در طلب و تحصیل حدیث مبذول داشته و مقدار قابل ملاحظه از احادیث نبوی را هم ذخیره کرده بود اما نظر به ضرورتی که احساس نمود وقت و توجه بیشتر خود را در جنبه فقهی حدیث استنباط و استخراج احکام و مستقل از آن، شناسایی عام و خاص، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید آن و غیره فنون حدیث مبذول داشته که در نتیجه آن مانند سایر محدثین در نشر و روایت حدیث و یا جمع و تألیف آن توانست نقش فعال تری را ایفا نماید. چنانچه اسرئیل بن یونس می‌گوید: «كان نعم الرجل النعمان، ما كان أحفظه لكل حديث فيه فقه. وأشد فحصة عنه، وأعلمه بما فيه من الفقه. وكان قد ضبط عن حماد فأحسن الضبط عنه» (بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ۳۳۹) یعنی: (نعمانچه مردی خوبی بود، از احادیث و روایات بیشتر همان حدیث را حفظ و تلاش می‌کرد که دارای فقه و یا متضمن حکم فقهی می‌بود و نسبت به دیگران به آن معنی فقه حدیث آشنایی داشت و این همه را از حماد بسیار به شکل خوب حفظ و ضبط نموده بود). حافظ زکریا بن یحیی الانصاری در مناقب امام ابوحنیفه از یحیی بن نصر بن حاجب از امام ابوحنیفه روایت می‌کند که گفته بود: «عندی صنادیق من الحديث ما اخرجته منها الا ليسير الذي ينتفع به» (نعمانی، ۱۴۱۶ ق، ۵۵) یعنی: (من ذخیره‌ها و صندوق‌های حدیث را با خوددارم امام یک مقدار بسیار کم آن را که قابل بهره‌گیری بود، بیان نمودم). شاگرد دیگر امام ابوحنیفه حسن بن زیاد می‌گوید: «كان الامام يروي اربعة آلاف حديث في الاحكام: الفين لحما و الفين لسائر مشيخة و قد انتخب رحمه الله الآثار من اربعين الف حديث» (نعمانی، ۱۴۱۶ ق، ۵۶) یعنی: (امام ابوحنیفه تنها در باب احکام چهار هزار حدیث یا روایت داشت که دو هزار آن را از حماد و دو هزار دیگرش را از سایر شیوخ حدیث روایت میکرد و احادیث کتاب الآثار را از چهل هزار حدیث انتخاب نموده بود).

دلیل دیگری بر کثرت احادیث و روایات امام ابوحنیفه همان مسانید متعددی است که بعد از وفات امام جمع‌آوری شده است که تعدادش هفده مسند می‌رسد که از جمله پانزده مسند آن توسط علامه خوارزمی جمع‌آوری شده و زیر عنوان «جامع المسانید» چاپ شده است. (هروی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ۷)

دلیل دیگری بر اینکه اما ابوحنیفه در پهلوی امامت در فقه و استنباط در علم حدیث هم از جمله حفاظ و امامان برجسته حدیث به شمار می‌رفت این است که تذکره نویسان مخصوصاً امام ذهبی نام امام ابوحنیفه را در کتاب معتبر خود «تذکره الحفاظ» درج نموده است. چنانچه در مقدمه کتابش گفته است: «هذه تذكرة باسماء معدلي حملة العلم النبوي و من يرجع الى اجتهادهم في التوثيق و التضعيف» (ذهبی، ۱۹۹۸ م، ج ۱، ۳) یعنی: این کتاب تذکره و یادداشتی است مشتمل بر اسامی افراد عادل و معتبری از حاملین علم نبوی کسانی که در باب توثیق و تضعیف به اجتهاد و آراء ایشان می‌توان مراجعه کرد.

اما سؤال اینجاست که امام ابوحنیفه رحمه الله زمانی که احادیث زیادی را حفظ داشته است، پس چرا روایتش نسبت به روایات دیگران کم و یا ناچیز معلوم می‌شود؟

که در پاسخ به این سؤالات دانشمندان متعدد دیدگاه‌های خود را اظهار داشتند که خلاصه آن قرار ذیل است.

اول: تشدد و یا روش سخت گیرانه شان در باب روایت، طوریکه ایشان برای روایت حدیث حفظ و یا حافظ بودن راوی را شرط می‌دانستند. چنانچه علامه ابن صلاح می‌گوید: «شدد قوم فی الروایة فأفرطوا، وتساهل فیها آخرون ففرطوا» (ابن صلاح، ۱۹۸۶ م، ۲۰۸) یعنی: (گروه از راویان حدیث در باب روایت از تشدد و افراط‌کار گرفتند و گروه دیگری در این راستا از تساهل بیش از حد کار گرفته مرتکب تفریط شدند). یحیی بن معین نیز این شرط و یا موقف سخت‌گیرانه امام صاحب اشاره نموده می‌گوید: «کان أبو حنیفة ثقة لا یحدث بالحديث إلا بما یحفظه، ولا یحدث بما لا یحفظ» (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۹، ۴۲۴) یعنی: (امام ابوحنیفه رحمه‌الله شخص ثقة و معتمدی بود. یک از علایم ثقة بودن ایشان این بود که از جمله احادیث و روایات در دست داشته‌شان فقط همان حدیثی را روایت میکرد که حفظ می‌داشت و آنچه را که حفظ نمی‌داشت روایت نمی‌کرد).

دوم: مشغولیت امام به فقه حدیث و استنباط احکام، دلایل بود چنانچه بزرگان صحابه مانند ابوبکر و عمر و غیره با وصف داشتن معرفت و معلومات زیاد نتوانستند به سبب مصروفیت‌های عملی احادیث بیشتری را روایت کنند؛ و برعکس کسانی که میزان معلومات ایشان نسبت به آن‌ها کمتر بود به سبب داشتن وقت و فرصت مناسب توانستند احادیث بیشتری را روایت کنند و هم چنان در مورد امام مالک و شافعی می‌توان گفت که روایات ایشان نسبت به احادیث در دست داشته‌شان کمتر بود. (هروی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ۷)

گفته می‌شود که امام ابوحنیفه رحمه‌الله در ماه شعبان سال یکصد و پنجاه هجری در سن هفتادسالگی زمانی که ابوجعفر منصور خلیفه وقت از وی تقاضای پذیرش منصب قضا را کرد اما نامبرده از این منصب ابا ورزید که در نتیجه وی را زندانی کرده و در هم آنجا وفات نمود. (اصبهانی، ۱۴۱۵ ق، ۱۸) نامبرده را حسن بن عماره و شخصی دیگری غسل داده و نماز جنازه‌شان به اثر ازدحام موجود به شکل گروهی شش بار ادا گردید؛ که پسرش حماد بار اخیر جنازه‌شان را خواندند. (مزی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۹، ۴۴۵) و بعداً در شرق بغداد در گورستان خیزران به خاک سپرده شد. (بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ۴۴۵)

نتیجه‌گیری

از تحقیق هذا به این نتیجه می‌رسیم که ولایت کابل که فعلاً پایتخت افغانستان است در زون مرکزی کشور با مساحتی حدود ۲۷۵ کیلومترمربع موقعیت دارد، مرکز آن شهر کابل است. حدود اربعه این ولایت در شمال غرب با پروان، در شمال شرق با کاپیسا، در شرق بالغمان، در جنوب شرق با ننگرهار، در جنوب با لوگر و در جنوب غرب با ولایت میدان وردگ سرحد مشترک دارد؛ که این ولایت مجموعاً شش تن راوی حدیث داشته که از جمله سه تن آن‌ها تابعی بودند که هریک سالم بن عجلان، مکحول بن ابی مسلم و نعمان بن ثابت بودند؛ و باقی سه تن دیگرشان راوی حدیث بودند؛ و همه‌شان از لحاظ درجه به بلندترین سطح قرار داشتن. به عنوان مثال می‌توان از سالم بن عجلان نام برد. وی هم‌صحبت امام ابوحنیفه رحمه‌الله و از جمله راویان ثقة محسوب می‌شد که امام بخاری، ابو داود، نسائی از وی در صحاح و سننشان روایات دارند.

راوی بعدی مکحول بن ابی مسلم فقیه شام و شیخ اهل دمشق بود. نامبرده احادیث متعدد را به شکل مرسل از نبی کریم صلی الله علیه وسلم روایت نمودند. وی که شخص عالم و فاضل بود. جهت فراگیری علوم به عراق و مصر سفرهای داشته و اهل حدیث نیز در کتاب‌هایشان از دانایی، صداقت و فضل وی یادآور شدند.

راوی دیگر امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت بود. نامبرده بر علاوه اینکه امام یکی از پر نفوس و پرنفوذترین مذاهب چهارگانه اهل سنت به شمار می‌رود، هم چنان در ساحات مختلف علمی مانند فقه، حدیث، عقاید و سایر علوم سرآمد روزگار خود بود. جایگاه امام ابوحنیفه را در حدیث می‌توان از کثرت شهرت استادان وی درک نمود که نظر به احصائیه حافظ المزی به پنجاه استاد بالغ می‌گردد. در مورد نبوغ امام ابوحنیفه رحمه الله در حدیث، شواهد زیادی وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها شهادت و گواهی یک تعداد علماء و نیز موجودیت مسانید متعددی است که زیر عنوان آن احادیث و روایات امام ابوحنیفه رحمه الله را جمع کرده شده است هست. چنانچه قبلاً تذکر رفت، سائر راویان چون علی بن مجاهد، شمر بن عطیه و علی بن عباس نیز از جمله راویان ثقة زمان خود محسوب می‌شدند.

مآخذ

أحمد بن عبدالله أبو نعیم اصبهانی، (۱۴۱۵ هـ). **مسند امام أبي حنيفة**، محقق: نظر محمد فاریابی، مکتبه کوثر، ریاض، چاپ: اول.

أحمد بن عبدالله بن صالح عجلی، (۱۹۸۴ م). **تاریخ الثقات**، دار الباز، چاپ: اول.

أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، (۱۴۰۶ هـ). **تقریب التهذیب**، محقق: محمدعوانه، دار الرشید، سوریه، چاپ: اول.

أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، (۱۹۹۶ م). **تعجیل المنفعة بزوائد رجال الأئمة الأربعة**، محقق: د. إكرام الله

إمداد الحق، دار البشائر - بیروت، چاپ: اول.

أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، (۱۳۳۶ هـ). **تهذیب التهذیب**، مطبعة دائرة المعارف نظامیه، هند، چاپ: اول.

أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، (۲۰۰۲ م). **لسان المیزان**، محقق: عبد الفتاح أبو غدة، دار البشائر اسلامی، چاپ:

اول.

أحمد بن علی خطیب بغدادی، (۱۴۱۷ هـ). **تاریخ بغداد**، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، دارالکتب علمیہ، چاپ:

اول.

تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة، (۱۹۹۵ م). **مجموع الفتاوی**، محقق: عبد الرحمن بن محمد، مجمع

ملک فهد، چاپ: اول.

حسین بن علی بن محمد صیمری حنفی، (۱۹۸۵ م). **أخبار أبي حنيفة وأصحابه**، عالم الکتب بیروت، چاپ: دوم.

سید أبو المعاطی نوری، (۱۹۹۷ م). **موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل في رجال الحديث وعلمه**، عالم

الکتب، چاپ: اول.

شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، (۲۰۰۶ م). **سیر أعلام النبلاء**، دار الحديث - قاهرة.

شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، (۱۹۹۸ م). **تذكرة الحفاظ**، دارالکتب علمیہ، چاپ: اول

شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، (۲۰۰۳ م). **تاریخ الإسلام**، محقق: دکتور بشار عوآد معروف، دار الغرب اسلامی، چاپ: اول.

شهاب الدین بن عبدالله یاقوت حموی، (۱۹۹۵ م). **معجم البلدان**، دار صادر، بیروت، چاپ: دوم.
 صالحه واهب واصل، (۲۰۱۷ م). **مختصری از قاموس افغانستان**، چاپخانه بهیر، کابل، چاپ: اول.
 عبدالحی بن أحمد بن محمد، (۱۴۰۶ هـ). **شذرات الذهب فی أخبار من ذهب**، محقق: محمود الأرناؤوط، دار ابن کثیر، بیروت، چاپ: اول.
 عبدالرحمن بن محمد ابن أبی حاتم، (۱۹۵۲ م)، **الجرح والتعديل**، طبعه مجلس دائرة المعارف العثمانیه هند، چاپ: اول.

عثمان بن عبدالرحمن بن صلاح، (۱۹۸۶ م). **مقدمة ابن الصلاح**، محقق: نور الدین عتر، دار الفکر، بیروت.
 علی بن أحمد بن حزم ظاهری، (ب ت). **الإحکام فی أصول الأحکام**، محقق: أحمد محمد شاکر، دارالآفاق جدیدہ، بیروت.

علی بن محمد ملاقاری هروی، (۱۹۸۵ م). **شرح مسند أبی حنیفه**، محقق: شیخ خلیل محیی الدین، دار الکتب علمیہ، چاپ: اول.

عمر بن رضا بن محمد راغب، (ب ت). **معجم المؤلفین**، مکتبه مثنی، بیروت.
 فریدون سپهری، (۱۴۳۶ هـ). **پژوهشی در مورد امامان اهل سنت**، سایت کتابخانه عقیده، چاپ: دیجتل اول.
 مبارک بن أحمد بن مبارک لخمی، (۱۹۸۰ م). **تاریخ إربل**، محقق: سامی بن سید خماس صقار، دار الرشید عراق.
 مقبل بن هادی بن مقبل همدانی، (۲۰۰۴ م). **رجال الحاکم فی المستدرک**، مکتبه صنعاء، چاپ: دوم.
 محمد بن أبی بکر بن قیم جوزی، (۱۹۹۱ م). **إعلام الموقعین عن رب العالمین**، محقق: محمد عبد السلام إبراهیم، دار الکتب علمیہ - بیروت، چاپ: اول.

محمد بن إسماعیل بن إبراهیم بخاری، (ب ت). **التاریخ الکبیر**، دائرة المعارف العثمانیه.
 محمد بن حبان، (۱۳۹۳ هـ). **الثقات**، دائرة المعارف عثمانیه، حیدر آباد، هند، چاپ: اول.
 محمد بن سعد دمشقی، (۱۹۹۰ م). **الطبقات الکبری**، محقق: محمد عبد القادر عطا، دار الکتب علمیہ، چاپ: اول.
 محمد بن عبد الرحمن الخمیس، (۱۹۹۲ م). **اعتقاد الأئمة الأربعة**، دار العاصمه، سعودی، چاپ: اول.
 محمد بن عیسی بن سورة ترمذی، (۱۹۷۵ م). **سنن الترمذی**، محقق: أحمد محمد شاکر، مکتبه ومطبعه مصطفى بابی مصر، چاپ: دوم.

محمد عبدالرشید نعمانی، (۱۴۱۶ هـ). **مکانه الإمام أبی حنیفه فی الحدیث**، مکتب مطبوعات اسلامی، چاپ: چهارم.

محمد مهدی مسلمی، (۲۰۰۱ م). **موسوعة أقوال أبی الحسن الدارقطنی فی رجال الحدیث وعلله**، عالم الکتب بیروت، چاپ: اول.

یوسف بن عبدالرحمن المزی، (۱۴۰۰ هـ). **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، محقق: د. بشارعواد معروف، موسسه رساله - بیروت، چاپ: اول.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

نگاهی به مکاتیب و صحایف حدیثی صحابه کرام (در عصر پیامبر اسلام)

پوهنیار محمد عوض حیدری

پوهنتون بلخ - پوهنهی شرعیات

تقریظ: پوهنوال محمد یاسین فلاح و پوهندوی شیرمحمد نبیل

چکیده

مقاله‌ی را که از نظر می‌گذرانید، موضوع بحث‌اش نگاهی به مکاتیب و چگونگی نگارش حدیث نبوی در عصر حیات مبارک پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی‌الله علیه و سلم است. اساساً امروزه شبهاتی را که خاورشناسان کینه‌توز در مورد حجیت حدیث نبوی به‌عنوان دومین منبع اساسی استنباط مسایل دینی، مطرح می‌کنند، خاستگاه آن بر می‌گردد به زمان آغاز نگارش، جمع و تدوین حدیث و سنت نبوی که چه زمانی راویان حدیث دست به نگارش، جمع و تدوین آن زدند؟ با تأسف باید اعتراف کنیم که در این اواخر یک تعداد از جوانان مسلمان ناآگاه از تاریخ، سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و سلم هنگام مواجهه به حدیث و سنت گران‌بهای نبوی همان شبهات فاقد دلیل خاورشناسان را تکرار می‌کنند که گویا حدیث رسول‌الله صلی‌الله علیه و سلم در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری کتابت و جمع‌آوری شده است و در عصر آن حضرت نگارش نیافته بود، حتی پیامبر خدا رسماً از نگارش آن اصحاب و یاران خویش را منع می‌کرد؛ پس حدیث در قرون واپسین نوشته‌شده است و احتمال قوی وجود دارد که با اسرائیلیات و سخنان مردم خلط شده باشد، پس اغلب روایات و احادیث نبوی اعتبار و حجیت خود را اکنون از دست داده است. در این مقاله سعی بر این شده است که با نگاهی به پیام‌های دعوتی پیامبر اسلام به پادشاهان و هدایات مقامات دولت اسلامی و همچنان تمرکز پیرامون ادوار نگارش حدیث نبوی صلی‌الله علیه و سلم در صدر اسلام شبه‌ی مذکور را بی‌بنیاد قرار داده و به سؤال فوق جواب داده شود.

کلیدواژه‌ها: حدیث نبوی، خاورشناسان، صحابه کرام، عصر نبوی، نگارش، مکاتیب.

مقدمه

الحمد لله رب العلمین و الصلاة والسلام علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین!

با توجه به اشکالات و شبهاتی که خاورشناسان و دنباله‌روان آنان از میان مسلمانان ناآگاه نسبت به اصالت، قدمت و قداست حدیث نبوی وارد کردند، سؤال اساسی این است آیا واقعاً در زمان حیات شریف پیامبر اسلام صلی‌الله علیه وسلم به نوشتن و نگارش حدیث نبوی توجه لازم صورت گرفته بود یا خیر؟ تا آنجا که تحقیق و مطالعات بنده در زمینه دریافت این است که بلی در عصر پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله علیه و سلم به نگارش و نوشتن احادیث نبوی به صورت جزئی و به افراد خاص اجازه داده شده بود که احادیثی را که از پیامبر گرامی اسلام می‌شنوند، بنویسند. از مطالعه‌ی منابع متعدد در رشته علوم الحدیث به‌ویژه شاخه تاریخ الحدیث بدین نتیجه می‌رسیم که دانشمندان قدیم برین گونه مسایل بسیار کم وارد شدند؛ چون در زمان آن‌ها ایراد چنین شبهاتی منتفی بود؛ زیرا خاستگاه پردازش این گونه اشکالات خاورشناسان حاکم و جوانان مسلمان فاقد علم‌اند که پس از پایان یافتن جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی، فروپاشی خلافت عثمانی و زوال تمدن و فرهنگ اسلامی قد علم کردند؛ اما از میان علمای معاصر و جدید هستند کسانی که بر این گونه مسایل ورود پیدا کردند و در این عرصه کتاب‌ها و مقالات فراوانی با توجه به منابع مذاهب خویش نوشتند. روی هم رفته بنده سعی کردم تا زوایا و ابعاد مختلف قضیه را از منابع معتبر و معتمد مورد بحث و پژوهش قرار دهم.

بیان مسئله

حدیث نبوی به اجماع امت محمدی علی صاحبها الصلاة والسلام، بعد از قرآن کریم، دومین منبع به شمار می‌رود و هیچ‌کس یا گروهی در ادوار گذشته با این اجماع مخالفت نکرده است، پیامبر گرامی اسلام برای گسترش دین مبین اسلام و تفسیر عقاید و اصول دین، توضیح احکام عبادات و معاملات، تحکیم صلح و آشتی، رهنمایی امور جهاد و تزکیه نفس پیام‌ها، هدایات و ارشادات خویش را به پادشاهان جهان و مقامات دولت اسلامی در مناطق دور از مدینه منوره گسیل داشته است، با توجه بر موارد فوق، این سؤال اصلی مطرح می‌شود که آیا واقعاً مکاتیب و نامه‌های پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و سلم، حاوی مطالب فوق بود؟ آیا در عصر رسالت به نوشتن و نگارش حدیث نبوی توجه لازم صورت گرفته بود یا خیر؟ تحقیق حاضر پاسخگوی این سؤال‌های محوری است.

اهمیت تحقیق

باید اذعان کرد که امروزه شبهاتی را که خاورشناسان کینه‌توز مطرح کرده‌اند و مسلمانانی که مرعوب افکار غربی گشته‌اند، آن را پردازش می‌کنند و بدین وسیله از حدیث نبوی انکار می‌ورزند و می‌گویند که احادیث پیامبر اسلام در عصر ما به دلیل پیشرفت جهان و تکامل عقل بشر حجت نیست؛ چون محتوای اکثر روایات دینی حاوی ارزش‌های فرهنگی و تاریخی صدر اسلام است که مشکلات امروزی مسلمانان را حل نمی‌کند، بر علاوه سبب افزایش جنگ و جدال میان مسلمانان شده است. برای دفع شکوک نامبرده و جواب شبهات فوق، امروزه لازم است مسلمانان آن‌ها را بازخوانی کنند و مغالطات بیهوده و تبلیغات شوم دشمنان سنت و روایت را برملا کنند تا از این سبب انحراف جوانان در عصر انفجار رسانه‌ها نشود.

اهداف تحقیق

هدف نویسنده از تحقیق حاضر این است که با مراجعه به منابع معتبر دینی و تاریخی، مسئله نگارش و تدوین حدیث گهربار پیامبر گرامی را در زمان حیات ایشان، تبیین نماید؛ چون به باور خاورشناسان مغرض و مسلمانان خودباخته، حدیث نبوی در قرن سوم هجری تدوین یافته است، لذا نمی توان اعتماد کرد که احادیث به همان صورت اصلی محفوظ باشند، درحالی که این، تحکم محض و مغالطه بی اساس است؛ چون حفاظت حدیث از دور رسالت تاکنون به روش های گوناگون بوده و مخصوصاً به وسیله نوشتن که احادیث نبوی در زمان حیات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم نوشته شده بود، بلکه بعضاً به اجازه مستقیم ایشان و در حضور مبارک کتابت شده و حتی برخی از اصحاب را دستور به نوشتن داده اند.

سؤال تحقیق

- آیا واقعاً احادیث نبوی در عهد رسالت، نگارش یافته است؟
- آیا پیامبر اسلام برای پادشاهان و مقام های دولت اسلامی، نامه فرستاده است؟

فرضیه های تحقیق

- نوشتن احادیث پیامبر بزرگوار اسلام در عصر رسالت رایج بوده است و اصحاب کرام به صورت انفرادی به تدوین و نوشتن حدیث نبوی همت گماشته اند که برخی از آنان، مکتوبات و صحیفه های در اختیار داشتند.
- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم علاوه بر اینکه میان مسلمانان در عرصه های مختلف هدایات و ارشادات.
- خویش را ابراز می داشتند، برای گسترش دعوت اسلام و توضیح مسایل مربوطه، پیام ها و هدایات خویش را به پادشاهان و مقامات دولت اسلامی در مناطق دور از مدینه منوره نیز ارسال می داشتند.

پیشنه تحقیق

درباره تدوین حدیث نبوی و حجیت آن، متقدمین و معاصرین کتاب های زیادی به زبان های عربی، فارسی و اردو نوشته اند، هرچند در خصوص صحیفه های حدیثی صحابه کرام به زبان عربی کتاب ها و رسایل وجود دارد که موضوع مزبور در آن ها به شکل کلی و ضمنی بحث شده است، لکن در مورد مکاتیب و صحیفه های حدیثی صحابه کرام در عصر پیامبر اسلام تا هنوز کسی به زبان فارسی به صورت مشخص کتاب و یا رساله ننوشته است؛ لذا نویسنده تحقیق حاضر تلاش بر آن دارد که موضوع را مشخصاً به زبان فارسی مورد بحث و پژوهش قرار دهد.

ساختار تحقیق

- در این مقاله به تحقیق مطالب زیر همت گماشته شده است.
- منع نگارش حدیث در اوایل عهد نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم.

- اجازه نگارش حدیث در جزوه‌های شخصی برای افراد خاص.
- شماری از صحیفه‌های اصحاب کرام رضوان‌الله علیهم اجمعین در عصر نبوت.
- جواز بلاقید نگارش ابعاد سیاسی و اجتماعی سیره پاک پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و سلم.
- فرمان‌های که پیامبر اسلام به والیان حکومتی خود می‌فرستادند.
- نامه‌های دعوتی که پیامبر اسلام به پادشاهان دنیا می‌فرستادند.
- معاهدات کتبی که با کفار قریش و جامعه یهودیان خیبر می‌بستند.

روش تحقیق

در تهیه و ترتیب مقاله «نگاهی به مکاتیب و صحیفه‌های حدیثی صحابه کرام در عصر پیامبر اسلام» از روش توصیفی تحلیلی، استفاده شده است.

نگاهی به صحیفه‌های حدیثی صحابه کرام

در اینجا دوره‌های مختلف منع کتابت حدیث نبوی و سپس اجازه نوشتن آن را در عصر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و سلم بررسی خواهیم کرد.

منع نگارش حدیث نبوی در زمان پیامبر صلی‌الله علیه و سلم.

پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و سلم در سال‌های نخستین نزول وحی به علت احتیاط و جلوگیری از آمیختن قرآن و حدیث و پیدا شدن کتابی در برابر «کتاب الله» - به‌طور کلی نوشتن احادیث را - چه به‌طور صحیفه و جزوه شخصی و چه به‌صورت کتاب و برای عموم - ممنوع اعلام کرد. چنانچه این مسئله در احادیث زیر به‌وضوح معلوم می‌گردد:

حضرت ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و سلم فرمودند: «لا تکتبوا عَنّی و من کتب عَنّی غیر القرآن فلیمحه، و حدّثوا عَنّی و لا حرج» (نیشابوری، ۱۴۲۱، ج ۸، ۲۲۹) یعنی: از زبان من چیزی ننویسید و هر کس غیر از قرآن کریم چیز دیگری را از زبان من نوشت آن را پاک کند و از زبان من (شفاه) حدیث را روایت کنید و هیچ مانعی ندارد.

حضرت ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه نیز می‌گوید: «استأذنت النبیّ أن اکتب الحدیث فابی یا ذن لی». (بغدادی، ۱۴۰۴، ۳۲) یعنی: از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و سلم اجازه خواستم که حدیث را بنویسم و پیامبر صلی‌الله علیه و سلم این اجازه را به من نداد.

و حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه در مورد چنین روایت می‌کند: «خرج الینا رسول الله صلی‌الله علیه و سلم و نحن نکتب الاحادیث فقال: ما هذا الذی تکتبون؟ قلنا احادیث سمعناها منک. قال أکتاباً غیر کتاب الله تریدون؟ ما اضلّ الامم من قبلکم الاّ ما اکتبوا من الکتاب مع کتاب الله» (بغدادی، ۱۴۰۴، ۳۳). یعنی: پیامبر صلی‌الله علیه و سلم فرمود این چیست که می‌نویسید؟

عرض کردیم حدیث‌هایی هستند که از شما شنیده‌ایم. فرمود: مگر کتابی غیر از کتاب خدا را می‌خواهید؟ هیچ‌چیزی ملت‌های قبل از شما را گمراه نکرد جز اینکه، کتاب‌هایی را با کتاب خدا نوشته‌اند.

از این حدیث به‌خوبی استنباط می‌گردد که نگارش احادیث در عصر پیامبر تنها در صورت ایجاد کتاب مستقل و برای استفاده عموم ممنوع گشته است؛ زیرا تنها در این صورت است که کتابی غیر از کتاب خدا در دسترس مردم قرار خواهد گرفت؛ اما نوشتن آن‌ها به‌صورت جزوه و صحیفه برای استفاده شخصی و کمک به حافظه‌های ضعیف نه‌تنها که پیامبر صلی‌الله علیه وسلم آن را ممنوع نکرده است، بلکه طبق احادیث فوق به آن دستور داده است.

دیدگاه و توجیه علماء پیرامون روایات منع کتابت حدیث

امام خطابی می‌فرماید: پیامبر اسلام از نوشتن حدیث همراه با قرآن کریم در یک صحیفه منع فرموده بود تا مبدا آیات قرآنی و احادیث نبوی باهم خلط شود که برای خوانندگان بعدی مشتبه گردد، اما نفس کتابت حدیث ممنوع نشده بود. (الخطابی، ۱۹۸۱، ج ۴، ۱۸۴)

امام محمد بن قتیبه می‌گوید: منع کتابت حدیث متعلق به اوایل اسلام بود؛ اما زمانی که حفظ احادیث بنابر کثرت آن، بر روای‌ها دشوار گردید و به کتابت آن اجازه داده شد. (الزکلی، ۱۹۹۲، ج ۴، ۱۳۷)

امام بن الجوزی نیز فرموده است: رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم نخست اراده‌شان این بود که صحابه کرام رضوان‌الله علیهم قرآن مجید را حفظ کنند، ولی بعداً متوجه شده‌اند که شمار احادیث رو به افزایش بوده و حفظ همه آن‌ها برای صحابه کرام، دشوار به نظر می‌رسد؛ لذا به نوشتن و کتابت حدیث اجازه فرمودند. (ابن الجوزی، ۱۴۰۱، ج ۲، ۲۴۸)

امام ذهبی همچنان می‌فرماید: منظور از ممانعت کتابت حدیث ظاهراً تمرکز و توجه بر قرآن کریم و کتابت و حفظ آن بود تا از احادیث جدا بوده و احتمال التباس بین آن دو مرفوع گردد، زمانی که هدف مذکور به دست آمد و دانسته شد که قرآن کریم دیگر با کلام نبوی خلط نمی‌گردد، بنابراین به کتابت احادیث اجازه داده شد. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ۸۱)

اجازه نگارش حدیث در جزوه‌های شخصی برخی از افراد

امام ترمذی رحمه‌الله از حضرت ابوهریره رضی‌الله عنه نقل کرده که مردی از انصار در محضر پیامبر صلی‌الله علیه وسلم حاضر می‌گردید و بیانات او را استماع می‌کرد، اما به علت ضعف حافظه نمی‌توانست بیانات پیامبر گرامی را به خاطر بسپارد، روزی در محضر پیامبر صلی‌الله علیه وسلم از ضعف حافظه خود شکوه کرد و چاره‌جویی نمود. پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرمود: «اسْتَعِنْ بِيَمِينِكَ» (ترمذی، ۱۴۱۳، ج ۵، ۳۹) یعنی: از دست راستت کمک بگیر (احادیث را بنویس و چند مرتبه آن‌ها را بخوان تا در حافظه‌ات ضبط شود).

امام ترمذی در سنن خود از حضرت ابوهریره رضی‌الله عنه نقل کرده که بعد از فتح مکه رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم خطبه‌ای را ایراد فرمود و در پایان آن یکی از صحابگان به نام (ابوشاه یمنی) به پیامبر صلی‌الله علیه وسلم گفت: اگر ممکن است دستور بفرمایید این خطبه را برای من بنویسند. پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرمود: «اكتبوا لابی شاه» (ترمذی،

۱۴۱۳ هـ ج ۵، ۴۰) یعنی این خطبه را برای ابوشاه بنویسید. امام اوزاعی می‌فرماید که خطبه حجه‌الوداع را برای ابوشاه یمنی نوشتند و به وی سپردند. (الخطیب، ۱۹۷۴، ۸۶)

عبدالله بن عمرو بن عاص می‌گوید: من هرآنچه را که از زبان مبارک رسول‌الله بیرون می‌شد به نیت حفظ کردن آن می‌نوشتم، برخی از صحابه کرام من را از نوشتن بازداشتند و گفتند که هر سخنی را که از رسول خدا می‌شنوی، می‌نویسی! با خبر که رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم بشر هستند گاهی سخنان ایشان در حالت خرسندی است و گاهی در وضعیت ناراحتی، عبدالله بن عمرو بن عاص می‌گوید: با شنیدن این موضوع از نوشتن احادیث بازایستادم و بعداً از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه وسلم در این خصوص پرسیدم: «اكتب کل ما اسمع» یعنی: آیا هر چه از شما چه در حال رضایت و چه در حال عصبانیت، می‌شنوم اجازه هست آن را بنویسم؟ «قال: نعم، فانی لا اقول فی ذلک الا حقاً» (الدارمی، بی‌تا، ج ۱، ۱۲۵، شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ۵۲۴). پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرمود: بلی چه در رضایت و چه در عصبانیت هر چه از من شنیدی بنویس؛ زیرا در همه این حالات من جز حق چیزی را نمی‌گویم. امام حاکم بعد از نقل روایت فوق می‌گوید: سند این حدیث صحیح است و دلیل محکم برای جواز کتابت احادیث نبوی در زمان پیامبر گرامی هست. (الحاکم، بی‌تا، ج ۱، ۱۰۵)

حضرت انس بن مالک می‌گوید: که رسول خدا صلی‌الله علیه وسلم فرمودند که علم (حدیث) را با کتابت آن ضبط و نگهدارید. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۶، ۷۱، الخطیب، ۱۹۷۴، ۹۰) این حدیث ازجمله‌ی جوامع الکلم پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه وسلم شمرده می‌شود از همین خاطر بر زبان خلفای راشدین و صحابه کرام رضوان‌الله علیهم همیشه جاری بوده است، چنانچه حضرت عمر، علی و عبدالله بن عباس می‌فرمودند: علم را با کتابت آن نگهدارید و حضرت انس رضی‌الله عنه نیز به فرزندان خویش توصیه می‌کرد که ای فرزندانم! علم را با کتابت آن نگهدارید. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۶، ۷۱، الخطیب، ۱۹۷۴، ۹۰)

عبدالله بن عمر رضی‌الله عنهما روایت می‌کند که پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرمود: «قیدوا العلم، قلت: و ما تقییدہ؟ قال: کتابتہ». (نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ۱۸۸) یعنی: علم تان را به بند بکشید. عبدالله می‌گوید: پرسیدم ای رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم! به بند کشیدن علم به چه صورتی است؟ آن حضرت صلی‌الله علیه وسلم فرمود: با نوشتن آن، حاصل می‌شود.

رافع بن خدیج انصاری رضی‌الله عنه می‌گوید: ما به رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم گفتیم که ای رسول خدا!

ما از شما احادیث می‌شنویم، آیا آن را بنویسیم؟ آن حضرت فرمود: بنویسید هیچ ممانعتی نیست. (شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ۲۱۵)

از روایات فوق دانسته می‌شود که احادیث نبوی در زمان حیات رسول گرامی اسلام صلی‌الله علیه وسلم نوشته شده بود، بلکه بعضاً به اجازه مستقیم ایشان کتابت شده و حتی برخی از اصحاب را دستور به نوشتن داده‌اند.

صحیفه‌های اصحاب کرام رضوان‌الله علیهم اجمعین در عصر نبوت

طبق اسناد مذکور، در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم هیچ نوشته‌ای از احادیث به صورت کتاب و برای عموم وجود نداشته بلکه تنها به صورت جزوه‌های شخصی و کوچک به نام «صحایف» در دسترس برخی از اصحاب بوده‌اند و تعدادی از آن صحیفه‌ها را با سندهای متفاوت در قوت و ضعف به شرح زیر گزارش کرده‌اند:

۱ - صحیفه ابوبکر صدیق رضی الله عنه (وفات، ۱۳ هـ):

ام المؤمنین حضرت عایشه صدیقہ رضی الله عنها می‌گوید: «پدرم احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را تا پنج صد (۵۰۰) حدیث جمع کرده و نوشته بود، اما ناگهان شبی از شب‌ها آرام نگرفت و همواره از پهلویی به پهلوی دیگر می‌گشت و من از مشاهده این وضع غمگین و نگران شدم و عرض کردم: «این ناآرامی بر اثر درد و ناراحتی است یا خبر ناخوشایندی به تو رسیده است؟» وقتی که روز شد به من گفت: آن احادیثی که پیش توست بیاور و وقتی آن نوشته را آوردم آتش را خواست و آن را سوزاند و به او عرض کردم چرا این نوشته را سوزاندی؟ در جواب گفت: می‌ترسم بمیرم و این نوشته بناءً من باقی بماند، من احادیثی را از کسانی که مورد اطمینان من بوده‌اند روایت کرده‌ام و ممکن است آن‌ها واقعیت را برای من روایت نکرده باشند و در نتیجه من سبب شوم که خلاف واقعیت، بناءً احادیث روایت گردد. (ذهبی، ۱۴۲۳ هـ ج ۱، ۵) از نحوه‌ی پاسخ حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه معلوم می‌شود که احادیث این صحیفه را خودشان مستقیماً از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده بودند، بلکه از صاحب‌گان دیگر شنیدند.

۲ - صحیفه سعد بن عبادہ انصاری رضی الله عنه (وفات، ۱۵ هـ):

امام ترمذی رحمه الله روایت کرده است: سعد بن عبادہ انصاری رضی الله عنه صحیفه‌ای در اختیار داشت که در آن پاره‌ای از احادیث و سنت‌های رسول الله صلی الله علیه وسلم را گردآوری کرده بود. (عتر، ۱۴۱۸ هـ ۴۶)

۳ - صحیفه عمر رضی الله عنه (وفات، ۲۳ هـ):

حضرت عمر نیز مجموع از احادیث نبوی را ترتیب و جمع‌آوری کرده و آن را در غلاف شمشیر خویش نگه می‌داشت، عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: مفهوم و محتوای صحیفه‌ی مذکور مربوط زکات حیوانات بود و سالم بن عبدالله بن عمر صحیفه موصوف را نزد امام زهری خوانده بود. (عجاج، ۱۹۹۰ م، ۳۵۳)

۴ - صحیفه علی المرتضی رضی الله عنه (وفات، ۴۰ هـ):

امام بخاری رحمه الله در صحیح خود از ابی جحفه رضی الله عنه روایت می‌کند که به علی رضی الله عنه گفتیم: آیا در نزد شما کتابی وجود دارد؟ علی رضی الله علیه در جواب گفت: نخیر، غیر از کتاب خدا و فهمی که به مرد مسلمانی داده شده است و به غیر از آنچه در این صحیفه هست چیزی در نزد ما نیست، گفتیم در این صحیفه چه چیزهایی وجود دارد؟ گفت: حکم خونیه‌ها، آزاد کردن اسیر و اینکه مسلمان در برابر کافر قصاص نمی‌شود. (قسطلانی، ۱۳۲۳ هـ ج ۳، ۳۳۰) و نیز در "سنن ابی داود" از حضرت علی رضی الله عنه نقل شده است که: (مَکْتَبِنَاءُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- إِلَّا الْقُرْآنَ وَمَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ). (السجستانی، بی تا ج ۲، ۱۶۶) ما از پیامبر جز قرآن و آنچه در این صحیفه است، چیز دیگر ننوشتیم. این روایت را امام بخاری در چهار محل، امام مسلم در دو موضع، امام نسائی و ترمذی نیز تخریج نموده‌اند. قسطلانی در

پای این صحیفه می‌نویسد: «برگه‌ی بود نوشته‌شده و در نیام شمشیر حضرت علی رضی‌الله‌عنه قرار داشت. (قسطلانی، ۱۳۲۳، ج ۳، ۳۳۰)

۵- صحایف ابوهریره رضی‌الله‌عنه (وفات، ۵۹ هـ):

علامه ابن عبدالبر در "جامع بیان العلم" ماجرای حضرت حسن بن عمرو را نقل می‌کنند که وی حدیثی را در محضر حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه قرائت نمود، ایشان نسبت به آن حدیث اظهار بی‌اطلاعی کرد. حسن بن عمرو گفت: من این حدیث را از شما شنیده‌ام! حضرت ابوهریره فرمودند: اگر این حدیث را من روایت کرده باشم حتماً نزد من مکتوب خواهد بود. پس از تحقیق و بررسی، ایشان حدیث را در نوشته‌هایش یافتند. (النمری، ۱۳۹۸، ج ۱، ۷۴) از این حکایت دانسته می‌شود که نزد حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه مجموعه "۵۳۶۴" روایات وی به شکل مکتوب محفوظ بوده است.

احتمالاً این پرسش مطرح می‌شود که بناءً بر گفته‌ی خود حضرت ابوهریره، ایشان حدیث نمی‌نوشتند؛ این روایت را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ در پاسخ باید گفت: حضرت ابوهریره در زمان رسالت و اوایل خلافت خلفای کرام، احادیث را نمی‌نوشتند؛ اما در اواخر زندگی به‌منظور پیش‌گیری از نسیان و فراموشی اقدام به جمع‌آوری مرویات خویش نمود؛ لذا هیچ‌گونه تعارضی باقی نمی‌ماند، همان‌گونه که صحیفه‌های متعددی به ایشان منسوب است که به چند نمونه آن در ذیل اشاره می‌کنیم:

الف: مسند حضرت ابی هریره: امام ابن سعد در "طبقات" خود چنین نوشته است: عبدالعزیز بن مروان، پدر حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه‌الله، هنگامی که فرماندار مصر بود به کثیر بن مره نامه‌ای فرستاد که هرچه از مرویات صحابه رضی‌الله‌عنهم نزد شما وجود دارد، آن‌ها را برایم ارسال کنید؛ مگر احادیث ابوهریره که از قبل نزد ما وجود دارد. (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۷، ۴۴۸) از گفته ایشان به‌وضوح دانسته می‌شود که مرویات حضرت ابوهریره به‌صورت مکتوب نزد وی وجود داشت.

ب: مؤلف بشیر بن نهیک: حضرت بشیر بن نهیک رحمه‌الله، شاگرد حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه بود. امام دارامی از ایشان نقل می‌کند که من هرچه از استاد خود (ابوهریره) می‌شنیدم، آن‌ها را می‌نوشتم، سپس این مجموعه را به حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه تقدیم کردم و ایشان آن‌ها را تأیید نمودند. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۷، ۵۵).

ج: صحیفه همام بن منبه: همام بن منبه رحمه‌الله تابعی معروف و شاگرد حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه، این صحیفه را از او روایت کرده است و بعد به صحیفه همام معروف گردیده است و این صحیفه از دو جهت حایز اهمیت است.

اول: این صحیفه همان‌گونه که حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه احادیث‌اش را روایت و همام آن را تدوین نموده عیناً به دست ما رسیده است و شایسته است آن را «صحیفه صحیح» بناءً بر (احمدیان، بی‌تا، ۲۲) همان‌گونه که صحیفه عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما را «صحیفه صادق» نامیده‌اند.

خوشبختانه نسخه خطی این صحیفه چند سال قبل پیدا شد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه "برلین" آلمان و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه "مجمع علمی" دمشق نگهداری می‌شود.

محقق شهیر سیرت و تاریخ، دکتر محمد حمیدالله این دو نسخه را تطبیق داده و منتشر نموده‌اند، در این صحیفه "۱۳۸" حدیث وجود دارد و آنچه ما را از صحت مندرجات آن‌ها مطمئن می‌کند این است که احادیث موجود در آن‌ها به‌صورت تمام و کمال و بدون کوچک‌ترین تفاوتی در مسند امام احمد آمده‌اند و بسیاری از احادیث این صحیفه نیز در ابواب گوناگون صحیح بخاری دیده می‌شوند. (بخاری، ۱۳۱۳، ج ۱، ۳۴، ۳۹، ۵۶، ۹۱ و ج ۴، ۵۶، ۶۳، ۸۵).

دوم: این صحیفه به‌صورت علمی و عینی بیشتر از صحیفه‌های دیگر دلالت دارد بر این‌که همام در سال ۴۰ متولد و حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه استادش در ۵۹ وفات نموده است و بدیهی است تدوین این صحیفه به‌وسیله همام قطعاً قبل از وفات استادش بوده است؛ زیرا تمام احادیث موجود در این صحیفه را از ابوهریره رضی‌الله‌عنه استماع نموده است و وجود این صحیفه و امثال آن این شایعه را که حدیث فقط در آغاز قرن سوم تدوین شده است به‌کلی تکذیب می‌کند. (صالح، ۱۴۱۷، ۲۲)

۶ - صحیفه سمره بن جندب رضی‌الله‌عنه (وفات، ۶۰ هـ):

در این صحیفه سمره بن جندب رضی‌الله‌عنه بسیاری نوشته‌شده بود و نسخه بزرگی بود که بعد از وفات سمره رضی‌الله‌عنه پسرش آن را به ارث برد؛ و از آن صحیفه روایت می‌کرد، و گمان می‌رود این صحیفه همان رساله‌ای باشد که سمره رضی‌الله‌عنه برای فرزندانش ارسال داشته باشد؛ و ابن سیرین درباره آن گفته: «در رساله سمره رضی‌الله‌عنه که برای فرزندانش فرستاده، علم بسیاری وجود داشت». (ابن حجر، ۱۴۳۵، ج ۲، ۲۶۹)

۷ - صحیفه صادق، عبدالله بن عمرو بن عاص رضی‌الله‌عنه (وفات، ۶۵ هـ):

این صحیفه از بزرگ‌ترین جزوه‌ها و به باور ابن اثیر حاوی هزار حدیث بوده و از معروف‌ترین صحیفه‌ها به شمار می‌آید و عبدالله با اجازه پیامبر صلی‌الله‌علیه وسلم این احادیث را یادداشت کرده است؛ زیرا روایت گردیده که روزی عبدالله به خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه وسلم آمد و عرض کرد آیا هرچه از شما شنیدم اجازه هست آن را به قید کتابت درآورم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه وسلم فرمود: بلی، عبدالله گفت چه در حال رضا و چه در حال قهر؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه وسلم فرمود: بلی! همه را به قید کتابت درآور؛ زیرا در هیچ شرایطی من جز حق چیزی نمی‌گویم. این صحیفه در مسند امام احمد مندرج و روایت گردیده است و به «صحیفه صادق» معروف است؛ و عمرو بن شعیب (وفات: ۱۲۰) نوه عبدالله بن عمرو بن عاص و همچنین مجاهد (وفات: ۱۰۳ هـ) تابعی بزرگوار این صحیفه را از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی‌الله‌عنه روایت کرده‌اند. (ابن حجر، ۱۴۳۵، ج ۲، ۲۶۹)

انجام سخن این‌که صحیفه صادق در آن زمان از حجیم‌ترین مجموعه‌ی حدیث بوده است و حضرت عبدالله بن عمرو رضی‌الله‌عنه کاملاً از آن مراقبت می‌کرد، پس از وفات او این صحیفه به نوه‌اش حضرت عمرو بن شعیب منتقل شد و ایشان معمولاً این احادیث را با سند "عن ابیه عن جده" روایت می‌کنند.

حافظ ابن حجر در "تهذیب التهذیب" از قول یحی بن معین و علی بن مدینی، نقل کرده است که: هر حدیثی که باسند "عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده" روایت شود، این‌گونه به نظر می‌رسد که از احادیث صحیفه صادق است.

۸ - صحیفه عبدالله بن عباس رضی الله عنهما (وفات، ۶۹):

ابن عباس رضی الله عنهما به یادداشت و نوشتن بسیاری از احادیث و سیره رسول الله گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم در لوح‌ها اقدام نمود و آن‌ها را با خود به محافل علمی می‌برد. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ۳۷۱) و به‌طور تواتر نقل گردیده که بعد از وفات آن حضرت، ذخیره موجود کتاب‌هایشان به اندازه یک محموله شتر می‌رسید. (ابن العماد، ۱۴۲۰، ج ۱، ۳۹۵)

صحیفه ابن عباس رضی الله عنهما مدت‌ها نزد همگان معروف و استفاده از آن متداول بود و فرزندش علی بن عبدالله این صحیفه را از پدرش ارث برده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ۳۷۰) و مردم تا آن اندازه در هر زمانی آن را مورد استفاده و روایت خود قرار داده‌اند که کتاب‌های تفسیر و حدیث پر از روایت‌های ابن عباس گردیده است، اما معلوم نیست خود آن صحیفه در چه زمانی و به چه شکل و علتی از بین رفته است.

۹ - صحیفه جابر بن عبدالله رضی الله عنهما (وفات، ۷۸):

به باور امام مسلم رحمه الله این صحیفه در باره مراسم حج مشتمل بر احادیثی بوده است و احتمال دارد که برخی از احادیث آن در حجه الوداع و ضمن خطبه مفصل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم ذکر شده باشند. (ذهبی، ۱۴۳۳، ج ۱، ۱۱۰)

امری که احتمال مذکور را قوت می‌بخشد این است که قتاده تابعی (وفات: ۱۱) درباره اهمیت این صحیفه می‌گفت: «من صحیفه جابر را نسبت به سوره بقره بیشتر حفظ دارم. (بخاری، ۱۹۹۹، ج ۷، ۱۸۶). بعید نیست احادیثی را که سلیمان بن قیس یشکری یکی از شاگردان جابر آن‌ها را روایت کرده، از همین صحیفه نقل کرده باشد. (ابن حجر، ۱۴۳۵، ج ۴، ۲۱۵)

۱۰ - صحیفه انس بن مالک رضی الله عنه (وفات، ۹۳ هـ):

حضرت انس بن مالک نیز دارای صحیفه‌ای خاص بوده که تعداد از احادیث رسول گرامی اسلام را در آن ترتیب و جمع‌آوری نموده بود، چنانچه ایشان می‌فرماید: این صحیفه شامل روایاتی است که از زبان گهربار رسول الله شنیدم و نوشتم و همچنان به پیامبر گرامی اسلام شنوادم. (الخطیب، ۱۹۷۴، ۹۵)

سرانجام با ذکر نمونه‌های از صحیفه‌های مشهور صحابه کرام رضی الله عنهم در عهد رسالت، به‌وضوح دانسته می‌شود که نوشتن حدیث در آن زمان نیز رایج بوده است؛ در این پژوهش ما فقط به ذکر مجموعه‌های بزرگ پرداختیم و اگر نه علاوه بر موارد مذکور نامه‌های انفرادی پیامبر گرامی اسلام به برخی از اشخاص، یادداشت‌های شخصی افراد و دستورهای صادر شده دیگری نیز وجود دارد که تفصیل شان در مطولات یافت می‌شود؛ البته باید خاطر نشان کرد که در راستای تدوین حدیث همه این تلاش‌ها به‌صورت انفرادی انجام گرفته است و در عصر خلفای ثلاثه چندان که به جمع‌آوری قرآن کریم به‌طور رسمی اهمیت داده شده بود، به تدوین و انتشار حدیث همت گمارده نشده است.

حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر فاروق رضی الله عنهما، در زمان خلافتشان تصمیم گرفتند که احادیث را نیز مانند قرآن مجید تحت نظارت و اشراف عده‌ای از نخبگان آماده کنند، اما هر دو از این کار صرف نظر کردند؛ چون تا آن زمان فقط یک نسخه قرآن کریم تحت نظارت آماده شده بود؛ بنابراین اگر مجموعه‌ی از احادیث به این روش آماده می‌شد، تصور کنید که مسلمان آنچه احترام و عقیدتی به آن پیدا می‌کردند و چه بسا آن را به درجه قرآن کریم می‌رساندند، علاوه بر آن این خطر هم وجود داشت که مردم قرآن مجید را فراموش کنند و به حفاظت و اشاعت احادیث مشغول شوند.

نگارشی سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم

پیامبر اسلام در کنار اینکه در میان مسلمین در عرصه‌های مختلف هدایات و ارشادات خویش را ابراز می‌داشتند، برای گسترش دعوت اسلام و توضیح مسایل مربوطه، پیام‌ها و هدایات خویش را به پادشاهان و مقامات دولت اسلامی در مناطق دور از مدینه منوره نیز گسیل می‌داشتند.

مطابق تحقیق ابن طولون دمشقی پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم تقریباً ۲۶ پیام کتبی و فرمان رسمی در موارد مختلف صادر و ارسال فرمودند. (ابن طولون، ۱۴۰۷، ۶۷)

۱- فرمان‌های که به والیان حکومتی می‌فرستادند

این مکتوبات و پیام‌ها عمدتاً حاوی مطالب مربوط به تنظیم اداره امور و شئون سرزمین‌های اسلامی، بیان احکام بنیادی دین، عقاید، خطمشی سیاسی، توضیح و تبیین سهام و مقادیر شرعی چون زکات، حدود، دیات، کفارات، محرمات و امثال آن‌ها بود که در ذیل به صورت مختصر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) مکاتیب ارسالی مربوط به بیان مقادیر، اموال و مستحقین زکات و دیات که پیامبر اسلام در زمان حیات شان نوشته بودند، اما زمینه ارسال آن‌ها فراهم نشد، هنگامی که ایشان رحلت فرمودند حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه این مکاتیب را به والیان خود فرستاد. پیامبر گرامی اسلام در مورد زکات فرمانی نوشت، اما پیش از رحلت نتوانست آن را به والی مربوطه ارسال نماید، آن نامه در غلاف شمشیرشان محفوظ و مصون ماند، زمانی که حضرت ابوبکر صدیق خلیفه مسلمانان شد، انس بن مالک را به حیث والی بحرین انتساب نموده و آن نامه را به وی سپرد، نامه مذکور شامل احکام زکات و صدقات بود. (البیهقی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۸۸)

پیامی که به عمرو بن حزم رضی الله عنه والی یمن فرستاد، این پیام حامل اصول کلی اسلام، روش‌های دعوت به اسلام، عبادات، سهم‌های زکات، جزیه و دیات بود. ابن جریج (عبدالملک بن عبدالعزیز متوفای ۱۵۰) می‌گوید: عثمان بن عثمان (راوی اثر) نامه‌ی را به من نشان داد که عبدالله بن ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم آن را به محمد بن هشام که والی مکه مکرمه بود، نوشت در حقیقت این نامه، همان نامه‌ی بود که پیامبر بزرگوار اسلام به عمرو بن حزم فرستاده بود.

ج) رساله‌ی که به وایل بن حجر رضی الله عنه والی حضرموت فرستاد، حاوی مسایل مهم چون اصول عمومی اسلام و محرمات دینی بود. (عتر، ۱۴۱۸، ۴۷)

د: رسول الله صلی الله علیه و سلم به ضحاک بن سفیان کلایبی نامه‌ی نوشت که در آن آمده است: خانی اشیم ضبابی از خون بهای وی ارث می‌برد. (ابن حجر، ۱۹۷۸، ج ۱، ۵۲)

ه: عبدالله بن عکیم می‌گوید: که پیامبر گرامی اسلام یک ماه پیش از رحلت‌اش برای ما نوشته بود که از پوست خود مرده و اشیای دیگر، استفاده نکنید. (ابن بلان، ۱۹۸۷، ج ۲، ۲۸۶)

۲- پیام‌های که پیامبر اسلام به پادشاهان دنیا فرستاد

پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم هنگامی که زیربنایی حکومت اسلامی را در مدینه منوره تشکیل دادند و از جنگ‌های اعراب و مشرکین مکه و یهود خیر فارغ شدند، تصمیم گرفتند تا زمینه دعوت اسلامی را به خارج از جزیره العرب گسترده بسازند، بنابراین به برخی از پادشاهان آن زمان پیام‌های دعوتی فرستادند که تکلیف شان را با دولت نو تأسیس اسلامی معین کنند که می‌خواهند با صلح و آشتی از آن استقبال می‌کنند و یا از سر دشمنی با آن پیش خواهند آمد. در این میان رسول الله صلی الله علیه و سلم پیام‌های خویش را به هرقل امپراتور روم، کسرا امپراتور فارس، مقوقس پادشاه مصر و نجاشی پادشاه حبشه و امثالهم فرستادند. (ابن طولون، ۱۴۰۷، ۶۷)

پیامبر بزرگوار اسلام برای کتابت آیات قرآن کریم گروهی مشخص از صحابه کرام را که تعداد آن‌ها تقریباً به چهل نفر می‌رسید و بناءً کاتبین وحی یاد می‌شدند تعیین کرده بود، بر علاوه این‌ها کسانی دیگری بودند که فرمان‌ها و دست‌آویزهای سیاسی و اجتماعی رسول الله صلی الله علیه و سلم را می‌نوشتند، آنان دست‌آویزهای مذکور را به زبان‌های مختلف ترجمه می‌کردند، چنانچه پیامبر گرامی اسلام زید بن ثابت رضی الله عنه را به آموزش زبان سریانی دستور داد و او در مدت هفده روز (خواندن و نوشتن) زبان مذکور را یاد گرفت (ابن طولون، ۱۴۰۷، ۷۱) پس از آن زید بن ثابت نامه‌های پیامبر را به پادشاهان غیرمسلمان می‌نوشت و نامه‌های ارسالی آنان را خوانده و به رسول الله صلی الله علیه و سلم ترجمه می‌نمود. (بخاری، ۱۹۹۹، ج ۴، ۲۴۴)

عبدالله بن ارقم رضی الله عنه نیز خطوط و نامه‌های پیامبر گرامی اسلام را به رشته تحریر درمی‌آورد و از طرف ایشان به جواب نامه‌های پادشاهان وقت، نامه می‌نوشت، رسول معظم اسلام، نسبت بر ایشان اعتماد کامل داشت، طوری که مجاز بود تا از طرف پیامبر صلی الله علیه و سلم نامه نوشته، مهر زده و ارسال نماید، در صورت غیبت زید بن ثابت و عبدالله بن ارقم، پیامبر اسلام توسط صحابه‌های دیگر به رهبران و پادشاهان نامه می‌نوشت.

در قسمت ترتیب و جمع‌آوری مکاتیب و نامه‌های پیامبر بزرگوار اسلام، محدثین و مؤرخین زحمات زیادی را متحمل شدند در این میان نخستین کسی که نامه‌های رسول الله را به صورت کتاب مستقل ترتیب و جمع‌آوری نمود، محدث ابو جعفر بود که نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و سلم را زیر نام عمرو بن حزم نوشت (حمیدالله، ۱۹۶۹، ۱۱). پس از آن ابن طولون نامه‌های بیشتری بر آن افزود و به عنوان (إعلام السائلین عن کتب سید المرسلین) نوشت، بعد از ابن طولون دانشمند بزرگ و محقق چیره‌دست دکتور حمیدالله نامه‌های سیاسی پیامبر اسلام را از منابع مختلف جمع‌آوری نمود که بیشتر از سه صد (۳۰۰) نامه است و زیر عنوان (الوثائق السیاسیه للعهد النبوی و الخلافه الراشده) تألیف نموده و به چاپ رساند. (صدیقی، ۲۰۰۸، ۴۳-۴۴)

پیامبر اسلام بعد از صلح حدیبیه به سوی پادشاهان جهان، نامه‌های دعوتی ارسال نمود در ذیل به معرفی برخی از نامه‌های پیامبر بزرگوار اسلام، اشاره می‌نماییم:

الف: عمرو بن امیه الضمری نامه‌ی پیامبر اسلام را به نجاشی شاه حبشه رساند و نجاشی از نامه‌ی پیامبر تکریم و استقبال نموده و مسلمان شد.

ب: دحیه بن خلیفه کلبی به سوی هرقل قیصر روم نامه‌ی رسول الله صلی الله علیه و سلم را بُرد، قیصر روم نخست اسلام آورد ولی در برابر واکنش اعتراضی دربار قرار گرفت و سیاه‌بخت شده و از اسلام منصرف شد.

ج: عبدالله بن حذافه سهمی نامه‌ی پیامبر اسلام را به کسرا شاه ایران رساند، اما آن بدبخت نامه‌ی پیامبر بزرگوار اسلام را پاره‌پاره کرد، رسول الله برای او دعای بد کرد و فرمود که خدایا! پادشاهی او را تباه و بر باد بگردان، چنانچه همین گونه شد.

د: حاطب بن بلتعنه نامه‌ی پیامبر اسلام را به مقوقس فرمانروای قبط رساند، هرچند وی از نامه استقبال نمود ولی اسلام نیاورد.

ه: حارث بن شمر و سلیط بن عمرو، نامه‌ی پیامبر اسلام را به هوذه بن علی حاکم یمامه رساند وی نیز از مواصلت نامه خرسند و استقبال نمود. (الجوزیه، ۱۹۹۲، ج ۱، ۳۰)

از میان نامه‌های فوق، اصل چهار نامه توسط محققین و پژوهشگران دریافت شده و عملاً در کتابخانه‌های مشهور موجود است:

اصل نامه رسول خدا به مقوقس در کلیسای مصر محفوظ بوده که آن را مستشرق بناءً (بارتیملی) کشف نموده است.

اصل نامه‌ی پیامبر گرامی اسلام به منذر بن ساوی توسط یکی از خاورشناسان آلمانی کاپی و پخش و نشر شده است.

نامه‌ی رسول الله صلی الله علیه و سلم به نجاشی خاورشناس مشهور بناءً (دنلپ) کشف و نشر نموده است.

نامه‌ی پیامبر معظم اسلام به کسرا توسط صلاح‌الدین منجد کشف و دریافت شده است.

داکتر محمد حمیدالله در باری صحت و اصالت دو تحقیق نوشته است که یکی آن در مجله‌ی عثمانی حیدرآباد درکم، چاپ شده و دومی در سال ۱۹۳۹، در حیدرآباد در یک مجله انگلیسی بناءً اسلامیک کچلر، به چاپ رسیده است. (حمیدالله، ۱۹۶۹، ۳-۱۰)

نتیجه‌گیری

از لایه‌لای این تحقیق به نکات زیر می‌رسیم:

۱. بر اساس بیشتر منابع یادشده در این تحقیق پیامبر اسلام در اوایل اسلام به‌منظور خلط نشدن حدیث به قرآن کریم، از نگارش و نوشتن حدیث نبوی به‌صورت عموم منع می‌فرمودند.
۲. اما بر مبنای برخی دیگر از منابع، پیامبر اسلام برای یک تعداد افراد خاص که حافظه و ذاکره شان ضعیف بود و توان حفظ و ضبط را نداشتند، اجازه می‌فرمودند تا برای خود در صحیفه‌های شخصی‌شان احادیثی را که از پیامبر می‌شنیدند، بنویسند؛ مانند ابوشاه یمنی.
۳. در عرصه‌های شئون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حسب لزوم دید بدون کدام دغدغه مسایل مربوط به آن را دستور می‌دادند تا نگارش باید و به مراجع ذیربط ارجاع و ارسال گردد؛ مانند ارسال پیام‌های دعوتی به پادشاهان مطرح دنیا و فرستادن فرمان‌ها حکومتی به والیان مناطق مختلف تحت قلمرو حکومت اسلامی.
۴. از میان‌نامه‌های ارسالی پیامبر گرامی اسلام، اصل چهار نامه توسط محققین و پژوهشگران مانند: مستشرق بناء (بارتیملی)، خاورشناس مشهور بناء (دنلپ)، پژوهشگر شهیر مسلمان بناء (صلاح‌الدین منجد) و یکی از خاورشناسان آلمانی دریافت شده و پخش و نشر گردیده است که عملاً در کتابخانه‌های مشهور موجود است.

مأخذ

قرآن کریم.

- ابن العماد، عبدالحی بن احمد. (۱۴۲۰ هـ). **شذرات الذهب فی أخبار من ذهب**، دمشق، دارابن کثیر.
- ابن بلبان، علی الفارسی. (۱۹۸۷ م). **الإحسان بترتیب صحیح بن حبان**، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر، احمد بن عسقلانی. (۱۹۷۸ م) و **الإصابة فی تمييز الصحابه**، بیروت، دارالفکر.
- ابن حجر، احمد بن علی عسقلانی. (۱۴۳۵ هـ). **تهذیب التهذیب**، هند، مطبعه دایره المعارف النظامیه.
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۹۶۸ م). **طبقات ابن سعد**، بیروت، دارصادر.
- ابن طولون، محمد بن علی حنفی. (۱۴۰۷ هـ). **إعلام السائلین عن کتب سید المرسلین**، بیروت، الرساله.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۹۹۶ م). **جامع بیان العلم و فضله**، القاهره، مکتبه ابن تیمیه.
- ابن قیم الجوزیه. (۱۹۹۲ م). **زادالمعاد فی هدی خیر العباد**، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی. (۱۴۲۳ هـ). **سنن ابن ماجه**، بیروت، دارالفکر.
- احمدیان، ملا عبدالله. (۱۳۸۲ هـ). **تاریخ ضبط و ثبت حدیث**، بی جا، بی نا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۹۹۹ م). **تاریخ کبیر**، حیدرآباد هند، دائرة المعارف العثمانیه.
- بغدادی، أحمد بن علی الخطیب. (۱۴۰۴ هـ). **تقیید العلم**، بیروت، احیاء السنه النبویه.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۰۳ هـ) **شرح السنه**، دمشق، المکتب الاسلامی.
- البیهقی، احمد بن حسین. (۱۹۸۶ م). **السنن الکبری**، بیروت، دارالمعرفه.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۳ هـ). **سنن الترمذی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- الحاكم، محمد بن عبدالله. (بى تا). **المستدرک على الصحيحين**، بيروت، دارالمعرفة.
- الخطابى، حمد بن محمد. (١٩٨١ م). **معالم السنن**، بيروت، المكتبة العلمية.
- الخطيب، احمد بن على البغدادى. (١٩٧٤ م). **تقييد العلم**، القاهرة، دار احياء السنه النبويه.
- خطيب، محمد بن على البغدادى. (١٤٢٠ هـ). **الكفاية فى علم الروايه**، بيروت، دارالفكر.
- الدارامى، ابومحمد عبدالله. (بى تا). **سنن الدارامى**، اندونيسيا، مكتبه دحلان.
- ذهبي، محمد بن احمد بن قايماز. (١٤٢٣ هـ). **تذكرة الحفاظ**، بيروت، دارالفكر.
- ذهبي، محمد بن احمد. (١٤١٣ ق). **سير أعلام النبلاء**، بيروت، مؤسسة الرساله.
- الزركلى، خيرالدين. (١٩٩٢ م). **الأعلام دار العلم للملائين**، بيروت، دارالكتب العلميه.
- السجستانى، ابو داود سليمان بن الاشعث. (بى تا). **سنن ابى داود**، بيروت، دارلكتاب العربى.
- شيبانى، احمد بن حنبل. (١٤٢١ هـ). **مسند امام احمد**، بيروت، دار الرساله.
- صالح، صبحى. (١٤١٧ هـ). **علوم الحديث و مصطلحه**، قم، انتشارات مكتبه الجديريه.
- صديقى، ساجدالرحمن. (٢٠٠٨ م). **كتابت و تدوين حديث**، كراچى، مكتبه عمر فاروق.
- عتر، نورالدين. (١٤١٨ هـ). **منهج النقد فى علوم الحديث**، دمشق، دارالفكر.
- عجاج، محمد الخطيب. (١٩٩٠ م). **السنة قبل التدوين**، بيروت، دارالفكر.
- قسطلانى، احمد بن محمد. (١٣٢٣ هـ). **ارشاد السارى شرح صحيح البخارى**، مصر، المكتبة الكبرى الاميرييه.
- محمد، حميدالله. (١٩٦٩ م). **الوثائق السياسيه**، بيروت، دارالارشاد للطباعة و النشر.
- مدنى، مالك بن انس. (١٩٨٥ م). **موطأى امام مالك**، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- نیشاپورى، مسلم بن حجاج. (١٤٢١ هـ). **دصحيح مسلم**، القاهرة، شركت مصطفى الحلبي.
- نیشاپورى، محمد بن عبدالله الحاكم. (١٤١١ هـ). **المستدرک على الصحيحين**، بيروت، دارالكتب العلميه.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

جایگاه عرف در عقود تبرعی از منظر فقه اسلامی

پوهنیار فراح الدین فرهمند

پوهنتون بلخ - پوهنهی شرعیات، دیپارتمنت تعلیمات اسلامی

تقریظ: پوهنوال محمد یاسین فلاح

چکیده

تحقیقات انجام شده در حوزه عرف بیانگر این است که عرف صحیح در قراردادهای و معاملات مالی معوض از قبیل عقد بیع و اجاره نقش اساسی داشته، ولی میزان تأثیر گذاری آن در قراردادهای و معاملات مالی تبرعی و احسانی دارای ابهام بوده است، تحقیق حاضر نشان داد عرف همان گونه که در قراردادهای مالی معوض نقش داشته در قراردادهای تبرعی و بدون عوض مانند عقد قرض، عاریت، هبه، وصیت و وقف نیز جایگاه خاص دارد. عقد قرض در صیغه انعقاد و تشخیص شروط خویش مانند تعیین مقدار مال قرضی و وصف آن و همچنین در تغییر قیمت پول نقد هنگام پرداخت از عرف منشأ گرفته است، عقد عاریت در نحوه انعقاد، حدود انتفاع و ضمان ناشی از تلف مال مورد عاریت، متأثر از عرف بوده، عقد هبه در صیغه عقد به گونه قولی باشد و یا فعلی و همچنین نیاز داشتن به وثیقه، منبعی عرفی دارد. عقد وصیت به نحوه ای امضاء و مهر و عقد وقف به الفاظ و افعالی که منعقد می گردد، عاری از تأثیر عرف نبوده است، با توجه به مواردی که گفته شد اکثر فقهاء و مجتهدین عرف را با در نظر داشت شرایط و ارکان آن به عنوان منبع استنباط احکام شرعی در مسایل و موضوعات مختلف فقهی به ویژه در تعاملات مالی اعم از تبرعی و معاضی شناخته است. از این رو، مسئولین عدلی و قضایی و وکلای مدافع در صورت فقدان نص صریح مخالف عرف، به نزاع های بر خاسته از عقود تبرعی به آن استناد نموده پرونده ها را حل و فصل می نمایند.

کلیدواژه ها: عقد، تبرع، عرف، احسان و معاملات معوض.

بیان مسئله

عرف به عنوان یک منبع احتیاطی و کمکی، همیشه در تمام نظام های حقوقی جهان مطرح بوده هرگاه قاضی حکم قضیه ای را در نص قوانین و مقررات مدون پیش بینی شده نیابد می تواند به عرف مراجعه نموده، با استفاده از آن قضیه را حل و فصل نماید در قوانین عام بین المللی عرف از مهم ترین منابع آن به حساب می آید؛ اما شریعت اسلامی نیز به عرف توجه خاص نموده و فقهای اسلام عرف را یکی از منابع معتبر فقه اسلامی دانسته اند و به حجیت و اعتبار آن اتفاق نظر دارند، هرچند برخی فقهاء از لحاظ نظری آن را نفی کرده اند و یا به منبعی دیگری ارجاع داده اند با آن هم عرف از اهمیت بالایی در شریعت اسلامی برخوردار است، زیرا قاضی، مفتی و فقیه در تفسیر متون قرارداد ها از عرف های معتبر جاری کمک می گیرند به گونه ای که قرآن کریم در مورد تحریم ربا به اضعافا مضاعفه تعبیر کرده، مفهوم مخالف آن چنین می شود اگر به گونه ای مضاعف نباشد تحریم ثابت نمی شود در حالیکه امر این چنین نیست ولی قرآن به اساس عرف همان زمان تعبیر نموده است، هرگاه معیاد دین تکمیل می گردید و با دریافت مقدار همان دین، معامله دین را دو باره تمدید می کردند. همچنین قاضی از شنیدن دعوی که عرف و عادت آن را تکذیب کند امتناع می ورزد و حکم به ضامن بودن غاصب نسبت به منافع مال مغضوبه نظر به تعبیر عرف های موجود به اهمیت عرف برمی گردد. از این رو، عرف به تمام حوزه های فقهی جز عبادات از جایگاه خاصی برخوردار است؛ اما در مورد معاملات احسانی و تبرعی مانند هبه، وقف و غیره عرف کاربرد دارد و یا خیر؟ در این مطلب، بحث مفصل صورت نگرفته است، تحقیق حاضر تلاش بر آن دارد جایگاه و تأثیر عرف را در حوزه عقود تبرعی مورد تحقیق و پژوهش قرار داده و نکات مبهمی که وجود دارد روشن سازد.

اهمیت و دلایل انجام کار تحقیقی

عرف در فقه اسلامی به عنوان یک منبع استنباط احکام شرعی برای مجتهدین شناخته شده است، فقهاء و حقوقدانان به عنوان یک راه حل در نبود حکم صریح شرعی و قانونی به آن مراجعه نموده به حل و فصل قضایای مربوطه می پردازند. از اینکه مسایل فقهی، گسترده و وسیع است و اثر گذاری عرف در معاملات مالی معوض مانند بیع، اجاره و کالت و غیره... بیشتر متصور است و کارهای علمی و تحقیقی زیادی در این حوزه صورت گرفته است؛ اما در مورد معاملات غیر معوض از قبیل معاملات احسانی و تبرعی مانند هبه، وقف و غیره که بیشتر به عرف نیاز دارد چندان کار های علمی صورت نگرفته است. از این رو، عدم پژوهش و تحقیق علمی به اثر گذاری عرف در عقود تبرعی خلای علمی محسوب گردیده، نیاز به تحقیق علمی دارد.

اهداف تحقیق

الف- اهداف اصلی:

- ۱- معرفی مفهوم و مبانی عرف، تبرع، اثر گذاری عرف در استنباط احکام شرعی و تبیین اقسام عرف.
- ۲- معرفی عقود تبرعی، بررسی میزان تأثیر گذاری عرف در عقود تبرعی و تبیین دلایل موجود در این زمینه، پیشنهاد راه حل مناسب مبتنی بر عرف در اختلافات احتمالی ناشی از عقود تبرعی.

ب- اهداف کاربردی:

ممکن قضات و نهادهای های عدلی و قضایی از این تحقیق در دعاوی ناشی از عقود تبرعی استفاده نمایند. محصلین و محققین در تحقیقات علمی شان می توانند در حوزه عقود تبرعی از این پژوهش استفاده کنند.

پرسش‌های تحقیق

سؤال اصلی:

جایگاه عرف در عقود تبرعی چیست؟

سؤالات فرعی:

۱- مفهوم عرف چیست؟

۲- عرف چند نوع است؟

۳- کدام نوع عرف در عقود تبرعی تأثیر دارد؟

۴- میزان تأثیر پذیری عقود تبرعی از عرف چی گونه است؟

فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد مجتهد و فقیه، احکام فقهی را در عقود تبرعی قسمیکه از نصوص شرعی استنباط نموده است، در صورت فقدان حکم صریح شرعی به عرف و عادت جاری نیز متوسل می‌گردد. عرف ممکن از جهت‌های مختلف به صحیح و فاسد، به عام و خاص، به شرعی و قانونی تقسیم شود. میزان تأثیر پذیری عقود تبرعی از عرف معتبر و صحیح در مسایل زیادی که نص وجود نداشته باشد مانند صیغه و شروط عقد، زیاد به چشم می‌خورد.

پیشینه تحقیق

به‌صورت کلی در تأثیر عرف بر عقود تبرعی کتب زیادی اشاره نموده است از جمله:

مجلة الاحکام العدلیه اثر فقهای دولت عثمانی ترکیه است به شکل عمومی ضمن قواعد فقهی به عرف اشاره نموده، لیکن به شکل خاص به تأثیر عرف در عقود تبرعی بحث نکرده است.

درر الحکام شرح مجلة الاحکام العدلیه، اثر علی حیدر آفندی، این کتاب با اینکه قواعد عمومی مجلة الاحکام العدلیه را در رابطه به عرف توضیح داده ولی تمرکز خاص به کاربرد آن به عقود تبرعی ننموده است.

العرف والعادة فی رأى الفقهاء اثر احمد فهم ابوسنه؛

العرف و أثره فی الشریع الاسلامی اثر مصطفی عبد الرحیم ابوعجیله؛

اثر العرف و تطبیقاته المعاصره فی فقه العائلات المالیه، اثر دکتر عادل بن عبد القادر قوته.

البته این سه کتاب در تأثیرگذاری عرف به نحوی در عقود تبرعی اشاره نموده ولی در خصوص عقود تبرعی مالی تحقیق نکرده، از سوی دیگر آثار قبلی همه به زبان عربی است و تحقیق پیش رو، به زبان فارسی هست.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، از روش کتابخانه‌ای به گونه‌ای توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است، نخست مطالب موردنظر از منابع مختلف جمع‌آوری گردیده سپس به تحلیل و تجزیه و دیدگاه‌های موجود در زمینه پرداخته شده است.

مفهوم شناسی و کلیات تحقیق

تعریف عرف

الف- عرف در لغت: به معنای خوی و عادت، اصطلاح و امری که میان مردم معمول و متداول شده باشد و به معنای نیکویی و جوانمردی و بخشش و دهش و آنچه بذل و بخشش شود آمده است. (عمید، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۴۳۲)

ب- عرف در اصطلاح: در اصطلاح شرعی عرف عبارت از فعل یا قولی است که استعمال آن به قدری تکرار شده باشد که در روان مردم استقرار یافته و مورد پذیرش عقول و خردها بوده باشد و آن را درگیر و دار زندگانی خود به کار ببندند و رعایت کنند. (زلمی، ۱۳۸۹، ۱۲۷)

اقسام عرف

نخست عرف به شرعی و قانونی تقسیم می‌گردد:

۱- عرف شرعی: عبارت از لفظی است که در لغت به معنای عام وضع شده، سپس به معنای خاص منتقل شده مانند: لفظ «صلاه» در لغت به معنای دعا است، سپس در اصطلاح به معنای خاص که عبارت از عبادات مخصوص است منتقل گردیده است، یا لفظ صیام که در لغت به معنای مطلق خودداری کردن است سپس به عرف شرعی همان خودداری از خوردن، نوشیدن و جماع کردن از صبح تا غروب منتقل گردیده است. (زلمی، ۱۳۹۸، ۲۹۸)

۲- عرف قانونی: عبارت از لفظی است از معنای لغوی آن به معنای خاص قانونی منتقل شده باشد مانند لفظ «جنایت» که از ناحیه لغت به هر نوع کار ممنوعی که زیان مالی و جانی در پی داشته باشد اطلاق می‌شود ولی در قانون به مجازات خاصی استعمال شده است (زلمی ۱۳۹۸، ۲۹۸) چنانچه ماده ۲۹ کد جزای افغانستان گفته جنایت عبارت: از جرمی است که جزای آن حبس طویل، حبس دوام، حبس ابد و یا اعدام تعیین شده باشد.

ثانیا تقسیم عرف به اعتبار موافقت و یا مخالفت با شریعت

عرف به این اعتبار به صحیح و فاسد تقسیم می‌گردد به تبیین بیشتر آن‌ها می‌پردازیم:

۱- عرف صحیح: عرف صحیح عبارت از عرفی است که با نظام اجتماعی عموم مردم و با مواز این شریعت اسلامی و عرف پذیرفته شده مسلمانان در تعارض و مخالفت نباشد به گونه‌ای که حلالی را حرام و حرامی را حلال نگرداند (زلمی، ۱۳۸۹، ۱۳) از همین رو، در عرصه قانونگذاری، قضاء و اجتهاد از عرف صحیح استفاده می‌شود زیرا مخالف اصول و

قواعد شرع نمی‌باشد، اگر به این عرف عمل نشود بدون شک مردم در زندگی خویش در حرج قرار می‌گیرد، به همین منظور شریعت اسلامی برخی عرف عرب‌های زمان جاهلیت را پذیرفته است مانند وجوب دیت بر عصبه قاتل و تأیید کفایت در ازدواج. (زحیلی، ۱۴۱۹، ۹۷-۹۸)

۲- عرف فاسد: عبارت از عرفی است که با نظام اجتماعی و رسوم رایج عموم مردم و مواز این ثابت شرعی در تعارض باشد و یا سبب ایجاد ضرر و انتفای مصلحتی گردد مانند استعمال مسکرات، مواد مخدر، قمار بازی، ساختمان سازی بر قبرستان و غیره (زلمی، ۱۳۸۹، ۱۳۰)

ثالثا عرف به اعتبار مرجع صدور به عام و خاص تقسیم می‌شود.

۱- عرف عام: عبارت از عرفی است که اکثر شهروندان یک شهر در وقتی از اوقات آن را انجام می‌دهد مانند عقد استصناع یا استعمال لفظ طلاق به معنای حرام که عقد از دواج را پایان می‌دهد و یا داخل شدن در حمام بدون تعیین مدت آن. (زحیلی، ۱۴۱۹، ۹۷) چنانچه قواعد مشهور فقهی به آن صراحت دارد: «إِنَّمَا تُعْتَبَرُ الْعَادَةُ إِذَا اطَّرَدَتْ أَوْ غَلَبَتْ.» (ماده ۴۱ مجلة الاحکام) ترجمه: «عادت را وقتی اعتبار داده می‌شود که همیشگی و یا غالب باشد.» و یا «الْعَبْرَةُ لِلْغَالِبِ الشَّائِعِ لَا لِلنَّادِرِ.» (ماده ۴۲ مجلة الاحکام) ترجمه: «غالب، مشهور اعتبار دارد نه نادر.»

۲- عرف خاص: عبارت از عرفی است که اهل یک شهر و جغرافیه خاص و یا گروه معین از مردم آن را انجام می‌دهند مانند؛ لفظ «دابه» در عرف اهل عراق خاص به اسب اطلاق گردیده است یا قراردادن دفاتر تجاری دلیل برای اثبات دین در عرف تجارت. (زحیلی، ۱۴۱۹، ۹۷)

جایگاه عرف در عقود تبرعی

تعریف تبرع

الف- در لغت: عبارت است از بخشیدن چیزی از جانب خود بدون اینکه در مقابل آن شخص عوض در خواست داشته باشد. چنانچه در لسان العرب آمده است: «تبرع بالعتاء: أعطى من غير سؤال أو تفضل بما لا يجب عليه. يقال: فعلت ذلك متبرعا أي تبرعا» (ابن منظور، ب، ت، ج ۳، ۱۲۳)

ب- تبرع در اصطلاح: فقهاء تعریف اصطلاحی خاصی از تبرع ارائه نکرده‌اند اما ضمن انواع آن مانند وصیت، وقف و هبه تعریف نموده‌اند آنچه از مجموع تعریفات استنباط می‌شود، تبرع عبارت از بذل مال یا منفعتی است به دیگری در حال و یا آینده بدون عوض به هدف احسان و نیکو کاری. (وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۷، ج ۴، ۴۲)

ارکان تبرع: تبرع از خود سه رکن دارد: متبرع: بخشش کننده متبرع له کسی که به او بخشش می‌شود متبرع مال و یا منفعتی که تبرع می‌گردد.

انواع عقود تبرعی

تبرع عبارت از عمل احسانی و نیکوکاری است که شامل عقد: قرض، هبه، عاریه، وصیت و وقف هست.

جایگاه و تأثیر عرف در عقد قرض

۱- تعریف عقد قرض

الف- قرض در لغت: عبارت است از بریدن، قطع کردن، پاداش دادن و شعر گفتن. (عمید، ۱۳۸۲ ج ۲، ۱۵۷۴)

ب- قرض در اصطلاح: عبارت از مالی است که قرض دهنده به قرض گیرنده اعطاء می نماید تا هرگاه توان پرداخت آن رایافت، همان مقدار و مبلغ را به وی برگرداند. (سید سابق، ۱۳۸۶، ۱۸۳۳)

۱-جایگاه عرف در صیغه عقد قرض:

عقد قرض به هر لفظی که افاده معنای قرض را کند درست می شود مانند اینکه قرض دهنده بگوید: تورا مالک این مال ساختم و عوض آن را برایم برگردان و یا اینکه بگوید از این مال منفعت بگیر و نیاز خویش را برطرف کن، سپس بدل آن را برایم برگردان، این الفاظ متعارف بین مردم دلالت بر قرض می کند، قرض عرفی نامیده می شود؛ اما اگر قرینه ای دلالت بر قرض کند مانند اینکه کسی در خواست قرض کند و عملاً قرض به او پرداخت شود و یا کسی با نامه نویسی در خواست قرض کند و دیگری به او حواله ای بانکی بفرستد نیز قرض به حساب می آید. البته مرجع تفسیر قرینه بر قرض همان عرف موجود و دلالت حال هست. (قوته: ۱۴۲۸، ۱۴۳)

۲- جایگاه عرف در شروط عقد قرض: شروط صحت عقد قرض این است که مال قرض داده شده به عاقدین معلوم و مشخص باشد بخاطریکه هنگام پرداخت بدون نزاع برگردانده شود، اما برای دانستن مال قرضی تحقق دو امر ضروری است. اول: دانستن مقدار مال قرض دوم: دانستن وصف مال قرض.

راه شناخت دو گزینه فوق توسط ابزاری صورت می گیرد که بین مردم معروف است مانند پیمانه، ترازو، ذراع و یا آله سنجش دیگری که مردم عادتاً به وسیله آن مقدار را مشخص می کند به همین مناسبت مذهب حنابله قرض منافع را جایز نمی داند زیرا علت منع آن عدم تشخیص مقدار منافع به وسیله عرف و عادت است. (البهوتی، ۱۴۰۳، ج ۳، ۳۱۴) چنانچه قاعده فقهی است: «الْمُتَمَنِّعُ عَادَةً كَالْمُتَمَنِّعِ حَقِيقَةً.» (المادة ۳۸ مجلة الاحکام) حاصل و نتیجه این است اگر عرف و عادت منافع را اندازه کرده بتواند قرض منافع نیز از نظر حنابله جایز می شد.

۳- جایگاه عرف در اعطای هدیه به قرض دهنده: اصل بر این است نباید قرض گیرنده به قرض دهنده قبل از ادای قرض تحفه و هدیه اعطاء کند و نه معامله ای انجام دهد که به نفع قرض دهنده جاری باشد مانند عقد عاریه مگر اینکه قبل از عقد قرض، عرف و عادت به اعطای هدیه بین قرض دهنده و قرض گیرنده باشد و یا منفعتی که داین از عقد حاصل می کند از حساب قرض مدیون کسر نماید و یا هم قرض دهنده نیز در مقابل منفعتی که از قرض گیرنده کسب

می‌کند عمل بالمثل انجام دهد در این سه صورت اعطای هدیه و انجام معامله بین قرض دهنده و قرض گیرنده جایز هست زیرا جواز هدیه و انجام معامله بر خلاف اصل به وسیله مخصص یعنی عرف صورت می‌گیرد. (شریعی، ۱۹۹۲، ج ۶، ۴۳۷-۴۳۸)

۴- جایگاه عرف در تغییر نقود و اثر آن هنگام پرداخت قرض: هرگاه موضوع عقد قرض پول فلزی یا درهم شکسته و یا هم اسکناس باشد و حکومت معامله ای آن را منع نکرده باشد و ارزش آن‌ها به مرور زمان کم و یا زیاد شود، هنگام ادای دین مثل آن پرداخته می‌شود. مجمع فقه اسلامی در این مورد چنین تصریح می‌دارد: «بعد از اعلامیه شماره ۹ دوره سوم مجمع فقه اسلامی که اسکناس های کاغذی اعتبار پول نقد را دارد و دارای صفت کامل ثمنیت است، احکام شرعی طلا و نقره از حیث ربا، زکات، سلم و غیره به آن‌ها جاری می‌گردد. سپس این مطلب را نیز فیصله نمودند: دین های ثابت (معین) به اسکناس، هنگام پرداخت، مثل آن اعتبار دارد نه قیمت آن چون ارتباط دیون ثابت (معین) در ذمه جایز نمی‌باشد، مشروط بر اینکه حکومت آن را منع نکرده باشد؛ اما اگر منع کرده باشد طبق عرف جاری قیمت روز قرض از غیر جنس مذکور لازم می‌گردد.» (قوته، ۱۴۲۸، ۱۴۴)

جایگاه عرف در عقد هبه

۱- تعریف هبه

الف- تعریف هبه: در لغت به معنی بخشیدن، دادن چیزی به کسی بدون عوض و نیز به معنی شیء موهوب، آنچه بخشیده شده آمده است. (عمید، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۹۶۴).

ب- هبه در اصطلاح: هبه در اصطلاح شرع اینست که انسان مال خود را در حال حیات و زندگی خود بدون عوض به ملکیت غیر درآورد. (سابق، ۱۳۸۴، ۱۹۶۵)

۲- جایگاه عرف در صیغه عقد هبه

عقد هبه به هر قول و فعلی که دلالت بر هبه کند منعقد می‌گردد، دلالت قولی به گونه‌ای درست می‌شود که ایجاب و قبول به لفظ هبه، صدقه و عطیه و یا هر لفظ دیگری باشد مانند؛ اینکه واهب بگوید: هبه کردم، هدیه دادم، بخشیدم و یا لفظ دیگری که از لحاظ عرف به تملیک مال بدون عوض دلالت نماید؛ و همچنین قبول زمانی درست می‌شود به لفظ قبول نمودم، راضی شدم و سپاس گذاری نمودن باشد؛ اما دلالت فعلی در عقد هبه به صورت معاطات (بدون صیغه عقد) نیز درست می‌گردد زیرا برای صحت عقد هبه از نظر عرف، فعل معاطات و یا هر فعل دیگری که به ایجاب و قبول دلالت نماید کافی است، نیاز به لفظ خاص نیست؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و سلم) به دیگران هدیه نموده و هدیه دیگران را پذیرفته است و همچنین اصحاب پیامبر، ولی از هیچکدام شان ایجاب و قبول هبه با لفظ خاص نقل نشده است اگر لفظ خاص شرط می‌بود حتماً نقل می‌کردند. (قوته، ۱۴۲۸، ۱۵۲)

۳- مسایل هبه که عرف در آن تأثیر دارد

انواع هبه از هرنوعی که باشد از قبیل صدقه، هدیه و عطیه احکام هبه در آنجاری می‌گردد البته تمام انواع با وسیله درست می‌شود که باهمان وسیله عرفا عقد هبه درست می‌گردد.

برخی از انواع هبه مانند هبه عقارات و زمین در تعیین قیمت و بها به عرف نیاز دارد و همچنین به گرفتن وثیقه (سند و شهود).

اجازه دادن به استفاده از اشیای استهلاکی و استعمالی هبه معنوی محسوب می‌شود، اما اساس استفاده آنها را عرف جاری تشکیل می‌دهد؛ مثالهای مشهور آن استفاده از غذای مهمانی، نوشیدن آب و تکیه کردن به بالشتهای خانه که اجازه ورود پیدا نموده طبق عرف هست. (قوته، ۱۴۲۸، ۱۵۲)

جایگاه عرف در عقد عاریه

۱- تعریف عقد عاریه

الف- در لغت: عبارت است از چیزی که کسی برای انتفاع موقت از دیگری بگیرد و بعد پس بدهد، آنچه گرفته یا داده شده شود بشرط بر گرداندن. (عمید، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۴۱۸)

ب - در اصطلاح: در معنای اصطلاحی عاریت فقهاء به شرح زیر اختلاف نموده‌اند:

۱- امام سرخسی از فقههای حنفی و مالکیه گفتند: عقد عاریت عبارت از تملیک منفعت بدون عوض هست. این عقد را به خاطر عاریت گفته شده که عاری از عوض است. (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۱۲، ۳ این جزی، ب.ت ۲۷۲) اما شافعیه و حنابله گفتند: عقد عاریت عبارت از اباحه منفعت بدون عوض هست. (شرینی، ۱۹۹۲، ج ۲، ۲۶۳ و البهوتی، ۱۴۰۳، ج ۴، ۶۷). فرقی که بین هردو تعریف وجود دارد این است در تعریف اول عاریت افاده تملیک را می‌کند و مستعیر می‌تواند مال عاریت را به دیگری عاریت بدهد؛ اما در تعریف دوم افاده اباحت را می‌نماید فقط مستعیر استفاده کرده می‌تواند او نمی‌تواند آن را به دیگری عاریت بدهد. (زحیلی، ۱۴۰۶، ج ۵، ۵۵)

۲- جایگاه عرف در صیغه عقد عاریه: عقد اجاره به ایجاب و قبول که به رضایت طرفین دلالت کند اعم از اینکه با قول باشد و یا فعل منعقد می‌گردد. اثر قول این است: عقد عاریت، با لفظ اعاره و یا هر لفظ دیگری که به عاریت دلالت کند درست می‌شود. ما اثر فعل این است که عقد عاریت به هر فعل عرفی که عاریت به آن دلالت کند اعم از اینکه از معیر صادر شده باشد و یا از مستعیر منعقد می‌گردد. (البهوتی، ۱۴۰۳، هـ ق ج ۴ ص ۶۲) از این رو، هرگاه معیر به مستعیر بگوید: اجازه سکونت در خانه‌ام را داری سپس مستعیر در خانه مذکور سکونت کرد همین سکونت از نظر عرف قایم مقام قبول شده می‌تواند و یا مستعیر بگوید لباس را برایم عاریت

دهید و لباس را بدون قبول لفظی تسلیم نمود و یا گفت موتر را برایم عاریت بدهید و کلید موتر را به اختیار او قرارداد همین تسلیم لباس و کلید موتر عرفاً به منزله قبول شناخته می‌شود. (قوت، ۱۴۲۸، ۱۴۷)

۳- جایگاه عرف در حدود انتفاع از مال مورد عاریت: هدف از عقد عاریت منفعت گرفتن و استعمال آن تا پایان عقد عاریه است اما تعیین حدود و نوعیت انتفاع هنگام عقد شرط نیست زیرا جهالت در عقود لازمی تأثیر منفی می‌گذارد نه در جائزی، عقد عاریه از عقود جائزی است نه لازمی.

معمولاً عقد عاریه به دو صورت منعقد می‌گردد یکی به صورت مطلق و دیگری به صورت مقید:

اگر عاریت به صورت مطلق منعقد شده باشد و عاریت دهنده نوعیت انتفاع را تعیین نکرده باشد، مستعیر مالک انتفاع طبق عرف می‌گردد نوعیت و حدود انتفاع، به مصلحت عرف موجود تعیین می‌شود و عرف انتفاع مطلق را به منزله مقید می‌سازد. اگر به صورت مقید باشد و حدود انتفاع را عاریت دهنده مشخص کرده باشد مستعیر فقط در محدوده ای که برایش اجازه داده شده و یا از لحاظ ضرر کمتر باشد انتفاع می‌گیرد؛ اما اگر از محدوده اجازه داده شده تجاوز کند مستعیر ضامن شناخته می‌شود چون مالک به آن رضایت ندارد. (قوته، ۱۴۲۸، ۱۴۸) در نتیجه می‌توان گفت در حدود تعیین انتفاع از شی عاریت گرفته شده عرف نقش اساسی را ایفاء می‌کند و مبنای آن این قاعده فقهی است «التَّعْيِينُ بِالْعُرْفِ كَالْتَّعْيِينِ بِالنَّصِّ» (ماده ۴۵ مجله الاحکام) ترجمه: چیز را که عرف تعیین نموده مانند تعیین با نص است.

۴- جایگاه عرف در ضمان ناشی از عقد عاریت: از جمله تعهدات مستعیر در عقد عاریت این است که مستعیر از عین مورد عاریت طبق عرف و عادت استفاده کند تا زمانی که مستعیر از عین مورد عاریت باهمین صفت استفاده کند و عین مورد عاریت کلاً و یا بعضاً تلف گردد ضمان ندارد؛ زیرا استفاده از عین مورد عاریت طبق عرف و عادت متضمن ضمان نمی‌باشد؛ اما اگر مستعیر از عین مورد عاریت بیشتر از محدوده ای اجازه داده شد یا اینکه عرف مصلحت نمی‌داند استفاده کند ضمان لازم می‌گردد و همچنین در استعمال و محافظت از آن تعدی و تفریط کند دارای ضمان است ولی معیار تشخیص دهنده تعدی و تفریط عرف جاری هست. (همان) چنانچه ماده ۸۱۳ مجله الاحکام العدلیه حکم می‌کند: «مال عاریت در دست مستعیر به قسم امانت قرارداد و اگر این مال بدون تقصیر و تعدی هلاک و یا ضایع گردد و یا در قیمت آن نقصان وارد گردد ضمان ندارد. مثلاً اگر شیشه‌ای که به عاریت داده شده؛ از دست مستعیر اتفاقاً و بدون قصد افتاد یا پایش لغزید و آتیه افتاد و شکست، ضمان لازم نمی‌شود.

۴- مثالهای تطبیقی معاصر: اگر لباس های زینتی به عاریت داده شد و مستعیر از آن‌ها به عنوان لباس خواب استفاده نمود و یا لباس های عروسی عاریتی را مستعیر در پاک کاری خانه و خدمت مهمان استفاده کرد، در نتیجه کهنه و فرسوده شود. همچنین اگر موتر سواری شخصی به عاریت داده شد و مستعیر از آن به عنوان حمل و نقل بار استفاده نمود و منجر به تخریب و نقصان گردید ضمان لازم می‌گردد. (البهوتی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۳۹۷)

جایگاه عرف در عقد وصیت

۱- تعریف وصیت:

الف- در لغت: پند، اندرز، سفارش، دستوری که کسی پیش از مردن به وصی خود بدهد که بعد از مرگ او اجرا کند. (عمید، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۹۵۲)

ب- وصیت در اصطلاح: فقهاء تعاریف مختلف در مورد معنای اصطلاحی وصیت ارائه نموده‌اند.

علامه کاسانی می‌گوید: وصیت اسم چیزی است که وصی در مال خود بعد از فوتش لازم می‌گرداند. (الکاسانی، ۱۴۳۱، ج ۷، ۳۳۳).

صاحب ردالمحتار وصیت را چنین تعریف نموده است: عبارت از تملیک معلق منافع و اعیان بعد از موت به صورت تبرع هست. (ابن عابدین، ۱۳۹۹، ج ۶، ۶۴۸)

حنابله گفتند: وصیت عبارت از تصرف و یا تبرع مال است بعد از فوت موصی. (البهوتی، ۱۴۰۳، ج ۳، ۳۳۵) به هر سه تعریف در وصیت شرط شده تملیک هنگام وصیت صورت نمی‌گیرد بلکه بعد از فوت موصی انجام می‌شود بر خلاف بیع و هبه که به مجرد عقد تملیک صورت می‌گیرد.

تعریف راجح: از بین تعریف‌های سه‌گانه تعریف دوم بهتر به نظر می‌رسد چون شامل منافع و اعیان می‌گردد بر خلاف تعریف اول و سوم که از منافع نام نبرده است.

۲- جایگاه عرف در تعیین غنا و فقر موصی: وصیت در جزء اموالی که از شخص باقی می‌ماند یک امر مستحب است زیرا قرآن کریم می‌فرماید: {إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ} [بقره، ۱۸] همه علماء اتفاق نظر دارند که مراد از خیر در آیه مبارکه مال است اما در مورد اینکه مراد از آن مال کثیر است و یا قلیل نصی وجود ندارد، عرف آن را تشخیص می‌دهد مراد از آن مال کثیر است زیرا در مال قلیل و اندک وصیت مستحب نمی‌باشد. (قوته، ۱۴۲۸، ۱۵۷)

۳- جایگاه عرف در انعقاد عقد وصیت: وصیت به هر لفظی که به ایجاب و قبول دلالت کند درست می‌شود مانند اینکه وصی بگوید: وصیت نمودم، به فلانی وصیت کردم، مالم را بعد از فوتم به فلانی بدهید و یا فلان شخص را بعد از فوت خود مالک فلان مال خود ساختم. همچنین وصیت به وسیله کتابت و نوشتن یک امر معروف و مشهور است در حدیث که ابن عمر رضی‌الله‌عنهماروایت کرده پیامبر صلی‌الله‌علیه وسلم فرمود: «... أَلَا وَصِيَّةٌ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ» (بخاری، ج ۵، ۳۵۵) حدیث مذکور دلالت می‌کند هرگاه ثابت شود وصیت نامه کتبی و یا اقرار از وصی صادر شده است وصیت جایز هست. در وصیت نامه کتبی دو امر ضروری است که عرف معیار آن دو را تشخیص می‌دهد.

یک-مهر: وسیله ای است بعد از نوشتن به ایجاب موصی دلالت می نماید.

دو- امضاء: نوشته ای است دلالت به رضایت امضاءکننده می کند، عرف جاری امروز در تعاملات مالی مانند چیک، اسناد مالی و ابراء ذمه به امضاء اعتبار می دهد. قاعده فقهی حکم می کند: «لَا يُنْكَرُ تَغْيِيرُ الْأَحْكَامِ بِتَغْيِيرِ الْأَزْمَانِ». (ماده ۳۹ مجله الاحکام). بنابر این طبق قاعده کلی صحت و عدم صحت مهر و امضاء توسط عرف صورت می گیرد. اگر عرف معتبر دانست به آن حکم می شود در غیر آن حکم نمی شود. (قوته، ۱۴۲۸، ۱۵۸-۱۵۹)

جایگاه عرف در قف

۱- تعریف وقف

الف- در لغت: ایستادن، اندکی درنگ کردن در بین کلام و دوباره شروع کردن و نیز به معنی حبس عین ملک یا مالی و مصرف کردن منافع آن در اموری که واقف معین کند و آنچه کسی از ثروت خود جدا کند که در کارهای عام المنفعة از آن استفاده کنند. (عمید، ۱۳۸۲ ج ۲، ۱۹۵۳) در اینجا معنای اخیر وقف مراد است.

ب- وقف در اصطلاح: فقهاء در معنی اصطلاحی وقف قرار زیر اختلاف نظر دارند:

۱- امام ابوحنیفه می گوید: وقف عبارت از محبوس کردن عین مال موقوفه از طرف واقف و صدقه نمودن منفعت آن در راه خیر است. (فتح القدیر، ۱۳۸۹، ج ۵، ۳۷) بر مبنای این تعریف ملکیت مال موقوفه از ملکیت واقف خارج نگردیده بلکه مالک می تواند از آن رجوع نموده به فروش آن بپردازد زیرا قول صحیح نزد امام ابوحنیفه این است که وقف مانند عقد عاریت از جمله عقود جایزی است نه لازمی.

۲- جمهور فقهاء، امام ابو یوسف و امام محمد می گویند: وقف عبارت است از حبس مالی که امکان انتفاع با بقای عین را داشته باشد و هزینه کردن آن در راه خیر، جهت تقرب به خداوند قطع نظر از اینکه واقف و یا دیگری آن را تصرف کند. بر مبنای این تعریف مال موقوف از ملکیت واقف خارج گردیده در حکم ملکیت خداوند قرار می گیرد. (زحیلی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ۲۹۱)

تعریف راجح: همین تعریف اخیر است نظر به قوت دلیل شان و قول مفتی به احناف نیز نظر صاحبین است.

۲- جایگاه عرف در انعقاد وقف: وقف یا به لفظ منعقد می گردد یا به فعل، اگر به لفظ باشد یا لفظ صریح است احتمال معنای دیگر را ندارد یا لفظ کنائی است احتمال معنای دیگر را نیز دارد. معیار تشخیص لفظ صریح و کنائی عرف هست. (شرینی، ۱۹۹۲، ج ۲، ۴۹۰)

۳- مثالهای تطبیقی که فعل بر وقف دلالت می‌کند:

- ۱- ساختن مسجد توسط واقف به معنای اجازه دادن عموم مردم به ادای نماز است خواه این اجازه به اعلان اذان و اقامت توسط شخص واقف باشد و یا توسط کسیکه مسئول وقف است؛ زیرا اذان و اقامت به منزله اجازه عموم مردم به ادای نماز در مسجد وقفی هست.
- ۲- اگر واقف منزل پایین خانه اش را مسجد بسازد و از منزل اول انتفاع بگیرد یا برعکس منزل بالا را مسجد بسازد و از منزل پایین انتفاع بگیرد هرچند راه ورودی و خروجی آن را تعیین نکرده باشد، وقف درست است و همچنین اگر منزل وسط را مسجد بسازد از منزل بالا و پایین انتفاع بگیرد درست هست، زیرا عرف جاری آن را تعیین می‌نماید. (قوته، ۱۴۲۸، ۱۵۵)
- ۳- متولی وقف مستحق اجرت المثل است اگرچه واقف آن را شرط نکرده باشد، زیرا عرف جاری حکم می‌کند که متولی وقف بدون اجرت، متحمل تکالیف تولیت وقف نخواهد شد. (زلمی، ۱۳۹۸، ۳۰۴)

مناقشه

در تأثیر پذیری عقود تبرعی از عرف نخست عرف به صحیح و فاسد تقسیم گردیده تا عرف موردنظر فقهاء شناخته شود، سپس نظریات فقهاء در تأثیرگذاری عرف در هر یکی از عقود تبرعی ارائه گردیده است از اینکه عقود تبرعی بیشتر مبتنی بر عرف بوده اکثر فقهای اسلام آن را در صورتیکه تعارض با نصوص شرعی نداشته باشد پذیرفته اند. دلایلی را که اکثر فقهاء در پذیرش عرف تذکر داده است بیانگر تأثیرگذاری عرف در صیغه، قرینه و تفسیر عقود تبرعی از قبیل عقد قرض، هبه، عاریه و وقف است چون شریعت اسلامی احکام فقهی را به شکل کلی بیان نموده و در بیان جزئیات عقود مذکور نص صریح وجود ندارد. عرف به عنوان یک راه حل منطقی در تعیین تفسیر، صیغه، قرینه، و شروط عقود تبرعی پذیرفته شده است. آن عده فقهای که عرف را اصلاً نپذیرفته و یا به صورت محدود پذیرفته اند به آن‌ها جواب داده شده که در جزئیات و نزاع های به وجود آمده از عقود تبرعی راهکار علمی ندارند و همچنین قواعد فقهی متعدد به صورت مطلق در فقه اسلامی وجود دارد، انکار از آن‌ها بدون ارائه دلیل قوی درست نمی‌باشد.

نتیجه

فقهای کرام عرف را منبع استنباط احکام شرعی معرفی کرده است، عرف در لغت به معنای خوی و عادت و امر که بین مردم معمول و متداول شده است در اصطلاح شرعی عبارت از فعل یا قولی است که استعمال آن به قدری تکرار شده باشد که در روان مردم استقرار یافته و مورد پذیرش عقول و خردها بوده باشد و آن را درگیر و دار زندگانی خود به کار ببندند و رعایت کنند. عرف به اعتبارات مختلف تقسیم گردیده به عام و خاص، به فعلی و قولی و به صحیح و فاسد و هریک جهت خاص دارد. تبرع در لغت به معنای بخشیدن چیزی بدون عوض و در اصطلاح عبارت است از بذل مال و یا منفعتی به دیگری در حال و یا آینده بدون عوض به هدف احسان و نیکو کاری؛ و دارای سه رکن است متبرع، متبرع له و متبرع، عقود تبرعی شامل عقد قرض، عاریت، وصیت، هبه و وقف می‌گردد. عرف نقش و تأثیر گزاری ویژه در عقود تبرعی داشته است؛ عقد قرض در انعقاد خود نیاز به صیغه دارد که دارای قرینه است و مرجع تفسیر قرینه عرف جاری هست. همچنین شناخت

شروط قرض و پرداخت نقود قرضی در صورتیکه در قیمت آن تغییر آمده باشد نیاز به عرف جاری دارد. عقد هبه به قول و فعلی درست می‌شود که عرف به آن اعتبار بدهد البته عقد هبه گاهی نیاز به اسناد و شهود دارد منبع آن را عرف تشکیل می‌دهد. عقد عاریه در نحوه ای انعقاد، حدود انتفاع و ضمان تلف مال مورد عاریت به تعیین عرف نیاز دارد. عقد وصیت در تشخیص غنی و فقر موصی و تثبیت مهر و امضای موصی نیاز مبرم به عرف دارد. عقد وقف به صیغه‌های منعقد می‌گردد که عرف به آن اعتبار دهد.

مأخذ

قرآن کریم.

- ابن الجزی. (۱۴۳۱ هـ ق). **القوانین الفقیه**. الكويت: وزارت الاوقاف والشؤون الاسلامیه، الطبعة الاولى.
- ابن عابدین. (۱۳۹۹ هـ ق). **رد المختار علی در المختار**. ریاض: دار عالم الکتب.
- ابن منظور. جمال الدین. (ب.ت). **لسان العرب**. قم: نشر ادب الجوزة.
- ابن الهمام محمد بن عبد الواحد. (۱۳۸۹ هـ ق). **فتح القدير**. القاهرة: مصطفى البابی الحلبي.
- البخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۹۸۷ م). **الجامع الصحيح البخاری**. بیروت: دار ابن کثیر، الطبعة الثالثة.
- البهوتی، منصور ابن یونس. (۱۴۰۳ هـ ق). **کشاف القناع علی متن الاقناع**. بیروت: عالم الکتب.
- الزحیلی. وهبه، (۱۴۰۶ هـ ق). **فقه الاسلامی و ادلته**. دمشق: دارالفکر، الطبعة الاولى.
- الزحیلی. وهبه، (۱۴۱۹ هـ ق). **الوجیز فی اصول الفقه**. دمشق: دارالفکر، الطبعة الاولى.
- زلمی، مصطفی. (۱۳۹۴ هـ ش). **اصول فقه کاربردی**. مترجم: احمد نعمتی تهران: احسان.
- زلمی، مصطفی، (۱۳۹۸ هـ ش). **قواعد فقهی معاصر**. مترجم: احمد نعمتی، تهران: احسان.
- السرخسی، شمس الأئمة محمد بن احمد. (۱۴۱۴ هـ ق). **المبسوط**. بیروت: دارالمعرفة.
- سید سابق. (۱۳۷۱ هـ ش). **فقه السنة**. مترجم: محمود، ابراهیمی، تهران: احسان.
- شرینی، محمد بن احمد. (۱۹۹۲ م). **مغنی المحتاج إلى معرفة الفاط المنهاج**. بیروت: دارالفکر.
- عمید، حسن. (۱۳۸۲ هـ ش). **فرهنگ عمید**. تهران، امیرکبیر.
- قوته، عادل بن عبد القادر. (۱۴۲۸ هـ ق). **اثر العرف و تطبیقاته المعاصرة فی فقه العائلات المالیه**. جده: المعهد الاسلامی للبحوث.
- الکاسانی الحنفی، علاءالدین ابی بکر. (۱۴۳۱ هـ ق). **بدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، دمشق، دارالفکر، الطبعة الاولى.
- وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیه. (۱۴۲۷ هـ ق). **الموسوعة الفقهية الكويتية**. وزارت الاوقاف، الطبعة الخمسة والاربعون.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۳) ۱۴۰۲

شخصیت بخشی در اشعار شایق جمال

پوهنیار ساجده مقیم

پوهنتون بلخ - پوهنهی تعلیم و تربیه، دیپارتمنت دری
تقریظ: پوهنوال عبدالجبار شیخزاده

چکیده

شخصیت بخشی یا صنعت تشخیص در فن بیان یکی از مهم‌ترین صورت‌های خیال است که به اشکال مختلف در شعر به تصویر کشیده می‌شود. شخصیت بخشی (جاندار پنداشتن اشیای بی جان) توسط شاعران و نویسندگان به مثابه نوع تشبیه یا استعاره دارای دو رکن می‌باشد، یکی شخص و دیگری شی. هرگاه ویژه گی یا فعلی انسانی را به شی نسبت دهند، حاصل کار شخصیت بخشی خواهد بود. شایق جمال شاعر توانای کشور از این نوع تصویر پردازی در اشعار خود به گونه وافر و کم نظیر استفاده برده است. در مقاله ذیل سعی بر آن است تا زیبایی اشعار این شاعر بزرگ کشور را از دریچه صنعت تشخیص (جان بخشی به اشیای بی جان) با استفاده از روش کتابخانه‌یی و تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. شاعر از اشیای مختلف با جلوه‌های هنری به شخصیت پردازی‌های ناب دست یافته است و اشعار خود را با استفاده از این صنعت زینت خاصی بخشیده است که در این نوشته آشکار می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: شایق جمال، شخصیت بخشی، استعاره.

مقدمه

شعر کلامی سرشار از تخیل و احساس، آکنده از ذوق و عاطفه، لبریز از عشق و معرفت است. بشر طی قرون متوالی همواره از شعر به مثابه ابزار برای بیان اندیشه، افکار هنری و نمایان ساختن علایق خود استفاده برده است. شعر آیینی است برای نمایش عشق، علاقه، خرسندی، یأس، ناامیدی، حماسه، ناکامی، مردانگی... یکی از ارکان مهم شعر خیال است، همان طور که علوی مقدم می گوید: «شعر بدون صور خیال، شعر نیست بل سخنی است ساده و عادی.» شخصیت بخشی یکی از مهم ترین صورت های خیال و وجوه زیبایی در شعر است. متأسفانه در زبان دری پژوهش بایسته در مورد شخصیت بخشی در اشعار شایق جمال صورت نگرفته است و اغلب به گفتن کلیات بسنده شده است.

این نوشته پژوهشی تحت عنوان (شخصیت بخشی در اشعار شایق جمال) در پی آن است تا زیبایی های شعر این شاعر بزرگ زبان دری را که هنوز هم در پرده ابهام باقی مانده است، برملا سازد. سعی نویسنده در این است که پرتوی هر چند ناچیز، بر یکی از وجوه زیبایی در شعر شایق بیفکند و جلوه های درونی شخصیت بخشی اشعار وی را به نمایش بگذارد.

پیشینه تحقیق

در مورد شایق جمال و آثار وی چنانکه نیاز است، در کتاب ها، سایت ها و وبلاگ ها پژوهش بایسته صورت نگرفته است. زنده گی نامه شاعر در چند کتاب و مجله در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده و اندیشه های عرفانی وی در پهلوی چند شاعر دیگر توسط محمد ظریف، استاد پوهنتون لغمان، دیپارتمنت زبان و ادبیات دری در سال ۱۳۹۹ طی رساله یی تحت عنوان (بازتاب اندیشه های عرفانی در اشعار معاصر فارسی دری با تکیه بر اشعار شایق جمال، غلام سرور دهقان و حیدری وجودی) تحت بررسی و تحلیل قرار گرفته است. به همین نوع برخی پژوهش های پراکنده در مورد شاعر و آثار وی وجود دارد، اما در این مقاله تلاش به خرج داده شده است تا در مورد شخصیت بخشی در اشعار شایق جمال تبصره گردد که در پژوهش های دیگر وجود ندارد.

مسأله تحقیق

شایق جمال شاعر چیره دست کشور که ابعاد زنده گی هنری وی از جهات گوناگون مورد پژوهش محققان بوده است، این پژوهش در پی آن است تا شخصیت بخشی در لابلای اشعار این شاعر توانا را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

اهداف تحقیق

در این نوشته سعی به عمل آمده تا صنعت تشخیص را در کلام این شاعر و توانایی های وی را در این فن آشکار گردد.

۱- بررسی شخصیت بخشی های هنری شاعر؛

۲- برملا ساختن توانایی هنری شاعر در جاندار پنداری؛

سوال های تحقیق

- ۱- شیوه های شخصیت بخشی در اشعار شایق جمال چگونه است؟
- ۲- شاعر در فن شخصیت بخشی تا چه حد موفق است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی کتابخانه ای بوده، پژوهشگر با به کارگیری از کتاب های فن بلاغت و زیبایی شناختی، به تحلیل و بررسی اشعار شایق جمال پرداخته و در مورد آن تبصره نموده است؛ و از سر چشمه های معتبر علمی و دست اول استفاده برده است.

نگاهی کوتاه بر زنده گی شایق جمال

ای جامه دوز پیکر دلدار نازک است پیراهنش ز پرده چشمان من بساز (شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۱۶).

میر غلام حضرت ولد میر جمال الدین خان (متخلص به شایق) در سال ۱۳۲۰ه.ش، در کوچه غسالان گذر وزیر شهر کابل تولد یافته است. شایق جمال از جمله شاعران نامدار کشور بوده وی در سن ۱۵ سالگی به سرودن شعر آغاز کرد، صرف و نحو و علوم متداوله را از نزد مرحوم قاری عبدالله ملک الشعرا آموخت. وی در سبک هندی و خراسانی شعر می گفت، اشعار او از زمان امیر حبیب الله خان تا سال های اخیر در روزنامه ها، جراید و مجلات به چاپ می رسید. دیوان شایق جمال در سال ۱۳۳۳ ه.ش در کابل به چاپ رسیده است. در تقریظ آن ملک الشعرا قاری عبدالله، ملک الشعرا بیتاب، خلیل الله خلیلی، هاشم شایق (افندی)، فیض محمد زکریا (فیض کابلی) جملات بس دلنشین و درخور قدر و ستایش نوشته اند. (عبادی، ۲۰۰۴)

شایق جمال در نثر و طنز نویسی نیز از پیشقدمان زمان و دوره اش بود. (ژوبل، ۱۳۹۱، ۷۱) سال وفات او را مرحوم ابراهیم خلیل شاعر و منجم مشهور کشور چنین نوشته است:

سال فوتش (خلیل) در قمریگفت (جنت مقیم و خلد مکان) (۱۳۹۴)

آرامگاه وی در جنب مزار شاه دو شمشیره موجود است. (عثمان، ۲۰۱۸)

تشخیص (شخصیت بخشی)

به صنعتی گفته می شود که احساسات و رفتاری را که ویژه انسان است به حیوانات، گیاهان و پدیده های طبیعی یا امور عقلی نسبت می دهند و آنها را همچون یک شخص در نظر می گیرند. «در تفکر بشر قدیم که هنوز در ادبیات زنده و رایج است، همه چیز جاندار بوده است: باد می آمد و شب می رفت، یا خورشید می آمد و می رفت.» (شمیسا، ۱۳۹۲، ۱۸۷) کزازی در کتاب (بیان) بنیاد استعاره کنایی را شخصیت بخشی میدانند. (کزازی، ۱۳۸۱، ۱۲۷)

شخصیت بخشی در شعر شایق جمال

شاعر می تواند به شیوه های مختلف به اشیا شخصیت ببخشد و زیبایی کلام خود را افزایش دهد. شایق جمال، شاعر توانای کشور از این فن برای آراستن کلام خود به شیوه های گوناگون به کار برده است که در این پژوهش توانایی های وی آشکار می گردد.

چرا مهتاب تابان پیش رویت جلوه نفروشد که خم گشته هلال او ز بیم تیغ ابرویت
قمر بنگر که امشب چادر سیمایی خود رافکنده بهر پای انداز جانا بر سر کویت
سر خود بر زمین انداخته مهتاب از خجلت بچرخ افتاده تا آوازه حسن صفا جویت
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۳۳)

در ابیات فوق شاعر به گونه دلغریب به مهتاب شخصیت بخشیده و به آن جان بخشیده، چنانچه می بینیم در بیت اول صفت (جلوه دادن) را به مهتاب نسبت داده است که از ویژگی های انسان ها می باشد، در مصرع دیگر بیت اول از تشبیه تفضیل استفاده برده و به هلال شخصیت بخشیده و آن را خجالت و خم شده در نزد ابروی معشوق می بیند که صنعت حسن تحلیل نیز هویدا است. در بیت دوم باز هم ماه به صفتی، وصف شده که خاصه انسان ها است (چادر) برای ماه در نظر گرفته شده، ماه چادر خود را به پیش پای آن زیبا روی بر تعظیم و خوش آمد گویی افکنده است. در بیت سوم بار دیگر مهتاب جاندار پنداشته شده، شاعر در وصف زیبایی معشوقه خود به غلو دست درازی نموده است، چنان یار خود را زیبا می داند که مهتاب زمانی حسن او را می بیند، با خجالت و کم بینی خود، سر به زمین می افکند.
ای باد عطر بیز به گلزار کوی او بسیار دیده ایم بهم آشناسی
بر روی یار این همه بی باک دیدنتاز ساده گیسست آینه یا بی حیاستی
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۸۶).

شاعر در بیت نخست (باد) را مخاطب قرار داده و با آن صحبت نموده که از شخصیت بخشی های ظریف در ادبیات دری است؛ و در بیت دوم آینه را مخاطب قرار داده و صفت (ساده گی و بی حیا بودن) را به آن نسبت داده است که سبب شخصیت بخشی به شی بی جان (آینه) شده است. مثال های دیگر:

کدامین سینه از دست تو گشته چاک چون گندم که سر گردان و بی روزی چو سنگ آسیابستی
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۸۶).

صدای خنده گل می خورد هم سخت در گوشم دماغم بسکه نازک شد به فکر نازک اندامی
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۸۹).

ندارد گر سر تاراج ملک دل چرا دارد فرنگ چشم او از لشکر مژگان صف آرایی
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۹۱).

دو بند مخمس شایق جمال بر غزل کلیم همدانی:

کی کند خورشید وصف رتبه خود را بیان آسمان هرگز ندارد حرف وسعت بر زبان
همت عالی ندارد خوش ثنایی این و آنخود شکن را خوش نیاید مدح خویش از دیگران
خود پسند از ابلهی خو می کند تحسین خویش

قمریان را این قبای نرم و گرم از کار ماند سرو هم از رخت سبز خویش زیر بار ماند
بی لباسی آب را آسوده در گلزار ماند در پناه فیض عریانی مسلم خار ماند
گل چه آفت ها دید از جامه رنگین خویش
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۹۹).

گاهی شاعر (خود یا دیگری) را به شی تشبیه می کند و وجه شبه را یاد آور می شود که در آن صنعت استخدام به کار رفته است. وجه شبه مذکور در معنای حقیقی خود بر شخص و در معنی استعاری یا کنایی بر شی دلالت می کند، چنانچه می گوید:

در دم مردن از آن ترسم که مانند سپند آتش عشقت مرا آخر به فریاد آورد
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۹۵).

در بیت فوق شاعر (خود) را به سپند (شی) تشبیه کرده و وجه شبه را ذکر کرده که در ارتباط با انسان یک معنی و در ارتباط به سپند معنی دیگری دارد. وجه شبه (فریاد آوردن) در ارتباط به انسان به معنی (سر و صدا بلند کردن از شدت درد و فراق) و در ارتباط به سپند، به معنی (بلند شدن آواز از دانه های سپند به سبب قرار گرفتن در حرارت) شاعر، فریاد زدن از درد عشق را که فعل انسانی است به سپند نسبت داده است که سبب شخصیت بخشی به سپند شده است.
شمع سان موج زند شعله شوقم از سر نام دلدار مرا چون به زبان می آید
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۸۴).

در بیت فوق شاعر می فرماید، سر و صدا و هیجان من همانند شمع بلند می گردد، زمانی که نام دلدارم به زبان می آید، شاعر سر و صدا و هیجان خود را به شمع مانند کرده و به شمع شخصیت بخشیده است.
گر چه می باشم بیابان گرد وحشت چون نسیم شوق روی او مرا هم تا گلستان می برد
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۷۶).

در بیت بالا (بیابان گرد) در اسناد به شخص به مفهوم (آواره و سرگردان شدن از غم معشوق) است و در اسناد به نسیم (باد صبح گاهی) به معنی (وزیدن) می باشد در بیت فوق شاعر به نسیم شخصیت بخشیده و خود را به بیابان گردی به او مانند ساخته است.

یکرنگ می کند به بد و نیک التفات چون آفتاب هر که به اوج کمال بود
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۶۶).

در بیت مذکور (التفات) در پیوند به شخص به معنی (مهربانی، خلق نیک، رفتار خوب، توجه) (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵۶) می باشد و در ارتباط به آفتاب به مفهوم (گرمی و حرارت و یکسان تابیدن آن به همه نقاط پست و بلند) می باشد که باعث شخصیت بخشی به آفتاب شده است. مثال های دیگر:

رقیب از آتش حسرت چو قمری خاک بر سر کن که می آید سر خاک من آن سرو روان امروز
(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۱۷).

عمرم همه در خدمت گل بود چو بلبل از کلبه ام آخر خس و خاشاک بر آمد

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۸۶).

کسی را دولت روشن ضمیری می شود حاصلکه چون خورشید در جود و سخا مشهور می گردد

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۰۶).

پا می کشد به دامن صحرای بیخودی هر کس چو لاله در غم او داغدار شد

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۸۰).

شیوه دیگر شخصیت بخشی در شعر شایق، استفاده از استعاره مکنیه است، مشروط بر اینکه یکی از دو رکن اصلی استعاره شخص و دیگری شی باشد. شاعر با استفاده از صنعت استخدام واژه یا تعبیر کنایی یا استعاری را به کار می برد که در ارتباط به شی یک معنی و در ارتباط به انسان معنی دیگری دارد.

دماغ گل آشفته از چیست امروز بیرس ای صبا ساکنان چمن را

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۹).

در بیت فوق (آشفته) در ارتباط به انسان به معنی (پیشانی، خشمگین) (عمید، ۱۳۸۳، ۳۷) است و در استناد با گل (بی نظم بودن و پراکنده بودن) می باشد، استفاده واژه دماغ (عضو بدن) (معین، ۱۳۵۳، ۱۶۸) برای گل باعث شخصیت بخشی به (گل) شده است، همچنان شاعر در مصرع دوم نیز دست به شخصیت بخشی زده است و به مخاطب قرار دادن (باد صبا) آنرا شخص پنداشته و نیز (ساکنان چمن) هم میتواند مراد از شاعر در این جا از افرادی باشد که در باغ نشسته اند و یا اگر منظور وی از درختان موجود در باغ باشد پس به شخصیت بخشی سوم نیز دست درازی نموده است.

سرو من یکره سوی بستان خرام از روی لطف دیده نرگس بود از شوق دیدار تو باز

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۱۷).

در بیت بالا (دیده باز) در ارتباط به شخص به معنی (بی خوابی، بیقراری و در انتظار نشستن) است و در ارتباط به گل نرگس به معنی (شکفتن) می باشد. مثال های دیگر:

شد رقیبان باعث دل گرمیم در عشق او کی ز من دل می برد ماهی که شهر آشوب نیست

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۲۶).

از حریم ناز در گلشن خرام ای شاخ گل تا شود سرگشته و بیتاب مقتونت بهار

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۱۵).

سرو قمری را ز بی مهری به خاکستر نشاند راست گویم الفت بالا بلندان خوب نیست

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۲۶).

شنیدم چون فغان بلبل و گل را یقینم شد که آن سرو روان با جامه کلرنگ می آید

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۶۱).

بی وفایی عادت گل گشته است عشق بازی کار بلبل گشته است

(شایق جمال، ۱۳۸۴، ۴۰).

گاهی اوقات شاعر مضاف و مضاف الیه را به نحوی به کار می برد که مضاف الیه انسان یا ضمیر شخصی باشد، سپس صفت یا فعلی را به کار می برد که به گونه استخدام هم قابل اسناد به مضاف الیه و هم قابل اسناد به مضاف است، ولی آن واژه یا عبارت در ارتباط به مضاف یک معنی و در ارتباط با مضاف الیه معنایی دیگر دارد. چرا چندین پریشان است زلفت کج کلاه من مگر ز آشفته گی هایم صبا او را خبر کرده (شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۷۰).

در بیت ذیل (پریشان) هم ارتباط به زلف دارد و هم قابل اسناد است به ضمیر شخصی (ت) که در ارتباط به زلف به معنی (پیچ و تاب خوردن و آشفته) و در ارتباط به شخص (آشفته و مضطرب) است. شخصیت بخشی در بیت زمانی آشکار می شود که صفت آشفته حالی و پریشانی به زلف نسبت بدهیم. مثال دیگر: خط به زلفش مو به مو آشفته گی ما را رساند احتیاجم یک قلم با قاصد و مکتوب نیست (شایق جمال، ۱۳۸۴، ۲۶).

شاعر با استفاده از ترکیب اضافی برخی اوقات به شخصیت بخشی می پردازد که مضاف دارای ایهام است و در ارتباط با شخص، یک معنی و در ارتباط با شی معنی دیگری دارد. کدام شاخ گل آیا به بوستان رفته که باز ناله قمری به آسمان رفته (شایق جمال، ۱۳۸۴، ۱۷۵).

در بیت فوق واژه های (شاخ) و (ناله) در ارتباط به گل و قمری دارای یک معنی و در ارتباط با معشوق و عاشق دارای معنی دیگر است. در ارتباط به گل و قمری معنی حقیقی آن ها در نظر گرفته شده است و باعث شخصیت بخشی شده است (شاخ گل) در ارتباط به معشوق به مفهوم (نازک و بلند اندام و زیبا) و (ناله) در ارتباط به عاشق به مفهوم (سوز، گداز و فریاد) از دوری معشوق است.

نتیجه

در ارتباط به نتیجه می توان نگاشت که شعر شایق جمال حاوی زیباترین شخصیت بخشی ها است و شاعر از عهده این امر با موفقیت تمام بر آمده است، برخی چنین نظر دارند که شخصیت بخشی همان استعاره مکنیه است ولی با دقت و تحلیل اشعار شعرا می توان دریافت که از صنایع دیگر همچون تشبیه مضمّر و حسن تعلیل نیز در شخصیت بخشی جلوه گر شده اند. شخصیت بخشی (آنیمیسیم) یکی از زیباترین صنایع در ادبیات و از ارکان مهم صور خیال است که شعر شاعر را با زیبایی خاص نمایان می سازد و شاعر با استفاده از این صنعت، احساسات خود را به خواننده گان خود انتقال می دهد. شخصیت بخشی در اشعار شایق انواع مختلف داشته و به شیوه های متفاوت جلوه گر شده است که این مقاله فقط چند شیوه آنرا مورد بررسی قرار داده است که بیشترین نوع آن با استفاده از صنعت تشبیه مضمّر در اشعار این شاعر بزرگ نمایان شده، پرداختن به همه انواع و اقسام آن از حوصله این پژوهش خارج می باشد. شایق جمال از شاعران برجسته کشور با وجود آن که زندگی پر مشقت را سپری نموده بود، ولی دید وی از جهان همیشه زیبا بود، اشعار وی سرشار از مضامین عاشقانه و وصف است که بیانگر هنرمندی شاعر را در عرصه هنر (شعر) نشان میدهد و همچنان با بهره گیری از اشیای بی جان و بخشیدن احساس و عواطف انسانی به آنها آثار خود را در محدوده ادبیات جاویدان نموده است.

مأخذ

- احمد نژاد، کامل. (۱۳۹۲). **معانی و بیان**، تهران: کتاب آمه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ژوبل، محمد حیدر. (۱۳۹۱). **نگاهی به تاریخ ادبیات معاصر در افغانستان**، چ ۲، کابل: امیری.
- شایق جمال، غلام حضرت. (۱۳۸۴). **دیوان شایق جمال، پشاور: تاج محل کمپنی** دهکی منور شاه قصه خوانی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۲). **بیان**، چ ۴، تهران: میترا.
- عبادی، امام. (۲۰۰۴). **شایق جمال، شاعر شوریده، زیبا بیان، زیبا سرود، آزاده و دردمند**، ماهنامه مشعل، شماره دوازدهم، سال هشتم، هالند: مشعل.
- عثمان، حبیب. (۲۰۱۸). **شایق جمال**، مجله هفته، کانادا: هفته.
- عمید، حسن. (۱۳۸۳). **فرهنگ فارسی عمید**، چ ۲۹، تهران: دانشگاه تهران.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۸۱). **بیان**، زیبا شناختی شعر پارسی، تهران: مرکز.
- معین، محمد. (۱۳۵۳). **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر.



Balkh University
Marifat Scientific Journal
Social Science
Vol.3, 2023

English Department Students' Attitudes towards Using Drama-Based Role-Plays in Speaking Classes

Assistant Professor Halima Rahmani
Balkh University - Faculty of Language and Literature, English Departments
Assistant Professor Shugofa sayedi
Balkh University - Faculty of Education, English Departments
Commendation: Associate Professor Abdulhaq Haqiq

Abstract

This article is aimed to investigate the attitudes of students toward using drama-based role-plays in speaking classes at the English Department of Education Faculty of Balkh University. The main purpose of this study was to find out the effectiveness of drama-based role- plays on students' speaking ability and self- confidence. The design of the study was quantitative. The data were collected through a questionnaire. The participants of the study were 60 sophomore students. The results of the study showed that students have a positive attitude towards using drama-based role- plays in speaking courses. The findings also indicated that the friendly atmosphere created as a result of practicing drama-based role plays in the classroom encourages shy students to overcome their nervousness, build self-confidence, and develop their speaking skills. The article concluded with research limitations and pedagogical implications.

Keywords: Drama-based role-plays, self-confidence, speaking skills

Introduction

English is required to be taught as a foreign language in all educational institutions as it is vital in global communication. One of the most important skills through which people communicate and carry their messages and thoughts globally is English speaking skill. To improve learners' speaking skills, teachers can use different methods and techniques in the classroom. Drama-based role-playing techniques can be very effective if teachers implement them in the classroom. Drama has been defined as a classroom activity in which the learners are engaged in practicing the target language in a certain situation or a task in a communicative way (Mok, 2012; Sirisrimangkorn and Suwanthep, 2013). And Qing (2011) defined role play "as the projection in real-life situations with social activities" (p. 37). Moreover, role play is considered as one of the communicative-based activities which permit students to practice the target language and cooperate with other students to improve their speaking skills (Revathy & Ravindran, 2016).

Many Afghan students have some problems in productive skills rather than receptive skills. Speaking is one of those productive skills in which Afghan students are reluctant to produce the target language. The problems relate to students' lack of confidence, interest, and information. Learners are also anxious when they are asked to speak in English (Fung & Min, 2016). Many Afghan students are afraid of making mistakes when expressing their ideas. Thus, they tend to be quiet. It is the instructor's responsibility to stimulate his/her students to speak by preparing a friendly atmosphere inside the classroom. According to Harmer (2007), the reason why teachers should get students to speak in the classroom is closely related to practice real-life speaking. This is because the main goal of speaking classes is to provide a situation in which students speak freely and fluently. Since the language classroom is the only chance for Afghan students to practice the English language, teachers should prepare the environment for the students to practice the target language however students face with some challenges such as problems with pronunciation, fluency, vocabulary, and grammar, as well as having nervousness, hesitation, and fear of making mistakes.

This study is important in identifying drama-based role-plays as one of the best methods in improving communication skills such as speaking skill. This is because during drama-based role-playing activities, the classroom atmosphere is very relaxing and friendly, and it makes students more active. According to Ayuningtias et al. (2019), students have the chance to reflect on their personal experiences while performing the role-plays. They added that "...role play is not only used for interactive teaching in the classroom but also to stimulate students in real-life situations" (p. 417). Moreover, the drama-based role-playing activities offer the opportunity for learners to

cultivate new knowledge and rise different viewpoints since they are required to play different roles. It is hoped that the findings of the present study could help the EFL teachers to come to a better understanding of using the drama-based role-play in speaking classes. This is a very helpful and important process to make students active and enhance their ability to use the target language while playing their roles in comfortable circumstances. Besides, through the use of drama-based role-playing activities, students can be engaged and motivated to use the English language and overcome their anxiety since they are exposed in a friendly environment.

The purpose of this quantitative study is to investigate the attitudes of Afghan students toward drama-based role-plays in speaking classes of the English Departments at Literature and Humanities Faculty and Education Faculty. Also, the aim of this study is to find out the effects of drama-based role-plays on students' speaking ability and self-confidence.

This study hypothesizes that if teachers expose their students to contextualized speech such as drama-based role-playing activities, they can improve their students' oral performance and build their self-confidence.

Research Questions

To reiterate, this study aims to investigate the following research questions:

What are Afghan learners' attitudes toward using drama-based role-plays in speaking classes?

Do drama-based role-plays enhance Afghan learners' self-confidence?

Do drama-based role-plays develop Afghan learners' oral proficiency?

Literature Review

Prior studies on the effect of drama-based role play on speaking skills

A study conducted in 2018 by Rahman and Maarof in Malaysia to investigate the impact of role-playing and simulation approach on students' ESL oral communication skills. The study also inspected the learners' acuties toward the impact of the role-play and simulation approach on their oral performances. They used a mixed-method design of both quantitative and qualitative data gathering from 100 participants. They used questionnaires, a pre and post-test to collect their quantitative data. The results of their study indicated a big difference between the scores of the pre-test and post-test of the two groups: the traditional group and the role-play and simulation group. The results showed that learners in the role-play and simulation group showed better performances in the post-test than in the pre-test.

Similarly, NHI & Huan (2017) carried out a study at a Vietnamese university in the Mekong Delta to find out students' attitudes towards the use and effect of drama-based role-playing activities in EFL speaking courses. The focus of this article was on three domains: 1) speaking performance–accuracy, 2) pronunciation, and 3) EFL interactive communication. The participants of their study were 30 freshmen who were divided into two groups: A control and an experimental group. They used a mixed-method design. They collected the data through pre-test and post-test for the experimental part of their study and interviews for the qualitative part. The findings of the quantitative data showed that the speaking skills of the students in the experimental group improved however there was no progress in the oral performance of students in the control group. Particularly, there was a significant change in interactive communication, accuracy in speaking and, pronunciation within the experimental group. Moreover, the results of the qualitative data indicated positive attitudes of the learners towards drama-based role-playing activities.

Besides, Sirisrimangkorn and Suwanthep (2013) researched in a northeastern university in Thailand. The purpose of their study was to find out the effects of drama-based role play and Student Teams Achievement Division (STAD) on the freshman students' speaking skills, stimulus, and self-confidence. The study was designed both quantitatively and qualitatively. There were 80 undergraduate non-English major students involved in this study separated into one experimental and one control group. The study was conducted into one semester of the academic year. The content of the study was similar for both groups but drama-based role play and STAD, with blended-learning instruction, were only introduced and applied for the experimental group. The finding illustrated the efficacy of drama-based role play blended with STAD on learners' oral proficiency, stimulus, and self-confidence in the experimental group. The study implied the integration of drama-based and cooperative learning to develop students' English speaking skills.

In another study, Sirisrimangkorn (2018) examined project-based learning focusing on drama to improve EFL learners' speaking skills. The purpose of the study was to investigate how the use of project-based learning focusing on drama is helpful to students' speaking skills. The research had a mixed-method design. The results indicated that students' speaking skills were enhanced through the use of project-based learning focusing on drama. The finding also underlined the benefits of using project-based learning focusing on drama as an operative teaching method since it provides an enjoyable atmosphere for students to learn and produce the English language.

Moreover, in action research, Ayuningtias et al. (2019) studied the use of role play technique to improve students' speaking skill. The research aimed to develop speaking skills through the use of role-play techniques. The research type was classroom action research which involved 30 students in the academic years of 2017-2018. The researchers collected the data from tests and observations. The findings indicated students' improvement in speaking skills after the role-play activities were applied in the classroom.

A further study was done by Iamsaard and Kerdpol (2015) in Thailand to study the effect of dramatic activities on improving English communicative skills. The purpose of the study was to investigate students' perspectives towards the use of dramatic activities in their speaking classes. The subjects of the study were 11th-grade students. The researchers did their experiment in 21 hours within 7 weeks. Lesson plans consisting of dramatic activities, a test of English communicative speaking and a questionnaire were the research instruments. The results showed students' positive attitudes toward using dramatic activities in speaking classes after they attended the teaching class in which the dramatic activities were implemented.

Even though researchers have conducted many studies on the attitudes of students towards using drama-based role-plays in speaking classes, still few studies have been done on this topic in the Afghan context. Therefore, this study aims to investigate the attitudes of Afghan students toward drama-based role-play in speaking classes and find out its effects on students' speaking ability and self-esteem.

Research Methodology

This study is designed to study the effects of drama-based role-play activities on developing speaking ability of sophomore students of the English Department at Literature and Humanities Faculty and Education Faculty at Balkh University. This chapter overall describes the research design, participants, instruments, analysis of questionnaire, and data analysis methods.

Research Design

In order to study the effectiveness of the drama-based role play activities on developing speaking skills of sophomore students, this study aims to use quantitative design. According to Creswell & Clark (2017), it is the method which collects, analyzes data qualitatively to gain a deeper understanding of the problem. Since quantitative study relies on numerical data, there is a higher possibility of objectivity and accuracy of the results of the study. Furthermore, quantitative research provides reliable results. In this design, data will be collected through questionnaires.

Participants

Participants of the study are the sophomore students of the English Departments of Balkh University. A total of 60 students, both male and female, participated in the study. Sophomore students are selected to be the participants of study because they have already had three listening- speaking semesters; thus, their input regarding the effectiveness of the drama-based role play activities in speaking classes can provide valuable insight in employing role plays in speaking classes.

Instruments

To find out the effectiveness of the drama-based role play activities, the researchers have opted for using questionnaire as the instrument of the study. The questionnaire of the study consists of 20 items. Students are given a range of options – Strongly agree (5), Agree (4), Neutral (3), Disagree (2), and Strongly Disagree (1) – to select from in order to express their experience of using drama-based role play activities in speaking classes.

Analysis of Questionnaire

The items in the questionnaire are designed to find out the attitude of the sophomore students towards drama-based role plays in speaking classes. Questionnaire is a comprehensively used tool for collecting survey data. It provides structured and numerical data. The items in the questionnaire are multiple-choice statements. Descriptive analysis comprises frequency, percentage, mean, mode and median. Since the questionnaire of this study is Likert-type, the data will be analyzed with mode, median, frequency, and percentage using SPSS software.

Finding

This study was conducted to find out the attitude of Afghan sophomore students in the English Departments at Balkh University towards drama-based role plays on the development of their speaking skills. Students were given a questionnaire to record their attitude towards implementing role-plays in speaking classrooms.

The researchers were interested to find out students' attitude ($n=60$) towards drama-based role-plays in speaking classes; therefore, they were given a questionnaire of 20 items ($k=20$) to gather data. The items in the questionnaire were divided into three categories. The following Table 3.1 provides descriptive statistics for the data depicting the difficulty level of role-plays in speaking classrooms:

Table 1: Difficulty level of drama-based role-plays

Items	M	Max	Min	SD	Skew	Kurt
It is difficult to play a role in the classroom.	3.95	5	1	1.19	-1.17	0.61
It is difficult to select a topic for role play.	3.85	5	0	1.38	-1.09	0.19
It is difficult to fully express the role in a limited time.	3.87	5	1	1.14	-1.21	1.11

The mean score for the difficulty level of the drama-based role-plays fall between 3.87-3.95. The minimum score ranges from 0 to 1 and the maximum is 5. The second category of the questionnaire focuses on how drama-based role-plays develop language skills of the language learners. The following Table 3.2 provides details of the descriptive statistics of the category:

Table 2: Drama-based role-plays developing language skill

Items	M	Max	Min	SD	Skew	Kurt
Drama-based role plays help students develop their speaking ability.	4.17	5	1	0.85	-1.54	3.42
Drama-based role plays help Students increase accuracy.	4.17	5	1	0.99	-1.52	2.35
Drama based role-plays help students improve and enrich their vocabulary	3.73	5	1	1.27	-0.9	-0.3
Drama based role-plays give an opportunity for students to practice and test their language skills	3.73	5	0	1.19	-1.08	0.99
A drama-based role play is a practice that develops communication skills.	4.27	5	1	0.69	-1.7	7.48
The feedback students receive after drama-based role plays help them improve their fluency skills.	4.1	5	0	0.97	-2.06	6.02

The scores for the items focusing on the development of language skills because of drama-based role-plays ranges from 3.73 to 4.17. The third category Table 3.3 focuses on the effects of drama-based role-plays on the performance of language learners.

Table 3: Effects of drama-based role-plays on students' performance

Items	M	Max	Min	SD	Skew	Kurt
Drama-based role-playing activities are interesting and enjoyable.	.8	5	1	1.12	-0.81	0.14
Drama-based role plays are completely different from other activities.	3.9	5	1	1.1	-1.06	0.68
Drama-based role plays help students overcome nervousness and shyness.	4.17	5	0	0.96	-2.25	6.99
Doing drama-based role plays in groups helps students share ideas.	3.82	5	1	1.08	-1.04	0.66
Drama-based role plays provide an opportunity to express emotions freely.	3.98	5	0	1.08	-2.13	5.55
Having drama-based role-plays enhances students' self-confidence.	4.33	5	1	0.86	-2.05	5.97
Drama based role-plays increase students' motivation and interest.	4.33	5	0	1.04	-2.42	6.87

Assigning a group of students to have a drama-based performance in front of an audience builds sense of collaboration among the groups.	4.27	5	1	0.78	-1.63	4.77
When performing role-plays in the class, the teacher should select the role for each student.	4.08	5	1	0.96	-1.35	2.18
Having many role-playing activities in the classroom makes the class atmosphere very friendly and this is good for learning.	4.15	5	1	0.84	-1.36	2.9
Drama-based role-plays make students very creative	3.93	5	1	0.92	-0.82	0.72

The average score on the items related to students' performance ranges between 3.8 to 4, the maximum score for all the items were 5 and the minimum for most of the items were 1. The values for most of the items were negatively skewed; however, the Kurtosis values indicate that there are fewer outliers in the data obtained from questionnaire.

The researchers were further interested to find out the reliability of the questionnaire. KR-21 was used to estimate the reliability of the questionnaire. The KR-21 statistic was $r = 0.89$, indicating high reliability for the given questionnaire.

Discussion and Conclusion

Drama-based role-plays is a tool that has been widely utilized in speaking classrooms. According to Galante and Thomson (2017) role plays require more "imagination" on the part of the student to be able to get "into" the role. For an efficient role-play/simulation teacher's intrusion should be kept to a minimum to give students a chance to test their learnt language in a safe environment. The results of the study show that students have a positive attitude towards using drama-based role-plays. The results of the three categories were all negatively skewed which means that more values are concentrated on the right side of the tail; therefore, it can be understood that most of the students believed that drama-based role plays are helpful in speaking classrooms.

The first category as shown in the results sections, discusses the level of the difficulty of drama-based role plays. As it can be seen in Table 3.1, the results of the study show mean values range between 3 to 4; thus, depicting a moderate level of difficulty in conducting drama-based role plays in speaking classes.

The second category discusses the effects of drama-based role plays on language development. Results of the study show (Table 3.2) that students believe drama-based role plays positively affect their overall language development. It helps in improving fluency, accuracy, vocabulary knowledge, and it provides students with an opportunity to assess their language skills via feedback they receive from the instructor and their peers. However, it should be noted that the teacher's input should be thus left for the post- activity feedback session (Galante & Thomson, 2017).

Values in the second category are also concentrated in the right side which conveys a positive attitude of the students towards drama-based role plays in speaking classes.

The third category discusses a wider range of students' performance in speaking classes that are affected by drama-based role plays. Results suggest that most of the students believe that drama-based role plays are vital to foster collaboration among students (mean=4.27), develop interest and motivation (mean=4.33), and boost self-confidence (mean=4.33) among students. According to Ments (1999) role plays are motivational and effective because they involve activity. Furthermore, Woodhouse (2007) believes role plays helps in developing cultural competence, confidence, and self-efficacy among language learners. It further helps shy students to enhance their language skills via role-plays in groups. Group work nature of drama-based role plays do not put shy students in spot which results in active participation from all the students in the class. On the other hand, the friendly atmosphere created as a result of practicing drama-based role plays in the classroom encourages shy students to overcome their nervousness and stage fright

References

- Ayuningtias D, Wulandari Yana. (2019). **the use of role plays to improve students' speaking skill**. Project (Professional Journal of English Education).2(3):416-420.
- Creswell JW, Clark VLP. (2017). **Designing and conducting mixed methods research**. Sage publications.
- Fung YM, Min YL. (2016). **Effects of board game on speaking ability of low-proficiency ESL learners**. International Journal of Applied Linguistics & English Literature. 5(3):261-271.
- Galante A, Thomson RI. (2017). **the effectiveness of drama as an instructional approach for the development of second language oral fluency, comprehensibility, and accentedness**. Tesol Quarterly. 51(1):115-142.
- Harmer J. (2007). **How to teach English**. Edinburgh: Pearson Education Limited.
- Iamsaard P, Kerdpol S. (2015). **A study of effect of dramatic activities on improving English communicative speaking skill of grade 11th students**. English Language Teaching. 8(11):69-78.
- NHI DTN, Huan NB. (2017). **Drama-based role play activities to impact on students' speaking performance**. Can Tho University Journal of Science.7:91-99.
- Mok SS. (2012). **Using drama activities to teach English in the Hong Kong classroom**. GSTF Journal of Law and Social Sciences. 2(1):284-288.

- Qing X. (2011). **Role-play an effective approach to developing overall communicative competence.** Cross-Cultural Communication.7 (4):36-39.
- Rahman NA, Maarof N. (2018). **The Effect of Role-Play and Simulation Approach on Enhancing ESL Oral Communication Skills.** International Journal of Research in English Education. 3(3):63-71.
- Revathy M, Ravindran K. (2016). **Enhancing effective speaking skills through role play and tongue twisters.** Language in India.16 (9):214-224.
- Sirisrimangkorn L, Suwanthep J. (2013). **The effects of integrated drama-based role play and student team's achievement division (STAD) on students' speaking skills and affective involvement.** Scenario. (2):37-51.
- Sirisrimangkorn L. (2018). **The Use of Project-based Learning Focusing on Drama to Promote Speaking Skills of EFL Learners.** Advances in Language and Literary Studies. 6(9):14-20.
- Van Ments M. (1999). **The effective use of role-play: Practical techniques for improving learning.** Koran Page Publishers.
- Woodhouse J. (2007). **Role play: A stage of learning. Strategies for healthcare education: How to teach in the 21th century,** 71-80.



Balkh University
Marifat Scientific Journal
Social Science
Vol.3, 2023

The Challenges Students Face While Writing their Monograph

Teaching Assistance Nafisa Faizi Mubarez
Senior Teaching Assistance Nahida Jalal
Balkh University - Faculty of education, English department
Commendation: Assistant Professor Shugofa sayedi

Abstract

The current study is design to study the challenges students face while writing their monographs in education faculty of Balkh University. In order to process my research and complete my article, I prepared a questionnaire. The questionnaire was given to 40 Afghan EFL learners of education faculty at Balkh University. The questionnaire was developed using four point Likert Scale with strongly agree, agree, disagree and strongly disagree consisting of 12 items to measure students ideas toward the problem that they face while writing their monograph in education faculty. The data in this article was collected from students and targeted participants and then I analysed them through descriptive statistic. The result of this study reveals that students face a lot of problem while writing their monograph, such as writing summary, synthesizing two paragraphs, using different citation for others' ideas, paraphrasing, writing paragraph, essay and other problems. The research finding also shows that Afghan EFL learners have a lot of problem about writing their monograph that they even buy or ask someone else to write their monographs which are a big issue for them.

Keywords: Monograph, Problem, Research, finding

1. Introduction

One of the skills in majoring English Language is writing. Brown and Ramadan (2013) stated that writing is the other forms of spoken language that represented graphically or symbolically. In Oxford Living Dictionaries, writing is a sequence of letters, words, or symbols marked on a surface. From all the definitions mentioned, it can conclude that writing is process of the way people express their ideas or thoughts using language symbols or words. When writing something, people must have their purpose.

Teachers and or lecturers often give academic writing in schools or universities, or, moreover, occur in the educational curriculum. Bowker and Swarni (2016) said the academic writing is a particular genre of writing that prescribes its set rules and practices. Writing needs official language, a logical structure, and should be done by evidence. Swarni (2016) said that some urgent things should be paid attention in writing such as grammar, choice of words, punctuation, capitalization, spelling, vocabulary and unity among paragraphs. Leo in Dwinhandini et al. (2013), claims that three basic principles that considered in piece of academic writing are content, register and topic. There are some types of academic writing such as essay, research article, monograph, journal, book review, proposal, and thesis and so on.

In Afghanistan, as the rule of higher education, when students finish their faculty especially when they reach to eight semesters, they are asked to write a research paper in form of monograph. They are asked to write a monograph and defend that. There are a rule and regulation for writing their monograph. Not only in writing monograph, but also any kind of writing has a rule and regulation that must be observed. As Polymath Editorial Board (2001) stated, logic is the important in accepted article. The writing should be logical and acceptable for the reader and for any academic place that the article is written for. Howkin and Sorg (1985) stated that there are some sort of questions that should be answered while writing their monograph: why did they start?, what did they do?, what do the results mean?.

In my academic writing, many undergraduate students, especially in English Department of Education Faculty at Balkh University, face some problems that influence their writing task, writing skills, and further might also their monograph and thesis. Many students at the university cannot write their academic writing such as essays, research proposals, thesis, and dissertation and so on. That lacks skill in academic writing makes some students do plagiarism in any task of their college activity.

All in all, the students' problems caused by some factors, internal and external, such as the minim of knowledge they understand in English, lack of doing exercise, lack the motivation to learn more, and so on. Cause of some factors, some students have problems doing their academic research primarily to fulfil the requirements of academic writing.

Research Question:

Based on description in the above background, the research questions are as follow:

- 1- What are the problems students faces while writing their monograph?
- 2- What are some solutions for student's problem in writing their monograph?

Research Objective:

Based on the problem mentioned above, the research objectives are as follow:

- 1- To find out students problem in writing their monograph
- 2- To find out the problem students face in academic writing

Research Hypothesis:

Based on research problem and research objective, there are some hypotheses

- 1- Is it possible for students to solve their problem in writing monograph?
- 2- How can students figure out their problem in writing their monograph

2. Literature Review

There are different ideas and perspective about problems that students face while writing their monograph and other research proposals. AbdulKareem (2013) researched a related study aimed to investigate the academic writing problems encountered by Arab speaking postgraduate students at Universiti Teknologi Malaysia (UTM). The findings of the research showed that participants were mostly made errors in simple writing task. The result described that students have many errors in the sentence structure, vocabulary, and expressing ideas in academic writing. The errors are varies from high percentage to low in the aspect of academic writing problems.

Alfaki (2015) also conducted related research aimed to identify university students' writing problems in English language and to encourage ways of solving those problems. The findings revealed that those university students have various problems: problems at the levels of morphology and syntax, usage errors, and mechanical mistakes, that is, spelling, punctuation, and capitalization, and lack of several writing development skills, cognitive problems.

Al Mubarak (2017) has researched a related study aimed to look into various challenges encountered by English second language students in academic writing in ordinary graduation project in the context of universities, specifically focused on identifying the problems faced by the Arts Colleges within the University of Al-Iman Al-Mahdi, Sudan. He found that the students face to various challenges relating to academic writing at the university level. It discovered that many problems with academic writing experienced by the students while writing were articles, punctuation, prepositions, irregular verbs, weak expressions, consistency parallel structure, and the use of verb tense.

Over time, the problem students face in writing change. Some issues solved by existence of solution in writing. Based on this research study, I investigate the challenge students, face while writing their monograph and other research proposals. I will suggest the solution for their problems that they face while writing their monograph.

3. METHODS

This research employed quantitative survey methodology to study students' perspective toward the challenges they face while writing their monograph. A questionnaire was used to collect the data.

3.1. PARTICIPANTS

The participants of were senior students in English Department of Education Faculty, Balkh University. The data were collected from 40 students who responded to questionnaire.

3.2. Data Collection

The current study is applied a questionnaire to collect the data. The questionnaire was prepared by myself and distributed to students of senior at Education Faculty. The questionnaire was designed to ask students perception toward the challenges they face while writing their monograph in Education Faculty. The questionnaire was given to students in the class and students had to give the response based on their previous information and knowledge. The questionnaire had four parts.

In part 1 students were asked to answer some questions regarding their background information, language level, level education, and whether they have written their monograph or not. Only those students gave responds who have written monograph. In part 2 the questionnaire was designed to collect data based on

students problem in writing their monograph. In part 3 of the questionnaire the students were asked to give their ideas about the reasons why most students plagiarise or buy prepared monographs.

3.3. Data Analysis

This survey is used to collect data through survey from a small group of people. The statements of the questionnaire had four scales ranging from 1- agree 2- strongly agree 3- disagree 4- strongly disagree. The results are shown on the table simple statistical analysis is used to interpret the data.

4. Findings and Discussions

In this paper, the students were asked to give responds about the challenges that they face while writing their monographs. The result of the data analysis from the questionnaire is presented in this section. The result is presented in two sections of questionnaire, the problems students face while writing their monograph, the reasons students do plagiarism and buy monograph.

Table 1. Challenges Students Face While Writing their Monograph

NO	Challenges Students Face While Writing their Monograph	Strongly agree	Agree	Disagree	Strongly Disagree
		Percentage	Percentage	Percentage	Percentage
1	I face to problems while connecting sentences with each other	55	20	15	10
2	I cannot write a summary of a paragraph or article	60	30	5	5
3	I cannot synthesize two paragraph from two different articles with each other	55	25	15	5
4	I run out of ideas while writing	89	10	1	0
5	I face to some grammatical problems	100	0	0	0
6	I cannot remember vocabulary to express my ideas	65	25	7	3

The analysis of the data described in first section of questionnaire is based on student's response to challenges students face while writing their monograph. Finding of this section in questionnaire suggest that 55% strongly agree and 20% agree to the problem students face while connecting the sentences. The

analysis of the data presented in the table above also shows that 60% strongly agree to the part they cannot write summary and 30% agree the writing summary while writing their monograph. Also some participants give response to the part that they cannot synthesize two different paragraphs into one. 55% students strongly agree to this part and 25% agree to synthesize the paragraphs. This table also shows that 100% students strongly agree to grammatical problem that they face while writing their monograph.

Table 2. Reasons Why Most Students Plagiarise or Buy Prepared Monographs

NO	Reasons Why Most Students Plagiarise or Buy Prepared Monographs	Strongly agree	Agree	Strongly Disagree	Disagree
1	Students buy monograph because they cannot write it, they do not have the ability to write	77%	20%	2%	1%
2	Students buy monograph because they are not guided properly about writing monograph	80%	15%	5%	0
3	Students buy monograph because they are not familiar about different sources to gather information	66%	30%	4%	0
4	They buy monograph because they have problem in writing skill	100%	0	0	0

The findings of the second part in questionnaire is represented in table two which shows the reasons why most students buy prepared monograph or plagiarise while writing their monograph. As clearly show on the table 77% students strongly agree to not having ability of writing monograph and 20% agree this part. In addition, 80% response strongly agreed to they are not guided properly about writing monograph. 15% agreed to this part. 66% response to strongly agree not having different sources for gathering information about their monograph and 30 agree this part. 100% response to grammatical problems that they face while writing their monograph.

All in all, the findings from this study show that students have a lot of problem while writing their monograph in education faculty. The problems are about their writing skills, sentences connection, and writing summary, connecting sentences, grammatical problems and vocabulary. When they face to these all problems, they get tired and face to plagiarism and buy monograph which is a serious problem in academic places.

Conclusion

In conclusion, this study shows that students face to a lot of challenges while writing their monograph. The problem that they face are connecting different sentences with each other, writing summary from other article, they face to problem while synthesizing two different paragraphs into one paragraph.

Furthermore, the result of the study shows most response from students agree to problem that they run out of ideas while writing their monograph. They also face to grammatical problems while writing their monograph which is a serious problem and most students gave positive response about it. On the other hand, the result of the study shows that most of response considers vocabulary as the serious problem of their writing. Overall, most Afghan students face to challenges while writing their monograph which make them to plagiarise and buy prepared monographs.

References

- Abdulkareem, M. N. 2013. **An Investigation Study of Academic Writing Problems Faced by Arab Postgraduate Students at Universiti Teknologi Malaysia. Theory and Practice in Language Studies**, Vol. 3. No. 9(p.1552-1557).
- Alfaki, I. M. 2015. **University Students' English Writing Problems: Diagnosis and Remedy**. International Journal of English Language Teaching. Vol. 3. No. 3(p. 40-52).
- Al Mubarak, A. A. 2017. **An Investigation of Academic Writing Problems Level Faced By Undergraduate Students at Al Imam Al Mahdi University - Sudan**. English Review: Journal of English Education, Vol. 5. No. 2(p. 175-188).
- Brodhacker, K. 2016. **Academic Writing. Foundation of Graduate Study in Human Services**, Walden University.
- Ramadani, S.A. 2013. **Improving Students' Writing Ability in Writing Descriptive Texts through Field Trip at SMAN 1 GODEAN**. Yogyakarta: State University of Yogyakarta.
- Swarni, B.R. 2016. **Student's Problem in Writing Thesis: Case Study at English Department Mataram University**.



Balkh University
Marifat Scientific Journal
Social Science
Vol.3, 2023

Financial Barriers on Youth Entrepreneurship (Case Study: Balkh Province)

Teaching Assistant Abdul Kabir Azizi
Faculty of Economics, Department of Finance and Banking
Balkh University
Commendation: Assistant Professor Mohammad Hakim Sahibzadeh

Abstract

Society and organization can move forward and rapidly in the path of development by equipping their human resources with productive entrepreneurial knowledge and skills by creating the necessary conditions for them. Given the role and importance of young entrepreneurship and the brilliant history of youth entrepreneurs in the development of many countries, removing the challenges and barriers of youth entrepreneurship can increase employment among youth. One of these barriers is the financing and fund raising of entrepreneurial ideas among young entrepreneurs due to the inappropriate conditions to obtain loan and/or lack of own savings for starting new business. The purpose of this study is to determine determinants of financial barriers into youth entrepreneurship. Fifty young entrepreneurs select as the sample size of the research and randomly interviewed by the approved questionnaire. Optimal scale regression model is formed to determine the coefficient determinants of each independent variable on initial investment of youth entrepreneurs. The result of the research shows that beta coefficient correlatin of "lack of financial resources and insufficient personal saving" is 0.182, this value for "insufficient of lending center" is 0.33 and for "cost of financing and interest rate" is 0.347, beta value for "complexity of documentation is 0.291, for "lack of sufficient collateral" is 0.296 and finally the beta value of "lack of knowledge on financing scheme" is 0.201.

Key words: Entrepreneurship, financial barriers, youth entrepreneurship, youth

1. Introduction

Entrepreneurship is a conclusive feature to enhance dynamic and competitive knowledge-based economy, today's start-ups entrepreneurship is considered as means of contribution to employment and power for innovation to all communities. The International Labor Organization (ILO) estimates that forty-seven percent of the world's unemployed are young people, and by 2015 it reached 660 million young people ready for work or in search of work around the world. These numbers show that reducing youth unemployment will be one of the most difficult challenges facing the future world. The organization estimates that by having youth employment, about 4.4 to 7 percent of the world's GDP will be increased (Schoof, 2006, p. 16). However, the solutions offered to respond to youth unemployment challenges may vary from country to country, but there is a shared view of the role and potential of micro-enterprises in different countries as a result of youth entrepreneurship in their employment creation, so in some countries believed that young people are inherently entrepreneurial (Chigunta, F. Schnurr, J., James-Wilson, D., & Torres, V., 2005, p. 61). Among the strategies offered to increase youth employment, entrepreneurship has been addressed as a way to push young people into the labor market, and in particular to tackle unemployment among young university graduates (Martins, 2004, p. 43). Youth entrepreneurship has many positive benefits and repercussions that scholars have discussed (Kapitsa, 2002, p. 112). Perhaps the most important benefit of entrepreneurship is to create employment for young people who own a business and provide valuable goods and services to the community. Youth entrepreneurship also promotes innovation and encourages young people to find solutions, ideas and ways to do things through new learning (Chigunta, F. Schnurr, J., James-Wilson, D., & Torres, V., 2005, pp. 9-10).

The Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) in the report has emphasized the role of business development in reducing youth unemployment and concludes that all governments should adopt policies that promote youth entrepreneurship to promote economic growth, create employment and local and regional development. The 2016 Global Entrepreneurship Monitoring survey shows that youth and adults are equally optimistic about starting new ventures, however, the prevalence of entrepreneurial activities among youth is relatively low. Lower perceived knowledge and experience, limited financial literacy and awareness, fear of failure, and most importantly lack of access to finance all act to deter youth from entrepreneurial activities. Accessing formal finance is even more difficult for less-educated youth. By way of example, only five percent of entrepreneurs with primary level education in the Philippines has raised business capital from formal financial sources, while one in three entrepreneurs with a secondary or tertiary degree has done so (Khaki, 2005, p. 77). In official published reports of UNFPA (United Nations Fund for Population

Activities) on their website, about 63.7 percent of Afghans are under the age of 25, reflecting a precipitous age structure whereby a large cohort of young people is slowly with education, jobs, good healthcare and empowerment.

Yet, the young community of Afghanistan faces with a significant challenge related to skills and access to finance for creating a job opportunity and employments to their mates. UNFPA supported the Deputy Ministry of Youth Affairs in developing the First-Ever Afghanistan National Youth Policy in consultation with over 500 young people on the issues which affect their life. (UNFPA, 2014, p. 7). In Afghanistan, the high youth unemployment rate, especially among educated youth, has made their employment a major issue for policymakers, governments and families. This study aimed to identify the barriers and environmental constraints of youth entrepreneurship, which one of the most important is financial barriers.

2. Literature Review

Theoretical Framework

The theoretical framework identifies important variables in the context relevant to research problem and provides a logical link to these variables. The relationships between the independent variables, the dependent variables, and the moderating and confounding variables (if present) will be clarified if the moderating variable exists, and the specific relationships it modulates and it should also be stated why they act as moderators. If there are any confounding variables, there is also a discussion of why and how to treat them as confounders. At the same time, any links and relationships that exist between independent variables or between dependent variables (if there is more than one dependent variable of interest to the researcher) should be clearly and sufficiently explained (Khaki, 2005, p. 175).

Entrepreneurship

Entrepreneurship is a new term for which there are several definitions because entrepreneurship has been defined in terms of different fields of studies and have a different impact on economic, psychological and sociological perspectives. Therefore, it is difficult to obtain a definite definition of entrepreneurship. The word entrepreneurship is derived from the French word of “Entreprendre” which means commitment in French (Daryani. Ahmad pour., Azizi, 2013, p. 15).

Youth

To assess the role of financial barriers on youth entrepreneurship it is necessary to define terms of youth and youth entrepreneurship. The definition of youth is different from one country to another country due to legal and legislation, culture, and social environment. Youth can be referred to as the time of life when

one is young. This involves childhood, and the time of life which is neither childhood nor adulthood, but rather somewhere in between (Webster's New World Dictionary). Youth definition in South Africa is a person in the age of 14-34 years. Since 15 years is the age at which young people are permitted formally to enter the labor market in South Africa. Definition of United Nations for statistical purposes, however, the United Nations—without prejudice to any other definitions made by the Member States defines ‘youth’ as those persons between the ages of 15 and 24 years. This definition, which arose in the context of preparations for the International Youth Year (1985) (see A/36/215), was endorsed by the General Assembly in its resolution 36/28 of 1981. All UN statistics on youth are based on this definition, as is reflected in the annual yearbooks of statistics published by the UN system on demography, education, employment and health.

In Afghanistan, in 2014 Afghanistan national youth policy (ANYP) youth defines as those between 18 and 35 years, however also provides guidelines for adolescents between 12 and 18 years (Afghanistan National Youth Policy, 2014, p. 6).

Youth Entrepreneurship

Youth unemployment is one of the major problems of developing and even developed countries which forced the government to apply different policies and strategies to decrease the number of unemployed young men and women. In this regard, Former President of South Africa, Nelson Mandela (May, 1999) said “Youth are valued possessions of the nation. Without them, there can be no reconstruction and development program. Without them there is no future. Their needs are immense and urgent.”. The above statement underscores the importance of the youth in any nation (Kojo Oseifuah, 2010, pp. 164-165). Youth unemployment is a growing and perennial problem in many countries, including industrial or OECD countries. They note that the increasing internationalization of labor markets and flexibility of labor relations, with the traditional cycle of school-to-work-to-retirement giving way to more varied patterns of employment, provide a new context for this problem. In consequence, a sizeable proportion of young women and men have become detached or alienated from the economic mainstream. This is a view supported by other analysts (Curtain, 2000, pp. 90-91).

Financial Barriers of Youth Entrepreneurship

Consider the stages of the entrepreneurial process as follows:

1. The an intention to entrepreneurship.
2. The successful development of a business idea.

3. Conversion of an idea into action with the establishment of the enterprise.
4. Management and development of the established enterprise.

Of course, the entrepreneurial behaviors by individuals, including young students and university graduates, requires contextual factors. These factors can be divided into internal and external factors. Internal factors include individual characteristics and intrinsic motivation and external factors are affected by various environmental variables. In many researches literature review, several factors have been discussed as environmental factors affecting entrepreneurship by researchers and scientists that the negative impact of financial factors on entrepreneurial activities has been considered as financial barriers to entrepreneurship in this study (Bortne, E. A., Westgaard, S., & Ofstad, D, 2005, p. 4).

3. Methodology

Based on the purpose of the research, they are divided into fundamental and applied research. Fundamental research is the study of the nature of the objects of phenomena and the relationships between variables, principles, laws, and the construction or testing of theories, and helps to develop the frontiers of scientific knowledge. The main purpose of this type of research is to explain the relationships between phenomena, test theories and add to the knowledge available in a particular field. Fundamental research can be theoretical or experimental. Fundamental theoretical research uses methods of rational and deductive reasoning and is based on library studies. Fundamental empirical research uses inductive reasoning methods and is based on field methods. And applied research is research that uses the results of basic research to improve and perfect the behaviors, methods, tools, devices, products, structures, and patterns used by human societies. The purpose of applied research is to develop applied knowledge in a specific field (Hafeznia, 2015, p. 36).

Based on above, the research study in terms of purpose of research is applied research as we are going to identify financial barriers of youth entrepreneurship in a specific context and region and applying the result of research in developing youth entrepreneurship.

Sarmad et al. believes that research is divided into two categories based on how data type: descriptive research and experimental research (Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas; Hejazi, Elahe, 2015, pp. 96-97).

Descriptive or non-experimental research consists of five categories: survey, correlation, post-event, action research, case study. Experimental research are divided into two categories: all-experimental research and semi-experimental research. Experimental research is specific to the experimental sciences and has no

place in management. Descriptive or non-experimental research includes survey research, correlation, post-event, action research, case study, and so on (Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas; Hejazi, Elahe, 2015, p. 99).

According to the nature of research, the researches can be divided into two groups: descriptive and analytical. Descriptive research usually involves surveys and studies that aim to identify the facts. In other words, descriptive research mainly deals with the “description of the state of affairs as it is at present”, and there is no control over variables in descriptive research. But the analytical research is using fundamentally different in a way that “the researcher has to use facts or information already available and analyses these in order to make a critical evaluation of the material”.

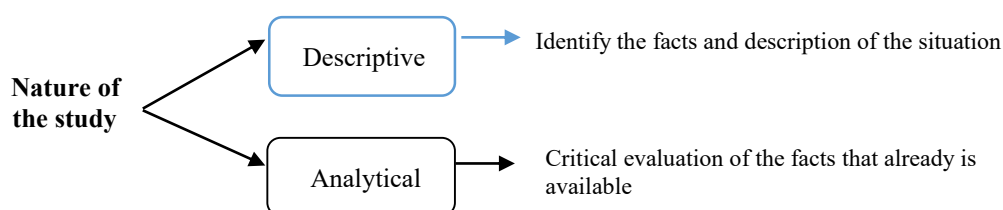


Figure 01: research method in terms of nature of the study

In terms of data collection method or nature of the research, this study is categorized into survey research which includes to descriptive researches. Surveying is a way of obtaining information about the views, beliefs, opinions, behaviors, motivations, or characteristics of a group of members of a population. This is a statistical method that can be obtained through scientific research. Surveying can also be considered a scientific method in social research, which includes regular and standardized methods for gathering information about individuals, families, or larger groups from different groups in society. In fact, navigation can be used as both a tool for collecting data and for the processes used when using that tool. In this type of research, the aim is to investigate the distribution of characteristics of a society and most management research includes to this type of research. In survey research, community parameters are examined. And the researcher selects the research variables by selecting a sample that represents the community (Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas; Hejazi, Elahe, 2015, p. 113). In terms of types of data, research can be divided into quantitative, qualitative and mixed research based on the nature of the data. The most important tool for data collection in qualitative research is interview. Qualitative research is a set of activities (such as observation, interview, and extensive participation in research activities), each of which, helps the researcher to obtain first-hand information on the

subject of the study. Thus, through the collected information, analytical, perceptual and classified descriptions will be obtained. Quantitative research also uses questionnaire or data (such as financial statements, sales volume, profitability, etc.). The mixed research method is also a technique that is done both quantitatively and qualitatively (Khaki, 2005, p. 57).

In this research and by considering the research objectives and nature of data, the qualitative data will be used for description of on the ground situation of financial barriers of youth entrepreneurship in Balkh province.¹

4. Results

Major constraints of youth entrepreneurship

In this part of the survey, five major field of constraints of the youth entrepreneurs were listed and asked the youth entrepreneurs to rate them from 1 to 6. The highest number was 6 which indicates most important constraint. The findings of the survey show that access to finance is the most important constraint of the youth entrepreneurs while starting their business. Accordig to the data that analyzed, access to finance with the mean of 4.16, government regulation with mean of 3.90 and support business with mean of 3.88 are the major constraints of youth entrepreneurships in Balkh province that has challenged them for their businesses.

Table 1: Table of major constraints of youth entrepreneurs

Statistics							
		How "Social / Cultural Attitudes Towards Entrepreneurship (Youth)."	How "Access to finance."	How "Government regulations."	How "Training, skills and workshops."	How "Supporting businesses (and physical infrastructure)."	Other factors affected youth entrepreneurship? (rate 1 "minimum" to 6 "maximum")
N	Valid	50	50	50	50	50	7
	Missing	0	0	0	0	0	43
Mean		3.66	4.16	3.90	3.50	3.88	2.14
Median		4.00	4.50	4.00	3.00	4.00	2.00
Mode		4	6	5	3	3 ^a	1
Std. Deviation		1.334	1.646	1.542	1.403	1.624	1.345
Variance		1.780	2.709	2.378	1.969	2.638	1.810
a. Multiple modes exist. The smallest value is shown							

Source: Research Finding

Factors of lack of motivation or fear to start a business

In the survey questionnaire, factors of lack of motivation was listed and asked from the youth entrepreneurs to rate them from lowest to highest (1 to 5). These factors are; financial risks, access to finance, social risk and security, lack of skills and experience, Bureaucracy and paper work, Gender issues, shame of unsuccessfulness, work loading, Corruption, Competition and market demand.

As the output table of data analysis show, social risk and security is the highest factor of demotivation for youth entrepreneurs. After that corruption, Bureaucracy and paper work are the next demotivation factors of entrepreneurship for youth. Financial risks and access to finance are the fourth and fifth level of demotivation factors of entrepreneurship.

Table 2: Table of demotivation or fear factors of the youth entrepreneurs

Statistics		Financial Risks	Access to finance	social risks and security	Lack of skills and experience	Bureaucracy and paper work	Gender issues	shame of unsuccessfulness	work loading	Corruption	Competition	Market demand
N	Valid	50	50	50	49	50	49	50	50	50	50	50
	Missing	0	0	0	1	0	1	0	0	0	0	0
Mean		3.08	3.24	4.14	1.94	3.24	1.51	2.04	1.74	3.80	2.62	2.18
Median		3.00	3.00	4.00	2.00	3.00	1.00	2.00	1.00	4.00	3.00	2.00
Mode		4	4	5	1	4	1	1	1	4	3	2
Std. Deviation		1.175	.894	.926	1.069	1.170	.869	.968	.986	1.107	1.028	1.044
Variance		1.381	.798	.858	1.142	1.370	.755	.937	.972	1.224	1.057	1.089

Source: Research Finding

Financial sources of youth entrepreneurs

Data analysis of the survey shows that 82% of the youth entrepreneurs had financed their businesses by their own savings, 10% borrowed from family, friends and personal contacts, and just 8% of them took loans from banks and financial institutions for starting their businesses.

Table 3: Table of financial source of youth entrepreneurs

What kind of financing did you use while your business opened?					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	Own saving	41	82.0	82.0	82.0
	Borrowing from family, friends and personal contact	5	10.0	10.0	92.0
	Loan and subsidies from banks, institutions and etc	4	8.0	8.0	100.0
	Total	50	100.0	100.0	

Source: Research Finding

According to the loan difficulties, 89.8% of the youth entrepreneurs confirmed that taking the loan is difficult and 10.2% of them believe that it is not difficult to take the loan.

Table 4: Table of loan difficulties

It was easy or difficult to get a loan?					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	Easy	5	10.0	10.2	10.2
	Difficult	44	88.0	89.8	100.0
	Total	49	98.0	100.0	
Missing	System	1	2.0		
Total		50	100.0		

Source: Research Finding

Financial barriers of youth entrepreneurs for investment

One of the key parts of the survey was to elaborate the financial barriers of youth entrepreneurs in order to raising the capital and investment. The survey result shows that the high interest rate and fees of banks and financial institution was the primary financial barriers of the youth entrepreneurs in context of Balkh province.

Lack of lending centers was the second, lack of bank guarantee was the third financial constraint, the fourth financial barrier is lack of financial information about how to get a loan from bank and financial institution. Lack of financial resources and personal savings with complexity of documentation procedure and paper work was the last factor of financial barriers of youth entrepreneurs.

Table 5: Table of financial barriers of youth entrepreneurs

Statistics							
		Lack of lending centers	The high fees and interest rates of banks and financial institutions	Lack of bank guarantee facilities and documents required by banks	Lack of financial information about how to get a loan from banks	Complexity of documentation procedures	Lack of financial resources and personal savings
N	Valid	50	50	50	50	50	50
	Missing	0	0	0	0	0	0
Mean		3.48	3.64	3.36	3.34	3.24	3.24
Median		4.00	4.00	4.00	3.00	3.00	3.00
Mode		4	4	4	4	4	4
Std. Deviation		.789	.921	1.064	.872	1.170	.894
Variance		.622	.847	1.133	.760	1.370	.798

Source: Research Finding

Inferential analysis

Inferential statistics is a set of methods in which the characteristics of society are inferred with the support of a sample. The purpose of using inferential statistics is to estimate or "infer" characteristics of the statistical population from a small sample of the population which the sample was selected. On the other hand, the statistical techniques used in research differ not only in the nature of the questions that the research is designed to answer, but also in the nature of the data which these techniques should be applied. ; Because each statistical method is appropriate for the type of scale chosen to be measured. Every researcher is faced with choosing a suitable method or statistical methods to test the research hypothesis.

In this study, the optimal scale regression model is used to determine the coefficient correlation of the independent variables on dependent variable. The (Friedman, 1937) test is also used to test and prioritize the financial barriers of youth entrepreneurs.

Analyzing model summary of the regression model

The coefficient of determination or R Square as a criterion for the accuracy of the regression model appears in the below table. As can be seen, approximately 46% of the response variable changes are described by the optimal scale stratified regression model. ANOVA analysis of variance table is also another proof of the appropriateness of the regression model.

Table 6: Table of R square analysis of the regression model

Model Summary				
	Multiple R	R Square	Adjusted R Square	Apparent Prediction Error
Standardized Data	.514	.465	.426	.035

Source: Research Finding

Analysis of Variance (ANOVA) consists of calculations that provide information about levels of variability within a regression model and from a basis for tests of significance. And as it can be seen in Sig value column of the table, the sig value is 0.008 which is lower than 0.05 which indicate the significance level of regression model.

Table 7: Table of analysis of ANOVA test of regression model

ANOVA					
	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	13.235	12	1.103	1.110	.008
Residual	36.765	37	.994		
Total	50.000	49			

Source: Research Finding

Analyzing Beta coefficient of the regression model

The use of the Beta coefficient is important when we have more than one independent variable in the model. In this case, the Beta value helps us to compare the relative contribution of each variable in predicting the dependent variable, in other words, to be able to determine which variables have the greatest impact on the dependent variable. The below table shows that all independent variables; the access to finance and personal savings for investment, lack of lending centers, complexity and paper work, high fees and interest rate of banks and financial institution, lack of bank guarantee and collateral, and lack of financial information and knowledge about how to get a loan from banks and financial institutions have significance relationship with the dependent variable (investment on

entrepreneurial idea) as their sig value (P-value) is lower than 0.05 which reject the null hypothesis and accepted the alternative hypothesis of the significance relationship.

The result also elaborates that the high interest rate and fees of banks and financial institution have the strongest effect on startup investment of the youth entrepreneurs as its beta coefficient value is 0.347.

Table 8: Table of Beta coefficients of the regression model

Coefficients					
	Standardized Coefficients		df	F	Sig.
	Beta	Bootstrap (1000) Estimate of Std. Error			
Lack of financial resources and personal savings	.182	.0457	2	.700	.003
Lack of lending centers	.330	.0333	1	.705	.005
complexity and paper work of Bank procedure	.291	.1414	1	.495	.008
The high fees and interest rates of banks	.347	.1467	3	.281	.008
Lack of bank guarantee facilities and documents required by banks	.296	.1429	3	.303	.038
Lack of financial information about how to get a loan from banks	.201	.1386	2	.068	.009

Source: Research Finding

Final regression model of the study

The Beta coefficient table determines the value of Beta coefficients of each independent variables. The below table and equation show the final regression equation of the research which indicates the relationship of independent variables with dependent variable.

$Y = 0.182 \text{ (Lack of financial resources and insufficient personal saving)} + 0.330 \text{ (Insufficient of lending centers)} + 0.347 \text{ (Cost of financing)} + 0.291 \text{ (Complexity of documentation)} + 0.296 \text{ (Lack of sufficient collateral)} + 0.201 \text{ (lack of knowledge on available options of financing scheme)}$

Friedman test

The (Friedman, 1937) test is a non-parametric statistical test developed by Milton Friedman. Friedman test can be used to rank variables (groups independent on a dependent variable). The below table shows the final results of the Friedman test. Using this table, it is possible to find out whether the differences between the mean rankings of the dependent groups of the independent variable are statistically significant or not. As the sig value column of this table show, the amount of sig value is 0.018 which is lower than 0.05 and indicates statistically significant of the dependent groups of startup investment (dependent variable).

We conclude that there is a significant difference between the questions of the questionnaire in terms of importance and from the perspective of the respondents, these questions are not of equal in terms of importance.

Table 9: Table of Friedman test

Test Statistics ^a	
N	50
Chi-Square	7.644
df	5
Asymp. Sig.	.018
a. Friedman Test	

Source: Research Finding

The below table indicates that the high fee and interest rate of banks and financial institutions has the high mean rank among the other independent variable. The other dependent variables are listed in the table, the high mean rank indicates the high importance and the low mean rank indicates the low importance level.

Table 10: Table of mean rank of independent variables of Startup investment (dependent variable)

Ranks	
	Mean Rank
Access to finance and personal saving for investment	3.16
Complexity and paper work	3.38
Lack of lending centers such as banks and financial institutions	3.64
The high fees and interest rates of banks and financial institutions	3.97
Lack of bank guarantee facilities and documents required by banks	3.54
Lack of financial information about how to get a loan from banks	3.31

5. Conclusion

Youth entrepreneurship in Balkh province is one of the forgotten issues in the local government strategies. And unfortunately, the international community organizations also have not adopted a specific program and strategy in this regard. There are a small number of young women entrepreneurs in the province, who make up about 32% of all youth entrepreneurs.

Based on the findings of this study, among the environmental factors affecting youth entrepreneurship, financial barriers are recognized as the most important barriers of youth entrepreneurs. Among the financial barriers of youth entrepreneurship, high fees and interest rates by banks and financial institutions in order to obtain loan for investment on youth entrepreneurial ideas are the most influential financial barriers for initial investment by young entrepreneurs.

According to the study, about 90% of young entrepreneurs believe that access to bank loans is difficult for them due to high interest rates, paperwork and bureaucracy, lack of knowledge and awareness to obtain bank loans, and lack of access to bank guarantees and collateral.

Based on the research findings, the below recommendations proposed to increase youth entrepreneurship in Balkh province:

- 1- Decreasing interest rate and fees of banks and financial institutions with offering entrepreneurial loan packages to motivate young entrepreneurs for startup business ideas
- 2- Increasing access to finance of young entrepreneurs by increasing number of loan centers and developing loan packages to facilitate bank guarantee and collateral problem of young entrepreneurs
- 3- Public awareness and information sharing of taking the loan to increase the knowledge of youth entrepreneurs about procedure of loan taking.
- 4- Facilitating the loan procedure and preventing complexity and paper work in regards to obtaining the loan by the young entrepreneurs.

References

- Bortne, E. A., Westgaard, S., & Ofstad, D. (2005). Simulating entrepreneurship through e-learning and higher education. Paper Presented at the Internationalizing Entrepreneurship Education and Training Conference (p. 4). Unites States: University of Surrey.
- Chigunta, F. Schnurr, J., James-Wilson, D., & Torres, V. (2005). Being “real” about youth entrepreneurship in eastern and Southern Africa. SEED Working Paper, No. 72, International Labor Office, Geneva.
- Curtain, R. (2000). Towards a Youth Employment Strategy’. . . New York NY: Report to the United Nations on Youth Employment.
- Daru, D... (2016). Role Foreign Exchange Market in today`s Globalized Econoy. International Journal of Research in IT and Management (IJRIM), 79.
- Daryani. Ahmad pour. Azizi. (2013). Entrepreneurship. Tehran: Mehrab-e Qalam publication.
- Friedman, M. (1937). The use of ranks to avoid the assumption of normality implicit in the analysis of variance. Journal of the American Statistical Association. 32 (200): 675–701.
- Gabriele, G., & Melvin, M. (n.d). Why has FX trading surged? Bank for International Settlements.
- Hafeznia, M. R. (2015). Introduction to Research Methods in the Humanities. Tehran: Samt Publications, 8th Edition.
- Hong, T. (2004). Foreign Exchange Control in China. Kluwar Law International. Retrieved January 12, 2013
- Kapitsa, L. (2002). Youth entrepreneurship policies and programs in the UNECE member states. Coordinating Unit for Operational Activities, UNECE.,
- Khaki, G. R. (2005). Research method. Tehran: Baztab.
- Kojo Oseifuah, E. (2010). Financial literacy and youth entrepreneurship in South Africa. African Journal of Economic and Management Studies, Vol. 1 No. 2, 164-182.
- Kraft, O. (January 2018). Money Service Business in the UK. Royal United Institute, 8.
- Martins, S. C. (2004). Barriers to entrepreneurship and business creation. EEC/Act04/02, European Entrepreneurship Cooperation. Retrieved from www.eec-observatory.org.
- Samadi, S., Nasrollshi, K., Karan, A. M., & Sichani, M. (2007). Investigating the Relationship between the Development of Financial Market and Economic Growth. Economic Research, 1-16.
- Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas; Hejazi, Elahe. (2015). Research Methods in Behavioral Sciences. Tehran: Agah Publications, Fourteenth Edition.
- Schoof. (2006). Stimulating youth entrepreneurship: Barriers and incentives to enterprise start-ups by young people. SEED Working Paper, No. 76, International Labor Office, Geneva, Switzerland, 142.
- Thomas, C. (2011). The Phenomenon of Money. (T. & Francis, Ed.)
- UNFPA. (2014). National Youth Policy. Afghanistan.
- Vasari, G. (2012). The Lives of rhe Artist.

Comparison of Quran references and new scientific discoveries regarding the beginning and destiny of the world

Assistant Professor Muqaddas Ghani
Senior Assistant Teaching Hayatullah haqjoo
Jawzjan University

Abstract

Since it is known to everyone, the Qur'an is the book of Allah, the Highest, and the Creator of the Universe is also Allah, the Highest, so there is not the slightest contradiction between the two. What exists in the universe, Allah the Exalted has explained in the most precise way in the Holy Quran, as it has not been proven against it so far. Therefore, the ultimate and ultimate goal of mentioning secrets and scientific topics in the Holy Quran is to express the oneness of Almighty God, the perfection of His power and control over the entire universe. According to Islamic researchers, there are more than 1,000 verses in the Holy Quran that directly and indirectly refer to scientific topics, which are among the scientific miracles of the Quran. The verses that refer to the mysteries of the universe (the creation of the heavens, galaxies, stars, the movement of the sun and the moon...and the end of the world) have been discussed by scientists and commentators more recently. The Big Bang theory is the most dominant model of cosmology today, which is also confirmed by the Holy Quran. According to this theory, our world was created as a result of the explosion of a very hot and dense primary material, and then due to continuous expansion, its temperature and dirtiness decreased and the world was formed from the subatomic world to the stars and galaxies. Is. The Big Bang not only provides answers about how the universe began; rather, it leads to much more important results. These results, in addition to predicting the fate of the world, have revived and strengthened the motives of thinking and the spiritual attitudes of the universe.

Keywords: The miracle of the Quran, the big explosion, the beginning of the world and the fate of the world

Difference between derivation and composition

Senior Teaching Assistant Haji Muhammad Hood
Language and Literature Faculty
Balkh University

Abstract

There are different words which have a role in the structure of a language, from a small independent morpheme to an independent morpheme and word, and to derived and compound words, each of them has a different function. In this article, I have tried very hard to discuss the specific topic which is the difference between derivation and composition that derivation has been discussed separately and in detail, and I have defined and analyzed the words related to derivation from different sources. Moreover, I have also discussed compound words and their types that have been clarified. I have tried to explain the difference between these two types of words completely.

Keywords: derivation, composition, types of composition and difference between derivation and composition

Language and gender

Senior Teaching Assistant Ahmed Javed Siddiqui
Language and Literature Faculty
Balkh University

Abstract

The phenomenon of gender in language has been a subject of study for both feminist and non-feminist linguists. However, their approach differs, as pro-feminist linguists view woman's language as a distinct branch while considering male language as the standard or primary language. The study of language and gender from a scientific perspective falls within the domain of sociolinguistics. Early traces of this research can be found in reports by linguists who examined the main languages of various regions during the 17th century. One notable example of such research is Otto Jespersen's work in 1922, where he dedicated a chapter in his book to explore gender differences in language in detail. For our research, we employed a qualitative method, referencing reliable sources and articles to inform our study. The findings revealed that men and women indeed utilize different languages, which can be observed through variations in word choice and pronunciation.

Keywords: language, gender, occupation, taboo, male and female

Development of vowels in Uzbek language

Teaching Assistant Omidullah Bayani
Language and literature faculty - Uzbek language and literature
Balkh University

Abstract

All languages are consisted of Phoneme, lexicon, word formation roles, morphology, parts of speech, and sentence. However, the most variable component in all languages are words. Secondly, its phonemes that changes constantly in a language. The variation that appears in a language is due to various factors. Different factors including: inner development of a language, grammatical roles, environment, the impact of society, development of science and technology can change a language. The appeared changes in a language result can be ranged in changing of words and coning new ones to change in phonetic features of a language. For example, if we consider petroglyphs from different periods, we will find that Arabic and Persian languages had affected Uzbeki's earlier version which is called Old Turkic. Particularly, after 14th to 19th century in (old Uzbeki) period, new words and phrases entered to Uzbeki language that resulted in addition of vowels in this language. Uzbeki language in ancient Turkic era, Old Turkic era and old Uzbeki language consisted different vowels. According to some linguists, in ancient Turkic period there was 8 vowels, in Old Turkic period there was 8 or 9 vowels and in old Uzbeki period there was 9 to 10 or even more vowels. The vowels in ancient and old Turkic periods difference were based synharmonism and lax and tenses. As per mentioned, there was 8 vowels or, as some linguistics emphasized, 9 vowels in old Turkic period; however, due to the influence of Arabic and Persian languages and also language development and language change linguists list 10 vowels in old Uzbeki period. Nonetheless, in current Uzbeki language (specially, in literary language of Uzbekistan) it is mentioned that there are only 6 vowels in Uzbeki language. In this study, it is intended to find the phonetic changes by implementing diachronic and synchronic methods and quantity of vowels in current Uzbeki languages.

Keywords: ancient Turkic language, Old Turkic language, old Uzbek language, vowels, vowel development, hardness and softness of sounds, synharmonism

An analysis on the necessity of research in contemporary financial transactions in Afghanistan

Teaching Assistant Karamat Arshad
Sharia Faculty
Balkh University

Abstract

Research in contemporary financial transactions has become one of the most important issues of the day, which has attracted the attention of researchers and writers, but few researches have been done in Afghanistan, the purpose of this research is to express the necessity of research in contemporary financial transactions in Afghanistan and It is an introduction of the elements and approaches that are considered necessary for the researcher of contemporary financial transactions, and he has set a general goal for himself, which is to comply with the Islamic principles and realize the goals of the Islamic society, the necessity of research in contemporary financial transactions, especially new issues. Money that has not been recognized before is among the issues that are considered necessary. The importance of this topic is to find a clear method for researching contemporary financial transactions, which will make the work of financial transaction specialists easier to formulate special research in accordance with Islamic Sharia rules. The research method relies on the analytical-descriptive library method approach with an emphasis on the analysis of different criteria and approaches for researchers of contemporary financial transactions, which has been done keeping in mind the following steps: collecting, analyzing and then arranging them to examine the most important aspects The subject and dealing with research issues. contemporary financial transactions; contemporary financial issues that people have created in contemporary times; Setting the research criteria and approaches in contemporary financial transactions in Afghanistan in accordance with Shari'ah criteria makes it easier for people to understand the issues related to common financial transactions to formulate special research for this science that Many people and financial institutions need.

Keywords: Transactions; possessions; contemporary.

Introducing and the role of Kabul narrators in spreading prophetic hadiths

Teaching Assistant Ahmad Fahim Tokhi
Sharia Faculty
Balkh University

Abstract

I thank Allah Almighty for giving me the opportunity to write this article. This research article was titled "Introduction and the role of Kabul narrators in the spread of prophetic hadiths", which I wrote in the form of Library research. The purpose of writing this article is to introduce the narrators of Kabul and their functions and efforts in the field of narration, maintenance and preservation of hadiths and their effectiveness in spreading, publishing and spreading the precious hadiths of the Messenger of Allah, may Allah bless him and grant him peace. In the first part, a brief introduction of the location and history of Kabul, and in the second part, a brief introduction of the narrators of Kabul and their functions in the field of prophetic hadiths, including their scientific works and travels to obtain and spread this blessed knowledge. It should be noted that Kabul province had six Muhaddith and narrators, fortunately, all of its narrators were trustworthy persons among the scholars of this field and had significant works in spreading prophetic hadiths.

Keyword: Hadith, narrator, introduction, cable, prophet

An overview of the hadiths books and hand written by the companions of prophet in the era of prophet peace be up on him

Teaching Assistant Mohammad Ewaz Haidari
Sharia Faculty
Balkh University

Abstract

The topic of the article you are looking for is a look at the schools and how the hadiths of the Prophet were written in the era of the blessed life of the beloved Prophet of Islam, Hazrat Muhammad, may almighty Allah bless him and grant him peace. Basically, at present, the doubts raised by vengeful orientalists about the authenticity of the hadith of the Prophet as the second primary source for deducing religious issues, trace their origin back to the time of the beginning of the writing, collection, and compilation of the hadith. The hadith of the Prophet when the hadith narrators began writing, collecting, and editing it? Unfortunately, we must admit that in recent times, a few young Muslims who are ignorant of the history of the beloved Prophet of Islam, peace be upon him, have repeated the same baseless suspicions of the Orientalists when confronted with them. The hadith of the Holy Prophet and his imitation as if it were the hadith of the Messenger of God, may God's prayers and peace be upon him, was written and compiled in the late second and early third centuries AH. It was not written in the era of that time, until the Prophet Peace be upon him formally forbade his companions and companions to write it. Therefore, the hadith was written in the past centuries, and there is a strong possibility that it was mixed with the words of Israel and the words of the people. As a result, most of the Prophet's narrations and hadiths have lost their authenticity and validity now. In this article, an attempt was made to look at the messages of the Prophet of Islam's call to the kings and authorities of the Islamic state, and to focus on the periods of writing the hadith of the Messenger, may almighty Allah bless him and grant him peace.

Keywords: hadith, orientalists, companions, prophetic era, writing, letters

The place of custom in the contract of marriage Donation from the jurisprudence of Islamic view

Teaching Assistant Mohammad farahuddin farahmand
Sharia Faculty
Balkh University

Abstract

The research conducted in the field of custom shows that the correct custom has played an essential role in contracts and financial exchange transactions such as sales and lease contracts, but the extent of its effectiveness in contracts and financial transactions of charity and benevolence has been ambiguous, the present research showed that custom, as it played a role in exchange transactions, also has a special place in voluntary and non-exchange contracts such as loan, borrowed, donation, bequest and endowment contracts. The loan contract in the form of concluding and recognizing its terms, such as determining the amount of the loan and its description, as well as changing the price of cash when paying, is derived from custom. A borrowed contract in the form of conclusion, the limits of profit and guarantee due to the loss of the loaned property, is affected by the customs, the gift contract is in the form of a contract, and whether it is a promise or an actual contract, and it also needs a collateral from a customary source. The contract of will by the way of signature and seal and the contract of endowment by the words and actions that are concluded, have not been free from the influence of custom, according to the mentioned cases, most of the jurists and mujtahids recognized the custom by considering its conditions and elements as a source of deriving Sharia rulings in various fields of jurisprudence, especially in financial interactions. Therefore, in the absence of an explicit text contrary to the custom, judicial officials and legal scholars refer to it in disputes over the demand of voluntary contracts and settle the cases.

Keywords: Contract, donation, custom, Ehsan or charity and exchange

Personification in the Poems of Shayeq Jamal

Teaching Assistant Sajeda Moqim
Faculty of education, English department
Balkh University

Abstract

Personification in the art of figures of speech is one of most important figures of thought, which is used in poems in different ways. Personification (giving life to inanimate things) by poets and writers in the form of similes and metaphors has two pillars, one of the pillars being an individual and the other one being an object or thing. Anytime that they give an inanimate object the characteristics of a human being, the result will be personification. Shayeq Jamal, our country's famous poet used personification in abundance and in an exotic way in his poems. The essay below using the library and analytical method aims to examine and analyze the beauty of the poems of this amazing poet of our country in terms of how he used personification in them. The poet has used different objects as a manifestation of art to achieve pure feats of personification which gives his poems a special of beauty which is evident in this writing.

Keywords: Shaiq Jamal, Personification, Metaphor



Balkh University
Office of Vice-Chancellor of Academic Affairs
Research Compilation, and Translation Office
General Scientific Journal Head Office

Marefat Scientific Journal
Quarterly Social Scientific Journal

Editorial Board:

Professor Mohammad Tahir Tahir	Faculty of Law and Political Science
Professor Mohammad Wali Fayez	Faculty of Economics
Senior Teaching Assistant Mohammad Shah Siddiq	Faculty of Education
Senior Teaching Assistant Hashmatullah Omid	Faculty of Education
Professor Muhammad Salih Rasakh	Faculty of Language and Literature
Associate Professor Abdul Haq Haqiq	Faculty of Language and Literature
Associate Professor Mohammad Kazem Hakimi	Faculty of Sharia
Assistant professor Mohammad Homayoun Hairan	Faculty of Education

Concessionaire: Balkh University

Chief Editor: Professor Sultan Mohammad Ansari
Editor: Najibullah Ahmadzay
Print: Balkh University Publication Directorate

